



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

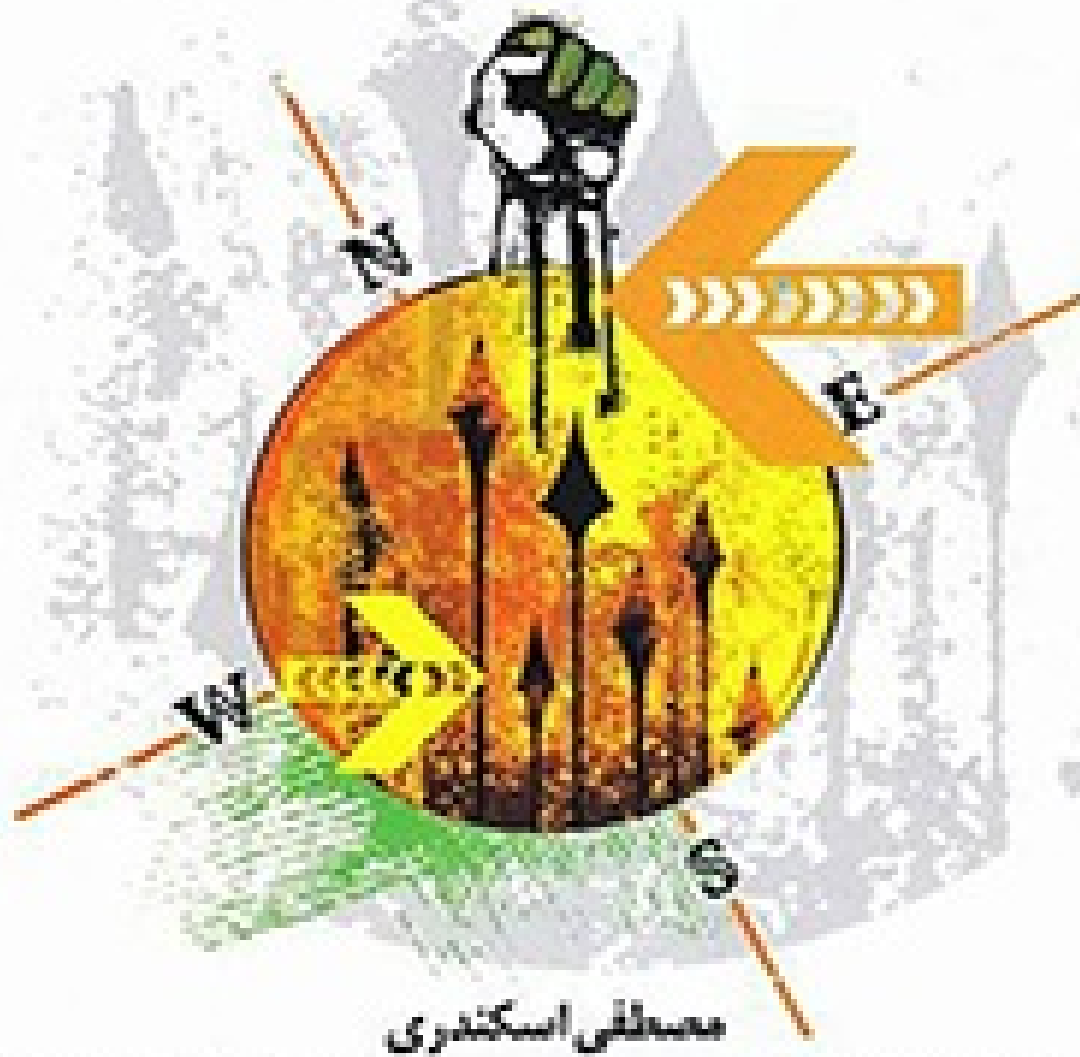
.com

.org

.net

.ir

# شاخه‌های ستاره



مصطفی اسکندری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شناخت استعمار

نویسنده:

مصطفی اسکندری

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی ( صلی الله علیه وآله ) العالمیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۴	شناخت استعمار
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	شناسنامه
۱۹	سخن ناشر
۲۱	فهرست
۳۵	مقدمه
۳۵	اشاره
۳۷	انگیزه تألیف کتاب
۳۹	۱ مفهوم شناسی استعمار
۳۹	اهداف یادگیری فصل نخست
۳۹	اشاره
۳۹	۱- استعمار
۴۰	۲- امپریالیسم
۴۰	۳- استثمار
۴۲	۴- استعمار زدایی یا استعمار ستیزی
۴۲	۵- سیاست استعماری
۴۲	۶- استعمار داخلی
۴۷	۲ تاریخچه استعمار
۴۷	اشاره
۴۸	پرتغال، پیشگام استعمار
۴۹	اسپانیا
۵۰	فرانسه
۵۱	انگلستان

۵۲	هلند
۵۳	ایتالیا
۵۳	دیگر استعمارگران اروپایی
۵۴	آمریکا
۵۴	روسیه
۵۵	انقلاب صنعتی و گسترش استعمار
۵۸	استعمار در جهان دو قطبی
۵۹	استعمار در جهان تک قطبی
۶۳	۳ دوره های استعمار
۶۳	اشاره
۶۳	دوره نخست : استعمار قدیم
۶۴	دوره دوم : استعمار جدید
۶۴	اشاره
۶۵	۱- غیر مستقیم و داخلی شدن
۶۶	۲- مخفی و پیچیده بودن
۶۶	اشاره
۶۶	الف) اعطای استقلال ظاهری به کشور تحت استعمار
۶۶	ب) گسترش روابط فرهنگی
۶۶	ج) مدرنیزه کردن کشور مستعمره
۶۷	۳- فراگیری و همه جانگی
۶۸	۴- مشارکت و هماهنگی استعمارگران
۶۸	پیشگامان استعمار جدید
۷۰	دوره سوم : استعمار تلفیقی یا فرانونین
۷۵	۴ عوامل زمینه ساز و قوام استعمار
۷۵	اشاره
۷۵	۱- هیأت های تبلیغی مسیحی

۷۹	۲- شرق شناسی
۷۹	اشاره
۷۹	مفهوم شرق شناسی
۸۰	تاریخچه شرق شناسی
۸۲	انگیزه شرق شناسان
۸۳	محورهای کار شرق شناسان
۸۳	اشاره
۸۳	الف) محورهای کار شرق شناسان در زمینه شرق
۸۵	شرق در نگاه شرق شناسان
۸۵	اشاره
۸۸	ب) محورهای کار شرق شناسان در مورد اسلام و مسلمانان
۹۰	وسایل کار شرق شناسان
۹۰	شرق شناسانی که تصویری غرض آلود از اسلام ارائه کرده اند
۹۳	پیوند استشرق با تبشیر
۹۳	۳- مستشاران
۹۴	۴- روشن فکران
۹۴	مفهوم روشن فکری
۹۶	خصوصیات و بنیادهای فکری روشن فکری
۹۶	ویژگی های فکری روشن فکران جهان سوم
۱۰۱	نقش روشن فکران در وابسته کردن جهان سوم
۱۰۱	پیش تازان روشن فکری در جهان اسلام
۱۰۱	اشاره
۱۰۷	۵- ناآگاهان
۱۰۷	دسته نخست: مقدس نماها
۱۰۹	دسته دوم: فرومایگان
۱۲۰	۵ ابعاد و شیوه های استعمار

- ۱۲۰ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... الف) استعمار سیاسی
- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... ۱- تحمیل نظام های مورد نظر استعمار
- ۱۲۲ ..... ۲- به کارگیری نیروهای مورد نظر
- ۱۲۲ ..... ۳- ایجاد تفرقه و اختلاف
- ۱۲۴ ..... ب) استعمار فرهنگی
- ۱۲۴ ..... اشاره
- ۱۲۵ ..... ۱- اشاعه فساد و فحشا
- ۱۲۶ ..... ۲- تضعیف دین و ارزش های دینی
- ۱۲۶ ..... ۳- تضعیف ارزش های انقلابی
- ۱۲۷ ..... ۴- تغییر دیدگاه ها
- ۱۲۷ ..... ۵- ترویج تجمل گرایی، مدگرایی و مصرف گرایی
- ۱۲۸ ..... ۶- الگو سازی
- ۱۲۹ ..... ج) استعمار اقتصادی
- ۱۲۹ ..... اشاره
- ۱۲۹ ..... ۱- تک محصولی کردن کشورهای تحت سلطه
- ۱۳۲ ..... ۲- صدور صنایع مونتاژ
- ۱۳۴ ..... ۳- ارائه مدل توسعه
- ۱۳۵ ..... ۴- افزایش سود وام ها و تسهیلات
- ۱۳۵ ..... ۵- سرمایه گذاری
- ۱۳۶ ..... ۶- کاهش قیمت مواد خام و افزایش قیمت فرآورده های صنعتی
- ۱۳۶ ..... ۷- گرفتن تعرفه های گمرکی از صادرات کشورهای تحت سلطه و لغو تعرفه گمرکی از واردات آنها
- ۱۳۷ ..... ۸- ایجاد انحصار در خرید و فروش
- ۱۳۷ ..... ۹- سرقت مغزها
- ۱۳۸ ..... د) جهانی سازی، شیوه ای برای تحقق همه ابعاد استعمار



- ماهیت طرح جهانی سازی و ابعاد آن ..... ۱۳۹
- ۶ وسایل و ابزار استعمار ..... ۱۴۵
- اشاره ..... ۱۴۵
- الف) رسانه ها ..... ۱۴۶
- اشاره ..... ۱۴۶
- ۱- خبرگزاری ها ..... ۱۴۶
- ۲- رادیوهای بین المللی ..... ۱۵۰
- ۳- ماهواره ها و تلویزیون های بین المللی ..... ۱۵۳
- الف) جمع آوری داده های مختلف ..... ۱۵۴
- ب) استفاده جاسوسی و نظامی ..... ۱۵۴
- ج) تهاجم فرهنگی ..... ۱۵۴
- اشاره ..... ۱۵۴
- ۴- روزنامه ها و مجلات ..... ۱۵۵
- روزنامه ها و مجلات ابزاری در دست صهیونیسم ..... ۱۵۶
- اشاره ..... ۱۵۶
- ۵- سینما، فیلم، کارتون، انیمیشن ..... ۱۶۰
- الف) سینما ..... ۱۶۰
- ب) فیلم، کارتون، انیمیشن ..... ۱۶۳
- ۶- اینترنت ..... ۱۶۴
- تاریخچه اینترنت ..... ۱۶۵
- مدیریت اینترنت ..... ۱۶۵
- کاربردهای اینترنت و پیامدهای آن ..... ۱۶۷
- پیامدهای منفی اینترنت ..... ۱۶۷
- اشاره ..... ۱۶۷
- ۷- کتاب ..... ۱۷۲
- اشاره ..... ۱۷۲

۱۷۲	نشر کتاب ابزاری در دست صهیونیسم
۱۷۳	(ب) ابزار مربوط به آموزش
۱۷۳	اشاره
۱۷۳	۱- نظام آموزشی
۱۷۴	۲- متون و کتب درسی
۱۷۴	۳- مراکز آموزشی و آموزگاران
۱۷۵	۴- زبان انگلیسی
۱۷۵	۵- بنیادهای فرهنگی
۱۷۸	(ج) سازمان های بین المللی
۱۷۸	اشاره
۱۷۹	۱- سازمان ملل متحد
۱۷۹	۲ و ۳. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی
۱۸۰	۴- سازمان تجارت جهانی
۱۸۰	۵- سازمان انرژی اتمی
۱۸۱	(د) معاهده ها، پیمان نامه ها و قراردادهای بین المللی
۱۸۱	اشاره
۱۸۱	۱- منشور جهانی حقوق بشر
۱۸۱	۲- کنوانسیون رفع تبعیض از زنان
۱۸۲	۳- پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای
۱۸۲	(ه-) سازمان ها، احزاب و تشکیلات
۱۸۲	۱- سازمان ها و تشکیلات سیاسی مخفی و وابسته به استعمار
۱۸۵	۲- احزاب سیاسی
۱۸۶	۳- سازمان های غیر دولتی (NGO)
۱۸۸	مشخصه های سازمان های غیر دولتی
۱۸۸	نقش های سازمان های غیر دولتی :
۱۹۰	ظرفیت های ویژه سازمان های غیر دولتی :

- اهداف نظام سرمایه داری از گسترش این سازمان ها : ۱۹۱
- اشاره - ۱۹۱
- ۱- تضعیف دولت ها ۱۹۱
- ۲- چک کردن صحت و سقم گزارش های دولتی از طریق این سازمان ها ۱۹۴
- ۳- گسترش فرهنگ جهانی ۱۹۴
- ۴- گروه های تروریستی ۱۹۶
- ۵- گروه های مافیا ۱۹۸
- تشکیلات مافیا ۱۹۹
- اشاره - ۱۹۹
- ۶- سازمان های جاسوسی ۲۰۰
- اشاره ۲۰۰
- ۱-۶. سازمان سیا ۲۰۰
- ۲-۶. سازمان موساد ۲۰۲
- ۳-۶. سازمان کا.گ.ب. ۲۰۲
- ۴-۶. سازمان انتلیجنت سرویس ۲۰۳
- ۷- مؤسسات خدماتی ۲۰۳
- ۸- شرکت های چند ملیتی ۲۰۴
- (و) مواد مخدر و روان گردان ۲۰۵
- اشاره ۲۰۵
- مراحل کار استعمارگران برای معتاد کردن جوامع ۲۰۶
- انگیزه استعمارگران از رواج مواد مخدر ۲۰۸
- (ز) الگوها ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
- ۱- زنان و مردان هرزه ۲۱۰
- ۲- هنجار شکنان ۲۱۲
- ۳- قهرمانان ورزشی ۲۱۳

- ۴- مدعیان عرفان ..... ۲۱۵
- ۵- سران احزاب ..... ۲۱۵
- ۶- عروسک ها ..... ۲۱۵
- ۷ آثار و پیامدهای استعمار ..... ۲۲۶
- اشاره ..... ۲۲۶
- ۱- عقب ماندگی بیشترین بخش جهان ..... ۲۲۶
- اشاره ..... ۲۲۶
- الف) جهان اول یا جهان پیشرفته و توسعه یافته ..... ۲۲۷
- ب) جهان دوم یا جهان در حال پیشرفت و توسعه ..... ۲۲۷
- ج) جهان سوم یا جهان عقب مانده یا به تعبیر بهتر، جهان عقب نگهداشته شده ..... ۲۲۷
- د) جهان چهارم یا جهان خیلی عقب نگه داشته شده ..... ۲۲۷
- نابرابری و شکاف عمیق بین شمال و جنوب ..... ۲۳۰
- اشاره ..... ۲۳۰
- الف) علل و عوامل غیر واقعی ..... ۲۳۲
- ۱- عامل جغرافیایی ..... ۲۳۲
- ۲- عامل نژادی ..... ۲۳۳
- ۳- فقر منابع معدنی ..... ۲۳۴
- ۴- فقدان نیروی انسانی متخصص، مدیر و خلاق ..... ۲۳۴
- ۵- جمعیت اضافی ..... ۲۳۶
- ۶- دین، عامل عقب ماندگی ..... ۲۳۷
- ب) علل و عوامل واقعی عقب ماندگی ..... ۲۳۹
- اشاره ..... ۲۳۹
- ۱- غارت ثروت های ملل توسعه نیافته ..... ۲۳۹
- ۲- تحمیل اقتصاد تک محصولی ..... ۲۴۲
- ۱- وابستگی حکام، سیاست مداران و برنامه ریزان ..... ۲۴۲
- ۲- خود باختگی و عدم باور خویش ..... ۲۴۳

۲۴۳	۳- عدم وجود وجدان کاری
۲۴۴	۲- برده داری
۲۴۷	تعداد برده ها -
۲۴۸	وضعیت بردگان -
۲۵۰	منع برده داری و عوامل مؤثر در آن -
۲۵۱	تأثیر برده داری در عقب ماندگی آفریقا -
۲۵۲	برده داری نوین -
۲۵۲	اشاره -
۲۵۲	۳- اعتیاد -
۲۵۵	۴- نسل کشی -
۲۵۸	۵- غضب سرزمین -
۲۵۹	۶- تخریب فرهنگ و تمدن ملت های دیگر -
۲۶۲	۷- تخریب محیط زیست، منابع انسانی و مادی -
۲۶۹	۸ مبانی فکری استعمار -
۲۶۹	اهداف یادگیری فصل هشتم -
۲۶۹	اشاره -
۲۶۹	۱- اومانیسیم -
۲۷۱	۲- فردگرایی -
۲۷۲	۳- عقل گرایی -
۲۷۲	۴- لذت گرایی -
۲۷۲	۵- سودگرایی -
۲۷۳	امپریالیسم نتیجه اصول گذشته -
۲۷۷	منابع و مدارک -
۲۷۷	کتاب ها :
۲۸۵	مقالات و سخنرانی ها :
۲۸۸	درباره مرکز -

## شناخت استعمار

### مشخصات کتاب

سرشناسه: اسکندری، مصطفی، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور: شناخت استعمار / مصطفی اسکندری.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۱۵۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: استعمار

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: GV۵۱/الف ۵ ش ۹ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۳۲۵/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۹۲۰۸

ص: ۱

### شناسنامه

امام خمینی رحمه الله

«دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عمال آن مبتلا بودند، امروز به چنگال آمریکا و عمال آن.» (صحیفه نور، جلد ۱،  
صفحه ۱۱۱)

تقدیم به

روح مقدس بزرگ قهرمان ضد استعمار حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمه الله

ص: ۲





سرشناسه: اسکندری، مصطفی، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور: شناخت استعمار / مصطفی اسکندری.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۱۵۸-۲

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: استعمار

شناسه افزوده: جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹ ش ۱۵/الف/۵۱ GV

رده بندی دیویی: ۳۲۵/۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۲۹۲۰۸

شناخت استعمار

مؤلف: مصطفی اسکندری

چاپ اول: ۱۴۳۱ ق / ۱۳۸۹ ش

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

صفحه آرایبی: سید محسن عمادی مجد

چاپ: زلال کوثر قیمت: ۳۴۰۰۰ ریال شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش:

قم، چهارراه شهدا، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله .

تلفکس : ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

قم، بلوار محمدامین، سه راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله .

تلفن : ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ - فکس : ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

[www.miup.ir](http://www.miup.ir) , [www.eshop.miup.ir](http://www.eshop.miup.ir)

E-mail: [admin@miup.ir](mailto:admin@miup.ir) , [root@miup.ir](mailto:root@miup.ir)

ص: ۴

برنامه ریزی آموزشی، باید امری پویا و متناسب با دگرگونی‌هایی باشد که در ساختار دانش و رشته‌های علمی پدید می‌آیند.

تحولات اجتماعی، نیازهای نوظهور فراگیران و مقتضیات جدید دانش، اطلاعات، مهارت‌ها، گرایش‌ها و ارزش‌های نوینی را فرامی‌خواند که پاسخگویی به آنها، ایجاد رشته‌های تحصیلی جدید و تربیت نیروهای متخصص را ضروری می‌نماید.

گسترش فرهنگ‌های سلطه‌گر جهانی و جهانی شدن فرهنگ در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، مشکلات و نیازهای نوظهوری را پیش رو گذارده است که رویارویی منطقی با آنها، تنها در پرتو آراستن افراد به اندیشه‌های بارور، ارزش‌های متعالی و رفتارهای منطقی که در قالب موقعیت‌های رسمی آموزشگاهی با ایجاد رشته‌های جدید، گسترش دامنه آموزش‌ها و مهارت‌ها و تربیت سازمان‌یافته صورت گیرد، امکان‌پذیر است.

بالندگی مراکز آموزشی، در گرو نظام آموزشی استوار، قاعده‌مند و تجربه‌پذیر است که در آن، برنامه‌های آموزشی، متن‌های درسی و استادان، ارکان اصلی به‌شمار می‌آیند. پویایی برنامه‌های آموزشی نیز، به هماهنگی آن با نیاز زمان، استعداد دانش‌پژوهان و امکانات موجود، وابسته است. چنان‌که استواری متن‌های درسی به ارائه تازه‌ترین دستاوردهای علم در قالب‌نوترین شیوه‌ها و فناوری‌های آموزشی بستگی دارد.

بازنگری متنها و شیوه های آموزشی و روزآمد کردن آنها، به حفظ نشاط علمی مراکز آموزشی کمک می رساند.

حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اندر در همین راستا، «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه»، به عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت تعلیم و تربیت طلاب غیرایرانی را بر عهده دارد، به پی ریزی «دفتر برنامه ریزی و تأمین منابع درسی» اقدام نمود.

این دفتر، با ارج نهادن به تلاش های صورت گرفته و خوشه چینی از خرمن دانش عالمان گران قدر بر آن شد تا با بهره گیری از شیوه های جدید آموزشی و تازه ترین دست آوردهای علمی به تهیه متنهای آموزشی پردازد.

تدوین و نشر بیش از یک صد متن درسی، در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

نوشتار حاضر که با عنوان «شناخت استعمار» برای دانش پژوهان دوره کارشناسی تاریخ نگارش یافته و به تحلیل و بررسی مباحث راهبردی پیرامون شناخت استعمار می پردازد، حاصل تلاش علمی و درخور تقدیر حضرت حجه الاسلام والمسلمین آقای مصطفی اسکندری - دام توفیقه - است که از ایشان و دیگر فرزانهگانی که در به ثمر رسیدن این اثر بذل عنایت کرده اند، تشکر و قدردانی می کنیم.

در پایان، ارباب فضل و معرفت را به یاری خواننده، چشم امید به نقد و نظر آنان دوخته ایم.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

مقدمه ۱۵

انگیزه تألیف کتاب ۱۷

۱. مفهوم شناسی استعمار ۱۹

۱. استعمار ۱۹

۲. امپریالیسم ۲۰

۳. استثمار ۲۰

۴. استعمارزدایی یا استعمار ستیزی ۲۱

۵. سیاست استعماری ۲۱

۶. استعمار داخلی ۲۱

۲. تاریخچه استعمار ۲۵

پرتغال، پیشگام استعمار ۲۶

اسپانیا ۲۷

فرانسه ۲۸

انگلستان ۲۹

هلند ۳۰

ایتالیا ۳۱

ص: ۷

دیگر استعمارگران اروپایی ۳۱

آمریکا ۳۲

روسیه ۳۲

انقلاب صنعتی و گسترش استعمار ۳۳

استعمار در جهان دو قطبی ۳۶

استعمار در جهان تک قطبی ۳۷

۳. دوره های استعمار ۴۱

دوره نخست : استعمار قدیم ۴۱

دوره دوم : استعمار جدید ۴۲

۱. غیر مستقیم و داخلی شدن ۴۳

۲. مخفی و پیچیده بودن ۴۴

الف) اعطای استقلال ظاهری به کشور تحت استعمار ۴۴

ب) گسترش روابط فرهنگی ۴۴

ج) مدرنیزه کردن کشور مستعمره ۴۴

۳. فراگیری و همه جانگی ۴۵

۴. مشارکت و هماهنگی استعمارگران ۴۶

پیشگامان استعمار جدید ۴۶

دوره سوم : استعمار تلفیقی یا فرانوین ۴۸

۴. عوامل زمینه ساز و قوام استعمار ۵۳

۱. هیأت های تبلیغی مسیحی ۵۳

۲. شرق شناسی ۵۷

مفهوم شرق شناسی ۵۷

تاریخچه شرق شناسی ۵۸

انگیزه شرق شناسان ۶۰

محورهای کار شرق شناسان ۶۱

ص: ۸

الف) محورهای کار شرق شناسان در زمینه شرق: ۶۱

شرق در نگاه شرق شناسان ۶۳

ب) محورهای کار شرق شناسان در مورد اسلام و مسلمانان: ۶۶

وسایل کار شرق شناسان ۶۸

شرق شناسانی که تصویری غرض آلود از اسلام ارائه کرده اند ۶۸

پیوند استشراق با تبشیر ۷۰

۳. مستشاران ۷۰

۴. روشن فکران ۷۱

مفهوم روشن فکری ۷۱

خصوصیات و بنیادهای فکری روشن فکری ۷۳

ویژگی های فکری روشن فکران جهان سوم ۷۳

نقش روشن فکران در وابسته کردن جهان سوم ۷۸

پیشتازان روشن فکری در جهان اسلام ۷۸

۵. ناآگاهان ۸۲

دسته نخست: مقدس نماها ۸۲

دسته دوم: فرومایگان ۸۴

۵. ابعاد و شیوه های استعمار ۹۳

الف) استعمار سیاسی ۹۴

۱. تحمیل نظام های مورد نظر استعمار ۹۴

۲. به کارگیری نیروهای مورد نظر ۹۵



۳. ایجاد تفرقه و اختلاف ۹۵

ب) استعمار فرهنگی ۹۷

۱. اشاعه فساد و فحشا ۹۸

۲. تضعیف دین و ارزش های دینی ۹۹

۳. تضعیف ارزش های انقلابی ۹۹

ص: ۹

۴. تغییر دیدگاه ها ۱۰۰

۵. ترویج تجمل گرایی، مدگرایی و مصرف گرایی ۱۰۰

۶. الگو سازی ۱۰۱

ج) استعمار اقتصادی ۱۰۲

۱. تک محصولی کردن کشورهای تحت سلطه ۱۰۲

۲. صدور صنایع مونتاژ ۱۰۴

۳. ارائه مدل توسعه ۱۰۶

۴. افزایش سود وام ها و تسهیلات ۱۰۷

۵. سرمایه گذاری ۱۰۷

۶. کاهش قیمت مواد خام و افزایش قیمت فرآورده های صنعتی ۱۰۸

۷. گرفتن تعرفه های گمرکی از صادرات کشورهای تحت ۱۰۸

۸. ایجاد انحصار در خرید و فروش ۱۰۹

۹. سرقت مغزها ۱۰۹

د) جهانی سازی، شیوه ای برای تحقق همه ابعاد استعمار ۱۱۰

ماهیت طرح جهانی سازی و ابعاد آن ۱۱۱

۶. وسایل و ابزار استعمار ۱۱۷

الف) رسانه ها ۱۱۸

۱. خبرگزاری ها ۱۱۸

۲. رادیوهای بین المللی ۱۲۱

۳. ماهواره ها و تلویزیون های بین المللی ۱۲۴

الف) جمع آوری داده های مختلف ۱۲۵

ب) استفاده جاسوسی و نظامی ۱۲۵

ج) تهاجم فرهنگی ۱۲۵

۴. روزنامه ها و مجلات ۱۲۶

روزنامه ها و مجلات ابزاری در دست صهیونیزم ۱۲۷

ص: ۱۰

۵. سینما، فیلم، کارتون، انیمیشن ۱۳۰

الف) سینما ۱۳۰

ب) فیلم، کارتون، انیمیشن ۱۳۳

۶. اینترنت ۱۳۴

تاریخچه اینترنت ۱۳۵

مدیریت اینترنت ۱۳۵

کاربردهای اینترنت و پیامدهای آن ۱۳۷

پیامدهای منفی اینترنت ۱۳۷

۷. کتاب ۱۴۲

نشر کتاب ابزاری در دست صهیونیسم ۱۴۲

ب) ابزار مربوط به آموزش ۱۴۳

۱. نظام آموزشی ۱۴۳

۲. متون و کتب درسی ۱۴۴

۳. مراکز آموزشی و آموزگاران ۱۴۴

۴. زبان انگلیسی ۱۴۵

۵. بنیادهای فرهنگی ۱۴۵

ج) سازمان های بین المللی ۱۴۸

۱. سازمان ملل متحد ۱۴۹

۲ و ۳. صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ۱۴۹

۴. سازمان تجارت جهانی ۱۵۰

۵. سازمان انرژی اتمی ۱۵۰

د) معاهده ها، پیمان نامه ها و قراردادهای بین المللی ۱۵۱

۱. منشور جهانی حقوق بشر ۱۵۱

۲. کنوانسیون رفع تبعیض از زنان ۱۵۱

۳. پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای ۱۵۲

ص: ۱۱

ه- سازمان ها، احزاب و تشکیلات ۱۵۲

۱. سازمان ها و تشکیلات سیاسی مخفی و وابسته به استعمار ۱۵۲

۲. احزاب سیاسی ۱۵۴

۳. سازمان های غیر دولتی ( ۱۵۵ ) NGO

مشخصه های سازمان های غیر دولتی ۱۵۷

نقش های سازمان های غیر دولتی ۱۵۷

ظرفیت های ویژه سازمان های غیر دولتی ۱۵۹

اهداف نظام سرمایه داری از گسترش این سازمان ها ۱۶۰

۱-۶. سازمان سیا ۱۶۸

۲-۶. سازمان موساد ۱۷۰

۳-۶. سازمان کا. گ. ب. ۱۷۰

۴-۶. سازمان انتلیجنت سرویس ۱۷۱

و) مواد مخدر و روان گردان ۱۷۳

مراحل کار استعمارگران برای معتاد کردن جوامع ۱۷۴

انگیزه استعمارگران از رواج مواد مخدر ۱۷۶

ز) الگوها ۱۷۷

۱. زنان و مردان هرزه ۱۷۸

۲. هنجار شکنان ۱۸۰

۳. قهرمانان ورزشی ۱۸۱

۴. مدعیان عرفان ۱۸۲

۵. سران احزاب ۱۸۲

۶. عروسک ها ۱۸۲

۷. آثار و پیامدهای استعمار ۱۹۳

۱. عقب ماندگی بیشترین بخش جهان ۱۹۳

الف) جهان اول یا جهان پیشرفته و توسعه یافته ۱۹۴

ص: ۱۲

ب) جهان دوم یا جهان در حال پیشرفت و توسعه ۱۹۴

ج) جهان سوم یا جهان عقب مانده یا به تعبیر بهتر، جهان عقب نگهداشته شده ۱۹۴

د) جهان چهارم یا جهان خیلی عقب نگهداشته شده ۱۹۴

نابرابری و شکاف عمیق بین شمال و جنوب ۱۹۶

الف) علل و عوامل غیر واقعی ۱۹۸

۱. عامل جغرافیایی ۱۹۸

۲. عامل نژادی ۱۹۹

۳. فقر منابع معدنی ۲۰۰

۴. فقدان نیروی انسانی متخصص، مدیر و خلاق ۲۰۰

۵. جمعیت اضافی ۲۰۲

۶. دین، عامل عقب ماندگی ۲۰۳

ب) علل و عوامل واقعی عقب ماندگی ۲۰۴

۱. غارت ثروت های ملل توسعه نیافته ۲۰۴

۲. تحمیل اقتصاد تک محصولی ۲۰۷

۱. وابستگی حکام، سیاستمداران و برنامه ریزان ۲۰۷

۲. خود باختگی و عدم باور خویش ۲۰۸

۳. عدم وجود وجدان کاری ۲۰۸

۲. برده داری ۲۰۹

تعداد برده ها ۲۱۲

وضعیت بردگان ۲۱۳



منع برده داری و عوامل مؤثر در آن ۲۱۵

تأثیر برده داری در عقب ماندگی آفریقا ۲۱۶

برده داری نوین ۲۱۷

۳. اعتیاد ۲۱۷

۴. نسل کشی ۲۱۹

ص: ۱۳

۵. غصب سرزمین ۲۲۲

۶. تخریب فرهنگ و تمدن ملت های دیگر ۲۲۳

۷. تخریب محیط زیست، منابع انسانی و مادی ۲۲۶

۸. مبانی فکری استعمار ۲۳۳

۱. اومانيسم ۲۳۳

۲. فردگرایی ۲۳۵

۳. عقل گرایی ۲۳۶

۴. لذت گرایی ۲۳۶

۵. سودگرایی ۲۳۶

امپریالیسم نتیجه اصول گذشته ۲۳۷

منابع و مدارک ۲۴۱

کتاب ها ۲۴۱

مقالات و سخنرانی ها ۲۴۶

ص: ۱۴

همواره در طول تاریخ، غریزه قدرت طلبی، برتری جویی و فزون خواهی انسان، او را واداشته است که در روابط فردی و اجتماعی خود در فکر تجاوز به حقوق دیگران بوده و از آنان بهره کشی نماید؛ مگر آن جا که انسان، دینی آسمانی و تحریف ناشده را پذیرفته و بر اساس فرامین آن عمل نموده باشد.

«استعمار» و «استعمارگری»، پدیده ای شوم است که ریشه در همین غریزه انسان دارد؛ این پدیده شوم، گرچه خاص مردم مغرب زمین نیست؛ اما مردم آن دیار، بیشترین سهم را در این رابطه داشته اند، به ویژه پس از قرن شانزده میلادی که غریبان از یک سو به دانش تجربی، تکنولوژی، ابزار مورد نیاز و سامان سیاسی متناسب دست یافتند و از سوی دیگر، با حذف دین از زندگی سیاسی و اجتماعی خویش، همان راهنمای ناقص را نیز از دست داده و خوی تجاوزگری، بیش از پیش در آنان شعله ور گردید؛ این بود که انسان اروپایی با احساس قنا و روح طغیان گری ناشی از آن، از یک سو از الجزایر تا جنوبی ترین نقطه آفریقا و شرقی ترین نقطه آسیا را به زیر سلطه خویش درآورد و از سوی دیگر، سرزمین آمریکا و ساکنان آن دیار را مورد تاخت و تاز قرار داده، به خون کشید و مردمانی را جاننشین آنان نمود که امروز، خود از خون خوارترین و جنایت کارترین انسان ها هستند؛ از قرن شانزده تا به حال، هر چه از تاریخ گذشته است و هر چه بشر غربی به دانش و تجربه بیشتری دست یافته است، سلطه استعماری خویش را

توسعه داده و با ظرافت و پیچیدگی بیشتری به غارت و چپاول دیگر انسان ها پرداخته است.

در مقابل این سلطه ویرانگر، در کشورهای تحت سلطه نیز، هر از چند گاهی انسان هایی متفکر، دل سوخته و دردمند، عزت طلب و ذلت گریز، پیکارگر و ستیزه جو، ظهور کرده و در مقابل سلطه جویی استعمارگران ایستادگی نموده و با آن درافتاده اند و برای مدتی، دست استعمارگران را از منطقه و کشوری کوتاه نموده و یا روند استعمارگری آنان را کند نموده اند.

«انقلاب اسلامی ایران» به رهبری حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمه الله یکی از محکم ترین حلقه های این زنجیره است که سهمگین ترین، سخت ترین و کوبنده ترین ضربه را بر پیکر غول استعمار وارد ساخت و علاوه بر کوتاه کردن دست استعمار از خاک ایران، موجب کند شدن جدی روند استعمار در بسیاری از کشورهای دیگر گردید؛ زیرا بسیاری از ملت های مستضعف دنیا، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، به یمن وزش نسیم این انقلاب، جانی تازه یافته و درصدد دفاع از عزت و استقلال خویش برآمدند؛ اما دشمن ضربه خورده، پس از مدتی گیجی و سردرگمی، دوباره به خویش آمده، به فکر جبران ما فات و توسعه مجدد سلطه خویش است؛ لذا هجمه ای سنگین را در همه جوانب فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی آغاز نموده و نابودی کیان و استقلال ملت های جهان سوم و خصوصاً ملت های مبارز را بار دیگر نشانه رفته است؛ به همین جهت، بر ملت های تحت ستم و مستضعف دنیا لازم است که تا برای مقابله با آن با این پدیده شوم آشنا گردیده و بدانند:

استعمار چیست؟ از چه تاریخی شروع شده؟ و چه دوران هایی را پشت سر گذارده و در چه دوره ای به سر می برد؟ عوامل زمینه ساز و تداوم بخش استعمار کدامند؟ ابعاد مختلف آن چیست، کدام است و در چه زمینه هایی فعال بوده و از چه شیوه ها و ابزاری بهره می برد؟ چه آثار و پیامدهایی داشته و مبانی فکری این حرکت شوم کدام است؟ بی گمان بدون آشنایی با استعمار، در ابعاد گوناگون آن نمی توان مبارزه ای پیروز را با آن داشت و دست آن را از ممالک تحت ستم کوتاه نمود.

در زمینه استعمار و شناخت و معرفی آن تاکنون، مطالعات و آثار سودمندی از سوی اندیشمندان صورت گرفته، به زبان های مختلف به رشته تحریر درآمده و گام های اساسی بلندی برداشته شده است که همگی آنها در نوع خود قابل تقدیر هستند؛ اما در سال ۱۳۸۲هـ.ق. از سوی گروه تاریخ مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی که وابسته به «جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه» از این جانب برای تدریس در موضوع استعمار دعوت به عمل آمد، بدین جهت، بسیاری از آثاری که در این زمینه به زبان های فارسی و عربی نگاشته شده، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، ولی اثری که همه ابعاد موضوع را به روشنی مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نگردید، به همین جهت ابتدا جزوه ای درسی در این زمینه تهیه شد تا پاسخگوی نیاز دانش پژوهان باشد؛ اثر مزبور پس از تکمیل شدن، هم اینک، به پیشنهاد «دفتر تدوین و تأمین منابع درسی» جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه به صورت کتاب تقدیم دانش پژوهان می شود.

روش اصلی در تحقیق و نگارش کتاب حاضر، روش کتابخانه ای است؛ اما آن چه الگو و راهنمای اصلی، در نگاه به موضوعات مختلف و گزینش آنان بوده است، تجربیات شخصی سی ساله مؤلف از نوع برخورد استعمارگران با کشورهای اسلامی، حرکت های آزادی بخش و به ویژه انقلاب اسلامی ایران و شیوه های برخورد با آنها بوده است.

در راستای تحقق هدف، این اثر در هشت فصل تدوین گردیده است :

در فصل نخست، مفهوم استعمار و دیگر واژه های مرتبط بیان شده و در دو فصل بعدی، تاریخچه و دوران های استعمار مورد بحث قرار گرفته است؛ در فصل چهارم، عوامل زمینه ساز و تداوم استعمار معرفی شده و در فصل پنجم، ابعاد استعمار و شیوه هایی که برای تحقق هر بعد به کار می آید مورد بحث قرار گرفته اند، فصل ششم کتاب به معرفی ابزاری می پردازد که استعمار از آنها بهره می برد؛ فصل هفتم، به بحث در پیامدها و آثار استعمار اختصاص دارد و در نهایت در فصل هشتم، به طور خلاصه، مبانی استعمار مورد اشاره قرار گرفته اند.

از آن جا که این کتاب، به عنوان منبع درسی به رشته تحریر در آمده است، در آغاز فصل اهداف آموزشی مورد نظر و در پایان هر فصل، چکیده مطالب، سؤالات فصل و منابعی جهت مطالعه و تحقیق بیشتر آمده است.

در پایان، از مسئولان محترم گروه تاریخ مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، مسئولان محترم دفتر تدوین متون و تأمین منابع درسی که زمینه این تألیف را فراهم نموده اند، دوستان محترمی که زحمت مطالعه جزوات درسی را متحمل شده و راهنمایی های سودمندی ارائه فرمودند، آقای رضا اسکندری که زحمت تایپ و طراحی اثر را متحمل شدند و آقای احمد هوشمند که در صفحه آرایی اثر نقش داشتند، و نیز، از همسر و فرزندانم که با ایجاد محیطی آرام، مرا در این زمینه کمک کردند کمال تشکر و قدردانی را می نمایم.

اسفند ماه سال ۱۳۸۸

قم - مصطفی اسکندری

ص: ۱۸

#### اشاره

از فراگیر انتظار می رود پس از یادگیری این فصل :

۱. مفهوم واژه استعمار و دیگر واژه های مرتبط را بیان کند.

۲. علت اطلاق کلمه استعمار را بر این جریان ویرانگر بشناسد.

۳. نسبت بین استعمار و امپریالیسم را بیان نماید.

۴. رابطه بین استعمار و استثمار را بشناسد.

در بحث، پیرامون مفهوم شناسی استعمار چند واژه به کار گرفته می شوند که در زیر به اختصار، معانی واژگان مزبور را مورد بررسی قرار می دهیم :

#### ۱- استعمار

##### (۱)

«استعمار» واژه ای عربی است که از عمارت گرفته شده و در لغت به معنای طلب آبادانی است؛ معادل انگلیسی این کلمه، کولونیالیسم است که از واژه کولونی (۲) گرفته شده و مقصود از آن، مهاجرت گروهی از مردم یک سرزمین و اقامت آنان در سرزمینی دیگر به منظور آباد کردن آن است؛ اما در اصطلاح ادبیات سیاسی؛ این واژه به معنای تسلط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملتی نیرومند بر ملتی ضعیف و نگه داشتن آنان در وضعیتی وابسته، فرودست و عقب مانده است. (۳)

علت اطلاق این اصطلاح بر این جریان ویرانگر، این است که استعمارگران همواره به

ص: ۱۹

---

۱- (۱). Colonialism .

۲- (۲). Colony .

۳- (۳). حسن علیزاده، فرهنگ خاص علوم سیاسی.

بهبان آباد کردن یک سرزمین، وارد آن شده و به تخریب و غارت آن می پردازند.

آدولف برله، جامعه شناس آمریکایی در توجیه و ستایش از استعمار، چنین می گوید :

اگر استعمار نمی بود، ملل آسیا و آفریقا نمی توانستند پا به عرصه وجود بگذارند و نمی توانستند در تمدن قرن بیستم راه یابند. (۱)

امروزه مفهوم استعمار با مفهوم امپریالیسم دارای پیوستگی کاملی هستند.

## ۲- امپریالیسم

(۲)

«امپریالیسم» در اصل به معنای امپراطورانه و شاهانه است؛ این کلمه در دهه ۱۸۳۰م. در مورد یکی از هواخواهان امپراطوری، یعنی : ناپلئون بناپارت به کار رفت، ولی به زودی مفهوم آن گسترش یافت و بعدها برای بیان کشاکش قدرت های اروپایی رقیب، بر سر گسترش حوزه نفوذ در آفریقا و دیگر قاره ها مورد استفاده قرار گرفت؛ این کشمکش ها که از دهه ۱۸۸۰م. تا سال ۱۹۱۴م. بر سیاست بین المللی حاکم بود، سبب شد تا این دوره، به «عصر امپریالیسم» مشهور شود.

امروزه مراد از امپریالیسم، قدرتی است که از مرزهای ملی و قومی خود تجاوز کرده و بر سرزمین ها، ملت ها و اقوام دیگر استیلا یابد و اراده اش را بر آنان تحمیل کند؛ (۳) از این رو می توان کلمه امپریالیسم را معادل استعمار دانست.

## ۳- استثمار

(۴)

«استثمار» یا بهره کشی، به معنای به دست آوردن همه یا بخشی از کار یک فرد یا یک جمع به صورت رایگان است؛ استثمار دیگران در حقیقت هدف اصلی استثمار محسوب می شود؛ چون ظاهر استثمار این است که استثمارگر با هدف کمک به کشور عقب مانده، به آن سرزمین وارد شده، اما هدف واقعی آن، بهره برداری از منابع ثروت و نیروی کار ارزان قیمت آن کشور است؛ از این رو، کشور تحت استثمار در مراحل پیشرفته، به بازاری برای مصرف کالاهای تولید شده توسط کشور استثمارگر تبدیل می شود. (۵)

ص: ۲۰

---

۱- (۱) . مجید رهنما، مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی، ص ۴۲، به نقل از : محمدعلی جاودان، در تحلیل استعمار فرهنگی، ص ۷.

۲- (۲) . Imperialism.



۳- (۳) . حسن علیزاده، همان، ص ۷۳.

۴- (۴) .Exploitation .

۵- (۵) . علی آقابخشی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی.

## ۴- استعمار زدایی یا استعمار ستیزی

(۱)(۲)

«استعمار زدایی»، «استعمار ستیزی» یا ضدیت با استعمار، به تلاش حرکت‌ها و جنبش‌هایی اطلاق می‌شود که برای مبارزه و رهایی از سلطه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی استعمار صورت می‌گیرد. (۳)

## ۵- سیاست استعماری

«سیاست استعماری» به سیاست‌ها و برنامه‌هایی گفته می‌شود که از ناحیه کشور استعمارگر برای کشور تحت استعمار، تهیه و بر آن تحمیل شده و یا توسط مسئولان و مدیران بومی وابسته به استعمار، تنظیم و به اجرا در می‌آیند و هدف همه آنها، تأمین منافع کشور استعمارگر است.

به بیان دیگر: سیاست استعماری، عبارت است از سیاست‌ها و برنامه‌هایی که از طریق آنها یک ملت قدرتمند سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را بر یک جامعه یا ملت ضعیف اعمال می‌کند. (۴)

## ۶- استعمار داخلی

(۵)

این اصطلاح در سه مفهوم به کار می‌رود:

۱. برای توصیف نابرابری‌های سیاسی و اقتصادی موجود بین مناطق مختلف یک کشور؛ این اصطلاح توسط لنین و آنتونیو گرامشی به کار رفت؛

۲. برای برشمردن اثرات اجرای ناهماهنگ برنامه‌های دولتی عمران و توسعه بر مبنای منطقه‌ای؛ این اصطلاح برای اشاره به این معنا در «جامعه‌شناسی سیاسی» به کار می‌رود؛

۳. برای توصیف محرومیت‌ها و استثمار گروه‌های اقلیت در درون یک جامعه وسیع و چندملیتی؛ این اصطلاح در «نظریه روابط نژادی» کاربرد دارد. (۶)

ص: ۲۱

---

۱- (۱) .De Colonization

۲- (۲) .Anti Colonization

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان.

Internal Colonialism . (۵) -۵

۶- (۶) . حسن علیزاده، همان

۱. «استعمار» در لغت به معنای طلب آبادانی است و در اصطلاح، تسلط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ملتی نیرومند بر ملتی ضعیف و نگه داشتن آنان در وضعیتی عقب مانده می باشد؛ استعمارگران به بهانه آباد کردن، وارد یک کشور شده و منابع آن را غارت می کنند؛ لذا به عمل آنان استعمار گفته می شود.

۲. «امپریالیسم» به معنای «امپراطورانه» است و در اصطلاح امروز به قدرتی اطلاق می شود که از مرزهای خود تجاوز کرده و بر دیگر سرزمین ها و اقوام استیلا یابد.

۳. «استثمار» به معنای بهره کشی است و هدف استعمار است.

۴. «استعمار ستیزی» به جنبش های ضد استعماری اطلاق می شود.

۵. «سیاست استعماری» عبارت است از برنامه های مورد خواست استعمارگران که در کشور تحت استعمار اجرا می شود.

۶. «استعمار داخلی» در معانی نابرابری های سیاسی و اقتصادی، بین مناطق مختلف یک کشور؛ اثرات اجرای ناهماهنگ برنامه های دولتی عمران و توسعه و نیز توصیف محرومیت های ناشی از استثمار گروه های اقلیت در یک جامعه چند ملیتی به کار می رود.

۱. «استعمار» در لغت به چه معناست و چرا بدان استعمار می گویند؟

۲. «امپریالیسم» یعنی چه؟ و چه ارتباطی با استعمار دارد؟

۳. «استثمار» را معنا کرده و رابطه اش با «استعمار» را بیان کنید.

۴. «سیاست استعماری» یعنی چه؟

۵. «استعمار داخلی» بر چه مواردی اطلاق می گردد؟

برای مطالعه بیشتر در مورد مفاهیم و اصطلاحات مندرج در این فصل به منابع زیر مراجعه کنید :

۱. فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی و دیگران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

۲. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، انتشارات روزنه.

۳. فرهنگ فرهیخته (واژه ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی)، شمس الدین فرهیخته، انتشارات زرین.

۴. فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ایان لک لین، ترجمه حمید احمدی، تهران، نشر میزان.

اهداف یادگیری فصل دوم

از فراگیر انتظار می رود پس از یادگیری این فصل :

۱. ریشه استعمار را در نفس انسان بیان کند.

۲. بداند استعمار به طور گسترده از چه زمانی شروع شده است.

۳. جریان اروپایی کردن جهان را بشناسد.

۴. استعمارگران را بشناسد و پیشگام استعمار را معرفی نماید.

۵. انقلاب صنعتی را بیان کرده، پیامدها و نقش آن را در گسترش استعمار توضیح دهد.

۶. استعمار را در دوره دو قطبی بودن جهان و دوره تک بعدی بودن آن معرفی نماید.

«استعمار» ریشه در گزینه قدرت طلبی و برتری جویی بشر دارد و پیشینه آن، همزاد زندگی انسان است؛ اما تاریخ مکتوب استعمار به دوران باستان و زمانی برمی گردد که «فینیقی ها» به حوزه مدیترانه و سپس کرانه های شمالی آفریقا روی آوردند؛ اما با این وجود آغاز استعمار را به صورت گسترده آن، باید به قرن پانزدهم میلادی مربوط دانست.

اروپاییان در قرون وسطی، درباره آسیای دور اطلاعات اندکی داشتند، تصور آنان درباره هند و چین، مبهم و در حد سفرنامه مارکوپولو (۱) بود و از آفریقا نیز، جز اطلاعات کمی در مورد مصر، چیز زیادی نمی دانستند. از آمریکا هیچ گونه اطلاعاتی در دست نبود و از استرالیا نیز، گرچه در قرن شانزدهم سخنی در میان بود، ولی این قاره، عملاً پس از ۱۶۰۰ میلادی کشف گردید.

ص: ۲۵

---

۱- (۱) ۱. مارکوپولو، سفرنامه خود را به نام پادشاهی ها و شگفتی های خاور منتشر کرد.

قرن پانزدهم، شاهد تولد دوباره و نوزایش (۱) اروپا بود که گذشته از تغییرات فکری و مذهبی بزرگی که در این قاره پدید آمد، موجب تحولی عظیم در زمینه علم و صنعت و کشف سرزمین های تازه شد.

در اثر وقوع یک انقلاب صنعتی در اروپا، سلاح آتشین در اختیار غربیان قرار گرفت و آشنایی با قطب نما و سکان، به اضافه این سلاح برتر، راه سفرهای اکتشافی را بر روی اروپاییان گشود.

سفرهای اکتشافی، آغاز جریانی است که می توان آن را اروپایی کردن جهان نام نهاد: آمریکای شمالی، مرکزی و جنوبی، ضمیمه فرهنگ اروپایی شد و آسیا و آفریقا بیش از پیش به توابع اقتصادی اروپا تبدیل گردید؛ بدین ترتیب پیامدهای این رویدادها در ادوار بعدی تاریخ جهان، نقش تعیین کننده ای داشته است.

### پرتغال، پیشگام استعمار

«پرتغال» که قرن ها نقش کوچکی در اروپا ایفا می کرد، در این دوران رهبری کشف سرزمین های تازه را به عهده گرفت؛ پرتغالی ها، سفرهای اکتشافی خود را از اوایل قرن پانزدهم میلادی شروع کردند و در سال ۱۴۸۶ میلادی بارتو لومئو دیاس (۲) دماغه «امیدنیک» (کاپ) را در جنوبی ترین نقطه آفریقا کشف کرد؛ سپس واسکو دگاما (۳) (در گذشته ۱۵۲۴ م.) تدارک سفری اکتشافی را دید، او در ژوئیه ۱۴۹۷ م. با یک ناوگان به راه افتاد و با راهنمایی یک عرب از اقیانوس هند گذشت و در روز بیستم ماه مه ۱۴۹۸ م. به لنگرگاه کالیکات (کلکته) در هند رسید؛ وی در «کلکته» ادویه و سنگ های گران بهایی را بار زد و با از دست دادن یک کشتی و یک سوم خدمه، به پرتغال بازگشت.

این کار داگاما تهدیدی جدی برای انحصار بازرگانی هندی ها و عرب ها بود؛ زیرا تا آن زمان ادویه، ابریشم و عطریات هند، تنها از طریق انحصاری دریانوردان هندی و

ص: ۲۶

---

۱- (۱) .Renaissance

۲- (۲) .Barto Lomeu Dias

۳- (۳) .Vasco De Gama



عرب به «سوئز» می‌رسید و از آن‌جا در اختیار اروپاییان قرار می‌گرفت؛ اما این بار، مستقیماً توسط اروپاییان تجارت می‌شد.

کشف راه اروپا به هند، پرتغالی‌ها را واداشت که کرانه‌ها و بندرهای خاوری آفریقا را به تصرف در آورند و برای هند نایب السلطنه پرتغالی تعیین کنند؛ بدین منظور، پادشاه پرتغال، فردی به نام فرانسیسکو دُ آلمیدا (۱) را به عنوان نایب السلطنه هند به آن کشور فرستاد.

در سال ۱۵۰۹م. جنگ سختی در ناحیه دیو (۲) بین هندی‌ها و اعراب از یک سو، با ناوگان آلمیدا در گرفت و ناوگان مشترک هند و عرب شکست خورد؛ این جنگ را می‌توان یکی از جنگ‌های تعیین‌کننده جهان دانست؛ زیرا نقطه پایانی بر انحصار بازرگانی اعراب در خاور شد و آن را در انحصار نیروی مسیحی اروپا قرار داد.

پس از پیروزی، آلفونسو دُ آلبوکرک (۳) برای تحکیم موقعیت‌های به دست آمده و تشکیل امپراطوری بازرگانی، به منطقه فرستاده شد؛ ناوگان آلبوکرک به راه خود ادامه داد و بندرهایی را که اهمیت سوق الجیشی داشت، مانند شهر «عدن» در دهانه دریای سرخ، به تصرف در آورد؛ او «تنگه هرمز» را در خلیج فارس و «مالاکا» (مالقه) را در «شبه جزیره مالایا» تصرف کرد و با تأسیس «خانه هند»، کنترل داد و ستد هند و اداره امور نیابت سلطنت آن را به عهده این مرکز سپرد.

آلبوکرک، در ادامه اقدامات خود، مانع دریانوردی سایر اروپاییان گردید و در سایه این اقدام ثروت عظیمی را روانه پرتغال کرد، آنچنان که «لیسبون» به پایتخت تجارت دنیا تبدیل شد. (۴)

## اسپانیا

اسپانیایی‌ها را می‌توان پیشگام اکتشاف در آن سوی «اقیانوس اطلس» دانست؛ شاه فردیناند و ملکه ایزابلا، در دوم اوت ۱۴۹۲ میلادی کریستف کلمب (۵) را به یک سفر

ص: ۲۷

۱- (۱) . Francisco De Almeida . (آلمیدا در سال ۱۵۱۰ در گذشت)؛

۲- (۲) . Diu . (بندر دیو در ساحل هند واقع است)؛

۳- (۳) . Alfonso de Albuquerque . (آلبوکرک در سال ۱۵۱۵ در گذشت)؛

۴- (۴) . هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ.

۵- (۵) . Christopher Columbus .

دریایی فرستادند؛ او با هدف رسیدن به هند، سفر را آغاز کرد، ولی در دوازده اکتبر به جزیره کوچکی از «مجمع الجزایر باهاما» رسید، در آن جا پیاده شد و آن را «سان سالوادور»، (۱) یعنی: «نجات دهنده مقدس» نامید؛ او سپس «کوبا» و پس از آن «هائیتی» را کشف کرد و سرانجام در اوایل سال ۱۴۹۳م. به اسپانیا بازگشت. کریستف کلمب می پنداشت ژاپن و بعضی از جزیره های کرانه آسیا را پیدا کرده است؛ سفر کلمب، سفری بزرگ بود که منجر به کشف «آمریکا» گردید.

دو کشور استعمارگر پرتغال و اسپانیا، قبلاً در جزایر دور دست کرانه خاوری آسیا در برابر هم صف آرایی کرده بودند، لذا برای جلوگیری از جنگ با یک دیگر و هم چنین برای تأیید غارتگری خود، به پاپ متوسل شده و دعوی خویش را نزد او مطرح کردند.

پاپ در سال ۱۴۹۳ میلادی، بیانیه ای صادر کرد که به فرمان تقسیم معروف گردید؛ طبق این بیانیه، تمام آمریکای شمالی و مرکزی و نیز قسمت عمده آمریکای جنوبی به اسپانیا؛ و کشورهای چین، هند، ژاپن و سایر سرزمین های شرقی به انضمام تمام آفریقا به پرتغال داده شد. (۲)

## فرانسه

فرانسوی یکم، شاه فرانسه که با اسپانیا جنگی سخت و طولانی داشت بر آن شد که به دشمن اجازه ندهد همه سرزمین های تازه را از آن خود سازد؛ بدین منظور، وی در سال ۱۵۲۴م. دریانوردی فلورانسی به نام جووانی دُ وراسانو (۳) را برای کشف کرانه های آمریکای شمالی روانه ساخت؛ آن گاه ده سال بعد، ژاک کارتیه (۴) روانه گردید و «نیو فوندلند» را دور زد و در راستای کرانه خلیج «سن لارنس» تا «کیبک» و «مونترئال» کانادا پیش رفت.

ص: ۲۸

---

۱- (۱) .San Salvador

۲- (۲) . حسن علیزاده، همان، ص ۷۳

۳- (۳) .Giovanni De Verrasano

۴- (۴) .Jacque Cartier

فرانسوی‌ها بعداً موفق شدند بخش بزرگی از آمریکای شمالی را به نام فرانسه ثبت کنند؛ ولی انگلیسی‌ها با آنان درگیر شدند؛ (۱) فرانسوی‌ها آن‌گاه به سوی شرق به راه افتادند و بر بخش‌هایی از هندوستان مسلط شدند؛ اما انگلیسی‌ها موفق شدند هندوستان را از چنگ آنان درآورند، این بود که فرانسه، فعالیت‌های استعماری خود را بیشتر بر قاره آفریقا متمرکز نمود و بخش اعظم این قاره از جمله کشورهای مصر، تونس، مراکش، الجزایر، موریتانی، سنگال، گامبیا، ساحل عاج، بنین، مالی، نیجر و بورکینافاسو را مستعمره خویش ساخت. (۲)

## انگلستان

هنری هفتم، شاه انگلیس به یک جوان به نام جان کب (۳) فرمان داد تا برای پادشاهی انگلستان سرزمین‌های تازه‌ای بیابد؛ او در سال ۱۴۹۷ میلادی به راه افتاد و کرانه‌های خاوری آمریکای شمالی را به تصرف انگلیس درآورد. (۴)

انگلیس، کم‌کم سلطه خویش را به سوی شرق گسترش داد و در سال ۱۵۵۹ میلادی اولین شرکت انگلیسی، برای تجارت هند شرقی به نام شرکت تاجران لندن تشکیل شد؛ فرانسوی‌ها نیز در این ایام در هند فعالیت‌های گسترده استعماری داشتند، ولی در زمان لوئی پانزدهم، انگلیس موفق شد طی توافق‌نامه‌ای هند را از فرانسه بگیرد.

انگلیس نیز با استفاده از تجربه فرانسه به تشکیل ارتش محلی با اسلوب اروپایی پرداخت و در کشمکش‌های امرای داخلی هند دخالت کرد و سرانجام موفق شد تا در کمتر از پنجاه سال هندوستان را تسخیر کند. (۵)

در این هنگام «کمپانی هند شرقی» که یک شرکت بازرگانی بود بر هند حکومت می‌کرد و سرنوشت هند در دست یک مشت ماجراجوی بازرگان بود؛ حکومت تا اندازه

ص: ۲۹

---

۱- (۱). هنری لوکاس، همان، ص ۴۵.

۲- (۲). د. علاء طاهر، العالم الاسلامی فی الاستراتیجیات العالمیه المعاصره، ص ۳۶۲ به بعد.

۳- (۳). John Cabot.

۴- (۴). هنری لوکاس، همان، ص ۴۴.

۵- (۵). مهدی بهار، میراث خوار استعمار، ص ۲۵۷.

زیادی به معنای بازرگانی و بازرگانی هم به معنای غارت و چپاول بود. هر سال سودهای هنگفتی معادل صد تا صد و پنجاه و حتی بیش از دویست درصد به سهام داران کمپانی پرداخت می شد؛ لذا هند به مثابه یکی از مهم ترین پایه های دستگاه اقتصادی انگلیس به شمار می آمد. (۱)

انگلیس، هم چنین در کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران، ترکیه، مصر، فلسطین، عربستان و عراق را کم و بیش زیر نفوذ اقدامات استعماری خویش درآورد. (۲)

در اواخر قرن ۱۹ میلادی، کشورهای امپریالیستی، جهان را کاملاً بین خود تقسیم کرده بودند و اکثر مستعمرات تحت حاکمیت انگلیس و فرانسه بود؛ در این میان، انگلستان دارای ۲۴۰۹ میلیون کیلومتر مربع مستعمره با جمعیتی حدود سیصد و نه میلیون نفر بود؛ فرانسه نیز دارای ۹۵۸ میلیون کیلومتر مربع مستعمره با جمعیتی بالغ بر ۵۶۴ میلیون نفر بود. (۳)

## هند

کشور کوچک هند که ساکنان آن معمولاً از ماهی گیری ارتزاق می کردند، پس از پیش رفت در حمل و نقل دریایی به جایی رسید که جانشین اصلی پرتغالی ها در هندوستان گردید؛ این کشور در سال ۱۶۰۲م. «کمپانی هند شرقی» و در سال ۱۶۰۸م. «بانک آمستردام» را تأسیس نمود و آن گاه دولت غاصب هند در جزایر «هند شرقی» خود را مالک یک پنجم زمین ها و یک ششم کار بومیان اعلام نمود.

تجسس علمی و انضباط هلندی ها موجب شد که در سال ۱۹۳۹م. تقریباً انحصار جهانی بخش عظیمی از مایحتاج اروپاییان نصیب آنان گردد.

هند با سرزمینی به مساحت سی و پنج هزار کیلومتر مربع و جمعیتی هشت میلیونی، بر هفتاد میلیون جمعیت و دو میلیون کیلومتر مربع از سرزمین هند تسلط پیدا

ص: ۳۰

---

۱- (۱). همان، ص ۲۶۱.

۲- (۲). د. علاء طاهر، همان، ص ۳۳۱.

۳- (۳). علی آقابخشی، همان، ص ۱۴۶.

کرد. (۱) البته انگلیسی ها موفق شدند تا هندوستان را از چنگ هلند خارج کنند و ولی هلندی ها به سوی «شرق دور» رفتند چنان که حتی «اندونزی» نیز تا بعد از جنگ جهانی دوم تحت استعمار هلند بود. (۲)

## ایتالیا

کشور ایتالیا نیز در پی اسپانیا، انگلیس، فرانسه و هلند دست استعماری خود را به سوی کشورهای اسلامی گشود. این کشور اروپایی موفق شد کشور مسلمان «لیبی» را به استعمار خویش درآورد. ایتالیا هر جا را می گرفت آن جا را ملک خود می دانست و ایتالیایی ها را هم در آن سرزمین ساکن می کرد و علاوه بر استعمار اقتصادی، به استعمار فرهنگی ملت منطقه تحت استعمار نیز می پرداخت. به همین علت بیرون کردن استعمارگران ایتالیایی به مراتب سخت تر از دیگر استعمارگران بود. (۳)

## دیگر استعمارگران اروپایی

کشورهای بلژیک، آلمان، دانمارک و سوئد نیز از جمله دیگر کشورهای اروپایی هستند که از استعمار کشورهای دیگر بی بهره نماندند و هر یک از آنها - اگر چه در دورانی نه چندان دور - برای خود در آفریقا یا آسیا مستعمره هایی دست و پا کردند.

در قرن هفدهم اشغال جهان به شکل های مختلف تعمیم یافت. فوج مهاجران به سوی آمریکا سرازیر شد و این مهاجران ماجراجو، پیوستگی خویش را با کشورهای مادر حفظ کردند. بدین ترتیب، کشورهای جدیدی پا به عرصه وجود گذاشتند. کانادا همان «فرانسه جدید»، ایالات متحده شمال شرقی همان «انگلستان جدید»، مکزیک نیز «اسپانیای جدید» و پرو، «کاستیل جدید» شد، این

ص: ۳۱

۱- (۱). مهدی بهار، همان، ص ۲۴۴.

۲- (۲). د. علاء طاهر، همان، ص ۴۴۴ و نیز رجوع کنید به: محمدرضا مظفری، اندونزی، ص ۱۰۹.

۳- (۳). همان، ص ۳۸۴ به بعد.

اسامی نیز توسط مهاجران استعمارگر برای سرزمین های اشغال شده انتخاب گردیدند؛ آنان به یاد وطن خویش با افزودن کلمات کوچک یا جدید، آن کشورها را نام گذاری می کردند؛ مثلاً: مهاجرانی که از آمستردام به آمریکا رفتند، وطن جدید خود را «نیو آمستردام» نامیدند؛ عده ای هم که از یورک انگلستان به آمریکا رفتند، شهر خود را «نیویورک» نامیدند؛ مهاجران ونیزی، جایی را که به آن رسیده بودند «ونزوئلا» یعنی: ونیز کوچک نامیدند؛ مکزیکی را هم «اسپانیای جدید» خواندند.

پاره ای از مهاجران استعمارگر، نام بزرگان خود را به سرزمین های تازه می دادند، مثلاً «فیلیپین» به نام فیلیپ پادشاه اسپانیا، «ویرجینیا» به نام ماری ملقب به ویرجین ملکه انگلستان؛ «لوئیزیانا» به نام لویی پادشاه فرانسه نام گذاری شد و بالأخره «آمریکا» به نام آمریگو و سپوچی (۱) دریانوردی که متوجه شد سرزمینی را که کریستف کلمب کشف کرده بود هند نیست.

## آمریکا

آمریکا که خود سرزمینی استعمار زده بود و توسط مثنی ماجراجوی اروپایی به اشغال درآمده بود، توسط همین مهاجران ماجراجو نام و هویتی جدید یافت. این کشور تا قبل از جنگ جهانی دوم در صحنه بین المللی حضور چشم گیری نداشت؛ ولی پس از جنگ جهانی دوم به عنوان یک کشور استعمارگر در صحنه بین المللی حاضر شد و از آن پس به عنوان سردسته کشورهای استعمارگر عمل می کند.

## روسیه

کشور روسیه هم در دوران حکومت تزارها جزء کشورهای استعمارگر بود و هم بعد از انقلاب سوسیالیستی به صورت یکی از کشورهای استعمارگر عمل می کرد، ولی بعد از تشکیل رژیم سوسیالیستی شیوه استعمارگری خود را تغییر داد.

ص: ۳۲

در سده هجدهم دو تغییر حیاتی در فرآورده های پارچه های پنبه ای انگلستان داده شد :

۱. به کار بستن ماشین های کامل تر نخ ریسی و پارچه بافی؛

۲. به کار بردن ماشین های بخار و ماشین هایی که با نیروی آب می چرخید، برای چرخاندن ماشین ها.

در سده نوزدهم این شیوه های جدید در صنایع دیگر هم ابتدا در انگلستان و سپس در دیگر کشورها به کار گرفته شد؛ این دگرگونی صنعتی نخست به کندی پیش می رفت؛ اما در نیمه قرن نوزدهم با شتاب بیشتری ادامه یافت؛ برای هرگونه کارخانه ای، ماشین های بی شماری اختراع گردید؛ محرک برقی و ماشین بنزینی هم به دنبال ماشین بخار پا به عرصه فرآیند تکنولوژی گذاشتند (۱) و این پدیده به انقلاب صنعتی مشهور شد؛ پیامدهای «انقلاب صنعتی» را می توان در موارد زیر خلاصه نمود :

۱. افزایش ثروت برای صاحبان سرمایه؛

۲. رشد پدیده شهرنشینی؛

۳. افزایش جمعیت؛

۴. افزایش تولید.

از بین پیامدهای مذکور، آن چه بیشتر از همه بر کشورهای غیر صنعتی - که اکثریت قاطع کشورهای جهان را تشکیل می دادند - تأثیر منفی داشت «افزایش تولید» بود.

در سال ۱۹۱۳م. ماشین های بریتانیای کبیر، بلیون ها متر پارچه فقط برای فرستادن به کشورهای دیگر بافتند. اگر همه جمعیت بریتانیای کبیر می خواستند با شیوه های مرسوم سال ۱۷۵۰م. پارچه ببافند، تنها می توانستند بخش کمی از این مقدار را تولید کنند؛ (۲) به خوبی پیداست که این افزایش تولید، افزایش ثروت را به

ص: ۳۳

۱- (۱). کارل ل. بکر، و فردریک دنکاف، سرگذشت تمدن، ترجمه علی محمد زهما، ص ۴۳۹.

۲- (۲). همان، ص ۴۴۰.

دنبال خواهد داشت؛ به عنوان نمونه، تخمین می‌زنند که در سال ۱۸۰۰م. چنان چه ثروت بریتانیای کبیر، به طور برابر بین همه ساکنان آن تقسیم می‌شد، به هر نفر هفتصد دلار می‌رسید؛ هم‌چنین اگر در سال ۱۸۸۵م. مجموع ثروت به همین طریق پخش می‌شد، به هر نفر دو هزار و هفتاد و پنج دلار می‌رسید، حال آن‌که در آن سال، جمعیت انگلستان بیش از دو برابر سال ۱۸۰۰م. بود.

مجموع ثروت کشورهای متحد در سال ۱۹۱۲م. صد و هشتاد و شش بلیون دلار و در سال ۱۹۲۲م. سیصد و بیست بلیون دلار تخمین زده شده است. (۱)

تخمین می‌زنند بین سال‌های ۱۳۵۳م. و ۱۶۵۰م. شانزده میلیون کیلوگرم نقره و صد و هشتاد و پنج هزار کیلوگرم طلا به بندر سویل وارد شده که به دلیل ایجاد انقلاب در قیمت‌ها بر اقتصاد اسپانیا اثر گذاشته است. (۲)

افزایش تولید، خود، دو مسئله مهم را ایجاد می‌کرد:

۱. تهیه مواد خام، جهت تولید کالاهای صنعتی؛

۲. بازار، جهت فروش فرآورده‌ها.

واضح است که کشورهای صنعتی، هیچ‌یک از دو مورد مذکور را در اختیار نداشتند و هم‌اکنون نیز ندارند، برای مثال: وابستگی کشورهای عضو «بازار مشترک اروپا» در برخی از بخش‌ها به بیش از ۹۰٪ مواد اولیه استراتژیکی معدنی می‌رسد. هم‌چنین، اکنون حدود ۷۰٪ واردات مواد سوختی و غیر سوختی جهان، از کشورهای در حال توسعه تهیه می‌شود، نه تنها در مواد اولیه معدنی، بلکه در مواد کشاورزی، نظیر قهوه، کاکائو، چای، موز، الیاف سخت، کنف، کائوچو و چوب‌های سخت استوایی نیز، هم‌آمریکا و هم‌بازار مشترک اروپا به طور کامل به واردات از دنیای سوم وابسته‌اند.

جدول ذیل درصد واردات از جهان سوم را در کل واردات برخی از کشورها نشان می‌دهد:

ص: ۳۴

۱- (۱). همان

۲- (۲). اشپیگل فوگل، تمدن مغرب‌زمین، ترجمه محمد حسین آریا، ج ۱، ص ۶۲۷.



درصد وابستگی واردات اولیه از کشورهای جهان سوم (به جز کشورهای بلوک شرق) به کل واردات در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)،

ایالات متحده آمریکا - ۶۴٪

انگلستان - ۴/۳۶٪

آلمان فدرال - ۲/۳۵٪

فرانسه - ۶/۳۵٪

ایتالیا - ۸/۴۱٪

سوئد - ۷/۲۸٪

در این جا باید اضافه کرد که حتی وقتی از مواد خام کشاورزی؛ مانند: بادام زمینی، پنبه، کائوچو، چتایی و غیره که قابل جایگزینی هستند، یا از قهوه، چای و کاکائو که کمتر قابل جایگزینی اند، ولی در عین حال در هنگام نیاز می توان سطح مصرف آنها را کاهش داد، بگذریم، کشورهای صنعتی در هیچ زمانی مانند امروز، چنین نیاز عظیمی به نفت خام و بعضی از فلزات، نظیر آهن، منگنز، مس، قلع، بوکسیت و غیره نداشته اند.

در یک بررسی، پیرامون روابط بین کشورهای ناتو با کشورهای در حال توسعه، بروکمایر (اقتصاددان هلندی) اشاره می کند که نیاز به مهم ترین مواد خام، در حقیقت با پیشرفت صنایع افزایش می یابد و وی می گوید: «هرچه تولیدی پیشرفته تر باشد، نظیر هواپیمای مافوق صوت یا سفینه های فضا نوردی، به همان نسبت مسئله مواد خام جدی تر می شود».<sup>(۱)</sup>

کشورهای صنعتی از آن جا که هم به تهیه مواد خام نیاز داشتند و هم به بازارهایی جهت فروش فرآورده های صنعتی خویش، در نتیجه دست به گسترش استعمار و غارت ملت های آسیایی و آفریقایی زدند؛ به همین جهت، ابعاد استعمار بسیار گسترده تر از سابق گردید؛ کشف و یا احداث راه های جدید دریایی، مانند احداث کانال سوئز در قرن نوزدهم نیز، موجب کاهش فاصله راه ها شد و موجب شد تا استعمار، بسیار مجهزتر از سابق به میدان بیاید. فروپاشی حکومت عثمانی در اواخر قرن بیستم و پیوستن آمریکا به کشورهای استعمارگر نیز، پدیده شوم استعمار را وارد مرحله ای تازه نمود.

ص: ۳۵

---

۱- (۱). همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، ص ۱۲۳.

در سال های پس از جنگ جهانی دوم، دو کشور آمریکا و شوروی، به علت دسترسی به سلاح های پیشرفته و تسلیحات هسته ای، تبدیل به قدرت های برتر جهانی شدند و به ظاهر در مقابل یک دیگر موضع گرفته و تبلیغات وسیعی را بر ضد هم شروع کردند که به جنگ سرد مشهور شد.

به دنبال دو ابر قدرت یاد شده، اکثریت جهان به دو قطب تقسیم شده و با تشکیل دو پیمان نظامی ناتو و ورشو در مقابل یک دیگر صف بندی نمودند؛ در رأس یک قطب «آمریکا» و در رأس دیگری «شوروی» قرار داشت؛ از این زمان، استعمارگران اصلی جهان این دو کشور بوده و هر یک به بهانه حفظ امنیت کشورهای طرفدار خود، در مقابل نفوذ ابر قدرت دیگر، سلطه خویش را بر آن کشور گسترش داد و بر سرنوشت مردم آن کشور مسلط گردید.

صف بندی دو ابر قدرت و اذتاب آنها در مقابل یک دیگر، موجب پیدایش و رشد این فکر شد که زندگی بدون وابستگی به یکی از دو ابر قدرت امکان ندارد تا جایی که حتی بسیاری از به اصطلاح آزادی خواهان و استعمار ستیزان دنیا نیز به همین باور غلط رسیدند و برای نجات از سلطه یک ابر قدرت و یا حکومت وابسته به آن، به بلوک دیگر پناهنده می شدند و از چاله به چاه در می افتادند.

در این فرایند رقابتی، دو ابر قدرت با جابه جا کردن کشورها در منطقه تحت نفوذ خود، به نوعی، رضایت یک دیگر را جلب می کردند؛ گرچه حتی المقدور به دنبال حفظ منطقه نفوذ خویش بودند؛ اما هم چنان که در «اندونزی» مشاهده شد، هنگامی که سوکارنو گرایشات کمونیستی پیدا کرد و به سوی شوروی متمایل گردید، در سال ۱۹۶۵م. آمریکا ژنرال سوهارتو را به کودتا بر ضد وی واداشت. (۱)

این فکر که از اندیشه دو قطبی بودن جهان ناشی می شد، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ادامه داشت؛ البته گروهی از کشورها که عضو هیچ یک از پیمان های نظامی ناتو و ورشو نبودند با تشکیل سازمان کشورهای غیر متعهد به دنبال شکستن سیطره این فکر برآمده ولی عملاً توفیقی نداشتند.

ص: ۳۶

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بزرگ ترین ضربه بر پیکره این اندیشه و گرایش نادرست بود. حضرت امام خمینی رحمه الله با مطرح کردن شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی و با بیان این حقیقت که «خطر کمونیستی از آمریکا کمتر نیست» (۱) و این که «ما با هیچ کدام از ابر قدرت ها و قدرت ها سر سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می رویم و نه زیر بار شوروی.» (۲) موفق به گشودن چشم انداز جدیدی در فرا راه جنبش ها و مبارزات ضد استعماری شدند که نتیجه اش قطع وابستگی و استقلال کامل از هر دو ابر قدرت بود.

یکی از علل اتحاد دو ابر قدرت یاد شده در مقابل انقلاب اسلامی - علی رغم دشمنی ظاهری آنان با یک دیگر - همین مسئله بود.

### استعمار در جهان تک قطبی

با فروپاشی ابر قدرت شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، جهان تک قطبی شد و تنها، ابر قدرت آمریکا باقی ماند که هم اینک ادعای رهبری جهان را دارد و با هجوم همه جانبه نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به دیگر کشورها مشغول گسترش سلطه خویش بر همه جهان است. البته این کشور برای تسلط بر دیگر کشورها از نیروی کشورهای اروپایی و دیگر هم پیمانان خود نیز استفاده می کند و برای همراه نمودن آنان، از ثروت های غارت شده، سهم ناچیزی را نیز در اختیار آنان قرار می دهد؛ بدین ترتیب می توان امروزه آمریکا را تنها ابر استعمارگر دنیا دانست.

ص: ۳۷

---

۱- (۱). امام خمینی رحمه الله ، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۲- (۲). همان، ج ۱۵، ص ۳۳۹، ۳۶۰.

تاریخ مکتوب استعمار به دوران باستان برمی گردد و ولی آغاز استعمار به صورت گسترده، از قرن پانزدهم میلادی شروع می شود.

در قرون وسطی، اطلاعات اروپاییان از آسیا بسیار اندک بود و ولی با شروع رنسانس در اروپا تحولات عظیمی در علم و صنعت رخ داد که با استفاده از دست آوردهای آن، اروپاییان موفق به سفرهای اکتشافی و کشف سرزمین های تازه شدند و این سرآغاز جریان اروپایی کردن جهان و مبدأ استعمار جهان توسط اروپاییان گردید و پیش گام این حرکت، «پرتغال» بود که به سوی شرق پیش آمد و سپس «اسپانیا» موفق به کشف قاره آمریکا شد و آمریکا نیز به استعمار اروپاییان درآمد و بعد از این دو کشور «فرانسه» و «انگلیس» به استعمار روی آوردند و بخش های عظیمی از دنیا را به استعمار خود درآوردند. هلند نیز به استعمار روی آورد و تا بعد از جنگ جهانی دوم بخش هایی از شرق را در استعمار خود داشت. ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی و نیز روسیه به این حرکت رو آوردند و هر یک برای خود مستعمراتی دست و پا کردند و بعد از «جنگ جهانی دوم» آمریکا نیز خود به استعمارگری روی آورد و سرآمد استعمارگران شد.

با «انقلاب صنعتی»، صنعت، تحولی چشم گیر یافت که افزایش تولید را به دنبال داشت و این پدیده هم نیاز به مواد خام بیشتری را طلب می کرد و هم بازار مصرف وسیع تری را برای تأمین این دو هدف، استعمار گسترش بیشتری یافت.

پس از جنگ جهانی دوم، دو ابر قدرت آمریکا و شوروی، جهان را به دو بلوک تقسیم کردند و هر یک به بهانه حمایت از کشور طرفدار خود، به استعمار آن کشور ادامه دادند.

در حال حاضر و بعد از فروپاشی شوروی، کشور آمریکا بدون وجود رقیبی جدی به صورت ابر استعمارگر در صحنه بین المللی، به استعمار دیگر کشورها ادامه می دهد.

۱. شروع استعمار به چه زمانی برمی گردد؟
۲. جریان اروپایی کردن جهان از چه زمانی آغاز شد و چه چیزهایی اروپاییان را در این زمینه یاری کرد؟
۳. کشورهای استعمارگر اروپایی را به ترتیب نام برده و پیشگام استعمار کدام کشور بود؟
۴. «فرمان تقسیم» توسط چه کسی صادر شد و محتوای آن چه بود؟
۵. «قاره آمریکا» در چه سالی و توسط چه کسی کشف شد و چرا به «آمریکا» موسوم شد؟
۶. «انقلاب صنعتی» چگونه در گسترش استعمار موثر بود؟
۷. پس از «جنگ جهانی دوم»، دنیا چه وضعیتی داشت و کدام کشورها به استعمار کشورهای دیگر مشغول بودند؟
۸. در حال حاضر، کدام کشور به استعمار مشغول است و چگونه خویش را بر جهان گسترش می دهد؟

۱. مهدی بهار، میراث خوار استعمار، انتشارات امیرکبیر.
۲. یسری عبدالرزاق جوهری، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر.
۳. هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، مؤسسه کیهان.
۴. آلبر ماله، تاریخ قرون جدید، ترجمه فخرالدین شادمان، تهران، دنیای کتاب.
۵. کارل لوتوس بکر و فردریک دانکاف، سرگذشت تمدن، ترجمه محمد علی زهما، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. د. علاء طاهر، العالم الاسلامی فی الاستراتیجیات العالمیه المعاصره، بیروت، مرکز الدراسات العربی - الاروبی.

اهداف یادگیری فصل سوم

از فراگیر انتظار می رود در پایان این فصل:

۱. دوره های استعمار را بیان نماید.

۲. ویژگی استعمار قدیم، جدید و فرانونین را بشناسد.

۳. علت تغییر و تحول استعمار از هر دوره، دوره دیگر را بیان نماید.

۴. پیشگامان استعمار جدید را معرفی نماید.

«استعمار»، از ابتدا تا به حال دو دوره را پشت سر گذاشته است و به نظر می رسد در حال ورود به دوره جدیدی است.

### دوره نخست: استعمار قدیم

«استعمار قدیم»، یا کهنه یا کلاسیک به اولین دوره استعماری (قرن ۱۵ تا اواخر قرن ۱۹ میلادی) [\(۱\)](#) گفته می شود.

استعمار قدیم، دارای ویژگی هایی بود که آن را از دوره های دیگر متمایز می کند:

۱. به صورت آشکار و بدون پرده پوشی انجام می گرفت؛

۲. به صورت مستقیم و توسط کشور استعمارگر انجام می شد؛

ص: ۴۱

---

۱- (۱). پایان استعمار سنتی و شروع استعمار نوین را سال ۱۸۸۵ میلادی، مقارن ۱۲۶۴ هجری می دانند، سالی که کنفرانس برلین برای تقسیم آفریقا بین دول استعماری اروپا تشکیل شد؛ (امپریالیسم و عقب ماندگی، ص ۷۴)؛ نیز رجوع کنید به: سرگذشت تمدن، ص ۴۹۱.

۳. با استفاده از نیروی نظامی و اشغال کشور مستعمره همراه بود.

کم کم استعمارگران آموختند که این نوع استعمارگری عوارضی به دنبال دارد از جمله :

۱. عکس العمل مردم کشورهای مستعمره را به دنبال دارد؛ زیرا حداقل در درازمدت، مردم، تحقیر شدن توسط بیگانه و اشغال کشور خود را تحمل نمی کنند و در نهایت با آنان درگیر خواهند شد؛ شاهد آن بروز «جنبش های ضد استعماری» در کشورهای تحت استعمار است؛ خصوصاً که با راه یافتن افکار و اندیشه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به مناطق تحت استعمار، این روند شتاب بیشتری به خود می گرفت

۲. استعمارگران باید متحمل هزینه های اقتصادی لشکرکشی و کشته شدن نیروهای خود می شدند.

بنابراین، استعمارگران بر آن شدند که به استعمار کلاسیک و سنتی پایان داده و به صورتی نوین به استعمار پردازند که پیامدهای مذکور را در پی نداشته باشد.

## دوره دوم: استعمار جدید

### اشاره

#### (۱)

«استعمار جدید»، نو یا پنهان، عبارت است از نوعی استعمار که در لباسی تازه و از طریق سلطه و کنترل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، همان اهداف استعمار قدیم را تعقیب می کند.

این اصطلاح را اولین بار احمد سوکارنو، رئیس جمهور پیشین «اندونزی» در سال ۱۹۵۵ میلادی و در اولین «کنفرانس کشورهای آفریقایی و آسیایی» که بعدها به غیر متعهدها معروف شد به کار برد. (۲)

ویژگی های مهم «استعمار جدید» عبارتند از: غیر مستقیم و داخلی شدن؛ مخفی و پیچیده بودن؛ فراگیری و همه جانبه و مشارکت و هماهنگی استعمارگران با یک دیگر، که در ذیل به شرح هر یک، پرداخته می شود:

ص: ۴۲

---

۱- (۱) Neo Colonialism .

۲- (۲) . حسن علیزاده، همان، ص ۷۳.



استعمار نوین نیروهای نظامی و عوامل شناخته شده خود را بیرون کشید و دست نشانده‌گان و وابستگان سرسپرده خویش را به قدرت رساند: همان کسانی که ملیت کشور تحت استعمار را دارند و خود را دل سوزان ملت و داعیه داران تأمین منافع ملی قلمداد می‌کنند؛ ولی عملاً منافع قدرت بیگانه و کشور استعمارگر را تأمین می‌نمایند؛ این وابستگان که یا همانند شاهان و امرا، کارگزاران سیاسی استعمارند و یا همانند روشن فکران حرفه ای (۱) عمده فرهنگی آن، اولاً: الگوی حکومتی و فرهنگی خویش را از استعمارگران می‌گیرند و در کشور خود به تبلیغ و اجرای آن می‌پردازند و ثانیاً: لباس وطن پرستی و ملی گرایی به تن می‌کنند و با عناوین دل فریبی هم چون: دموکراسی، آزادی، اصلاح طلبی، جامعه مدنی، مدرنیته کردن و امثال آن ماهیت اصلی خویش را پنهان می‌کنند و خود را خیرخواه مردم معرفی می‌کنند. آنان مخالفان خود را نیز با عناوین مختلفی مانند: خشونت طلب، چماق دار، فاشیست، گروه های فشار، مخالف آزادی، مخالف اصلاحات، هرج و مرج طلب و... از میدان به در می‌کنند.

استعمارگران، شناخت، تربیت و به کارگیری نیروهای بومی طرفدار خویش را از طریق مدارس، دانشگاه ها، و دیگر مؤسسات آموزشی وابسته و تحت نفوذ و هم چنین از طریق سازمان های مخفی چون فراماسونری (۲) انجام می دهند.

جالب این است که در «استعمار سنتی»، دولت استعمارگر می‌کوشید مأموران بهتر و مؤدب تری بر مردم کشور تحت استعمار بگمارد تا کمتر احساسات مردم برانگیخته شود و از عکس العمل آنان در امان باشد؛ ولی در استعمار جدید، از آن جا که استعمار شکل غیرمستقیم دارد، فاسدترین و فرمان بردارترین نیروهای بومی به کار گمارده می‌شوند و در مقابل عصیان و شورش مردم، کاملاً از آنها حمایت می‌شود.

ص: ۴۳

---

۱- (۱). Intellectual.

۲- (۲). Freemasonry.

## اشاره

برای این که مردم کشور مستعمره از استعمار خود توسط بیگانه با خبر نشوند، استعمار جدید به صورتی دقیق، مخفی و بسیار پیچیده انجام می گیرد؛ پیچیدگی استعمار در چارچوب زیر قابل بررسی است:

### الف) اعطای استقلال ظاهری به کشور تحت استعمار

استعمار جدید چون ظاهراً قصد مداخله و فرمان روایی ندارد، نه تنها به ظاهر به کشور مستعمره استقلال می دهد، بلکه برای استقلال ملت ها یقه چاک می کند، ولی در حقیقت آنها را تحت استعمار خود دارد.

### ب) گسترش روابط فرهنگی

استعمار جدید در قالب گسترش روابط فرهنگی، سلطه خویش را به صورت یک جریان مداوم و فراگیر درمی آورد و آینده استعماری خویش را تأمین می نماید.

### ج) مدرنیزه کردن کشور مستعمره

استعمار جدید با پنهان کردن چهره زشت خود، و رای ماسک زیبای مدرنیسم، کشور مستعمره را وابسته به خود کرده و آن را تبدیل به بازار فروش کالاها و محصولات خود می کند؛ به همین جهت هیچ گاه صنایع مادر و صناعی که موجب قطع وابستگی کشورهای جهان سوم می شود، در اختیار آنان قرار نمی گیرد؛ بلکه تنها صنایع مونتاژ به این کشورها داده می شود تا همواره وابسته و نیازمند به کشورهای استعمارگر باشند.

استعمارگران و عوامل آنان، مخالفان این نوع مدرنیزم صوری را به اسم مرتجع و مخالف با ترقی سرکوب می کنند؛ برای مثال: در ایران قبل از انقلاب توسط حکومت پهلوی و در ایران بعد از انقلاب از سوی روشن فکران وابسته به غرب، روحانیون به عنوان مرتجع و مخالف با اصلاحات و مدرنیسم و... معرفی می شوند.

استعمارگران برای ایجاد زمینه چپاول و سرپوش گذاشتن بر مطامع خویش، متناسب با هر زمان از اصطلاحات گوناگونی استفاده کردند: گاهی برای توجیه هجوم

وحشیانه خود به سرزمین های دیگر پیام «تمدن» را به کار برده اند و گاهی تحت عنوان «تجارت آزاد»، «مبادله آزاد کالا»، «تقسیم کار بین المللی»، «رقابت آزاد»، «جهانی سازی» و... هم به غارت منابع دیگر کشورها روی آوردند و هم موجب تسریع در مسابقه چپاول بین قدرت های بزرگ شده اند.

### ۳- فراگیری و همه جانبه‌گی

همان طور که سابقاً اشاره شد: «استعمار سنتی» دارای دو بُعد نظامی و اقتصادی بود بدین صورت که سرزمینی توسط نیروی نظامی کشور استعمارگر اشغال می شد تا مورد بهره کشی اقتصادی قرار بگیرد و ولی «استعمار جدید» دارای ابعاد متعدد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

از نظر «سیاسی» استعمار جدید می کوشد تا هم فلسفه سیاسی و هم نظام حکومتی متناسب با استعمار را بر سرزمین مورد نظر تحمیل کند و از لحاظ «فرهنگی» می کوشد تا هویت فرهنگی ملت تحت استعمار را خدشه دار کرده و فرهنگ خویش را جایگزین آن نماید.

بُعد «فرهنگی» استعمار جدید، سبب می شود که ملت تحت استعمار، بعد از مدتی خود را بخشی از قدرت استعمارگر به حساب آورد و شخصیت اصیل خویش را فراموش کند برای مثال: در اثر استعمار فرهنگی، حقیقت بر بخشی از ملت ترکیه مشتبه شده و آنان خود را بخشی از اروپا دانسته و هویت اسلامی خویش را فراموش کرده اند. نیروهای استعمارگر نیز از این جریان سوءاستفاده کرده و از موقعیت استراتژیکی، قدرت نظامی، نیروی انسانی و منابع ترکیه به نفع خود بهره برداری می کنند. (۱)

در بین ابعاد مختلف استعمار، مهم تر از همه، بُعد فرهنگی آن است زیرا ملتی که به «استعمار فرهنگی» در آمد، در مقابل استعمار سیاسی یا اقتصادی خویش کمتر عکس العمل نشان خواهد داد.

ص: ۴۵

---

۱- (۱). برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: ابوالفضل عزتی، استعمار جدید.

یکی از ویژگی های استعمار جدید این است که با هماهنگی همه استعمارگران و مشارکت آنان صورت می گیرد و کشور استعمارگر از ناحیه دیگر استعمارگران رقیب خود آسوده خاطر است؛ به همین جهت، در دوران استعمار قدیم، بارها بین استعمارگران درگیری هایی پدید آمد و موجب دست به دست شدن کشورهای مستعمره بین استعمارگران شد: جنگ بین اسپانیا و آمریکا بر سر کوبا در فاصله سال های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۵ میلادی، لشکرکشی فرانسه و انگلیس بر سر سودان در سال ۱۸۹۸ میلادی، جنگ های متعدد «بوئرها» (۱) با انگلیسی ها در فاصله سال های ۱۸۴۳ تا ۱۹۰۲ میلادی بر سر آفریقای جنوبی و جنگ روسیه تزاری و ژاپن بر سر اشغال کره در فاصله سال های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۵ میلادی نمونه ای از جنگ های استعمارگران با یک دیگر است. (۲)

در دوران استعمار جدید، این نوع درگیری ها به حداقل رسیده است و در عوض، استعمارگران در اتحادیه های بین المللی به نام شرکت های چند ملیتی یا بازار مشترک و امثال آن به چپاول کشورهای ضعیف می پردازند.

#### پیشگامان استعمار جدید

کشورهای فرانسه و ایتالیا را می توان پیشگامان استعمار جدید خواند؛ زیرا نخستین بار فرانسویان بودند که در کشورهای تحت سلطه خود از نیروهای بومی استفاده کردند و به استعمار فرهنگی نیز دست زدند.

فرانسویان در دوران استعمار خود در هندوستان، در نیمه اول قرن هجدهم میلادی، لشکری از هندی ها تشکیل داده و آن را به شیوه اروپایی تربیت کردند که به آنان سیپایی (۳)

ص: ۴۶

---

۱- (۱). بوئرها، استعمارگران هلندی بودند که مدت ها پیش از انگلیسی ها، وارد آفریقای جنوبی شده و آن جا را استعمار کرده بودند.

۲- (۲). کارل. ل. بکر، همان، ص ۵۰۵ به بعد

۳- (۳). سیپایی، به معنای سپاهی است و نامی است که به سربازان تربیت شده، مطابق اسلوب اروپایی اطلاق می شد.

می گفتند؛ این نیروی نظامی، پاسداری از منافع استعماری فرانسه را در هند بر عهده داشت. (۱)

فرانسه در کنار اهداف اقتصادی، زبان و فرهنگ فرانسوی را هم وارد کشور استعمار زده می کرد و معتقد بود که از این طریق مردم کشور مستعمره در مقابل آنان سر تعظیم فرود می آورند و تسلیم می شوند و بدین وسیله کشور استعمار زده ذوب در فرانسه می شود. (۲)

نمونه دیگری از استعمار فرهنگی فرانسه تشکیل بنیاد مصر است؛ این بنیاد که به ظاهر انجمنی علمی برای پژوهش در تاریخ و فرهنگ مصر باستان بود، توسط ناپلئون تشکیل گردید و به تقویت سیاست فرهنگی فرانسه در مصر کمک شایانی نمود؛ زیرا به واسطه همین بنیاد بود که گروهی از برجسته گان دانش و فرهنگ فرانسه مانند: کلو (۳)، سریزی (۴)، لینان (۵) و روسه (۶) و دیگران به مصر فرستاده شدند که همگی با شدت و حرارت در آشنا کردن مصریان با فرهنگ فرانسه می کوشیدند. (۷)

ایتالیا نیز بعد از فرانسه از پیشگامان استعمار جدید به حساب می آید. (۸) ایتالیایی ها وقتی برای اشغال لیبی می رفتند، هدفشان تنها غارت منابع اقتصادی آن جا نبود، بلکه شعار می دادند: «من با شادمانی و خوش حالی به طرابلس می روم تا خونم را در راه نابودی امت ملعون هدیه کنم و با دین اسلام بجنگم و به زودی با همه توانم برای محو قرآن خواهم جنگید». (۹)

البته ایتالیایی ها و فرانسوی ها به آداب و رسوم مردم کشورهای تحت استعمار اعتنایی نمی کردند و لذا مردم، سریع تر بر ضد آنان تحریک می شدند، بر خلاف انگلیس که به آداب و رسوم کشورهای تحت استعمار توجه داشت؛ مثلاً: نیروهای انگلیسی

ص: ۴۷

۱- (۱). میراث خوار استعمار، ص ۲۵۵

۲- (۲). رجوع کنید به: د. علاء طاهر، همان، ص ۳۲۶، ۳۲۷ و ۳۶۲ به بعد.

۳- (۳). Clot.

۴- (۴). Cerisi.

۵- (۵). Linant.

۶- (۶). Rousset.

۷- (۷). حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۲۳.

۸- (۸). د. علاء طاهر، همان، ص ۳۸۴.

۹- (۹). نجاح عطاء الطائی، الفكر القومي اسلامياً و تاريخياً، ص ۳۸.

وقتی در جنگ جهانی اول وارد عراق شدند فرمانده آنان دستور داد تا سربازان متعزّض زنان نشوند، چون در غیر این صورت غیرت عراقی ها به جوش می آید.

### دوره سوم : استعمار تلفیقی یا فرانویین

از ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، استعمار وارد مرحله تازه ای گردید که هنوز نام خاصی بر آن نهاده نشده، ولی چون از شیوه های هر دو نوع استعمار قدیم و جدید بهره می برد، می توان آن را استعمار تلفیقی و بدین جهت که از استعمار جدید یک مرحله پیشرفته تر و پیچیده تر است می توان آن را استعمار فرانویین نام نهاد.

این نوع استعمار با حمله آمریکا و بعضی اعضای دیگر پیمان ناتو به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی شروع شد و با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی گسترش یافت؛ در این نوع استعمار هم از نیروهای بومی وابسته استفاده می شود و هم از نیروی نظامی استعمارگران. این امر نشانگر اشتهای سیری ناپذیر و خوی تجاوزگری قدرت های استعمارگر است؛ استعمارگران از آن جا که روش های استعمار جدید را برای چپاول دیگر کشورها کافی نمی دانند، بدین جهت که گاهی عوامل بومی آنان ممکن است به آنان نارو بزنند و خواسته های آنان را تأمین نکنند و یا حکومت های مردمی در این مناطق شکل گیرد و جلو چپاول آنان را بگیرد، لذا به این شیوه روی آورده اند، تا با غارت منابع این کشورها مشکلات اقتصادی خویش را برطرف نمایند.

در حال حاضر کشورهای چپاول گر، علاوه بر غارت نفت عراق ماهیانه مبالغ هنگفت و دور از باوری به عنوان حقوق سربازان و مخارج آنان از کشورهای عرب دریافت می کنند.

در این نوع استعمار، مزدوران و عوامل بیگانه به طور مستقیم از سوی استعمارگران به کار گماشته نمی شوند بلکه طی یک انتخابات روی کار می آیند، اما، انتخاباتی که رأی مردم با ثقل و نیرنگ نادیده گرفته می شود و کسانی به نام منتخب مردم بر سر کار می آیند که مطابق خواست استعمارگران باشد؛ هم چنان که شاهد بودیم در بعضی

کشورهای آسیایی گرچه به ظاهر انتخابات برگزار گردید ولی کسانی از صندوق رأی بیرون آمدند که موافق خواست استعمارگران بود. ظاهر کار، دموکراسی است، ولی باطن و واقع آن حاکمیت مطلق بیگانه است.

هم چنین در این نوع استعمار، ابتدا سعی می شود با تبلیغات گسترده بر ضد کشور مورد نظر به اصطلاح خودشان یک اجماع جهانی بر ضد آن کشور به وجود آورند تا جامعه بین المللی در مقابل یورش به کشور مورد نظر عکس العمل مخالفی نشان ندهد و سپس با همکاری قدرت های بزرگ، کشور مورد نظر را مورد یورش قرار می دهند حتی گاهی برای ایجاد زمینه بهانه جویی و تحقق اهداف خود، فرد یا گروهی را در منطقه ای روی کار می آورند تا دست به اقدامات خشونت بار بزنند تا بدین وسیله موفق شوند یک نارضایتی بین المللی را در مورد منطقه و کشور هدف، ایجاد نموده و یا جامعه جهانی، درباره آن احساس خطر نماید. همان طور که در افغانستان شاهد بودیم که گروه طالبان با همکاری سه کشور آمریکا، عربستان و پاکستان به وجود آمد و یا گروه القاعده توسط یکی از همکاران تجاری قدرتمند آمریکا تأسیس شد و دست به اقدامات تند و خشونت باری زد و یا به نام آنها عملیات تروریستی انجام شد تا بهانه لشکرکشی به افغانستان فراهم شود. آنان هم چنین در عراق، اعمال صدام را بهانه هجوم به این کشور قرار دادند با این که قبلاً خود، صدام را تقویت نموده و دست او را برای تجاوز به دو کشور ایران و کویت باز گذاشته بودند.

هم چنین نسبت دادن عملیات بسیار خشونت بار و ضدانسانی به مسلمانان عراقی در سربریدن افراد کشورهای غربی و... و نیز ایجاد اختلاف و کشمکش های قومی و مذهبی همه دسیسه هایی از این دست می باشند تا آمریکا با توسل به آنها، حضور خویش را در عراق توجیه نماید.

«استعمار» تا به حال دو دوره را پشت سر گذاشته و وارد مرحله سوم شده است :

۱. «استعمار قدیم» که از قرن ۱۵ تا ۱۹ میلادی ادامه یافت؛ در این نوع، استعمار، به صورت آشکار و مستقیم و با استفاده از نیروی نظامی و اشغال کشور مستعمره انجام می شد.

۲. «استعمار جدید» که اولین بار توسط احمد سوکارنو به کار رفت؛ این نوع استعمار به صورت غیر مستقیم و توسط نیروهای داخل، توأم با پیچیدگی انجام گرفته و همه جانبه و فراگیر است و در فرایند آن، استعمارگران با یک دیگر مشارکت دارند؛ آنان بدین منظور نیروهای مورد نظر خود را از طریق مؤسسات آموزشی و سازمان های سیاسی شناسایی و تربیت می کنند و به کار می گیرند.

پیشگامان استعمار جدید، کشورهای فرانسه و ایتالیا هستند؛ زیرا این دو کشور علاوه بر اهداف اقتصادی، زبان و فرهنگ کشور تحت استعمار را نیز تغییر می دادند.

۳. استعمار تلفیقی یا فرانویین؛ این شیوه استعماری از ابتدای قرن ۲۱ میلادی با هجوم به افغانستان و عراق آغاز گردید؛ در این نوع از استعمار، هم از نیروی بومی استفاده می شود و هم نیروی بیگانه؛ نیروهای بومی از طریق یک انتخابات و به ظاهر، توسط مردم انتخاب می شوند و به نام دموکراسی روی کار می آیند؛ ولی در حقیقت نیروی بیگانه هستند.

در این نوع استعمار، زمینه هجوم به کشور مورد نظر توسط خود استعمارگران و با استفاده از عوامل آنان فراهم می شود.



۱. «استعمار قدیم» از چه ویژگی هایی برخوردار بوده و در چه تاریخی برقرار بود؟
۲. ویژگی های «استعمار جدید» را بیان نموده و این اصطلاح اولین بار توسط چه کسی به کار رفت؟
۳. پیچیدگی استعمار در چه چارچوبی اجرا می شود؟
۴. استعمار جدید، تحت چه عناوینی به استعمار کشورها مشغول است؟
۵. چند جنگ استعماری را که بین استعمارگران واقع شد با ذکر تاریخ نام ببرید.
۶. پیشگامان استعمار جدید را نام ببرید.
۷. «استعمار فرانونین» یا «تلفیقی» از چه زمانی شروع شد و از چه شیوه هایی استفاده می کند؟

۱. علاء طاهر، العالم الاسلامی فی الاستریتجیات العالمیه المعاصره، د. بیروت، مرکز الدراسات العربی، الاروبی.
۲. نجاح عطاء الطائی، الفكر القومي اسلامياً و تاريخياً، تهران، معاونت روابط بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳. حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۴. همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، نشر قومس.
۵. کارل لوتوس بکر و فردریک دانکاف، سرگذشت تمدن، ترجمه محمد علی زهما، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۶. ابوالفضل عزتی، استعمار جدید، تهران، انتشارات هدی.
۷. چالز رینولدز، وجوه امپریالیسم، ترجمه حسین سیف زاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. جک وودیس، مقدمه ای بر استعمار نو (امپریالیسم نوین) در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، ترجمه سعید روحانی، انتشارات پیروز.
۹. کوامی نکروما (قوام نکرومه)، الاستعمار الجدید، آخر المراحل الامبریالیه، ترجمه عبدالحمید حمدی.

اهداف یادگیری فصل چهارم

از فراگیر انتظار می رود در پایان این فصل :

۱. عوامل زمینه ساز و تداوم استعمار را معرفی نماید.

۲. تاریخچه پیدایش هر یک از عوامل را بیان کند.

۳. ویژگی های فکری هر یک از عوامل را بشناسد.

۴. شیوه کار هر یک از عوامل را معرفی نماید.

۵. تأثیر کار هر یک از عوامل را در کشورهای تحت سلطه بیان کند.

استعمار، برای تحقق اهداف خود پیش از هر چیز، نیازمند زمینه سازی است؛ در تحقق زمینه های استعمار، گام نخست شناخت کشور مورد نظر و ویژگی های مذهبی، فرهنگی و قومی مردم آن و گام بعدی، استقرار و تداوم استعمار است؛ برای تحقق این امر، استعمار هم از نیروهای بومی کشور مستعمره کمک می گیرد و هم از نیروهای بیگانه؛ مهم ترین گروه هایی که در تحقق این مهم، استعمار را یاری می رسانند عبارتند از :

### ۱- هیأت های تبلیغی مسیحی

(۱)

اعزام هیأت های میسیونری و تبلیغی از ظاهری دینی و خیرخواهانه برخوردار است، ولی باطنش حرکتی استعماری است؛ زیرا اولین کسانی که در زیر ماسک تبلیغ دین

ص: ۵۳

وارد کشورهای غیر اروپایی شده، این کشورها را مورد شناسایی قرار داده و فرهنگ استعماری را در میان آنها گسترش دادند، همین هیأت های تبلیغی بودند.

احمد سکوتوره پیرامون همین موضوع می گوید :

مسیون های مذهبی و کشیش های سفید پوست از بدترین دشمنان کشورهای آفریقایی هستند و زیر نقاب کشیش به عملیات جاسوسی به نفع استعمار مبادرت می کنند و به همین دلیل است که آفریقای زخم خورده از کلیسا، سیل آسا به سوی کعبه اسلام آزادی بخش پناه می آورد. (۱)

سابقه اعزام هیأت های تبلیغی مسیحی به قرن ۱۳ میلادی بازمی گردد؛ در ابتدای قرن ۱۳ «مغولان» تصمیم به جنگ با شرق اروپا گرفتند و حرکت هایی هم در این رابطه انجام دادند؛ به همین سبب، پاپ و پادشاه فرانسه، دو هیأت تبلیغی به سرزمین مغول ها فرستادند تا آنان را به دین مسیحیت در آورند و به این وسیله آنها را به مقابله با ترک ها، که هم چون سدی در مقابل هجوم اروپاییان به خاورمیانه بودند، وادار سازند؛ کار این دو هیأت برای اروپاییان اهمیت زیادی داشت؛ زیرا آنان در پوشش کار تبلیغی مهم ترین اکتشافات اروپایی را در مورد بخشی از آسیا در قرون وسطی انجام دادند و اطلاعات بسیاری از طریق آنان درباره آسیای میانه به کشورهای اروپایی منتقل شد.

گروه نخست در سال ۱۲۴۵ میلادی به رهبری یک فرانسوی به نام کارپینی (۲) اعزام شد و هدفش رساندن پیام دعوت به مسیحیت از سوی پاپ به «خان مغول» بود؛ کارپینی در بازگشت به اروپا، هرچه را در راه دیده بود، دقیقاً توصیف کرد.

هیأت تبشیری دوم به رهبری ویلیام روبرک (۳) از سوی لویی چهارم پادشاه فرانسه که فرمانده ششمین «جنگ صلیبی» بود به همان منطقه مأموریت کارپینی اعزام شد و در سال ۱۲۵۴ میلادی به کشورش بازگشت. (۴)

ص: ۵۴

---

۱- (۱) . حسن نامی، عمله استعمار، ص ۱۴۱ (پی نوشت ها).

۲- (۲) . Johnde Plano Carpini

۳- (۳) . William Rubiruk

۴- (۴) . یسری عبدالرازق جوهری، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی زاده و احمد برادری، ص ۸۶.

در ارتباط با مسلمانان نیز اعزام هیأت های تبلیغی مسیحیت در ادامه جنگ های صلیبی و به عنوان سر آغاز یک جنگ فرهنگی بر ضد اسلام آغاز گردید و در قرن هفدهم شدت یافت: در سال ۱۶۲۷ میلادی در ایتالیا مدرسه ای اختصاصی برای دعوت بر ضد اسلام تأسیس شد؛ در سال ۱۷۳۲ میلادی مدرسه عالی زبان های شرقی در «نابلس» تشکیل گردید با این هدف که مبلغان مسیحی، زبان های شرقی را فرا گیرند؛ در برلین و آکسفورد نیز به دستور پاپ رشته های زبان عربی و در سال ۱۹۲۱م. مدرسه شرقی ایتالیا تشکیل شد. (۱)

مبلغان مذهبی از طریق تبلیغ دین تحریف شده مسیحیت، ایجاد مراکز خیریه و مراکز تعلیم و تربیت، ترجمه کتاب، طبابت و... در گسترش فکر و فرهنگ غربی و تحقق اهداف استعماری گام های بلندی برداشتند.

از سال ۱۲۷۹هـ.ق. (۱۸۶۳م.) تا ۱۲۹۷هـ.ق. (۱۸۷۹م.) نزدیک به هفتاد و هشت مدرسه فرانسوی، آمریکایی، ایتالیایی، یونانی و آلمانی از جانب هیأت های مبلغ مذهبی این کشورها در «مصر» بنیاد یافت؛ پنجاه و دو درصد از محصلان این مدارس، مصری بودند و تأسیس این مرکز، تأثیر زیادی در فرهنگ مصر داشت. (۲)

در «سوریه» نیز تا سال ۱۹۱۲م. از جانب سی و هشت مؤسسه تبلیغ مسیحیت صد و هفتاد و چهار مدرسه تأسیس گردید. (۳)

باید توجه داشت که هیچ یک از این مدارس و مؤسسات آموزشی، به قصد ترویج علم تأسیس نشده اند؛ یکی از بنیان گذاران «دانشگاه آمریکایی بیروت» می گوید:

هدف از تأسیس دانشگاه آمریکایی بیروت، خدمت کردن به دانش نیست، بلکه هدف، نشر مذهب پروتستانی است. (۴)

تشکیل مدارس مذکور برای جبران ضعف مبلغان مسیحی بود؛ یکی از قطب های میسیونری می گوید:

ص: ۵۵

---

۱- (۱). عبدالامیر الارشدی، الاسلام و دسائس الاستعمار، چ ۱، بی جا، بی تا، ۱۴۰۰ ق.، ص ۳۶.

۲- (۲). حمید عنایت، همان، ص ۲۶

۳- (۳). عبدالامیر الارشدی، همان، ص ۴۳

۴- (۴). همان، ص ۳۹

مبلغان مسیحی از این که می بینند نتیجه کارشان نسبت به مسلمانان ضعیف است نباید ناامید شوند؛ زیرا آن چه ثابت است این است که در بین مسلمانان دل بستگی شدید به زندگی غربی و آزادی زنان پیدا شده و زن درس خوانده مسلمان (که طبق نظام آموزشی غرب درس خوانده باشد) دورترین فرد جامعه اسلامی از تعلیمات دینی و تواناترین فرد در دور کردن نسل جدید مسلمانان از دین است. (۱)

مبلغان مسیحی با هدف تبلیغ بر ضد اسلام در همه جا نفوذ کردند؛ هنری لامانس می گوید :

مبلغان مسیحی حتی در داخل دانشگاه الازهر مصر نیز رسوخ کردند. (۲)

با همه این تلاش ها، مبلغان مسیحی در مسیحی کردن مسلمانان موفقیت چشم گیری نداشتند، این بود که همّتشان را بر این قرار دادند که دیگران را مسیحی کنند و در مقابل اسلام نیروی واحدی تشکیل دهند؛ آنان به هر وسیله ای دنبال از بین بردن اسلام بودند.

ساموئل زیمر در سال ۱۹۲۶م. چنین نوشته است :

من دعوت به مسیحیت را در مناطق مختلفی از کشورهای اسلامی تجربه کرده ام و از همه تجربه هایم به این نتیجه رسیدم که راهی را که ما در پیش گرفته ایم برای ما سودی ندارد و ما را به آن هدف بزرگی که داریم نمی رساند؛ ما کتاب های زیادی نوشتیم، خطابه های زیادی ایراد کردیم، مبالغ هنگفتی خرج کردیم؛ ولی موفق نشدیم مسلمانی را از دین به درکنیم. لذا قبل از اینکه مسیحیت را در دل مسلمانان بنا گذاریم، باید اسلام را در جان آنان نابود کنیم؛ زیرا اگر اسلام در جان آنان بخشکد، بنیان گذاشتن مسیحیت برای ما و کسانی که بعد از ما می آیند، آسان خواهد بود. (۳)

مبلغان مسیحی در شناسایی جهان اسلام و جاسوسی برای استعمار نیز زحمت های زیادی کشیدند. اخبار فرستاده شده از سوریه توسط مبشران در بین سال های ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۲ میلادی، سیزده جلد ضخیم از یک مجموعه سی و هشت جلدی است.

(۴)

ص: ۵۶

---

۱- (۱) . همان، ص ۵۳.

۲- (۲) . همان، ص ۳۷.

۳- (۳) . همان، ص ۳۸.

۴- (۴) . همان، ص ۳۹.

دومین گروه که هم زمینه ساز استعمار به حساب می آیند و هم تداوم بخش آن، شرق شناسان هستند؛ در این رابطه بیش از هر چیز شناخت مفهوم «شرق شناسی» حائز اهمیت می باشد.

### مفهوم شرق شناسی

پدیده «شرق شناسی» - گرچه غربیان سعی کرده اند آن را یک رشته علمی معرفی کنند - یک دانش نیست، بلکه فرایندی مطالعاتی است که هدف همه آنها شناخت سرزمین ها، ادیان و مذاهب، خصوصیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و ملی مردم مشرق زمین، برای تسلط بر آنهاست.

در حقیقت می توان گفت: شرق شناسی پیامد نوعی توطئه شرورانه امپریالیسم غربی برای سرکوب و تحقیر جهان شرق است؛ لذا بعضی چراغ داران استعمار یا چراغ باشی های استعمار (۲) و رویکرد دیگر آنها را نویسندگان ایرانی «مستشرقان» را فانوس کشان استعمار (۳) نام نهاده اند؛ البته این پدیده، گرچه نام «شرق شناسی» به خود گرفته است، ولی مختص کشورهای شرقی نیست، بلکه شامل همه کشورهای عقب مانده می شود. همچنان که این نوع مطالعات مختص کشورهای استعمارگر غربی نیست، بلکه استعمارگران شرقی نیز همین مطالعات را درباره کشورهای عقب مانده ای که استعمار آنها ممکن است، انجام داده اند؛ مثلاً: عمل کرد مارکسیست های وابسته به شوروی سابق در کشورهای اسلامی و درباره اسلام و مسلمانان نیز در این زمره قرار می گیرند، حتی کار مطالعاتی افرادی همانند ایزوتسو، پژوهشگر ژاپنی، (۴) نیز گرچه جنبه استعماری ندارد،

ص: ۵۷

۱- (۱) .Orientalism

۲- (۲) . انجوی شیرازی، مجله نگین، شماره ۸۵، سال ۱۳۵۱ش، ص ۵ - ۷.

۳- (۳) . کیهان، (۱)؛ مجله نگین، شماره ۸۶، سال ۱۳۵۱.

۴- (۴) . دکتر توشی هیکو ایزوتسو دو تألیف دارد یکی به نام خدا و انسان در قرآن توسط آقای احمد آرام به فارسی ترجمه شده است و دیگری تحت عنوان مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، توسط فریدون بدره ای به فارسی برگردانده شده است.

ولی جزو مطالعات شرق شناسانه قرار می گیرد؛ اما از آن جا که کشورهای شرقی برای اروپاییان استعمارگر ناشناخته بودند و این پدیده از سوی غربیان در ارتباط با آنان شروع شد، نام «استشراق» بر خود گرفت.

## تاریخچه شرق شناسی

تاریخ دقیق شرق شناسی معلوم نیست، ولی شاید بتوان گفت به دوره بعد از فتح «آندلس» توسط مسلمانان می رسد؛ زیرا از همین دوره بود که بعضی از راهبان مسیحی آندلسی، ابتدا شروع به آموختن عربی کردند و بعد بعضی کتاب های مسلمانان را به زبان های اروپایی ترجمه نمودند. (۱)

این دوره به دوره ترجمه و نقل موسوم شده که به مدت چند سده اروپاییان عقب مانده در طی آن با فرهنگ اسلام آشنا شدند و آثار آنان را به زبان های اروپایی ترجمه کردند.

ایمون اسکف شهر «طلیطله» یکی از شهرهای مهم «آندلس» از جمله مترجمان علوم اسلامی و عربی به لاتین است؛ هم چنان که ژیرارد کریمون از این افراد است که بیش از هشتاد کتاب را به لاتین ترجمه کرد. (۲)

آن چه تاکنون بیان شد، در ارتباط با شناخت اسلام و جهان اسلام به عنوان بخشی از شرق بود؛ اما در ارتباط با سایر بخش های شرق نیز در سال ۱۲۵۵ میلادی دو تاجر ونیزی به نام های نیکولای (۳) و مافیوپولو (۴) به «پکن» عزیمت و چهارده سال در کشور «چین» اقامت کرده و سپس به «فلسطین» بازگشتند و در ضمن ارائه گزارشی برای پاپ عنوان نمودند که آنان به قاره آسیا و مناطقی پا گذاشتند که پای هیچ اروپایی تا آن هنگام به آن جا نرسیده بود؛ این دو تاجر دریانورد باردیگر در سال ۱۲۷۱ میلادی به خاور دور برگشتند و در این سفر مارکوپولو پسر نیکولای را نیز با خود به همراه آوردند و این همان کسی است که کتابی درباره شرق به نام پادشاهی ها و شگفتی های خاور نوشت. (۵)

ص: ۵۸

۱- (۱). مصطفی السباعی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، ص ۱۲.

۲- (۲). ابوالفضل شکوری، جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، ص ۲۷۷.

۳- (۳). Nicolo.

۴- (۴). Maffeoplo.

۵- (۵). یسر بن عبدالرزاق جوهری، همان، ص ۸۹.



این مطالعات بعدها توسط جهان گردان، دریانوردان، تجار و بازرگانان ادامه یافت و حجم عظیمی از اطلاعات در مورد شرق جمع آوری گردید؛ تا حدی که حدس زده می شود بین سال های ۱۸۰۰ تا ۱۹۵۰ میلادی حدود شصت هزار کتاب در غرب پیرامون خاور نزدیک به رشته تحریر درآمده است. (۱)

امروزه نیز علاوه بر سازمان های متعددی که عهده دار امر «شرق شناسی» هستند، بعضی سازمان های جهانی مثل یونسکو نیز در صدد انجام مطالعاتی در این زمینه هستند. علاوه بر این، وابستگان سفارت خانه های کشورهای غربی که تحت عنوان رایزن فرهنگی در کشورهای شرقی به سر می برند نیز به بهانه های مختلف به شرق شناسی و جمع آوری اطلاعات درباره شرق مشغول هستند.

امروزه در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی غرب و به ویژه آمریکا، بخش عظیم و روزافزونی از امکانات، به مطالعه و شناخت مناطق جهان و به ویژه شرق، اختصاص یافته و شاخه ای از مطالعات سیاست و منافع ملی آن دیار را تشکیل می دهد؛ در آمریکا، سهم قابل ملاحظه ای از توجه عمومی، معطوف به شرق است. (۲)

بر همه اینها ماهواره را نیز باید افزود، که امروزه در خدمت استعمارگران است؛ زیرا اخیراً ماهواره Landsat «ناسا» قادر است داده هایی را درباره منافع یک کشور جمع آوری کند بدون این که آن کشور بتواند از طریق گیرنده های مایکروویوی خود از آن آگاه شود. اطلاعاتی درباره ذخایر نفتی، سطح زیر کشت و منابع معدنی، همان اندازه که برای کشورهای توسعه یافته اهمیت دارد، برای مؤسسات خارجی و داخلی نیز حائز اهمیت است؛ هم چنین مؤسسات خارجی، بر مبنای اطلاعات، در مورد سرمایه گذاری هایشان در کشورهای جهان سوم تصمیم گیری می کنند؛ برای مثال: با بهره گیری از چنین داده هایی، شرکت های معدنی می توانند زمین های مورد نظرشان را به قیمت نازل تر به دست آورند قبل از این که دولت از ارزش واقعی زمین ها با خبر شود. (۳)

ص: ۵۹

---

۱- (۱). ادوارد سعید، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۳۶۷.

۲- (۲). همان، ص ۵۵.

۳- (۳). ویلیام جیمز استور، تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم، آیا تکنولوژی اطلاعات می تواند به توسعه ملی شایسته انسان منجر شود، ترجمه رضا نجف بیگی و اصغر صرافانی زاده، ص ۱۵۰.

از اوایل قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم، فرانسه و انگلیس بر شرق و مطالعات شرق شناسی سلطه کامل داشتند و ولی بعد از جنگ جهانی دوم، آمریکا بر شرق مسلط شده و هم اینک به آن با همان چشمی می نگرد که روزگاری انگلیس و فرانسه می نگریستند. (۱)

### انگیزه شرق شناسان

برخی پنداشته اند که پژوهش های شرق شناسان در مورد شرق، عموماً و در مورد اسلام، خصوصاً، به طور عمده ناشی از روح حقیقت جوئی آنان بوده است و حتی مسلمانان را مدیون آنان دانسته اند و از زحمات آنان برای ترویج اسلام در جهان غرب تشکر کرده اند. (۲) ولی دقت در تاریخ «شرق شناسی»، غیر صحیح بودن این عقیده را روشن می کند زیرا روند مطالعاتی پیرامون شناخت شرق، با انگیزه ای کاملاً سیاسی و استعماری صورت گرفته است.

یکی از مسلمانان محقق در زمینه شرق شناسی نقل می کند :

لویی نهم رهبر هشتمین جنگ صلیبی، بعد از شکست در «منصوره» به این نتیجه رسید که مسلمانان از روحیه ایثار و شهادت طلبی برخوردارند و از مرگ هراسی ندارند و جهاد را امری مقدس می دانند و با این اوضاع و احوال، شکست دادن آنان از نظر نظامی امری محال است. لذا برای مقابله با مسلمانان باید شیوه دیگری در پیش گرفت که در اثر آن مسلمانان اصولاً از جهاد و مبارزه دوری جویند و جهاد در میان آنان به صورت یک شعار ادبی محض در آید و این هدف میسر نخواهد شد، مگر این که مسیحیان برای شناخت دین اسلام نیرو بگذارند و آن را از مفاهیم اصلی خود تهی نمایند و در این صورت است که مسلمانان با مسیحیان کنار خواهند آمد و تسلیم آنان خواهند شد. (۳)

به دنبال این مسئله بود که پدیده شرق شناسی، گسترش یافت و آموزش زبان های شرقی و اسلامی در کشورهای اروپایی رایج گردید.

ص: ۶۰

۱- (۱). ادوارد سعید، همان، ص ۱۸.

۲- (۲). رجوع کنید به: حسین عبداللهی خوروش، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۵۹۸.

۳- (۳). انور الجندی، الاسلام فی وجه التفویب و الاستشراق، جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، ص ۲۷۸.

مقامات فرهنگی دانشگاه کمبریج انگلستان در مورد تأسیس کرسی زبان عربی در آن دانشگاه و انگیزه آن، در نامه ای به بنیان گزاران دانشگاه چنین نوشته اند :

...کاری که ما طرح آن را در ذهن می پرورانیم، تنها به منظور آن نیست که معلومات ادبی دانشجویان را با آموختن این زبان پردامنه (عربی) گسترش بدهیم، بلکه هدف خدمتگزاری به شاه و دولت است، که به وسیله معاملات بازرگانی ما با ملت های شرقی و هم چنین جلب رضایت خدا از طریق توسعه مرزهای کلیسا، تأمین می گردد، تا مردمی که در آن دیار تاریکی به سر می برند، به آیین مسیحیت در آیند. (۱)

این سند به خوبی می تواند، انگیزه اصلی شرق شناسان را روشن نماید.

## محورهای کار شرق شناسان

### اشاره

در این بخش، محورهای کار شرق شناسان را در دو زمینه شرق به طور عموم و اسلام و مسلمانان به طور خصوص، مورد بررسی قرار می دهیم :

### الف) محورهای کار شرق شناسان در زمینه شرق

شرق شناسی از ابتدای ظهور و پیدایش با گرایشاتی چون : عرب شناسی، ایران شناسی، هندشناسی، اسلام شناسی، بوداشناسی و محورهای متعدد دیگر شروع به کار کرد و ولی محورهای اساسی کار شرق شناسان، بیشتر شناخت مشرق زمین از دیدگاه جغرافیایی و اقتصادی، مطالعه در افکار و اندیشه های مردم مشرق زمین برای شناخت میزان حساسیت و توان مقابله آنان با استعمار و تجاوزات خارجی و نقاط قوت و ضعف آنان است.

معمار بزرگ «انقلاب اسلامی» و آگاه ترین رهبر ضد استعمار حضرت امام خمینی رحمه الله در سخنانی که در جمع نابینایان مدرسه ابابصیر اصفهان ایراد فرمودند در مورد شرق شناسان، انگیزه و محور کار آنان چنین فرمودند :

از وقتی که غربی ها راه پیدا کردند به شرق، از سال های بسیار قدیم، شاید حدود قریب سیصد سال که اینها راه پیدا کرده اند به ایران، کارشناسان خودشان را فرستادند و مطالعه کردند ایران را و شرق را تنها نه ایران را، همه شرق را

ص: ۶۱

---

۱- (۱). طیب‌اوی، خاورشناسان انگلیسی زبان، ترجمه سید خلیل خلیلیان، ص ۷، به نقل از : جریانشناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، ص ۲۸۰.

مطالعه کردند: یک قسم مطالعات در خصوص زمین های این جا، معادن این جا... ذخایر زیرزمینی این ممالک شرقی... بوده است که در آن وقتی هم که این وسایل نقلیه حالا نبوده است، در تاریخ هست که اینها با شتر می رفتند و حتی آن بیابان های بی آب و علف را هم گردش می کردند و لابد نقشه برداری می کردند و معادنی که در این ممالک است، آنها با نقشه برداری ها و با وسایل علمی که داشتند اطلاع بر آنها پیدا می کردند.

من در یک سالی که (خیلی سابق) همدان بودم یکی از آشنایان ما یک ورقه ای آورد که تقریباً حدود یک متر بیشتر، راجع به نقشه همدان بود که آنها نقشه کشی کرده بودند و روی آن نقشه نقطه هایی به رنگ دیگری زیاد بود، آن آقا که این را آورد گفت: "این نقطه ها هر یک علامت این است که در این ده، و در این بیابان یک معدنی است، یک ذخیره زیرزمینی هست."

این یک قسم مطالعاتشان بوده است که بفهمند این ممالک شرقی چه دارند، چه چیزهایی هست که می شود از آنها استفاده کرد و چپاول کرد. یک مطالعات دیگر راجع به عقاید این مردم بوده است و این که عقایدی که اینها دارند تا چه حدودی می تواند فعالیت داشته باشد و تا چه حدودی می تواند جلوگیری کند از چپاولگری... که [ در این باره هم ] مطالعات دامنه داری داشتند.

یک صنف مطالعاتشان هم، مطالعات [ درباره ] روحیات گروه های مختلفه ای است که در این ممالک بوده اند که حالا مملکت خودمان را حساب کنیم: [ درباره ] ایل هایی که در مملکت ما بوده، عشایری که بوده است، مطالعه کردند، در بین این عشایر رفته اند، با آنها صحبت کرده اند، روحیات آنها را مطالعه کرده اند که ببینند اینها هر کدام را... [ چگونه ] می شود مهار کرد.

... شرق را تماماً مطالعه کرده اند که باید چه جور این شرق را چپاید و چه قدرت هایی می تواند جلو این چپیدن را بگیرد و چه جور باید این قدرت ها را مهار کنند. (۱)

آن چنان که از سخنان حضرت امام رحمه الله می توان دریافت، ایشان به سه محور اساسی در مطالعات شرق شناسی اشاره فرمودند که عبارتند از:

۱. مطالعات جغرافیایی، اقتصادی و نقشه برداری از زمین

ص: ۶۲

۲. مطالعه در افکار و اندیشه های مردم مشرق زمین برای درک میزان حساسیت و توان مقابله آنان در برابر تجاوزات خارجی و استعمارگراییانه؛

۳. مطالعات در نقاط قوت و ضعف مردم مشرق زمین و شناخت راه های نفوذ در آنان.

## شرق در نگاه شرق شناسان

### اشاره

تصویری که شرق شناسان از شرق ارائه کرده اند گرچه همواره هماهنگ و برخوردار از روحی واحد بوده است، ولی از جنبه تکاملی آن در تبدیل شدن هویتی استعماری، دارای مراحل است.

مرحله نخست: ابتدا سعی شرق شناسان بر این بود که شرق را سرزمینی افسانه ای و عقب مانده ارائه و معرفی کنند. ادوارد سعید - که یک مسیحی اهل فلسطین و بزرگ شده مصر بوده و در آمریکا زندگی می کرد و در همان جا نیز زندگی خود را به پایان برد - در تحقیقاتی که در مورد شرق شناسی انجام داده است می گوید:

تحقیقات شرق شناسی، همگی مطالبی از قبیل جدایی سرزمین شرق، عجیب و غریب بودن آن، عقب ماندگی و انفعال خاموش، قابلیت نفوذ در جنس مؤنث و سرانجام سازگاری سست و بی حالانه آن را مسلم فرض کرده و دست نخورده باقی گذاشته اند. (۱)

بدین خاطر است که همه کسانی که درباره شرق مطلب نوشته اند از رنان تا مرکس و یا پرحرارت ترین نویسنده ها (مثل لین و ساکی) تا نیرومندترین تخیلات (فلورونروال) مشرق زمین را به صورت جایی که نیازمند توجه، تجدید ساختار و حتی اصلاح از سوی غرب می باشد، می دیدند. (۲)

مرحله دوم: در این مرحله، شرق شناسان سعی کرده اند برای تصویری که از شرق ارائه می کنند مبنای علمی به دست دهند و عقب ماندگی ادعایی در مورد شرق را معلول «جبرگرایی بیولوژیک» و تفاوت نژادها معرفی کنند.

ادوارد سعید در این مورد می گوید:

تزاها و نظرهایی که در قرن نوزدهم پیرامون عقب ماندگی، انحطاط و عدم برابری شرق با غرب وجود داشت به سهولت خود را با اندیشه هایی که

ص: ۶۳

۱- (۱). ادوارد سعید، همان، ص ۳۶۹

۲- (۲). همان، ص ۳۷۰

پیرامون مبانی زیست‌شناسی نابرابری نژادی اظهار می‌گردید، همراه می‌ساخت بدین ترتیب تقسیم‌بندی‌های نژادی که در کتاب حکومت حیوانی کوویه و یا رساله‌ای در باب نابرابری نژادهای انسانی اثر کوپینو و یا کتاب رابرت ناکس با عنوان نژادهای تاریک بشر، اظهار گردیده‌اند، شریک متمایلی در شرق‌شناسی مخفی می‌یافتند.

به این اندیشه‌ها باید دارونیسیم درجه دوم را نیز اضافه کرد که به نظر می‌رسید بر این تقسیم‌نژادها به پیشرفته و عقب‌مانده یا آریایی - اروپایی در مقابل شرقی - آفریقایی مهر تأیید و اعتبار علمی می‌زد، بنابراین همه مسئله امپریالیسم که در اواخر قرن نوزدهم از سوی موافقان و مخالفان امپریالیسم، هر دو، بحث می‌گردید، حامل اندیشه تقسیم دوگانه نژادها، فرهنگ‌ها و جوامع به پیشرفته و عقب‌مانده (تحت سلطه) بود. (۱)

مرحله سوم: بعد از پایان مرحله علمی کردن عقب‌ماندگی شرق و به اصطلاح یافتن مبانی علمی و بیولوژیک آن، نوبت به مرحله بعدی رسید که استعمار کشورهای شرق توسط استعمارگران غربی توجیه شود و به عنوان یک امر ضروری تلقی گردد. ادوارد سعید در این مورد نیز می‌گوید:

به عنوان مثال، جان وستلیک (۲) در کتاب خویش به نام فصولی در اصول قوانین بین‌الملل، (سال ۱۸۹۴ میلادی) چنین استدلال می‌کند که آن بخش از کره زمین که به نام کشورهای «غیر متمدن» خوانده می‌شود (واژه‌های که علاوه بر مسائل دیگر، بار فرضیات شرق‌شناسی را نیز به دوش می‌کشد) حتماً باید به کشورهای پیشرفته ملحق و یا به وسیله آنها اشغال شوند. (۳)

برآیند همه این فعالیت‌ها این شد که در اندیشه غربی، هویت انسان اروپایی، در مقایسه با تمام افراد و فرهنگ‌های غیر اروپایی در سطح متعالی تری قرار گیرد و در عوض، فرد شرقی با عناصری خاص در جامعه غربی (مجرمان، بزهکاران، ناقص‌العقل‌ها و آدم‌های فقیر) پیوند داده شود.

ص: ۶۴

۱- (۱). همان، ص ۳۷۰

۲- (۲). John Westlake.

۳- (۳). همان، ص ۳۷۰

این حالت، خصوصاً در مواردی تشدید می شود که شرقیان در برابر سلطه غریبان بایستند و مزاحم جهان خواری آنان شوند؛ نمونه بارز آن را می توان در مورد مسلمانان و صهیونیست های اشغالگر فلسطین مشاهده کرد که مسلمانان افرادی تروریست و دور از تمدن ولی صهیونیست ها انسان هایی بشر دوست، ترقی خواه و... معرفی می کردند.

ادوارد سعید در این مورد می گوید :

امروزه خاورمیانه (در ذهن غربی ها و به خصوص آمریکاییان) این طور تصویر شده که در یک طرف «اسرائیل» دمکرات منش و آزادیخواه قرار دارد و در طرف دیگر، اعراب شرور، تروریست و خودکامه. (۱)

زندگانی یک فلسطینی عرب در مغرب زمین، به ویژه در آمریکا، نومیدکننده است؛ در این جا تقریباً نوعی توافق عمومی وجود دارد که از نظر سیاسی «او» وجود ندارد و هنگامی که به او اجازه وجود داده شود یا به صورت یک آفت است و یا یک شرقی. (۲)

در فیلم های سینمایی، «عرب» را معمولاً در قالب یک تاجر برده، شترران، صراف و آدم رذل پرزرق و برق می بینید.

در سال ۱۹۷۵م. برای دانشجویان زیر لیسانس «دانشکده کلمبیا» راهنمای دروسی چاپ شده بود که در آن در مورد دوره زبان عربی توضیح داده شده بود که تقریباً تمام واژه ها و مصطلحات این زبان به نحوی مرتبط با خشونت بودند. (۳)

امت تی رل (۴) در مقاله ای که در «مجله هارپر» (۵) نوشت، ادعا کرد که «عرب» اساساً جانی بوده و خشونت، تقلب و فریب، در ژن آنهاست.

در کتاب های درسی آمریکاییان آمده است : تنها تعداد خیلی کمی از مردم این منطقه (عربی) حتی می دانند که راه بهتری هم برای زندگی کردن وجود دارد؛ سپس می پرسد : پس چه چیزی مردم خاور میانه را به هم متصل نگه می دارد؟ و چنین جواب می دهد : آخرین حلقه (این ارتباط و اتصال) دشمنی و تنفر نسبت به یهودیان و ملت اسرائیل است. (۶)

ص: ۶۵

---

۱- (۱) . همان، ص ۵۵.

۲- (۲) . همان، ص ۵۶.

۳- (۳) . همان، ص ۵۱۱.

۴- (۴) . Emmett Ty Rrell.

۵- (۵) . Harper.

۶- (۶) . ادوارد سعید، همان، ص ۵۱۲.

عمده ترین موضوعی که در شرق، توجه شرق شناسان را به خود جلب کرد اسلام بود؛<sup>۱</sup> دین اسلام به عنوان قوی ترین تحریک کننده مسلمانان بر ضد استعمار، موجب شد که حجم کثیری از کار مستشرقان را به خود اختصاص دهد؛<sup>۲</sup> از این رو مطالعات شرق شناسان در مورد اسلام، دارای مراحل است :

مرحله اول، «آشنایی با اسلام و آثار علمی و فلسفی مسلمانان است»؛<sup>۳</sup> در این مرحله، اروپاییان عقب مانده با فرهنگ و تمدن عظیم مسلمانان آشنا شدند و درصدد ترجمه برخی از آثار مسلمانان به زبان های لاتین و اقتباس اصول ویژه ای از آن بر آمدند؛<sup>۴</sup> به همین جهت این مرحله را دوره ترجمه و نقل نامیده اند.

مرحله دوم، مرحله «تحقیق و تتبع در علوم اسلامی ترجمه شده است» که دوره تحقیق و تتبع نام گرفته است. (۱)

مرحله سوم، که مهم ترین مرحله کار شرق شناسان است، مرحله «مقابله با اسلام است»؛<sup>۵</sup> در این مرحله، مستشرقان در محورهای متعددی قلم زده و سعی کرده اند اسلام را تضعیف نمایند.

محورهای عمده کار شرق شناسان در این زمینه عبارتند از :

۱. «تهمت زدن، افترا بستن و ناسزاگویی بر ضد اسلام»؛<sup>۶</sup> اتهاماتی مانند این که اسلام دین شمشیر است و با زور شمشیر و خشونت گسترش پیدا کرده است؛<sup>۷</sup> هم چنین اسلام دین برده داری است؛<sup>۸</sup> دین اسلام به زن اهمیت نداده و مخالف آزادی عقیده است؛<sup>۹</sup>

۲. «اثبات نقصان دین اسلام و جامعیت نداشتن آن»؛<sup>۱۰</sup> آنان سعی کرده اند وانمود کنند دین اسلام توان پاسخ گویی به نیازهای جامعه بشری را ندارد؛<sup>۱۱</sup>

۳. «کوشش در جهت اثبات نیاز دین اسلام به اصلاح و نوسازی»؛<sup>۱۲</sup> آنان چنین القا نموده اند که اسلام نیز همانند مسیحیت، نیاز به اصلاح دارد و همین امر باعث شده که برخی از روشن فکران مسلمان قائل به ضرورت پروتستانیزم اسلامی شوند.

ص: ۶۶



۴. «اثبات اصالت نداشتن دین اسلام» بخش عمده ای از کار مستشرقان مصروف اثبات این مسئله شده است. گلدزیهر و شاخ هر دو اسلام را تلفیقی از یهودیت و نصرانیت می دانند. (۱) فنسنگ می گوید: «پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرآن را از خلاصه کتب دیگر نوشت.» (۲) گلدزیهر معتقد است که: «فقه اسلامی از قانون روم گرفته شده است.» (۳)

۵. «کوشش در جهت اثبات اختلاف قرآن با تأکید بر اختلاف قرائات» و به همین منظور کتاب هایی نظیر: القرائات الشاذه نوشته ابن خالویه و المدخل الی قرائات المصاحف تألیف ابوداود سجستانی را چاپ و منتشر کردند. (۴) آقای انورالجندی نقل می کند:

در قرن گذشته عده ای از قسیسان بزرگ آلمان همه نسخه های خطی یونانی انجیل را که اصل انجیل است جمع آوری کردند و آنها را با هم مقابله نمودند و حدود صد هزار اختلاف پیدا کردند. بعد از آن نسخه های مختلف قرآن را در سه نسل متوالی از اطراف جهان اسلام جمع کردند که چهل و دوهزار نسخه شد و بعد آنها را با هم مقابله کردند تا وجود اختلاف در قرآن را ثابت نمایند ولی هیچ اختلافی ندیدند مگر بعضی اختلافات نوشتاری که در بعضی از نسخه ها بود. (۵)

۶. «کوشش در جهت کاستن نقش و سهم مسلمانان در بنای تمدن و علوم بشری»

۷. «کوشش در جهت تحریف تاریخ اسلامی و ایجاد شبهه در این زمینه».

بعضی از مسیحیان عرب که به دست همان مستشرقان پرورش یافته اند همانند: سلامه موسی، جرجی زیدان، فیلیپ حتی (۶) و لويس عوض سعی کرده اند حرکت های «باطنی گری»، «قرامطه» و «اسماعیلیه» را نیز حرکت های آزادی بخش معرفی نمایند. (۷)

ص: ۶۷

---

۱- (۱) . مصطفی السباعی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، ۱۴۰۶ق، ص ۳۰.

۲- (۲) . همان، ص ۳۲.

۳- (۳) . انور الجندی، الفكر الاسلامی و سموم التغریب و التبعية، ص ۱۳۶.

۴- (۴) . همان، ص ۱۹۰.

۵- (۵) . همان، ص ۱۹۱.

۶- (۶) . Ph. Hitti.

۷- (۷) . انور الجندی، همان، ص ۹۴.

شرق شناسان برای پیش برد کار خود بر ضد اسلام از وسایل متعددی بهره گرفته اند که از آن جمله است :

الف) نوشتن کتاب : کتاب های متعددی توسط مستشرقان در مورد اسلام تألیف شده که تعداد زیادی از آنها به صورت فردی تدوین یافته و برخی از آنها نیز حاصل کار جمعی است؛ مانند :

۱. دایره المعارف اسلامی (۱) که با همکاری گروهی هم چون : ا.ج. آربری؛ بارون کارادی فو؛ ا.آر. جب؛ گلدزیهر؛ د.ب. مکدونالد؛ ر.س. مارگلیوت؛ ر.ا. نیکلسون؛ هنری لامنس؛ جوزف شاخت و... تألیف شده است؛

۲. خلاصه دایره المعارف اسلامی؛ (۲)

۳. دایره المعارف دین و اخلاق. (۳)

ب) انتشار مجله و روزنامه، مانند :

۱. المجله الاسیویه که بین سال های ۱۷۸۷ و ۱۸۲۰م. در فرانسه منتشر می شد؛

۲. المجله الاسیویه الملکیه در لندن؛

۳. الجمعیه الشرقیه الامریکیه که توسط آمریکاییان منتشر می شد؛

۴. مجله الشرق الاوسط که توسط آمریکاییان منتشر می شد؛

۵. مجله العالم الاسلامی که توسط آمریکاییان منتشر می شد. (۴)

ج) ایراد سخنرانی در دانشگاه های کشورهای عربی و اسلامی.

د) برگزاری کنفرانس ها.

### شرق شناسانی که تصویری غرض آلود از اسلام ارائه کرده اند

شرق شناسان زیادی در ارائه تصویر مغرضانه از اسلام کوشیده اند؛ ولی به گفته ادوارد سعید : در بین آنان پنج نفر تصویر هماهنگ و منسجم و در عین حال غرض آلودی از

ص: ۶۸

۲- (۲) .The Shorter Encyclopaedia of Islam .

۳- (۳) .The Encyclopaedia of Religion and Ethics .

۴- (۴) . برای اطلاع بیشتر رجوع شود به : الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما عليهم، ص ۳۸ به بعد.

اسلام ارائه کرده اند که نفوذ عجیب و گسترده ای بر دنیای غرب داشت؛ آن پنج نفر عبارتند از :

۱. گلدزیهر؛

۲. دانکن بلاک مکدونالد؛

۳. کارل بکر؛

۴. هاگرونج؛

۵. لویی ماسینیون. (۱)

بعد از آنها می توان از : لویی شیخو، فنسنگ، ادوارد براون، کارل برکلمان، ارنست رنان، ویلیام میسور، ساموئل مار گلیوٹ، ساموئیل زویمر و جوزف شاخ نام برد. (۲)

افکار این مستشرقان چنان در غرب مورد قبول قرار گرفته است که هیچ انتقادی بر ضد آنان پذیرفته نیست؛ آقای مصطفی السباعی از دکتر امین مصری نقل می کند که رساله دکترای وی در انگلستان به جهت انتقاد از شاخ پذیرفته نشد و او ناچار شد به دانشگاه کمبریج برود و در آن جا صراحتاً به او گفته شد که نباید از شاخ انتقاد کنی. (۳)

نکته مهم این که بسیاری از این مستشرقان هیچ گونه تخصصی هم در زمینه علوم اسلامی نداشتند، بلکه نوعاً کسانی بودند که به عنوان وابسته نظامی یا سیاسی و یا در زمان جنگ به کشورهای اسلامی آمده بودند؛ حتی آقای السباعی نقل می کند که وی رئیس بخش مطالعات اسلامی و عربی دانشگاه آکسفورد را دیده است که تفسیر زمخشری را تدریس می کرد درحالی که نمی توانست عبارات آن را درست بخواند. (۴)

البته تعداد اندکی از مستشرقان نیز بوده اند که تا حدودی بی غرض در مورد اسلام قضاوت کرده اند همانند دینیه که بعدها مسلمان شد و همین طور مارسل بوازار که خود

ص: ۶۹

---

۱- (۱). ادوارد سعید، همان، ص ۳۷۶.

۲- (۲). برای اطلاع بیشتر رجوع شود به : الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، ص ۳۰ به بعد؛ و جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، ص ۲۸۹ به بعد.

۳- (۳). الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، ص ۵۸.

۴- (۴). همان، ص ۵۲.

در کتاب الاسلام و الیوم اذعان می کند که استشراق پدیده ای استعماری است. (۱) ولی به گفته انجوی شیرازی می بایست آن مورد استثنایی را از نوادر دانست که حکم «النادر کالمعدوم» دارد. (۲)

### پیوند استشراق با تبشیر

دو پدیده «استشراق» و «تبشیر» (میسونری) گرچه به ظاهر جدا از یکدیگر می باشند، ولی واقعیت این است که پیوند عمیقی با هم دارند؛ به گونه ای که می توان گفت: «مستشرقان» مواد لازم را تولید می کردند و «مبشّران» و «مبلغان مسیحی» آنان را به مصرف می رساندند.

### ۳- مستشاران

سومین گروه از عوامل زمینه ساز استعمار، «مستشاران» هستند که در قالب مستشاران اقتصادی، نظامی و فرهنگی وارد کشورهای دیگر شده و برای استعمار آنها زمینه سازی می کنند؛ این گروه که امروزه مهم ترین مجاری استعمار به حساب می آیند به صورت ظاهراً قانونی و در قالب سفارتخانه ها و هیأت های دیپلماسی وارد کشورها شده، فعالیت های لازم را انجام داده و اطلاعات مورد نیاز را جمع آوری می کنند و به کشور خود انتقال می دهند؛ آن چه موجب سهولت بیشتر کار این گروه شده، مصونیت دیپلماتیک آنان است، در حدی که سرّی ترین اطلاعات را نیز تحت عنوان محموله های دیپلماتیک متعلق به سفارت خانه و از طریق پاپیون دولت از کشور خارج می کنند، بدون این که کسی محتویات آن را بازرسی نماید؛ نمونه بسیار جالب از فعالیت های استعماری این گروه و کلاً سفارتخانه های کشورهای استعمارگر را می توان در اسناد به دست آمده از سفارت یا لانه جاسوسی آمریکا در ایران مشاهده نمود؛ این اسناد بعد از اشغال سفارتخانه مزبور

ص: ۷۰

---

۱- (۱). مارسل بوازار، الاسلام والیوم، ص ۱۹ و ۲۰. این کتاب با همت یونسکو و توسط المؤسسة العربیه لدراسه و النشر منتشر شده است.

۲- (۲). مجله نگین، شماره ۸۵، ص ۵

توسط گروهی از دانشجویان مسلمان ایرانی، معروف به دانشجویان پیرو خط امام رحمه الله منتشر شد.

#### ۴- روشن فکران

گروه‌هایی که تا به حال به عنوان عوامل زمینه ساز استعمار معرفی شده‌اند، نیروهای بیگانه می‌باشند؛ اما گروه چهارم، عوامل وابسته استعمار هستند که ملیت کشور استعمارزده را دارند، ولی در خدمت منافع استعمارگران قرار گرفته‌اند.

استعمارگران به این نتیجه رسیدند که غیر از مستشرقان نیاز به یک سری عوامل محلی و بومی دارند تا مترجم و مفسر اندیشه آنان به زبان محلی بوده و از طریق آنان، تسلط فرهنگی خویش را گسترش دهند.

#### مفهوم روشن فکری

کلمه «روشن فکر» در فارسی به چند معنا به کار رفته و می‌توان آنرا مشترک لفظی دانست؛ این واژه در زبان فارسی دارای سه کاربرد است:

۱. واژه «روشن فکر» نخستین بار به جای کلمه منورالفکر به کار رفت که از ابتدای مشروطیت در زبان فارسی رواج یافته بود؛ روشن فکران آن زمان که خود را منورالفکر می‌نامیدند این کلمه را معادل «Lumiere» فرانسوی و «Enlightened» انگلیسی به کار بردند؛ در زبان‌های فرانسوی و انگلیسی، این دو کلمه به معنای روشن اندیش یا روشنگر به کار می‌رود و مقصود از آن روشن اندیشان عصر روشن اندیشی «Enlightenment» می‌باشد؛ این روشن اندیشان کسانی بودند که در قرن هجدهم در کشور فرانسه پا به عرصه نهادند و عصرشان به عصر روشنگری یا روشن اندیشی شهرت یافت و سرفصل جدیدی در تاریخ قرن گردید؛ این جنبش، هم‌چنین واکنشی در مقابل دین خرافی مسیحیت و سلطه ظالمانه کلیسا بود، به همین دلیل، دین ستیزی را باید یکی از ویژگی‌های این گروه دانست.

در ایران نیز روشن فکران صدر مشروطه به تقلید از غرب با دین مخالفت می‌کردند، بدون این که به تفاوت‌های متعدد بین دین مسیحیت و دین اسلام توجه کنند.

۲. روشن فکر، در مقابل کلمه «انتلکتوئل» (Intellectual) فرانسوی؛ مراد از انتلکتوئل کسی است که قوه عاقله یا تفکر «intellect» پرورش یافته و پیشرفته ای داشته باشد؛ اما چنین کسی لزوماً روشن فکر به معنای نخست نیست؛ بلکه بین این دو عموم و خصوص من وجه است؛ روشن فکر به این معنا، وصفی خنثی است و بر هر اندیشه وری اطلاق می شود، چه متدین باشد و چه غیر متدین؛ در حالی که روشن فکر به معنای نخست، بر اندیشه وری متدین اطلاق نمی شود، به طوری که سخن گفتن از روشن فکر متدین، عین تناقض گویی است. (۱)

البته امروزه در زبان فارسی، کلمه «روشن فکر» معادل «انتلکتوئل» به کار رفته و شامل مفهوم اول و دوم با هم می شود.

دکتر علی شریعتی می گوید :

«انتلکتوئل» یعنی کسی که کار مغزی انجام می دهد و در فارسی من آن را «تحصیل کرده» ترجمه می کنم چون امروز، هیچ انتلکتوئلی نیست که تحصیل کرده نباشد، اما اشتباهاً ما به جای آن، روشن فکر به کار می بریم که هرگز درست نیست، چون میان تحصیل کرده و روشن فکر رابطه تساوی و مترادف وجود ندارد، بلکه به اصطلاح اهل منطق، رابطه آن دو، عموم و خصوص من وجه است. (۲)

۳. مفهوم سومی که «روشن فکر» در آن استعمال شده، معادل کلمه فرانسوی «Clairvoyant» است؛ یعنی انسان های روشن بین که فکر روشن و بازی داشته و موقعیت خود و جامعه خود را به خوبی درک کنند و بتوانند تحلیل و استدلال کنند و به دیگران بفهمانند؛ دکتر شریعتی این اصطلاح را بر قشر آگاه جامعه اطلاق می کند. (۳)

مقصود ما از «روشن فکر» در این بحث به عنوان یکی از عوامل زمینه ساز استعمار، همان مفهوم نخست و دوم آن است؛ همان چیزی که برخی به خاطر پرهیز از اشتباه، پسوند غرب گرا یا غرب زده را به آن می افزایند؛ اما روشن فکر به معنای سوم که بر

ص: ۷۲

---

۱- (۱). رجوع شود به : مقدمه آقای نجف دریا بندری، مترجم کتاب فلسفه روشن اندیشی، نوشته ارنست کاسیرر، ص ۳۰.

۲- (۲). علی شریعتی، مجموعه آثار، ج ۴، چ ۱، ص ۱۵۴.

۳- (۳). همان، ج ۲۰، ص ۵۲ - ۵۶

بعضی از اندیشمندان مسلمان اطلاق می شود مقصود نیست؛ زیرا آنان از مبارزان ضد استعمار محسوب می شوند.

## خصوصیات و بنیادهای فکری روشن فکری

دکتر شریعتی برای این روشن فکران ویژگی های زیر را بر می شمارد:

۱. مذهبشان علم یا ساینسیسم است، به عبارت دیگر: علم پرست هستند و به قوانین علمی چنان معتقدند که تنها نتایج حاصل از علوم را باور دارند و هرچه را که علم از تبیین و توجیه آن عاجز باشد منکرند؛

۲. با سنن قومی و اجتماعی مخالفند؛

۳. با گذشته کلا عناد و جنگ دارند؛

۴. آینده گرا، نوپذیر و نوپرست هستند؛

۵. با مذهب مخالفند؛ چون مذهب اصولی دارد که علم از تبیین آنها عاجز است؛

۶. با احساس و آثار زاینده از اشراق و احساس دل، مخالفند و تنها به دماغ و منطق خشک علمی متکی هستند؛

۷. دارای یک جهان بینی فلسفی امیدوار کننده و پیشرو و به سوی کمالند؛ می پندارند که بشریت رو به کمال داشته و معتقدند که تاریخ به سوی بی مذهبی خواهد رفت؛

۸. همه هدفشان این است که جامعه را لاییک و غیر مذهبی یا ضد مذهبی کنند، این طرز تفکر و تلقی تمام انتلکتوئل های قرن هفدهم، و مظاهر آن: دیدرو، روسو و ولتر است. (۱)

## ویژگی های فکری روشن فکران جهان سوم

البته خصوصیات که دکتر شریعتی ذکر می کند در حقیقت ویژگی های طبقه روشن فکر غرب هستند؛ اما روشن فکران جهان سوم دارای ویژگی های زیر می باشند:

۱. غرب گرا هستند و غرب را قبله آمال خویش می دانند؛ اینان غرب و تمدن اروپایی را می ستایند و آن را به همان صورتی می بینند که اروپاییان استعمارگر

ص: ۷۳

---

۱- (۱). همان، ج ۲۵، ص ۳ و ۴؛ احتمالاً مقصود دکتر شریعتی از قرن هفدهم، قرن هجدهم می باشد.



تصویر کرده اند و هیچ گونه تردیدی نیز در اصالت یا سودمندی مبانی و معیارهای آن، روا نمی دارند؛

۲. به جای مخالفت با گذشته، در بسیاری مواقع باستان گرا هستند و ارزش های مسخ شده باستانی را زنده می کنند؛

۳. از جامعه خود بریده و بی خبرند و همواره عقب تر از حوادث اجتماعی حرکت می کنند؛

۴. در تحلیل مسائل جاری جامعه خود، هیچ گونه دقت و ابتکاری به خرج نمی دهند، بلکه همان کلیشه های غربی را به کار می گیرند؛

۵. مسائل و جریانات پیش آمده در فرهنگ غرب را بدون توجه به زمینه ها و علل و عوامل آنها، سرنوشت محتوم همه جوامع می دانند؛ مثلاً: چون جوامع غربی سکولار شده اند، می پندارند که همه جوامع بشری در آینده باید این گونه باشند؛

۶. تنها راه پیشرفت جوامع خود را، تقلید بی چون و چرا از غرب می دانند؛

۷. به توانایی خود و جامعه خویش اعتماد ندارند و کاملاً در برابر غرب خود را باخته اند.

این گروه، در حقیقت دست پروردگان استعمار به حساب می آیند و شامل کسانی هستند که یا به عنوان مسافرت و گردش، تجارت و... به کشورهای غربی رفته و تحت تأثیر آن قرار گرفته اند و یا در دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی غرب، یا وابسته به غرب تحصیل کرده اند و یا با مطالعه کتاب ها و دیگر آثار مکتوب غربیان، تحت تأثیر قرار گرفته و به غرب دل باخته اند؛ ولی بیشتر این افراد را همان تحصیل کردگان غرب تشکیل می دهند.

اندیشمند مسلمان هندی علی محمد نقوی درباره این گروه چنین می گوید:

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، زمامداران شرق، اشراف زادگان را برای تحصیل علم به غرب فرستادند و در این میان، برخی از افراد، کمی با اندیشه های غربی آشنا شدند، آنان شیفته تفکر قرن هجدهم اروپا گشته، بدون توجه به شرایط خاص اروپا، ماهیت کلیسا و دوران تاریک قرون وسطایی در مغرب زمین و مهمتر از همه، تفاوت فاحش شرایط زیستی و فرهنگی مشرق زمین با اوضاع آن دیار، در صدد برآمدند ایده ها و اندیشه ها و راه حل های قرن

همجدهم اروپا را در جهان اسلام پیاده نمایند. اینان خود را «منورالفکر» یا «روشن فکر» نامیده و پرچم غرب‌گرایی را به دست گرفتند؛ البته چنانکه بعداً فاش شد، بسیاری از اینان عوامل مزدبگیر استعمارگران و اعضای فراماسون و دیگر سازمان‌های امپریالیستی بوده، در خدمت امپریالیسم جهانی قرار داشته‌اند؛ اینان از عمده‌ترین مجاری انسانی گسترش غرب‌گرایی و غرب‌زدگی در کشورهای جهان سوم بوده‌اند.

پیروی بی‌چون و چرا، برجسته‌ترین ویژگی اینها بوده است؛ آنان پیشرفت‌های غرب را هم در قلمرو معنویات و هم در زمینه مادیات ستوده، چاره‌حلّ تمامی مسائل شرق را در تقلید کورکورانه یا اقتباس از راه و روش غرب در تمام زمینه‌ها می‌دانستند و شدیداً تلاش می‌نمودند تا نظامات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورهای اسلامی، قالب‌های غربی به خود بگیرند؛ اینان شدیداً با مذهب و سنن ملی مخالفت نموده، از چیرگی عقاید مذهبی بر ذهن مسلمانان ناخشنود بودند و تلاش در جهت سست نمودن پایه‌های مذهب داشتند و نیز برای ادای حق نمک به اربابان غربی خود، کلیه نوامیس جامعه اسلامی را به باد تمسخر می‌گرفته‌اند؛ این روشن‌فکران، تمدن اروپایی را به همان صورتی می‌دیدند که اروپایی‌ها برای آنان تصویر می‌کرده‌اند و هیچ‌گونه تردیدی را در اصالت یا سودمندی مبانی و معیارهای آن روا نمی‌دانستند؛ برخی از این روشن‌فکران، لیبرال و به ظاهر آزادی‌خواه و ضد استبداد بودند؛ ولی برای آنان آزادی، صرفاً وسیله‌ای در راه اروپا‌مآبی و پذیرش ارزش‌های تمدن غربی بوده است؛ اینان از هر جهت دلال غرب بوده، در گسترش غرب‌زدگی در شرق، بزرگ‌ترین سهم را داشتند.

روشن‌فکران خودباخته دو گروه بودند: جاهلان و مغرضان؛ و به تعبیر دیگر: کسانی که به غرب دل بستگی داشتند و کسانی که به غرب وابستگی داشتند؛ دل بستگان اغفال شده، شیفته زندگی غربیان و پیشرفت‌های تکنولوژیک آنها بوده‌اند و وابستگان در استخدام نهادهای امپریالیستی بوده، به گونه‌های مختلف حقوق دریافت می‌کرده‌اند. (۱)

در مقدمه‌ای که توسط انجمن اسلامی مهندسين بر کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، نوشته شهید مطهری+، نگاشته شده است، وضعیت چنین روشن‌فکرانی

ص: ۷۵

---

۱- (۱). علی محمد نقوی، جامعه‌شناسی غرب‌گرایی، ج ۱، ص ۱۵۳.

مورد بررسی قرار گرفته و راه برون رفت از بن بست، یادآوری شده است؛ در این مقدمه آمده است :

در اجتماعات استعمارزده و عقب مانده عادتاً روشن فکران هستند که می خواهند یا می کوشند که این شعور و وجدان جمعی را در مردم وطن خود بیدار کنند؛ از آن جا که زبان و سنن و فرهنگ ملی در ذهن این روشن فکران مرادف است با واقعیت فعلی ملت که آمیخته ای است از گرفتاری ها و بدبختی ها و عقب ماندگی ها و محرومیت ها، روشن فکر، از تبلیغ روی این سنت سر باز می زند و به سوی الگوهای دنیای پیشرفته و حاکم رو می آورد و می کوشد تا آن الگوها را برای ملت خود سرمشق تشکیل و تکوین شعور ملی قرار دهد.

فرانتس فانون، جامعه شناس و روانشناس بیدار دل آفریقایی در فصل درباره فرهنگ ملی در اثر مهم و جاودان خویش «نفرین شدگان زمین» ظهور این حالت و احساس را در میان روشن فکران جامعه استعمارزده، «مرحله ابتدایی» و خام تبلور وجدان ملی در میان این قشر می خواند، به نظر او، روشن فکر جامعه استعمار زده در این مرحله، در عین تلاش و کوشش برای گسترش وجدان ملی، کاملاً در فرهنگ استعماری حل شده است، آثار این روشن فکر نکته به نکته با آثار همکارانش در کشور استعمارگر هماهنگ می باشد؛ به عبارت دیگر : در این مرحله، فکر روشن فکر جامعه استعمار زده، گرچه از مقوله اندیشه است، ولی یک کالای وارداتی است که از ورای مرزها و از سوی کشورهای مسلط غرب آمده است؛ او در این مرحله تنها ترجمه ای می اندیشد و ترجمه ای عمل می کند.

اعتماد به معلومات و محفوظات و غروری که عادتاً، به سبب جهل و عقب ماندگی نوعی توده مردم، روشن فکران این گونه سرزمین ها دارند، مانع نقادی دقیق و تحلیل حوادث و واقعیات است؛ سال ها و قرن ها حوادث دردناک لازم است تا این گونه روشن فکران از خواب خرگوشی بیدار شوند و حقیقت و ارزش عقاید آنها بر مردم فریفته شده روشن گردد.

از این گذشته، این چنین روشن فکران، تنها در مراحل اولیه حرکت فکری و عملی خود است که بیدار کردن وجدان ملی را وجهه همت خود قرار می دهند؛ اما در اندک زمانی، به دلیل ماهیت روحیات و افکاری که دارند، الگوهایی از ظواهر تمدن و طرز زندگی غربی را برای خود

می سازند که به زودی آنان را به سوی زندگانی راحت و مرفه اروپایی می کشاند و این کشش هم، در ذات خود مستلزم سکوت و احیاناً سازش با عوامل ظلم و فساد زمانه شده و حل شدن در دستگاه اقتصادی و خدمت گذاری آن را ایجاب می کند.

«مرحله دوم»، در تحلیل فانون زمانی است که روشن فکر جامعه عقب مانده تصمیم گرفته است با صمیمیت بیشتری به ملت خود پردازد؛ ولی چون موجودی ملت را آمیخته با بدبختی و پریشانی و جهل و عقب ماندگی می یابد، به سوی روزگاری از تاریخ ملت خود می رود که در آن جلال و شکوه و مجد و عظمتی، یا حداقل زرق و برقی سراغ بگیرد. بدین جهت یک باره جامعه حالیه را با تمام دلبستگی هایش رها می کند و از فراز قرن ها، قرن هایی که همراه با آدم های خود، زنجیروار سلسله علت و معلول روزگار فعلی را ساخته است پرواز می کند و به هزاران سال قبل خیز برمی دارد؛ و اگر در تاریخ واقعی ملت خود چنین روزگاری را نیابد به سوی افسانه های کهن رو می آورد.

ارزش کار و اندیشه این دسته از روشن فکران نیز همان قدر است که در کتاب ها بماند و یا جماعتی معدود را برای مدتی محدود دل خوش و سرگرم نگه دارد و چون از دردهای موجود خلق خدا سرچشمه نگرفته است، هرگز قادر به برانگیختن وجدان ملی و عمومی در مردم نیست.

«مرحله سوم» تحول روشن فکر، موقعی است که وی، خیال پردازی ها را رها کرده و با خلق وطن خود آشتی کرده و با درد و غم های آنها آشنا شده، طعم محرومیت ها و فشارها را چشیده، به دل بستگی های توده مردم دل بستگی پیدا کرده است، به عقاید و عواطف آنها احترام می گذارد و خود را با آن آشنا می سازد و از آن درس و الهام می گیرد؛ تنها از این جاست که روشن فکر، به شرط صداقت و عدم تقلید و دنباله روی از استادان غربی اش، نقش سازنده و پیشرو خود را در ساختن و پرداختن و برانگیختن شعور و وجدان ملی باز می یابد و هر اندازه در این راه صمیمیت و گذشت بیشتری نشان دهد، محصول و تأثیر اندیشه و عمل او وسیع تر و سریع تر می شود. (۱)

ص: ۷۷

---

۱- (۱). مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۱، تهران، ۱۳۴۹، مقدمه انجمن اسلامی مهندسين، ص ۲۳ به بعد.

## نقش روشن فکران در وابسته کردن جهان سوم

می توان گفت این گروه، عمده ترین عامل در وابسته کردن کشورهای جهان سوم به استعمار در قرن های سیزدهم و چهاردهم هجری قمری بوده اند. خصوصاً این گونه از افراد از آن جا که معمولاً دارای مدارک دانشگاهی بوده و متخصص به حساب می آیند، حکومت های کشورهای جهان سوم نوعاً در دست آنان است؛ لذا قوانین کشورها، توسط آنان تهیه، برنامه های توسعه توسط اینها نوشته شده و قراردادهای اقتصادی، سیاسی و غیره توسط اینها بسته می شود؛ هم چنین روزنامه ها و مجلات در دست اینهاست و با امکاناتی که در اختیار دارند، از راه های متعدد، در وابسته کردن کشور می کوشند.

## پیش تازان روشن فکری در جهان اسلام

### اشاره

الف) در ایران؛ پیش تازان این گروه در ایران کسانی هستند هم چون: فتحعلی آخوندزاده، میرزا صالح، پیرزاده، میرزا آقاخان کرمانی، طالبوف تبریزی، مهدی ملک زاده، احمد کسروی، محمدعلی فروغی، حسن تقی زاده، تقی ارانی، آریانپور و....

در ایران بعد از دوران مشروطیت، حدود هفتاد سال حکومت واقعاً در دست همین طبقه از روشن فکران بود و آنان بودند که بر مقدرات این کشور حاکمیت داشتند؛ ولی جز وابستگی به استعمار و مستحکم تر شدن پایه های سلطه انگلیس، شوروی و آمریکا بر ایران، دست آورد دیگری برای این مملکت نداشتند؛ امروز، نیز گرچه به برکت انقلاب اسلامی، دست های آنان از مقدرات مملکت کوتاه شده است، ولی متأسفانه شاگردان و دست پروردگان آنان بر دانشگاه ها و مراکز آموزشی و حتی برنامه ریزی این کشور تسلط دارند و اکثر روزنامه ها و مجلات هم در اختیار اینهاست و نوعاً در راستای زمینه سازی و توجیه حضور استعمار می کوشند.

جلال آل احمد که تا زمان خود آگاه ترین فرد به وضعیت روشن فکری ایران بود می گوید:

روشن فکر در ایران، کسی است که در نظر و عمل به اسم برداشت علمی، اغلب برداشت استعماری دارد... و آزاد اندیشی را هم نه در قبال حکومت ها، بلکه فقط در قبال بنیادهای سنتی (مذهب، زبان، تاریخ، اخلاق و آداب) اعمال می کند؛ چون به کار انداختن آزاداندیشی در قبال حکومت و بنیادهای استعماری و نیمه استعماریش دشوار است؛ چنین

روشن فکری به فکر این است که محیط بومی خود را به رنگ محیط استعمارگر درآورد؛ پس او یک عامل استعمار است.

(۱)

آل احمد، در ادامه نظرات خود می افزاید :

تمام روشن فکرانی که از شکست مبارزه نفت به بعد در ایران، مصدر کارهای حکومتی بوده اند از این مقوله اند، به استثنای انگشت شماری. (۲)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بیشترین مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران را همواره این گروه از غرب زدگان تشکیل می دادند. متأسفانه سلطه اینها بر بخشی از دانشگاهیان به قدری است که به گفته علوی تبار در کنفرانس برلین از ابتدای پیدایش روشن فکری در ایران، جنبش دانشجویی همیشه تابعی از جنبش روشن فکری بوده است.

ب) در مصر، سوریه، لبنان و عراق؛ در کشورهای یاد شده پیش تازان این گروه را کسانی مانند: رفاعه رافع الطهطاوی، یعقوب صنوع، شبلی شمیل، طه حسین، ساطع الحصری و علی عبدالرازق تشکیل می دهند، اینان کسانی هستند که نوعاً تقلید از غرب را امری ضروری دانسته و حتی بعضی از آنان به حدی به غرب وابسته بودند که بعضی کتاب های آنان هم توسط غربی ها تهیه می شد. در این رابطه انور الجندی نقل می کند: کتاب الاسلام و اصول الحکم که به نام علی عبدالرازق منتشر شده است، توسط مارگلیوث یهودی تهیه شده است. (۳)

ج) در ترکیه؛ پیش تازان این گروه در ترکیه: طلعت پاشا، انور پاشا و کمال مصطفی پاشا هستند؛ اما بین همه اینها، موفقیت کمال مصطفی پاشا مشهور به آتاترک، در خدمت به استعمار، چشم گیرتر است؛ او از خانواده ای است که به گفته توین بی خون یهودی در رگ های خانواده وی جریان دارد. (۴)

کمال مصطفی پس از به قدرت رسیدن دست به تغییر و تحول عمیق در ساختارهای مذهبی جامعه ترکیه زد، از جمله :

- الفبای عربی را به لاتین تبدیل کرد؛

ص: ۷۹

---

۱- (۱). جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۱، ص ۴۶.

۲- (۲). همان، ص ۴۸.

۳- (۳). انور الجندی، الفكر الاسلامی و سموم التغریب و التبعية، ص ۱۳۶.

۴- (۴). الفكر القومي اسلامياً وتاريخياً، ص ۶.

- یکشنبه را به جای جمعه تعطیل نمود؛
  - عید فطر و قربان را برای چند سال از عید بودن لغو کرد؛
  - انجام حج را چند سال ممنوع کرد؛
  - پوشش اسلامی (حجاب) را ممنوع نمود؛
  - «ایاصوفیا» را که رمز پیروزی مسلمانان بر اروپاییان بود از دانشگاه به موزه تبدیل کرد؛
  - کتابخانه های اسلامی را بست و کتاب های آنها را مصادره نمود؛
  - مدارس دینی را تعطیل نمود؛
  - علما را تبعید و آواره کرد؛
  - فسق و فجور را رواج داد؛
  - ازدواج غیر مسلمان با مسلمان را قانونی اعلام کرد؛
  - رابطه ترکیه را با کشورهای اسلامی قطع و با غرب برقرار و تحکیم نمود؛
  - ارزش های اسلامی را منع نمود؛
  - ناسونالیسم را رواج داد؛
  - میراث مرد و زن را مساوی قرار داد؛
  - رسمیت دین اسلام را لغو نمود؛
  - تقویم هجری را تغییر داد؛
  - و آموختن عربی را ممنوع نمود و.... (۱)
- با توجه به چنین اقداماتی، وقتی نمایندگان مجلس انگلیس به لرد کرزن وزیر خارجه آن کشور اعتراض کردند که چرا به ترکیه استقلال داده است، او در جواب نمایندگان گفت: «ترکیه بعد از این (یعنی بعد از روی کار آمدن آتاترک) سرپا نخواهد ایستاد، چون نیروی ترکیه ناشی از اسلام و خلافت بود و ما به آن دو پایان دادیم.» نمایندگان نیز به افتخار او کف زدند و سخنانش را تأیید کردند. (۲)

بی‌هت نیست که استعمارگران به آموزش و تربیت دانشجویان جهان سوم اهمیت می‌دهند؛ زیرا در پس تربیت و روی کار آمدن آنان، تأمین منافع خویش را تضمین شده می‌دانند.

ص: ۸۰

---

۱- (۱). همان، ص ۶۰

۲- (۲). همان، ص ۵۷



ژان پل سارتر در مقدمه اش بر کتاب دوزخیان روی زمین نوشته فرانتس فانون می گوید :

نخبگان اروپا، به ساختن و پرداختن بومیان نخبه دست یازیدند، جوان هایی را برگزیدند و داغ اصول فرهنگ و تمدن غربی را بر پیشانی آنها زدند و دهانشان را از حرف های گنده خمیر مانند و دندان چسب پرکردند و پس از یک اقامت کوتاه در متروپل (وطن اصلی استعمارگر) قلب شده و روانه وطنشان نمودند. (۱)

این چیزی است که برخی از استعمارگران خود به آن اعتراف نموده اند، از جمله :

لرد مکولی در مورد نظام تربیت انگلیسی در هند می گوید :

ما باید حداکثر کوشش خود را به کار بریم تا طبقه ای به وجود آید که بین ما و میلیون ها افرادی که بر آنها حکومت می کنیم مترجم باشند؛ طبقه ای از اشخاصی که از لحاظ خون و رنگ، هندی؛ ولی از جهت ذوق، عقیده، اخلاق، هوش و فکر انگلیسی باشند. (۲)

یکی از رؤسای «دانشگاه آمریکایی بیروت» نیز، اذعان می کند :

ما می بینیم که اعتقادات دینی - اسلامی و مبانی اخلاقی، نزد مسلمین شروع به فروپاشی کرده است؛ زیرا دانشجوی مسلمانانی که به دست ما آموزش می بیند و می رود، ممکن است خود را مسلمان به حساب آورد؛ ولی او از این پس شخص دیگری است غیر از آن چیزی که قبلاً بود. (۳)

ترولیان می نویسد :

مسلمانان، مردمی قاطع، مبارز و سرسخت می باشند، ولی حتی همین جوانان مسلمان که با فرهنگ ما تربیت شده اند، کاملاً با جوانانی که در آموزش و پرورش و فرهنگ اسلامی تربیت شده اند متفاوتند و با ما بهتر می توانند سازش و همکاری کنند. (۴)

ایوینگ عضو میسیونری لاهور در نشریه اردو دایجست چنین نوشته است :

درحالی که این حقیقت مورد قبول است که ما نتوانسته ایم و موفق نشده ایم مردم منطقه را مسیحی کنیم، ولی هدف ما محدود به مسیحی کردن رسمی

ص: ۸۱

۱- (۱) . فرانتس فانون، دوزخیان روی زمین، با مقدمه ژان پل سارتر، ص ۱.

۲- (۲) . خورشید احمد، اسلام و غرب، ترجمه غلامرضا سعیدی، ص ۱۵.

۳- (۳) . عبدالامیر ارشدی، الاسلام و دسائس الاستعمار، ص ۴۳.

۴- (۴) . ابوالفضل عزتی، استعمار جدید، ص ۲۰ به بعد.

مردم نیست؛ ما می‌کوشیم تا در دانشجویان نفوذ کنیم و آنان را بر اساس فرهنگ و تربیت غرب و با آداب، رسوم و طرز تفکر خودمان بار آوریم؛ درست است که این دانشجویان رسماً مسیحی نشده‌اند، ولی موفقیت ما نباید بر اساس این معیار ارزشیابی شود؛ زیرا هرکس بر اساس فرهنگ و تربیت ما پرورش یابد، هرگز مسلمان واقعی نخواهد ماند؛ اگر مؤسسات آموزشی میسیونری مسیحی بتوانند تا همین اندازه کار انجام دهند، موفقیت لازم را کسب کرده‌اند. (۱)

لرد مکولی، طراح نظام آموزشی استعماری بریتانیا در شبه قاره هند در فوریه ۱۸۳۵م. هدف خود را از طرح مزبور، چنین بیان می‌کند:

تربیت یک طبقه از مردم را که بایستی رابطه، واسطه، دلال و عامل بین بریتانیا و توده‌هایی که باید زیر سلطه و حکومت بریتانیا قرار گیرند؛ یک طبقه از مردم هند که خون و رنگ هندی داشته، ولی دارای فرهنگ، ایده و طرز تفکر بریتانیایی باشند. (۲)

## ۵- ناآگاهان

ناآگاهان و کسانی که دارای بینش و بصیرت کافی نیستند، دیگر عاملان بومی استعمارند که ناخواسته در مسیر اهداف استعمارگران گام برمی‌دارند و به آنان در رسیدن به اهدافشان یاری می‌رسانند؛ این گروه خود به دو دسته قابل تقسیم هستند:

### دسته نخست: مقدس‌نماها

این گروه، مقدسان متحجر و کسانی هستند که به ظواهر دین چسبیده، ولی از معارف دین بویی نبرده‌اند؛ دسته مزبور و گروه روشن فکر، بسان دو لبه قیچی بر خلاف یک دیگر حرکت می‌کنند؛ ولی برآیند حرکتشان به نفع استعمار است. مقدسان متحجر و روشن فکران بی‌دین در طول تاریخ و در درگیری‌های بین حق و باطل، همواره کفه ترازوی باطل را سنگین نموده‌اند؛ لذا در تاریخ اسلام مواردی وجود دارد که امامان معصومین علیهم السلام از دست این دو گروه نالیده‌اند.

ص: ۸۲

---

۱- (۱). همان، ص ۲۰.

۲- (۲). همان، ص ۲۰.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد این دو گروه می فرماید :

قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُتَهْتِكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِكٌ فَالْجَاهِلُ

يَغُشُّ النَّاسَ بِتَنَسُّكِهِ وَ الْعَالِمُ يَغُرُّهُمْ بِتَهْتِكِهِ (۱)

دو گروه پشت مرا شکستند : دانشمند بی دین و دین دار بی دانش (و بصیرت) اما دین دار بی دانش و بی بینش، مردم را به وسیله عبادتش از دین باز می دارد و عالم بی دین با بی تقوایش آنان را می فریبد.

امام صادق علیه السلام نیز در مورد «عالم متهتک و جاهل متنسک» فرموده اند :

هَذَا يَصِدُّ النَّاسَ عَنْ عَمَلِهِ بِتَهْتِكِهِ، وَ هَذَا يَصِدُّ النَّاسَ عَنْ نَسْكَهٖ بِجَهْلِهِ. (۲)

دانشمند بی دین و بی تقوا به وسیله بی دینیش، راه علمش را بر مردم می بندد و دین دار نادان به واسطه جهلش، راه عبادت را بر مردم سد می کند.

این که دو امام بزرگوار در دو مقطع تاریخی از این دو گروه شکایت می کنند، حاکی از این است که اینها دو جریان مستمر در طول تاریخ بودند که از درون، تیشه به ریشه اسلام زدند.

بی جهت نیست که امام خمینی رحمه الله نیز از این مقدس نمایان دل پُر خونی داشته و می فرماید :

این گونه افکار ابلهانه که در ذهن بعضی وجود دارد به استعمارگران و دولت های جائر کمک می کند که وضع کشورهای اسلامی را به همین صورت نگه دارند و از نهضت اسلامی جلوگیری کنند؛ اینها افکار جماعتی است که به مقدسین معروفند و در حقیقت مقدس نما هستند نه مقدس؛ باید افکار آنها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آنها معلوم سازیم؛ چون اینها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته اند.

روزی مرحوم آقای بروجردی، مرحوم آقای حجت، مرحوم آقای صدر و مرحوم آقای خوانساری رحمه الله برای مذاکره در یک امر سیاسی در منزل ما جمع شده بودند؛ به آنان عرض کردم که شما قبل از هر کار تکلیف این مقدس نماها را روشن کنید. با وجود آنها مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دست های شما را گرفته باشد؛ اینهایی که اسمشان مقدسین است

ص: ۸۳

۱- (۱). علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۱۱، حدیث ۲۵.

۲- (۲). همان، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۸.

نه مقدسین واقعی و متوجه مفاسد و مصالح نیستند، دست های شما را بسته اند و اگر بخواهید کاری انجام بدهید، حکومتی را بگیریید، مجلسی را قبضه کنید که نگذارید این مفاسد واقع شوند، آنها شما را در جامعه ضایع می کنند، شما باید قبل از هر چیز فکری برای آنها بکنید. (۱)

استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله نیز در این باره می فرماید :

اگر بخواهید بفهمید جمود با دنیای اسلام چه کرده است، همین موضوع را در نظر بگیرید که علی بن ابی طالب علیه السلام را چی کشت؟ یک وقت می گوییم : علی علیه السلام را کی کشت؟ و یک وقت می گوییم چی کشت؟ اگر بگوییم علی علیه السلام را کی کشت؟ البته عبدالرحمن بن ملجم، و اگر بگوییم علی علیه السلام را چی کشت؟ باید بگوییم : جمود و خشکه مغزی و خشکه مقدسی. (۲)

امیر مؤمنان علی علیه السلام در وصف انسان بی بصیرت می فرماید :

مطیع حاملان حق است، اما بصیرتی ندارد با نخستین شبهه و ایراد، شک در دل او پیدا می شود. (۳)

این دسته اگر هم مانعی سر راه ایجاد نکنند خیلی وقت ها به علت کناره گیری از مسائل سیاسی و به قول خودشان بی طرفی، کفه قدرت را به نفع منحرفان سنگین می کنند، چون در مسائل سیاسی، بی طرفی معنا ندارد و هر کس با حق نباشد نتیجه کارش به نفع باطل تمام خواهد شد.

نمونه های بارز این دسته در کشورهای اسلامی سنی نشین، وهابیت و گروه های منتسب به آن همانند : سپاه صحابه در پاکستان، طالبان در افغانستان و القاعده است و در کشور شیعه ایران گروه هایی مانند حجتیه را می توان از نمونه های شاخص آن به شمار آورد.

## دسته دوم : فرومایگان

فرومایگان یا به تعبیر دیگر : اراذل و اوباش، کسانی هستند که از تربیت درستی برخوردار نبوده و در مسیر مطامع استعماری قرار می گیرند.

ص: ۸۴

---

۱- (۱) . امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۲- (۲) . مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ص ۱۲۲.

۳- (۳) . نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۴۷.

این دسته همان هایی هستند که امیر مؤمنان علیه السلام در خطاب به کمیل بن زیاد نخعی در مورد آنان فرمودند :

همج راع، اتباع کل ناعق، یمیلون مع کل ریج، لم یستضیئوا بنور العلم، و لم یلجؤوا الی رکن وثیق؛ (۱)

احمقان بی سر و پایی که دنبال هر صدایی می روند و با هر بادی به سویی متمایل می شوند، همان ها که با نور علم روشن نشده و به ستون محکمی پناه نبرده اند.

ویژگی مهم این دو دسته که گروه ناآگاهان را تشکیل می دهند در این است که عقلشان رشد کافی نکرده؛ آنان ممکن است در جایی که امری بین خیر و شر دایر باشد خیر را تشخیص دهند و جانب خیر را بگیرند، چون اگر به همین مقدار هم قدرت تشخیص نداشته باشند در حد انسان نیستند، به فرمایش امام علی علیه السلام .

من لم یعرف الخیر من الشر، فهو بمنزله البهیمه؛

کسی که فرق خیر و شر را نداند به منزله چهارپاست. (۲)

با این همه، اینان در جایی که امری بین دو شر دایر باشد که یکی شر بیشتری داشته باشد و دیگری شر کمتری، قدرت تشخیص را از دست می دهند؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی که به آن حضرت منسوب است وصف «عاقل» را از آنان سلب می کند و آنان را شایسته این وصف نمی داند و می فرماید :

لیس العاقل، من یعرف الخیر من الشر؛ و لکن العاقل : من یعرف خیر الشرین؛ (۳)

عاقل کسی نیست که خیر را از شر تشخیص دهد، بلکه عاقل کسی است که بین دو شر، بتواند بهترین آنها را تشخیص دهد.

در دنیای امروز که حکومت ها داعیه دموکراسی و اتکا به آرای مردم را دارند، این گروه ها بیش از پیش در مسیر تأمین خواست استعمار قرار می گیرند، چون زودتر از دیگران تحت تأثیر تبلیغات فریبنده قرار گرفته و با رأی خود، کفه ترازوی قدرت را به

ص: ۸۵

۱- (۱) . همان، کلمه قصار ۱۲۷

۲- (۲) . الکلبینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴، حدیث ۴

۳- (۳) . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶، حدیث ۵۸. البته ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۲۲ این سخن را به عمرو بن عاص نسبت داده است؛ ولی از عمرو بن عاص که خود همواره شرتترین کارها را انتخاب می کرد چنین سخنی بعید است.

نفع قدرت طلبان مزور، مردم فریب و زرمदार سنگین می کنند؛ زیرا همان طور که امام علی علیه السلام فرمودند: آنان به دنبال هر صدایی می روند و دنیای دموکراسی را نیز سر و صداها و تبلیغات فریبنده آباد می کند.

نمونه ای از خوش خدمتی این گروه به استعمار را می توان در جریان شکست نهضت ملی شدن نفت ایران مشاهده کرد که گروهی از این اراذل و اوباش به سرکردگی شعبان جعفری مشهور به شعبان بی مخ وضع شهر تهران را به هم ریختند و زمینه را برای کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲هـ.ش. آماده کردند تا شاه و نهایتاً آمریکا از آب گل آلود ماهی گرفته و ایران را برای سالیانی دیگر، زیر چکمه دیکتاتوری قرار دهند؛ نمونه دیگر چنین دسیسه هایی را پس از پیروزی «انقلاب اسلامی» در حادثه ۷ تیر و ۸ شهریور ۱۳۶۰هـ.ش. می توان مشاهده نمود که به دست گروه های بی هویتی به وقوع پیوست و طی آن ده ها تن از بهترین چهره های انقلابی و اسلامی کشور و در رأس آنان آیه الله دکتر بهشتی (رئیس قوه قضائیه)، رجایی (رئیس جمهور) و باهنر (نخست وزیر) توسط منافقین (هم پیمانان صدام) به شهادت رسیدند؛ هم چنین بلوهای پس از حادثه ۱۸ تیر ۱۳۷۸هـ.ش. تهران که با حضور به موقع نیروهای انقلاب مهار گردید.

استعمارگران برای استعمار کردن یک کشور، نیازمند شناخت آن کشور و ویژگی‌های مذهبی، فرهنگی و قومی مردم آن می‌باشند. نیروهایی که در تحقق این امر، استعمار را یاری می‌کنند، همان زمینه سازان استعمار هستند که عبارتند از:

۱. هیأت‌های تبلیغی مسیحیت:

اینان به بهانه خدمت به مردم محروم کشورها به تبلیغ مسیحیت و جمع‌آوری اطلاعات در مورد کشور مورد نظر می‌پردازند.

تبلیغ مسیحیت در جهان اسلام بعد از جنگ‌های صلیبی و به عنوان یک جنگ فرهنگی بر ضد اسلام شروع شد و از قرن ۱۷ میلادی به بعد شدت یافت، مبلغان مسیحی با نفوذ در مراکز آموزشی مسلمانان سعی در پیش برد مطامع استعماری خویش دارند.

۲. شرق‌شناسان:

«شرق‌شناسی» مشتمل بر یک سری مطالعات است که هدف از آن، شناخت سرزمین‌ها، ادیان و مذاهب، خصوصیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی و ملی مردم مشرق زمین است که برای تسلط بر آنان صورت می‌گیرد و شرق‌شناسان را که عهده دار این کارند، می‌توان فانوس‌کشان استعمار نامید، پدیده «شرق‌شناسی» علی‌رغم نام آن، مختص شرق نیست بلکه همه مناطق دنیا را شامل می‌شود.

«شرق‌شناسی» بعد از فتح «آندلس» شروع شد و از قرن ۱۳ میلادی شدت یافت و ثمره آن، جمع‌آوری حجم عظیمی از اطلاعات در مورد شرق بود. شرق‌شناسی، امروزه در زیر نقاب سازمان‌های بین‌المللی و سفارت‌خانه‌های کشورهای استعمارگر و جهان‌گردی و برخی نیز توسط ماهواره‌ها انجام می‌شود.

انگیزه شرق‌شناسان، شناخت نقاط قوت و ضعف مردم مشرق زمین و دیگر کشورهای عقب‌افتاده است.

شرق‌شناسان، ابتدا شرق را سرزمینی افسانه‌ای معرفی کردند و بعد سعی کردند برای آن مبنای علمی بتراشند و سپس به استعمار آن روی آوردند، به این عنوان که استعمار برای جبران عقب‌ماندگی شرق ضروری است.



شرق شناسان، حجم عظیمی از کار خود را به اسلام اختصاص داده اند و ابتدا سعی کرده اند با اسلام آشنا شوند و پس از آن به تبلیغ بر ضد آن و تخریب آن روی آورده اند؛ اینان، برای رسیدن به اغراض خود، از وسایل متعددی، از جمله نوشتن کتاب و انتشار مجله بهره برده اند؛ تعداد زیادی از شرق شناسان سعی کرده اند تصویری غرض آلود از اسلام ارائه کنند که مبنای قضاوت غربیان در مورد اسلام شده است.

۳. مستشاران :

این گروه در قالب مستشاران نظامی، اقتصادی و فرهنگی وارد کشورهای عقب افتاده شده و زمینه استعمار را فراهم نمودند.

۴. روشن فکران :

این گروه به عنوان نیروهای بومی عامل استعمار قدم در این وادی گذارده اند.

مقصود از روشن فکر کسی است که در قبال دین، موضع منفی یا خنثی داشته باشد؛ اندیشه این گروه مبتنی بر علم، مخالفت با سنن قومی و اجتماعی، دشمنی با گذشته، آینده گرایی، مخالفت با مذهب و معنویات، دارای جهان بینی فلسفی امیدوار کننده اند و هدفشان لایبیک کردن جامعه است.

روشن فکران جهان سوم، در بعضی ویژگی ها با روشن فکران غرب اشتراک نظر دارند؛ ولی از ویژگی های دیگری نیز برخوردارند هم چون: غرب زدگی، باستان گرایی، بی خبری از اوضاع جامعه، بدون ابتکار و کلیشه ای فکر کردن، تسری دهنده جریان پیش آمده در غرب به کل جهان، تقلیدگر غرب و بی اعتماد به جامعه خود می باشند.

در جهان سوم، این گروه با توجه به دارا بودن تحصیلات عالی، بر سرنوشت این کشورها حاکمند، این گروه در جهان اسلام، ابتدا در کشورهای ایران، ترکیه، مصر، سوریه و لبنان به وجود آمدند و به تبلیغ منویات استعماری خود پرداختند؛ نمونه بارز آنان مصطفی کمال پاشا مشهور به آتاترک است که کارنامه بلندی از فعالیت های ضد اسلامی را در پرونده خود دارد.

۵. ناآگاهان و کسانی که دارای بصیرت کافی نیستند :

این گروه خود به دو دسته تقسیم می شوند :

ص: ۸۸

اول : مقدسان متحجر؛ این دسته به ظاهر در مقابل روشن فکران هستند و برخلاف جهت هم حرکت می کنند؛ ولی این دو همانند دو لبه قیچی هستند که برخلاف هم حرکت می کنند ولی یک چیز را می برند؛

دوم : فرومایگان و اراذل و اوباش؛ اینان از تربیت و فرهنگ درستی برخوردار نبوده و در مسیر مطامع استعمارگران قرار می گیرند.

ویژگی مهم این دو گروه، این است که به لحاظ عقلانیت از رشد کافی برخوردار نبوده و در دوران امر بین دو شر قدرت تشخیص شر کمتر را ندارند لذا به طرفی می روند که نتیجه کارشان به نفع استعمار است.

۱. «هیأت های تبلیغی مسیحیت» را معرفی نموده و فعالیت هایشان را ذکر نمایید.
۲. تاریخچه هیأت های تبلیغی مسیحیت را بنویسید.
۳. «شرق شناسی» را تعریف کنید و تاریخچه آن را بنویسید.
۴. سازمان هایی را که متکفل امر شرق شناسی هستند ذکر نمایید.
۵. انگیزه شرق شناسان را بنویسید.
۶. محورهای کار شرق شناسان را در مورد شرق بیان کنید.
۷. محورهای کار شرق شناسان را در مورد اسلام و مسلمانان بیان کنید.
۸. شرق شناسان، برای پیش برد کار خود بر ضد اسلام، از چه وسایلی بهره برده اند، با ذکر نمونه بیان کنید.
۹. شرق شناسانی را که تصویری غرض آلود از اسلام ارائه کرده اند، نام ببرید.
۱۰. «مستشاران» چگونه به عنوان عوامل زمینه ساز استعمار محسوب می شوند؟ توضیح دهید.
۱۱. مفهوم روشن فکری را توضیح داده و بنویسید که روشن فکر به کدام معنا از عوامل زمینه ساز استعمار محسوب می شود؟
۱۲. خصوصیات روشن فکری، از دیدگاه «دکتر شریعتی» کدامند؟
۱۳. خصوصیات روشن فکران «جهان سوم» را ذکر نمایید.
۱۴. خلاصه نظر انجمن اسلامی مهندسين را در مورد روشن فکران بنویسید.
۱۵. پیشتازان روشن فکری را در ایران، مصر، سوریه، لبنان و ترکیه نام ببرید.
۱۶. اهم برنامه های ضد دینی «آتاترک» را نام ببرید.
۱۷. مقصود از ناآگاهان که از عوامل زمینه ساز استعمار هستند چه کسانی می باشند و ویژگی آنان چیست؟
۱۸. سخن امیرمؤمنان علیه السلام را در مورد دو قشر روشن فکر و ناآگاه بیان نمایید.
۱۹. امام علی علیه السلام در مورد فرومایگان، چه فرمایشی دارند؟ توضیح دهید.



۱. نجاح عطاء الطائي، الفكر القومي اسلامياً و تاريخياً، معاونت روابط بين الملل سازمان تبليغات اسلامى.
۲. حميد عنایت، سیری در اندیشه سياسی عرب، تهران، امير کبير.
۳. فؤاد کاظم المقدادی، الاسلام و شبهات المستشرقين، مجمع جهانی اهل بيت عليه السلام.
۴. ادوارد سعيد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحيم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامى.
۵. ابوالفضل شکوری، جريان شناسی تاريخ نگاری ها در ايران معاصر، بنياد تاريخ انقلاب اسلامى ايران.
۶. مصطفى السباعی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما عليهم، بيروت، المكتب الاسلامى.
۷. انور الجندى، الاسلام فى وجه التغريب و الاستشراق، بيروت، دار الاعتصام.
۸. طياوى، خاورشناسان انگليسى زبان، ترجمه سيدخليل خليليان، انتشارات مرواريد.
۹. انور الجندى، الفكر الاسلامى و سموم التغريب و التبعية، قاهره، دار الفضيله.
۱۰. حسين عبداللهى خوروش، فرهنگ اسلام شناسان خارجى، اصفهان، مؤسسه مطبوعاتی مطهر.
۱۱. مارسل بوزار، الاسلام و اليوم، المؤسسه العربيه للدراسه و النشر.
۱۲. ارنست کاسيرر، فلسفه روشن اندیشی، ترجمه نجف دريابندری، انتشارات خوارزمی.
۱۳. على محمد نقوى، جامعه شناسی غرب گرایی، انتشارات امير کبير.
۱۴. جلال آل احمد، در خدمت و خیانت روشن فکران، انتشارات خوارزمی.
۱۵. عبدالامير ارشدی، الاسلام و دسائس الاستعمار، قم، چاپخانه شهيد.
۱۶. يحيى يثربى، ماجرای غم انگيز روشن فکری در ايران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى.
۱۷. آنتونی ناتنغ و لويل توماس، لورانس لغز الجزيره العربيه، بيروت، مكتبه المعارف.
۱۸. مصطفى الخالدى و عمر فروخ، التبشير و الاستعمار فى البلاد العربيه، بيروت، المكتبه المصريه.
۱۹. محمد ابراهيم الفيومى، الاستشراق، رساله الاستعمار تطور الصراع الغربى مع الاسلام، قاهره، دار الفكر العربى.

۲۰. شهید مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، انتشارات صدرا.

ص: ۹۱



اهداف یادگیری فصل پنجم

از فراگیر انتظار می رود پس از یادگیری این فصل :

۱. استعمار سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تعریف نماید.

۲. شیوه های تحقق هر یک از ابعاد استعمار را بیان نماید.

۳. جهانی سازی را به عنوان شیوه تحقق همه ابعاد استعمار بشناسد.

۴. مفهوم، اهمیت، پیشینه و ابعاد جهانی سازی را توضیح دهد.

پیدایش افکار و اندیشه های جدید فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در مناطق تحت استعمار، موجب شکل گیری و گسترش نهضت های ضد استعماری در این مناطق شد و زمینه برچیدن استعمار قدیم را فراهم آورد. ولی این بار، استعمارگران به شیوه ای جدید و استعماری نو به میدان آمدند: استعماری بر اساس مبانی و نظام فکری جدید. نظام فکری ای که اصالت را به انسانی لذت گرا، سود طلب و زیاده خواه می دهد و نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با آن را ترویج می نماید. استعمار با این مبانی فکری، ابعادی بس گسترده تر از قدیم یافته و در همه زمینه ها سلطه خویش را بر ملت استعمارزده تحمیل می کند.

در این فصل در پی آنیم که «ابعاد استعمار» را بیان نموده و شیوه های تحقق هر یک از آنها را بررسی نماییم.



استعمار سیاسی عبارت است از: تحمیل سلطه سیاسی کشور و ملتی قوی بر کشور و ملتی ضعیف به نحوی که هم فلسفه سیاسی و هم نظام سیاسی متناسب با استعمار بر آن کشور تحمیل شود تا خواسته های استعمارگران تأمین گردد. این بعد از استعمار که از ویژگی های استعمار جدید است از طریق شیوه های زیر تأمین می گردد:

### ۱- تحمیل نظام های مورد نظر استعمار

استعمارگران که در زمان ما در رأس آنان آمریکا و کشورهای اروپایی قرار دارند، با ساختن ایسم ها و مکتب های دل فریب و به ظاهر زیبا، ولی بی محتوا یا کم محتوا در زمینه شیوه حکومت و نظام سیاسی و تبلیغ آنها توسط عوامل خارجی و داخلی بر افکار ملت های عقب نگه داشته شده و جهان سوم، آنچنان سایه می افکنند که آنان، تنها راه نجات جامعه خویش را در توسل به نظام های سیاسی استعمار ساخته، جست و جو کرده و راه دیگری به ذهن آنان خطور نکند.

مردم استعمار زده، پس از پذیرش نظام سیاسی مورد نظر استعمارگران - که نوعاً با وضعیت فرهنگی و بومی این ملت ها سنخیتی ندارد - خود به خود در مسیر خواست استعمارگران قرار می گیرند.

در سده اخیر، بشریت شاهد دو موج تبلیغاتی وسیع بود که هر یک از جانب یکی از دو قطب شرق و غرب رهبری می شد و نظام سیاسی خاص متناسب با مبانی فکری هر یک را ترویج می نمود:

یکی موج توفنده تبلیغات سوسیالیستی که تنها راه نجات بشریت را در تمسک به این مکتب پوشالی می دانست و با تحمیل آن بر بخش های عظیمی از جهان، خصوصاً جهان سوم، کشورهای متعددی را به حلقوم گشاد حاکمان شوروی سابق کشید. مردم جهان شاهد بودند که به بهانه گسترش «سوسیالیسم» چه خون هایی در سطح جهان به دست ارتش سرخ به زمین ریخته شد.

دیگری، موج گسترده تبلیغات لیبرال دموکراسی که از سوی آمریکا رهبری می شود و فضایی خیالی را پیش روی ملت های جهان سوم ترسیم می نماید. تأثیر این تبلیغات به حدی است که امروزه شاهدیم که نظام «لیبرال دموکراسی» علی رغم ضعف های فراوان چنان هاله ای از تقدس یافته که همه را مسحور کرده است و هیچ کس به خود اجازه چون و چرا در آن نمی دهد؛ به نحوی که مردم جهان شاهدند به بهانه حاکمیت دموکراسی چه جنایت هایی در جهان صورت می گیرد و چه خون هایی در کشورهایی هم چون افغانستان، عراق و دیگر جاهای زمین ریخته می شود، ولی هیمنه فکر غربی و ظاهر دل فریب آن همه را مجذوب ساخته به نحوی که هیچ کس زبان به اعتراض نمی گشاید و ظاهر زیبای آن، چنان همه را شیفته نموده که هیچ کس بوی تعفن باطن آن را استشمام نمی کند.

## ۲- به کارگیری نیروهای مورد نظر

استعمارگران با شناسایی نیروها و عوامل بومی متمایل به فکر و سیاست خود، آنان را سازماندهی کرده و بسیار ظریف و مخفیانه وارد مصادر کار و مسئولیت ها نموده و متناسب با هر زمان، هم نظام سیاسی مورد نظر خویش را از طریق آنان بر کشورها تحمیل می کنند و هم به تخریب افکار و اندیشه ها و چهره های رقیب و مخالف پرداخته، آنان را به نحوی از گردونه خارج می نمایند.

این نیروها که از طریق مؤسسات آموزشی و سازمان های سیاسی مخفی شناسایی و تربیت می شوند نوعی تعلق خاطر نسبت به کشور استعمارگر پیدا کرده و در نهایت در مسیر خواست آنان قدم برمی دارند؛ نقش این نیروها در تحقق و تقویت استعمار، به مراتب مؤثرتر از نیروهای نظامی خواهد بود.

## ۳- ایجاد تفرقه و اختلاف

تفرقه و اختلاف در بین هر قوم و ملتی که باشد، موجب درگیری و هدر رفتن نیروها و امکانات و در نتیجه موجب ضعف آن ملت می شود؛ به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم:

( وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ )؛ (۱)

نزاع و کشمکش نکنید که سست می شوید و قدرت (و شوکت) شما از میان می رود.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در این باره می فرماید :

ایاکم والفرقه، فان الشاذ من الناس للشيطان كما ان الشاذ من الغنم للذئب؛ (۲)

از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها، طعمه شیطان است؛ چنان که گوسفند تک رو، طعمه گرگ.

حتی امیرمؤمنان علیه السلام در تحلیل کامیابی های طرفداران معاویه و ناکامی های طرفداران خویش می فرماید :

و ائی و الله لاظن ان هؤلاء القوم سيدالون منكم باجتماعهم على باطلهم و تفرقكم عن حقم؛ (۳)

به خدا قسم! می دانم که اینها به زودی بر شما مسلط خواهند شد؛ زیرا آنان در یاری باطلشان متحدند، ولی شما در راه حق خود متفرقید.

به همین جهت، استعمارگران، همواره برای تسلط بر یک کشور، درصدد ایجاد تفرقه در بین مردم آن کشور می باشند، چنان که مشهور است که انگلیسی ها می گویند: «تفرقه بینداز، حکومت کن» و غربی ها در زمان حاضر نیز بیشترین تلاش را در این جهت به کار می بندند؛ برای نمونه می توان به اختلافات داخلی کشورهای چو عراق، سودان، فیلیپین، اندونزی و... اشاره کرد که بسیاری از اختلافات آنها، ریشه در تفرقه افکنی و تحریکات کشورهای استعمارگر دارد.

استعمارگران در هر زمان با توسل به حيله ای متناسب، به ایجاد اختلاف می پردازند: در برخی مناطق بین طرفداران ادیان مختلف و در مناطقی بین طرفداران یک دین و گاهی بین ملیت ها و نژادهای مختلف تفرقه می اندازند؛ آنان هم چنین تلاش می کنند تا علل و عوامل پایداری را برای ایجاد اختلاف بیابند، همان طور که در هند برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان با هندوهای افراطی، از مسجد بامبری به عنوان این عامل استفاده کرده اند و به سبب آن درگیری

ص: ۹۶

۱- (۱). انفال، ۴۶.

۲- (۲). نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۳- (۳). همان، خطبه ۲۵.

های خونینی را در بین مسلمانان و هندوها ایجاد کردند، به نحوی که در سال ۱۹۴۷ میلادی ۴۷۲۰۰۰ نفر از مسلمانان در این درگیری‌ها کشته شدند. (۱)

مسجد بابری در سال ۱۵۲۸ میلادی توسط ظهیرالدین محمد بابر در آیودیا واقع در ایالت اوتارپرادش ساخته شد. در سال ۱۸۸۵ میلادی یک صاحب منصب انگلیسی به نام اچ. او نوبل در هنگام ثبت آثار از روی عمد نوشت: «مسجد بابری قبلاً بت‌خانه هندویان بوده است.» و در همان سال یک درویش هندی، ادعا نمود که در بیرون مسجد سکویی وجود دارد که محل تولد رام جنوم بهومی (خدای هندوان) است و این ادعا را به صورت شکایتی تسلیم مقامات قضایی نمود. این حرکت‌ها موجب تفرقه و درگیری شدید بین مسلمانان و هندوها گردید و در سال ۱۹۴۹ م. با حمایت قاضی «فیض آباد» در نیمه‌های شب بت رام (از خدایان هندو) به این مسجد منتقل شد و درب مسجد به روی مسلمانان بسته شد. (۲) از آن تاریخ به بعد، این مسجد همواره عامل درگیری بین مسلمانان و هندوها بوده است.

در سال ۱۹۹۰ میلادی نیز انتشار کتاب اشتباهات بزرگ در تحقیقات تاریخی در هند که حاوی اهانت‌هایی به اسلام و ساحت مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود، عامل دیگری جهت تشدید این اختلاف‌ها گردید.

## ب) استعمار فرهنگی

### اشاره

«استعمار فرهنگی» عبارت است از تحمیل ارزش‌ها و آداب و رسوم فکری کشور استعمارگر به کشور تحت استعمار به نحوی که مردم استعمار زده بعد از مدتی هویت خویش را از دست داده و دچار یک نوع بی‌هویتی فرهنگی می‌شوند و در نهایت به جایی می‌رسند که همانند استعمارگران فکر می‌کنند.

این بُعد استعمار به مراتب خطرناک‌تر از ابعاد دیگر آن است؛ زیرا ملتی که تحت استعمار فرهنگی قرار گرفت و به جایی رسید که هویت و خوی استعمارگران را پیدا

ص: ۹۷

۱- (۱). غلامرضا گلی زواره، سرزمین اسلام، ص ۱۹۹.

۲- (۲). همان.

کرد، دیگر نسبت به آنان احساس بیگانگی ندارد تا مقاومت و اعتراضی داشته باشد و در نتیجه هیچ گونه عکس‌العملی نسبت به استعمار و استثمار خویش از خود نشان نخواهد داد؛ بی‌جهت نیست که در دوره استعمار جدید، بیشترین هم‌استعمارگران مصروف تخریب فرهنگ‌های بومی مناطق مختلف جهان و ترویج فرهنگ استعماری خودشان می‌شود.

«استعمار فرهنگی» با شیوه‌های گوناگونی رخ می‌دهد که در زیر به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

## ۱- اشاعه فساد و فحشا

رفتن به دنبال فساد و فحشا اقتضای بُعد حیوانی انسان و به تعبیر قرآن اَتباع و پیروی از هوای نفس است؛ پیروی از هوای نفس هم آثار «تکلیفی» دارد و هم آثار «وضعی»؛ اثر تکلیفی آن، گرفتار شدن به عذاب الهی است. امیرمؤمنان علیه السلام به نقل از پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

ان النار حَفَّتْ بالشهوات؛ دوزخ در لابه‌لای شهوات پیچیده شده است. (۱)

و اما آثار وضعی آن، فراوان است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

نخست: از دست دادن بصیرت و بینش؛

دوم: ذلت و خواری؛

امیرمؤمنان علیه السلام در فرازی دیگر از کلام خویش، پیرامون پیروی از هواهای نفسانی می‌فرماید:

من اتبع هواه اعماه و اصمه و اذله و اضله؛ هواهای نفسانی، پیروان خود را کور و کر و ذلیل و گمراه می‌کند. (۲)

استعمارگران نیز، کاملاً به این نکته پی برده‌اند که اگر جامعه‌ای گرفتار پیروی از هوای نفس و در نتیجه فساد و فحشا شد هم نیروی فهم خویش را از دست می‌دهد و هم به ذلت و خواری مبتلا خواهد شد و در مقابل تسلط بیگانه، هیچ گونه عکس‌العملی از

ص: ۹۸

۱- (۱). نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۲- (۲). غررالحکم، حدیث ۹۱۶۸.

خود نشان نخواهد داد؛<sup>۱</sup> به همین جهت، یکی از بهترین راه های تسلط بر ملت های دیگر را اشاعه فساد و فحشا یافته اند.

در عصر حاضر، روی آوردن رسانه های جمعی استعماری به پخش برنامه های هرزه نگارانه (۱) و جنسی (۲) یکی از راه های مؤثر در اشاعه فساد و فحشاست.

متأسفانه آمارهای موجود نیز بیانگر این است که این برنامه ها تأثیر خود را داشته است؛<sup>۲</sup> برای نمونه استفاده کنندگان از اینترنت در جهان سوم بیشترین بازدیدها را از سایت های مبتدل و خلاف اخلاق داشته و دارند.

## ۲- تضعیف دین و ارزش های دینی

دین، چنانچه اصیل و تحریف نشده باشد، انسان ها را به عبودیت الهی و آزادی از همه قیود مادی و دست و پا گیر دعوت می کند و آنها را عزیزالنفس، آزاده، محکم، با صلابت و مبارز و جهادگر می پروراند؛<sup>۳</sup> لذا استعمارگران همواره به دنبال تضعیف دین و ارزش های دینی بوده و هستند.

در قرن اخیر، شاهد تبلیغات وسیع مارکسیسم بر ضد مذهب بودیم و امروزه نیز فعالیت قدرت های استعماری بر ضد ادیان، به ویژه دین اسلام بر کسی پوشیده نیست.

مباحثی که به تازگی تحت عناوین قرائت های مختلف از دین، پلورالیسم دینی، تساهل و تسامح، نسبی گرایی، شک گرایی و... مطرح می شوند، همه به نوعی در راستای تضعیف دین و ایمان مردم به ادیان آسمانی هستند.

## ۳- تضعیف ارزش های انقلابی

ارزش هایی چون ظلم ستیزی، ذلت گریزی، آزادی و دیگر ارزش های انقلابی برای استعمارگران از هر سمی خطرناک تر است؛<sup>۴</sup> زیرا ملتی که به این ارزش ها پای بند باشد به راحتی در مقابل استعمار تسلیم نخواهد شد؛<sup>۴</sup> این است که استعمارگران بعد از دین، بزرگ ترین دشمنی را با ارزش های انقلابی دارند و در تضعیف و نابودی آنها سخت می کوشند.

ص: ۹۹

---

۱- (۱) .Pornographic.

۲- (۲) .Sexual.

هجمه وسیع به مسلمانان انقلابی در سال های اخیر و زدن تهمت های ناروا به آنان و تروریسم قلمداد کردن تفکر جهادی همه در این راستا قرار دارند.

تمامی رسانه های استعماری با جدیت در تلاشند تا با ایجاد تغییر در افکار عمومی ملت ها به تضعیف مقاومت آنان پردازند. آنان سعی دارند وانمود کنند که اساساً دوران طرح مبارزات ضد استعماری سپری شده و باید دنبال شیوه دیگری بود و به این وسیله به دنبال حذف روح مقاومت دینی و ملی در مقابل استعمار می باشند.

#### ۴- تغییر دیدگاه ها

ارائه بینش جدیدی درباره زندگی به گونه ای که فرد به آرمان های بشری فکر نکند و همین دم را غنیمت شمارد و به مسائل مادی و زودگذر دل ببندد، خود، یکی از راه هایی است که به استعمارگران در رسیدن به خواسته ها و اهدافشان کمک می کند.

این است که آنان همواره در پی این هستند که دیدگاه های انسان را تغییر داده و اندیشه های مورد نظر خود را به آنان تحمیل و دیکته نمایند. پافشاری آمریکایی ها و کشورهای اروپایی بر تبلیغ جهان بینی ماتریالیستی غربی در این راستا قرار دارد. چیزی که در قالب ترویج مکاتب و ایسم های غربی صورت می گیرد. هم چنین ترویج شک گرای، رواج بی بند و باری و اباحی گری، راهی برای رسیدن به این منظور است.

#### ۵- ترویج تجمل گرایی، مدگرایی و مصرف گرایی

فرهنگ مصرفی از طریق رسانه های گروهی استعماری به بخش های مختلف جهان سرایت کرده و می کند. فرهنگ مصرفی، چیزی بیش از مصرف صرف است. جریانی است که تمایل به ارزشی نمادین پیدا می کند و نه صرفاً ارزشی مادی. صاحبان سرمایه در پدید آوردن و رشد این فرهنگ بسیار مؤثرند. آنان مصرف کنندگان را به نحوی تقلید گونه وادار می کنند تا بیش از «نیاز» خود تقاضا داشته باشند. رسانه ها نیز نقش واسطه را بین صاحبان سرمایه و مصرف کنندگان ایجاد می کنند و با تبلیغات گوناگون، آنان را به سمت و سوی مصرف کنندگی می کشانند، به نحوی که هیچ گاه احساس نکنند از یک جریان هدایت شده تبعیت می کنند.

رسانه‌ها از طریق آگهی‌های بازرگانی و سوق دادن اخبار و اطلاعات، برنامه‌های سرگرم‌کننده، ورزش و تبلیغات در این مسیر به ایجاد فرهنگ مصرفی می‌پردازند.

گرایش مردم به سوی مصرف زدگی در اصطلاحاتی مانند مد (۱)، شیوه زندگی و ذائقه تبلور می‌یابد. این شیوه استعمار، هم در استعمار فرهنگی کاربرد دارد و هم در استعمار اقتصادی ملت‌ها به کار می‌آید.

ملتی که دنبال تجمل و تغییر طرز زندگی و باب روز کردن آن و نیز، همواره مصرف‌گرا باشد، هیچ‌گاه به دنبال آرمان نخواهد رفت و در وادی‌های خطرناک مبارزه و در افتادن با استعمارگران پا نخواهد گذاشت.

به همین جهت، استعمارگران پیوسته در حال تبلیغ این موارد بوده و سعی در سرگرم کردن ملت‌ها با این مسائل دارند. علاوه بر آن که بسیاری از این شیوه‌ها، آرزوی سوداگران استعمار را که همان سودجویی باشد نیز تأمین می‌کند.

## ۶- الگو سازی

مردم در زندگی خویش به الگو نیاز دارند. آنان همواره دنبال اسوه‌هایی می‌گردند که در یکی از زمینه‌ها موفقیتی داشته و آن را سرمشق خویش قرار می‌دهند. به همین جهت همه کسانی که به هر شکلی دنبال شکل‌دهی افکار و رفتار انسان‌ها بوده‌اند سعی کرده‌اند تا از این نیاز مردم بهره‌برداری کرده و الگوهای را به آنان معرفی نمایند.

ادیان آسمانی، از آن جایی که هدایت انسان و راه‌یابی او به خدا را سرلوحه اهداف خویش قرار داده‌اند، پیامبران و اولیای الهی را که موفق‌ترین انسان‌ها در قرب به خدا بوده‌اند، به عنوان الگو و اسوه به مردم معرفی کرده‌اند.

خداوند متعال، در قرآن کریم، پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام و همراهان واقعی او را الگوی مناسب برای مردم معرفی کرده است و در آیه ۲۱ سوره «احزاب» می‌فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشق نیکویی بود.

ص: ۱۰۱



و در آیه ۴ از سوره «ممتحنه» می فرماید :

(قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ)؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت.

استعمارگران نیز از همین نیاز مردم استفاده کرده و به ساختن الگو برای آنان پرداخته و الگوسازی را یکی از شیوه های استعماری خویش و راهکاری جهت تحقق مصرف گرایی قرار داده اند.

## ج) استعمار اقتصادی

### اشاره

«استعمار اقتصادی» عبارت است از تسلط کشوری بیگانه بر اقتصاد یک کشور و یا نفوذ در اقتصاد آن به نحوی که منافع اقتصادی کشور بیگانه تأمین گردد و به اهداف مورد نظر خویش نائل شود.

در حقیقت، هدف اصلی و اساسی از استعمار یک کشور، همین استعمار اقتصادی است و ابعاد دیگر استعمار در خدمت این هدف شوم قرار می گیرند.

استعمار اقتصادی در دوران استعمار جدید با شیوه های پیچیده انجام می گیرد که ظاهری آراسته دارد، ولی در نهایت، به وابستگی شدید کشور استعمار شده می انجامد؛ مهم ترین شیوه های «استعمار اقتصادی» عبارتند از :

### ۱- تک محصولی کردن کشورهای تحت سلطه

استعمارگران با هدف وابسته کردن کشورهای تحت سلطه، سعی می کنند اقتصاد این کشورها را به یک یا نهایتاً چند محصول محدود، وابسته کنند تا بدین طریق، هر زمان که بخواهند مردم آن کشور را تحت فشار قرار دهند، ابزاری مناسب در اختیار داشته باشند.

به همین مناسبت، در کشورهایی که امکان کشاورزی وجود داشته باشد سیاست تشویق کشت واحد را در پیش می گیرند و در کشورهایی که دارای معدن هستند به دنبال تشویق استخراج و فروش یک ماده هستند.

برای نمونه، استعمارگران پس از تقسیم قاره آفریقا، کشورهای تحت سلطه را به سوی تولید یک نوع محصول کشاورزی سوق دادند که آن محصول نیز به

کشورهای دیگر صادر شود؛ برای مثال :

«غنا»، عمدتاً کاکائو؛ «سنگال»، بادام زمینی؛ «سودان» و «اوگاندا»، پنبه؛ و «انگولا»، قهوه کشت و صادر می کردند. (۱)

جدول زیر نوع و درصد محصولات عمده (تک محصولی) برخی از کشورها را در سال ۱۹۶۰ میلادی نشان می دهد: (۲)

کشور- عمده کالای صادراتی- ارزش صادراتی

برمه- برنج- ۶۵-۷۰

مصر- پنبه- ۷۰-۷۵

غنا- کاکائو- ۶۰-۶۵

کلمبیا- قهوه- ۷۵-۸۰

کویت- نفت- ۹۹-۱۰۰

سريلانکا- چای- ۶۰-۶۵

بولیوی- قلع- ۵۵-۶۵

برزیل- قهوه- ۵۸-۶۳

گواتمالا- قهوه- ۷۰-۷۵

ایران- نفت- ۸۰-۸۵

لیبریا- لاستیک- ۶۲-۶۷

نیجریه- بادام زمینی- ۸۲-۸۷

بوروندی- قهوه- ۸۳

سنگال- پنبه و فرآورده های آن- ۷۸

چاد- پنبه و فرآورده های آن- ۷۷

سوریه- پنبه و فرآورده های آن- ۷۰

۱- (۱). همایون الہی، امپریالیسم و عقب ماندگی.

۲- (۲). همان، ص ۸۷.

در کشت نوع محصول نیز، نیاز داخلی کشور تحت سلطه، ملاک عمل نیست، بلکه نیاز کشور استعمارگر، جهت تأمین مایحتاج خود و یا صدور به کشورهای دیگر و فروش در بازار آنها مطرح است.

تک محصولی کردن یک کشور، عواقب بدی دارد که تأثیری بنیادی بر اقتصاد آن کشور بر جای می گذارد. پیامدهای سوء اقتصاد تک محصولی به طور خلاصه عبارتند از :

۱. اختصاص منابع انسانی و مالی کشور در راه تولید یک یا چند محصول؛

۲. عدم پاسخ گویی تولید نسبت به نیاز داخلی؛

۳. وابستگی اقتصاد به فروش همان محصول؛

۴. تأثیرپذیری از نوسانات بازار و قیمت محصول صادراتی؛

۵. گرفتن امکان برنامه ریزی صحیح از کشور تحت سلطه.

مجموع این مسائل دست به دست هم داده و فقر و عقب ماندگی کشور تحت سلطه را به دنبال دارد.

## ۲- صدور صنایع مونتاژ

(۱)

«صنایع مونتاژ»، صنایعی را گویند که قطعات یک کالا در یک کشور ساخته شود ولی سرهم کردن آن قطعات در کشور دیگری صورت گیرد و یا به نوع دیگری وابسته به کشور دیگر باشد.

استعمارگران به دلیل جلوگیری از صدور تکنولوژی به کشورهای دیگر و در نتیجه وابستگی و عقب ماندگی آنها معمولاً صنایع اصلی و مادر را به کشورهای صادر نمی کنند، بلکه صنایعی را به این کشورها صادر می کنند که تکنولوژی آن را خود در دست داشته و تنها مونتاژ قطعات آن را به کشور دیگری می سپارند؛ البته اگر هم احیاناً صنعت مادر را به کشور عقب افتاده صادر کنند، نوع قدیمی و از مد افتاده آن را صادر می کنند که تولیدات آن در دنیا خریدار چندانی نداشته و در نهایت از قدرت رقابت با تولیدات پیشرفته برخوردار نباشد.

ص: ۱۰۴

هدف از صدور صنایع مونتاژ، یکی وابسته کردن کشور تحت سلطه است و دیگری، ارزان تمام شدن کالا<sup>۱</sup> زیرا در این کشورها، نوعاً نیروی کار ارزان است بر خلاف کشورهای پیشرفته، به همین جهت، کالا با قیمت ارزان تری به بازار می رسد.

از جمله پیامدهای مخرب صدور صنایع مونتاژ، علاوه بر وابستگی به کشور استعمارگر، دل خوش کردن مردم تحت سلطه به صنایع وابسته و روگرداندن از خودباوری، خلاقیت و تولیدات بومی و ملی است<sup>۲</sup> زیرا چنین می پندارند که کشورشان صنعتی بوده و به چیزی نیازمند نیستند.

علاوه بر این انتقال این نوع تکنولوژی نیز، در جهت پاسخگویی به نیاز کشورهای وارد کننده نیست، بلکه تأمین کننده منافع کشورهای صادر کننده است.

بررسی انکتاد (کنفرانس تجارت و توسعه وابسته به سازمان ملل متحد) نشان می دهد که انتقال تکنولوژی از کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای توسعه نیافته - که عمدتاً توسط شرکت های چند ملیتی صورت می گیرد- بیش از آن که در جهت پاسخگویی به نیازهای کشورهای توسعه نیافته باشد، تأمین منافع شرکت های چند ملیتی و کشورهای پیشرفته صنعتی را دنبال کرده است. عرضه کنندگان تکنولوژی، با استفاده از موفقیت انحصاری خود، شرایط و مقررات خاصی را که تأمین کننده منابع آنان است به کشورهای وارد کننده تکنولوژی که عمدتاً کشورهای توسعه نیافته هستند<sup>۳</sup> تحمیل کرده و در شرایط کاملاً نامساعدی به انتقال تکنولوژی به آن کشورها اقدام می کنند که نتیجه آن: وابستگی بیشتر تکنولوژیکی کشورهای توسعه نیافته به کشورهای پیشرفته و صنعتی، اجرای سیاست های اقتصادی تحمیلی برای دریافت تکنولوژی غالباً کهنه و از رده خارج شده، پرداخت هزینه گزاف، بابت ورود تکنولوژی و پمپاژ دائمی سود از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای پیشرفته صنعتی و نهایتاً، سنگین شدن بار بدهی به این کشورهاست. (۱)

ص: ۱۰۵

---

۱- (۱). عبدالناصر همتی، نگرشی بر دیدگاه ها و مسائل توسعه اقتصادی، ص ۸۲.

از جمله پنهان ترین و پیچیده ترین راه های استعمار اقتصادی کشورها مدل توسعه است.

بعد از «جنگ جهانی دوم» و رقابت بلوک شرق و غرب و نیز، آزادی و استقلال کشورهای مستعمره، فضایی به وجود آمد که در درون آن «نظریه های توسعه» شکل گرفت؛ در چنین فضایی، از یک سو کشورهای عقب افتاده که به دنبال جبران عقب افتادگی خود بودند با رو آوردن به نظریه های توسعه در صدد رهایی از دام توسعه نیافتگی برآمدند و از سوی دیگر، نظریه پردازان توسعه نیز که خود به کشورهای استعمارگر و پیشرفته تعلق داشتند، به تبلیغاتی از این دست پرداختند که راه رهایی کشورهای توسعه نیافته، الگوبرداری و پیروی از کشورهای پیشرفته و درس گرفتن از آنان است؛ در این راستا برخی از آنان سعی کردند تا ریشه تمام مشکلات جهان سوم را به عدم توسعه نسبت دهند؛ حتی از نظر لوسیان پای (۱)، شارم (۲) و دیگران، بوروکراسی نالایق و فساد همه گیر در جامعه سنتی معلول عدم توسعه یافتگی است. (۳)

نتیجه این دو جریان، رو آوردن به «مدل های توسعه غربی» به عنوان راه حل عقب افتادگی جهان سوم شد؛ ولی متأسفانه تأسی به این الگوها و مدل ها، نه تنها منجر به توسعه نگردید، بلکه مشکلات عدیده ای را به دنبال داشت که آن مشکلات در جهان اسلام از مناطق دیگر بیشتر است؛ زیرا:

اولاً: تمامی مدل های توسعه در جوهر خود ماهیتی غیر دینی و غیر معنوی دارند و پیاده کردن آنها در یک جامعه دینی، موجب تخریب ارزش های دینی، خصوصاً ارزش هایی چون انفاق، قرض الحسنه و... خواهد شد؛

ثانیاً: چون روح و جان توسعه، بورژوازی و سرمایه سالارانه و سودگراست، در نهایت، منجر به نابرابری اقتصادی، ایجاد فاصله های شدید طبقاتی و بروز بی عدالتی در جامعه خواهد شد؛

ص: ۱۰۶

۱- (۱) .Lucian Pye

۲- (۲) .Scharmm

۳- (۳) . استور، ویلیام جیمز، تکنولوژی ارتباطات در جهان سوم، ص ۲۲.

ثالثاً: از آن جا که از ماهیتی استعماری برخوردارند، نه تنها خط سیر آنها، اساساً از مسیر مبارزه با استعمار، استکبار و امپریالیسم جدا می گردد؛ بلکه حتی خوش بینی نسبت به آنها و در نتیجه تسلیم در برابر آنها را به دنبال خواهد داشت.

رابعاً: با توجه به این که این مدل های توسعه، دارای ماهیتی غربی هستند، به ترویج ارزش های غربی در دیگر جوامع خواهند انجامید؛ لذا شاهد هستیم که: مدل های مختلف توسعه در عمل برای کشورهای که در آرزوی مدرنیته به سر می برند، جز تشدید فقر و فاصله طبقاتی، شدت یابی بحران بدی ها و وابستگی بیشتر و بیشتر به نظام جهانی سلطه امپریالیستی، نتیجه ای نداشته است. (۱)

این قضیه، خصوصاً زمانی تشدید می شود که روشن فکران و تحصیل کردگان جهان سوم از حیث اطلاعات روزآمد نباشند. به گفته استور:

این تئوری ها، ابتدا توسط غربی ها ابراز شده، و سپس به کشورهای جهان سوم منتقل می شوند و گاهی در کشور ارائه کننده دیگر، طرفدار ندارند، ولی در جهان سوم هنوز کاملاً مد روز هستند. (۲)

#### ۴- افزایش سود وام ها و تسهیلات

یکی از راه های وابسته کردن کشورهای تحت سلطه و استعمار اقتصادی آنها، افزایش سود وامی است که به این کشورها پرداخت می شود، تا جایی که کشورهای مقروض هر روز بر بار سنگین بدهی هایشان افزوده می شود و حتی گاهی سود وام از اصل وام بیشتر می شود.

#### ۵- سرمایه گذاری

یکی از راه های «استعمار اقتصادی» سرمایه گذاری هایی است که توسط سرمایه داران کشورهای استعمارگر در داخل کشور تحت سلطه انجام می گیرد؛ سرمایه گذاری، ظاهری خیرخواهانه دارد؛ ولی آمار و ارقام نشان می دهد که این سرمایه گذاران، اولاً:

ص: ۱۰۷

۱- (۱). شهریار زرشناس، توسعه، ص ۳۸.

۲- (۲). تکنولوژی ارتباطات در جهان سوم، ص ۳۳.

جایی سرمایه گذاری می کنند که ریسک کمتر و سوددهی بیشتری داشته باشد و ثانیاً: مقدار سود حاصله گاهی تا چند برابر اصل سرمایه بوده است.

یک بررسی از سرمایه گذاری های انگلستان در کشورهای عقب نگهداشته شده، طی چهل سال که توسط جی.اف.ریپی (۱) صورت گرفته است این مسئله را به خوبی بیان می کند؛ این تحلیل نشان می دهد که از بیش از یک صد و بیست شرکت انگلیسی فقط هفده شرکت طی پنج سال، سود سرمایه ای به دست آورده اند که کمتر از سرمایه اولیه شان بوده است؛ بیش از یک چهارم آنها معادل کل سرمایه خود را در مدت یک سال یا حتی در مدتی کمتر از آن به صورت سود و غیره به دست آورده اند. (۲)

## ۶- کاهش قیمت مواد خام و افزایش قیمت فرآورده های صنعتی

استعمارگران، با کاهش قیمت مواد خام که معمولاً از کشورهای تحت سلطه به دست می آید، وضعیتی را به این کشورها تحمیل می کنند که در نهایت به غارت منابع آنها می انجامد؛ در مقابل، آنان قیمت فرآورده های صنعتی خود را افزایش می دهند و این نیز مکملی است بر غارت منابع اقتصادی آن کشورها.

## ۷- گرفتن تعرفه های گمرکی از صادرات کشورهای تحت سلطه و لغو تعرفه گمرکی از واردات آنها

استعمارگران، با گرفتن تعرفه های گمرکی، موجب می شوند تا محصولات این کشورها با قیمتی گران به دست مصرف کننده برسد که در نهایت برای تولیدکنندگان سود کمتری خواهد داشت؛ در عوض صادرات خود را به این کشورها که واردات این کشورها محسوب می شود از طریق اعمال فشار، از حقوق گمرکی معاف می کنند تا هم خود سود بیشتری به جیب بزنند و هم با ندادن تعرفه این کشورها را متضرر نمایند و نیز، کالای آنان ارزان تر به دست مصرف کننده برسد تا بتوانند فروش بیشتری داشته باشند.

ص: ۱۰۸

۱- (۱). J. ک. Rippy.

۲- (۲). امپریالیسم و عقب ماندگی، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.



معمولاً کشورهای استعمارگر، هم در خرید کالاهای کشورهای تحت سلطه، انحصار ایجاد می کنند و هم در فروش محصولات خود به این کشورها و هدف اصلی شان از این کارها یکی، تسلط کامل بر اقتصاد این کشورهاست و دیگری، بیرون کردن رقبا از میدان رقابت.

## ۹- سرقت مغزها

### (۱)

از شیوه هایی که سال هاست استعمارگران از آن بهره می برند، سرقت مغزهاست؛ آنان همواره با حيله های متعددی مغزها یا همان نخبگان کشور هدف را به مهاجرت از کشورهای خود واداشته و در کشورهای پیشرفته ساکن می نمایند و در این راستا برخی را با تطمیع و برخی دیگر را با تهدید، وادار به انجام این کار می کنند؛ حتی چنان چه کسی هم حاضر به همکاری با آنان نشود، یا او را می کشند و یا با وارد کردن آسیبی به او، دستگاه تفکر او را از کار می اندازند و بنابر شواهد موجود کمتر کسی است که بتواند از دست آنان جان سالم به در ببرد.

متأسفانه در داخل کشورهای جهان سوم نیز، بسیاری از کارکنان دولتی به عنوان عوامل همان استعمارگران در هجرت دادن مغزها به کشورهای پیشرفته، همکاری می کنند؛ بارها اتفاق افتاده که افراد مخترع به منظور درخواست کمک به اداره مربوطه مراجعه نموده اند؛ ولی آنان نه تنها همکاری نکرده اند، بلکه در عوض به مراجعه کننده پیشنهاد داده اند که اگر طرح خود را در فلان کشور غربی و برای آنها انجام دهد، تمام زمینه ها را برای وی فراهم خواهند نمود. این است که جهان سوم همه ساله شاهد فرار مغزهای خود به کشورهای پیشرفته است و فرار مغزها در حدی است که اگر متخصصان کشورهای جهان سوم از کشورهای پیشرفته مهاجرت کنند، بسیاری از کارها و پروژه های این کشورها بر زمین خواهد ماند.

ص: ۱۰۹

## د) جهانی سازی، شیوه ای برای تحقق همه ابعاد استعمار

«جهانی سازی» یا جهانی کردن، ترجمه ای از واژه انگلیسی Globalization است و در فارسی معادل کاملی ندارد؛ برخی آن را «جهانی شدن» ترجمه کرده اند، ولی به نظر می رسد این ترجمه دقیق نیست؛ زیرا جهانی شدن فرایندی خارج از اراده انسان است و خود به خود گویای نوعی حرکت طبیعی (۱) و جبری است که بشر جز تسلیم شدن در برابر آن راهی ندارد و هیچ گونه مقاومتی نیز در مقابل آن امکان پذیر نیست؛ درحالی که «جهانی سازی» حرکتی ارادی است که از سوی بخشی از حکومت های قدرتمند پی ریزی شده و رهبری می شود.

این اصطلاح گرچه کمتر از دو دهه است که در جهان متداول شده، ولی پیدایش اندیشه جهانی سازی دارای پیش زمینه هایی است که به چند دهه قبل باز می گردد. تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵م. و انتشار کتاب دهکده جهانی (مارشال مک لوهان) در سال ۱۹۶۵م. و نیز، تشکیل سازمان های بین المللی از زمینه های پیدایش این طرز تفکر در زمانی دورتر می باشند؛ اما زمینه های مشخص تر و نزدیکتر آن به انتشار کتاب موج سوم، اثر الوین تافلر در سال ۱۹۷۸م. برمی گردد.

در دهه ۱۹۸۰م. پیشرفت فناوری اطلاعات و انقلاب انفورماتیک موجب شد که تافلر آن را موج سوم بنامد، همین مسئله، زمینه شکل گیری نظریه پایان تاریخ فرانسیس فوکویاما را فراهم آورد که با استناد به پیشرفت های فوق العاده ارتباطات، وی به این نتیجه رسید که بشریت، به نهایت پیشرفت خود رسیده و این پیشرفت را وامدار کشورهای پیشرفته صنعتی است و لذا نظام سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان را که همان لیبرالیسم است، باید بهترین دست آورد تمدن جدید دانست که برای سایر ملل نیز قابل تأسی است.

با پیشرفت تکنولوژی ارتباطات، همه مرزهای جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیکی نادیده گرفته می شوند و «دهکده جهانی» مارشال مک لوهان تحقق می یابد؛ اما این دهکده که مجموعه ای به هم پیوسته است، قوانین و مقررات و

ص: ۱۱۰

شرایط خاص خویش را می‌طلبد و باید از نظم یکسانی پیروی کند؛ زیرا در یک دهکده نمی‌توان دو نوع نظم و به اصطلاح دو کدخدا داشت.

همین مطلب باعث شد که بوش پدر، تئوری نظم نوین جهانی را مطرح کند؛ در این نظم نوین، باید نظام مورد تأیید جهان پیشرفته، جهانی شود که همان نظام آمریکایی است؛ زیرا این مدل، توانایی‌های خویش را به نمایش گذاشته و بیشترین پشتوانه را در اختیار دارد و قدرت توسعه آن را نیز در سطح جهان دارا می‌باشد؛ در چنین شرایطی، نظریه ساموئل هانتینگتون شکل گرفت که تمدن‌های دیگر در مقابل این نظم نوین مقاومت خواهند کرد و برخورد تمدن‌ها پیش خواهد آمد.

مسئله «جهانی‌سازی» در چنین شرایطی مطرح می‌شود و هدف اصلی آن تحقق وضعیتی است که فرهنگ جهان پیشرفته - که در رأس آن آمریکا است - در کل جهان حاکم شود و کسی نیز در مقابل آن مقاومتی نشان ندهد تا برخورد تمدن‌ها به وجود نیاید؛ اگر کسی به این مقدمات و زمینه‌ها توجه کافی بنماید، به خوبی درمی‌یابد که «جهانی‌سازی» یک حرکت طبیعی نیست، بلکه حرکتی ارادی است که از سوی عده‌ای قدرتمند هدایت می‌شود و باز به این نکته پی خواهد برد که پیشنهاد گفت و گوی تمدن‌ها چه قدر با غفلت از این زمینه‌ها و عدم اطلاع از پشتوانه فکری جهانی‌سازی مطرح شده است. به همین جهت علی‌رغم استقبال بسیاری از کشورهای جهان سوم از این پیشنهاد، کشورهای پیشرفته هیچ‌گونه وقعی به آن ننهادند و ارزشی برای آن قائل نشدند و علی‌رغم هزینه‌های گزافی که بر مردم ایران تحمیل نمود هیچ‌گونه نتیجه‌ای در سطح جهان نداشت.

### ماهیت طرح جهانی‌سازی و ابعاد آن

جهانی‌سازی پدیده‌ای کاملاً مبتنی بر تفکر رایج دنیای غرب است و برای فهم آن باید غرب و زیر بناهای فکری آن را شناخت؛ غرب جدید که بعد از رنسانس شکل گرفته، مبنای فکری اش خلاصه می‌شود در نگرش دنیایی و این جهانی‌سازی به کل هستی و از جمله انسان، انسانی که محور هستی تلقی می‌گردد؛ ولی علی‌رغم نظر ادیان آسمانی که او را اشرف مخلوقات الهی می‌دانند، زاده میمون است و جز باهوش بودن، هیچ‌گونه شرافتی

بر سایر حیوانات ندارد و همه چیز این انسان خلاصه می شود در کسب قدرت بیشتر برای به جیب زدن سود بیشتر در راستای کسب لذت بیشتر و همه اینها را نیز باید در همین جهان تأمین کرد و بدان رسید و گرنه دنیای دیگر اگر فرضاً وجود داشته باشد نسیه است و نباید نقد را به نسیه فروخت؛ لذا جهانی کردن یا «جهانی سازی» در حقیقت این جهانی کردن و اصالت دادن به زندگی این دنیاست و این فکر، دست‌آورد بشر غربی جدید است که قرار است طی پروژه جهانی سازی به شیوه ای جهانی تبدیل شود.

این پروژه ابعاد مختلفی دارد :

در «بُعد اقتصادی» به دنبال قبضه «تجارت»، «بازار»، «مواد خام»، «نیروی کار و کالا» در عرصه جهانی، دخالت در تعریف «مالکیت»، «کار»، «دستمزد» و «هزینه خدمات» است.

در «بُعد سیاسی» به دنبال قبضه قدرت، نظارت و اطاعت در سطح جهان، تعریف مجدد مفاهیمی چون «مشروعیت»، «اقتدار» و «امنیت بین المللی» است.

در «بُعد فرهنگی» و عرصه فرهنگ به دنبال حاکمیت تعریف دل خواه خویش از «ارزش»، «ضد ارزش»، «زندگی»، «توسعه و پیشرفت»، «آزادی»، «حقوق بشر»، «دموکراسی» و... می باشد.

«جهانی سازی» به دنبال تحقق همه اهداف خود در ابعاد مذکور است، البته بُعد اقتصادی آن در حال حاضر بیشتر از سایر ابعاد مطرح می باشد که از طریق سازمان تجارت جهانی WTO به اجرا گذاشته می شود.

بر اساس مطالب مذکور، به طور خلاصه می توان گفت: «جهانی کردن» اشاعه و تثبیت مبانی اخلاقی، ارزش ها، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع توسعه یافته در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه است.

«استعمار» ابعاد مختلفی دارد :

۱. «بُعد سیاسی»؛ این بُعد همان تحمیل سلطه سیاسی کشور تحت استعمار است که از طریق روی کار آوردن نظام های مورد نظر استعمار، به کارگماردن افراد و نیروهای وابسته و ایجاد اختلاف و تفرقه بین ملت استعمارزده تأمین می شود.
۲. «بُعد فرهنگی» این رویکرد استعماری با تحمیل ارزش ها و آداب و رسوم فکری و فرهنگی کشور استعمارگر بر ملت تحت استعمار صورت می گیرد، به نحوی که آنان بعد از مدتی، هویت خویش را فراموش می نمایند؛ این بُعد از طریق اشاعه فساد و فحشا، تضعیف دین و ارزش های دینی، تضعیف ارزش های انقلابی، تغییر دیدگاه ها، ترویج تجمل گرایی و فرهنگ مصرفی و الگوسازی، محقق می شود.
۳. «بُعد اقتصادی»؛ این بُعد، عبارت است از تسلط کشور بیگانه بر اقتصاد یک کشور، با نفوذ در اقتصاد آن در راستای تأمین منافع استعمارگران، که از طریق تک محصولی کردن کشورهای تحت سلطه، صدور صنایع مونتاژ، ارائه مدل های توسعه، افزایش سود وام ها و تسهیلات، سرمایه گذاری، کاهش قیمت مواد خام و افزایش قیمت فرآورده های صنعتی، گرفتن تعرفه های گمرکی از صادرات کشورهای تحت سلطه و لغو تعرفه گمرکی از واردات آنها، ایجاد انحصار در خرید و فروش؛ و سرقت مغزها محقق می شود.
۴. «جهانی سازی» نیز شیوه ای است که برای همه ابعاد استعمار به کار می آید و به طور خلاصه عبارت است از اشاعه و تثبیت مبانی اخلاقی، ارزش ها، ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع پیشرفته غربی در جوامع توسعه نیافته یا در حال توسعه.

۱. «استعمار سیاسی» را تعریف نموده و شیوه های تحقق آن را توضیح دهید.
۲. «استعمار فرهنگی» را تعریف کنید و شیوه های تحقق آن را بیان نمایید.
۳. «استعمار اقتصادی» را تعریف کرده و بیان کنید چگونه از طریق تک محصولی کردن کشور تحت سلطه، محقق می شود.
۴. صدور «صنایع مونتاژ» به کشورهای در حال توسعه، چه پیامدهایی دارد؟
۵. توضیح دهید: چرا کشورهای عقب افتاده به مدل های توسعه روی آوردند؟
۶. مشکلات ناشی از اجرای «مدل های توسعه» را در کشورهای اسلامی بیان کنید.
۷. «جهانی سازی» را تعریف کنید و ابعاد مختلف آن را توضیح دهید.
۸. ماهیت «جهانی سازی» را بیان نمایید.

۱. مقدمه ای بر استعمار نو (امپریالیسم نوین) در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، جک وودیس، ترجمه سعید روحانی، انتشارات پیروز.
۲. الاستعمار الجديد، آخر مراحل الامبریالیه، کوامی نکروما، ترجمه عبدالحمید حمدی.
۳. جهان سوم در برابر کشورهای غنی، آنجلو پولوس، ترجمه امیرحسین جهان بگلو، تهران، انتشارات خوارزمی.
۴. طلوع ماهواره و افول فرهنگ، چه باید کرد؟ صادق طباطبایی، تهران، انتشارات اطلاعات.
۵. کنترل فرهنگ (نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا)، ادوارد برمن، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر نی.
۶. توسعه کشورهای توسعه نیافته، مطالعه تحلیلی در جنبه های نظری، تاریخی توسعه نیافتگی، یوسف نراقی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۷. وجوه امپریالیسم، چارلز رینولدز، ترجمه حسین سیف زاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۸. تحلیل استعمار فرهنگی، محمد علی جاودان، سازمان تبلیغاتی همگام با انقلاب اسلامی.
۹. توسعه، شهریار زرشناس، تهران، کتاب صبح.
۱۰. توسعه و تضاد، فرامرز رفیع پور، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. جهانی شدن، مالکوم واترز، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، سیاوش مریدی، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.
۱۲. جهانی شدن، رونالد رابرتسون، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
۱۳. جهانی شدن و فرهنگ هویت، احمد گل محمدی، تهران، نشر نی.
۱۴. نظام جهانی: اقتصاد، سیاست و فرهنگ، باری آکسفورد، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۵. جهانی شدن با کدام هدف؟، پل سوئیزی و دیگران، ترجمه ناصر زرافشان، تهران، انتشارات آگاه.

۱۶. ناامنی جهانی، بررسی چهره دوم جهانی شدن، آندرو هورل و دیگران، به اهتمام اصغر افتخاری، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۷. جهانی شدن و سیاست خارجی، داریوش اخوان زنجانی، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۸. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۹. الاستعمار و الصراعات الثقافیه فی الجزائر، عبدالقادر جغلول، لبنان، دارالحدائث.

۲۰. الغزو الثقافی، آیه الله الخامنیه ای، بیروت، مؤسسه دار الولاية.



اهداف یادگیری فصل ششم

از فراگیر انتظار می رود پس از فراگیری این فصل :

۱. ابزار استعمار را بشناسد.

۲. نحوه استفاده استعمارگران از این ابزار را بیان نماید.

۳. کاربردهای هر یک از ابزار را توضیح دهد.

۴. نقش هر یک از ابزار را در تخریب فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشورهای عقب افتاده بیان کند.

۵. پشت پرده ابزاری همانند رسانه ها را معرفی نماید.

۶. نحوه استفاده استعمارگران از سازمان های غیر دولتی را بیان نماید.

استعمارگران برای رسیدن به مطامع خویش و تسلط بر دیگر ملت ها از همه امکانات موجود استفاده می نمایند؛ آنان با بهره گیری از علوم، تکنولوژی و تجربه های طولانی استعمارگری، به ابزار و اهرم هایی بسیار پیشرفته دست یافته اند که شعاع و تأثیر فعالیت های آنان را چند برابر کرده و بسیاری از سختی ها و ناهمواری های سر راه را سهل و هموار نموده و زمینه سلطه هر چه بیشتر آنان را در همه ابعاد استعمار فراهم آورده است.

در این فصل به طور مختصر، به معرفی «وسایل و ابزار استعمار» می پردازیم؛ البته معرفی ابزار آتی بدین معنا نیست که این ابزار استفاده های غیر استعماری ندارند و یا از ابتدا با هدف استعماری به وجود آمده اند، بلکه مقصود این است که استعمارگران در مسیر اهداف خویش از این ابزار بهره می گیرند.

بر کسی پوشیده نیست که رسانه ها خدمات فراوانی را به بشریت عرضه کرده اند و ولی باید اذعان نمود که همین وسایل مفید، در مقیاسی گسترده تر در خدمت استعمارگران قرار گرفته اند، چرا که کشورهای استعمارگر غالباً، خود، این ابزار را اختراع نموده و همواره نوع پیشرفته تر آنها را در اختیار دارند.

رسانه ها، همواره در خدمت نظام اطلاع رسانی جهانی قرار دارند و نظام اطلاع رسانی نیز، بر فرهنگ کشورهای توسعه یافته مبتنی است، که محورهای اساسی آن عبارتند از: دسترسی هر چه بیشتر به سود، لذت و رفاه مادی که از طریق تسلط بیشتر بر طبیعت، تولید انبوه، بازار یابی جهانی و مصرف بیشتر، تأمین می گردد؛ لذا گزینش اطلاعات از میان انبوه بی شمار و گسترش آنها بر همین اساس خواهد بود.

نظام اطلاع رسانی جهانی در گزینش اطلاعات نمی تواند جدا از این معیارها عمل کند، این است که با استفاه از آخرین یافته های دانش هایی چون جامعه شناسی و روان شناسی، جهان را در معرض هجوم گروهی خاص از اطلاعات قرار می دهد و با ظرافت و زیرکی، چنان اجزای مختلف اطلاعات را کنار یک دیگر قرار می دهد تا در اذهان مخاطبین، عظمت، قدرت سروری و غنای فرهنگی کشورهای توسعه یافته و ضعف، ناتوانی، عقب ماندگی و فقر فرهنگی کشورهای توسعه نیافته القا شود تا دنیای غیر پیشرفته در مقابل آنان سر تعظیم فرود آورد و سروری آنان را بپذیرد. رسیدن به این هدف نیازمند تخریب فرهنگ های خلاق، پویا و امیدوار کننده است و بخش عظیمی از کاربرد رسانه ها در این راستا تعریف می شود.

مهم ترین رسانه ها که مورد استفاده قرار می گیرند عبارتند از:

### ۱- خبرگزاری ها

از آغاز قرن ۲۱ میلادی، بیش از صد خبرگزاری بین المللی و تعداد زیادی آژانس خبری ملی، در سطح جهان به جمع آوری و مخابره اخبار و رویدادهای مختلف مشغولند؛ اما در این میان، چند خبرگزاری مهم و توانمند، چنان سیطره خویش را بر جهان گسترده اند که تحقیقات مختلف در اوایل دهه ۱۹۸۰م. نشان داد از هر چهار خبر بین المللی که

توسط رسانه ها نقل و مورد استفاده قرار می گیرد، سه رویداد به وسیله خبرگزاری های جهانی مزبور مخابره شده است؛ (۱)

این خبرگزاری ها عبارتند از :

۱. «آسوشیتد پرس»؛ (۲)

۲. «یونایتد پرس»؛ (۳)

این دو خبرگزاری متعلق به «ایالات متحده آمریکا» هستند و علی رغم ادعای استقلال، هر دو به مثابه ابزاری در اختیار «وزارت خارجه آمریکا» به حساب می آیند.

«آسوشیتد پرس» هشت هزار و پانصد مشترک بین المللی در سطح جهان داشته و خدمات خبری و اطلاعاتی صد و دوازده کشور را بر عهده دارد؛ اخبار این بنگاه خبری به پنج زبان : انگلیسی، هلندی، فرانسوی، آلمانی و اسپانیایی تهیه و مخابره می شود (۴) و روزانه حدود بیست و چهار میلیون کلمه در سطح جهان منتشر می کند.

«یونایتد پرس» روزانه یازده میلیون کلمه را در سراسر جهان منتشر می کند و دارای ده هزار و بیست و شش روزنامه، سه هزار و دویست و سی و هفت ایستگاه رادیویی و چهارصد و چهل و پنج ایستگاه تلویزیونی مشترک خبری است و نود و دو کشور را تحت پوشش خود قرار می دهد؛ این خبرگزاری در سال ۱۹۹۲م. ورشکست شد و توسط شرکت سعودی میدل ایست برود کستینگ سنتر خریداری گردید. (۵)

۳. خبرگزاری فرانسه (فرانس پرس) (۶)

این خبرگزاری متعلق به کشور فرانسه است؛ دارای صد و پنجاه و دو نمایندگی خارجی و دوازده هزار مشترک خارجی است و با داشتن هزار و هشتصد و پنج کارمند، روزانه هشت میلیون کلمه را به زبان های فرانسه، انگلیسی، عربی، آلمانی و پرتغالی در سراسر جهان منتشر می کند.

۴. «رویترز» (۷)

ص: ۱۱۹

---

۱- (۱) . ال. هستر، بنگاه های خبر فروشی بین المللی چگونه شکل گرفتند؟ ترجمه رضا غالبی، ص ۲۵.

۲- (۲) . Associated Press.

۳- (۳) . United Press

۴- (۴) . <http://news.moe.org.ir>

۵- (۵) . همان.

۶- (۶) . Agence France Press (A.F.P).



این خبرگزاری متعلق به کشور انگلیس است و با دو هزار و صد و پنجاه و هفت خبرنگار و عکاس در دو بیست شهر از نود و چهار کشور دنیا به فعالیت پرداخته و روزانه بیش از شش میلیون کلمه را به نوزده زبان در جهان منتشر می کند.

۵. خبرگزاری «ایتارتاس» (۱)

این خبرگزاری در سال ۱۹۹۱م. به دستور بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه تأسیس شد و دو خبرگزاری «تاس» و «نئوسیتی» منحل گردیدند. خبرگزاری «ایتارتاس» نیز ابزاری است در اختیار دولت روسیه.

خبرگزاری های مذکور، بزرگ ترین خبرگزاری های جهان هستند که اکثر خوراکی روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و خبرگزاری های کوچک تر را تأمین می کنند و با این کار:

اولاً: از طریق فروش اخبار و اطلاعات، درآمدهای هنگفتی را کسب می نمایند؛ برای مثال: خبرگزاری «رویترز» با سرمایه سیصد و پنجاه و نه میلیون پوند و با منفعتی ششصد و پنجاه و هفت میلیونی در سال ۲۰۰۰م. نزدیک به پانزده درصد افزایش سود، نسب به سال ۱۹۹۹م. داشت. (۲)

ثانیاً: اخبار و اطلاعات را گزینش کرده و به نحو دل خواه خود و آن طور که منافعشان را تأمین کند در اختیار جهانیان می گذارند؛ مثلاً: در مورد کشورهای جهان سوم به گزارش وقایع مصیبت بار، فساد، کودتا، گرسنگی و... وقت زیادی را اختصاص می دهند. (۳)

یا در زمان حمله به کشور «زئیر» (۴) اکثر گزارش های خبری که از چهار آژانس خبری پخش می شدند، روی قتل یک صد سفید پوست اروپایی تکیه می کردند، درحالی که به ندرت به سه برابر قتل سیاه پوستان اشاره می شد. (۵)

ثالثاً: موجب جریان یک سویه اخبار و اطلاعات می شوند؛ به عنوان مثال: «آسوشیتد پرس» به طور متوسط در روز، نود هزار کلمه خبر از «نیویورک» به

ص: ۱۲۰

---

۱- (۱) .Itar Tass

۲- (۲) .http://iranwsis.org

۳- (۳) . تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم آیا تکنولوژی اطلاعات می تواند به توسعه ملی شایسته انسان منجر شود، ص ۷۵.

۴- (۴) .Zaire

۵- (۵) . همان، ص ۷۵.

آسیا ارسال می کند؛ درحالی که از آسیا روزانه فقط نوزده هزار کلمه به نیویورک مخابره می شود.

خبرگزاری «یونایتد پرس» در ماه، حدود صد و پنجاه سوژه خبری به صورت فیلم از غرب به آسیا می فرستد درحالی که در مقابل، به طور متوسط تنها حدود بیست فیلم از تمام کشورهای آسیا (به جز ژاپن) و ده فیلم از ژاپن به مغرب زمین ارسال می شود.

در «آمریکای لاتین» نیز وضع به همین منوال است؛ در «ونزوئلا» در مقابل هرصد مورد خبری که از آمریکا دریافت می شود هفت مورد خبر به آن جا ارسال می شود. (۱)

رابعاً: وابستگی (۲) کشورهای توسعه نیافته را به دنبال دارد که خود یک مانع مهم و غیر آشکار در مقابل جریان آزاد اطلاعات است.

چهار خبرگزاری عمده غرب، یعنی: «آسوشیتد پرس»، «یونایتد پرس»، «اینترنشنال» و «رویترز» و نیز «آژانس خبری فرانسه»، بر گزارش های خبری جهان تسلط دارند و همین موجب شده که «مردم دنیا حدود هشتاد درصد گزارش ها را از طریق «نیویورک»، «پاریس» یا «لندن» دریافت می کنند». (۳)

انحصار کشورهای غربی در زمینه توزیع اخبار، به حدی است که حتی داستان های نوشته شده درباره یک کشور جهان سوم، برای توزیع در نقطه ای دیگر از جهان، توسط آژانس های خبری بین المللی که در «نیویورک»، «لندن» و «پاریس» متمرکزند گزارش می شوند که این خود به تسلط فرهنگی و استعمار جدید می انجامد. (۴)

## ۲- رادیوهای بین المللی

در جهان، علاوه بر رادیوهای کشوری و محلی، تعداد زیادی رادیو در سطح بین المللی و جهانی به فعالیت مشغولند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. «رادیو بی. بی. سی» (B.B.C) یا بنگاه خبر پراکنی بریتانیا؛ (۵)

ص: ۱۲۱

۱- (۱). همان، ص ۷۲.

۲- (۲). Dependence.

۳- (۳). همان، ص ۷۲.

۴- (۴). همان، ص ۷۲.

۵- (۵). The British Broadcasting Corporation.

این رادیو در سال ۱۹۲۲م. افتتاح شد و علی رغم ادعای استقلال در جهت سیاست خارجی انگلیس قدم بر می دارد.

## ۲. «صدای آمریکا»؛

این رادیو به «آژانس اطلاعاتی آمریکا» وابسته است و در اختیار سیاست های آن کشور قرار دارد.

## ۳. «رادیو آزادی»؛

این رادیو که سابقاً به همراه رادیو اروپای آزاد بر ضد «شوروی» سابق و بر ضد کمونیسم به فعالیت مشغول بود، بعد از فروپاشی شوروی، مدتی تعطیل شد؛ ولی در حال حاضر بر ضد «انقلاب اسلامی ایران» فعال است.

## ۴. «رادیو اسرائیل»؛

این رادیو متعلق به «اسرائیل» است و گرچه عمری طولانی ندارد، ولی از فعال ترین رادیوهای بین المللی است که به پشتوانه صهیونیسم جهانی به زبان های مختلفی برنامه پخش می کند.

## ۵. «رادیو مونت کارلو»؛

این رادیو در قالب یک شرکت مشترک بین «رادیو فرانسه» و «رادیو مونت کارلو» (شهری در موناکو، امیر نشین جنوب فرانسه) کار خود را آغاز کرد و گرچه در مقایسه با «رادیو بی. بی. سی» از تأثیر کمتری برخوردار است ولی به زبان های مختلف برنامه دارد و در جذب کشورهای عربی به برنامه های خویش، بسیار موفق بوده است.

## ۶. «رادیو مسکو»؛

این رادیو نیز وسیله ای است در اختیار سیاستمداران روسیه فعلی.

## ۷. «رادیو دویچه وله»؛

این رادیو متعلق به کشور آلمان است و به چند زبان زنده دنیا برنامه پخش می کند.

رادیوهای هفتگانه ای که نام آنان گذشت قدرتمندترین رادیوهای بین المللی بوده و در اختیار استعمارگران قرار دارند؛ رادیوهای بین المللی دیگری نیز هستند که به اهمیت رادیوهای مذکور نبوده، ولی برخی از آنها نیز به استعمارگران وابسته اند و برخی هم گرچه ادعای استقلال دارند، ولی در مسیر اهداف استعمارگران گام برمی دارند.

در قبال رادیوهای مزبور، رادیوهای ملی یا رادیوهای بین‌المللی مخالف استعمار از مشکلات عدیده‌ای رنج می‌برند که این خود، توان آنها را می‌کاهد؛ برای نمونه، یکی از مشکلات رادیوهای ملی آفریقا، مربوط به باند فرکانسی آنهاست؛ این باند توسط اتحادیه ارتباطات بین‌المللی و با همکاری بخش آفریقا و اروپا برنامه‌ریزی می‌شود؛ در گذشته قدرت فرستنده‌های اروپایی کم بود و لذا برخورد چندانی با رسانه‌های آفریقایی نداشتند؛ اما در حال حاضر، فرستنده‌های اروپایی پر قدرت بوده و این، موجب اختلال در برنامه‌های فرستنده‌های آفریقایی می‌شود و به همین دلیل، برخورداری آنان از صدایی صاف و فرکانسی مطلوب هزینه زیادی را می‌طلبد؛ مثلاً: ایستگاه‌های آفریقایی، امواج خود را در منطقه‌ای به مساحت صد هزار مایل مربع منشر می‌کنند؛ در سودان هر ایستگاه، تقریباً یک میلیون مایل مربع را پوشش می‌دهد؛ این در حالی است که فرستنده‌های آمریکایی، منطقه‌ای به وسعت ۱/۶ میلیون مایل مربع را تحت پوشش قرار می‌دهند؛ در نتیجه، فرستنده‌های آفریقا، چنان چه بخواهند شنوندگان خود را از یک موج قوی، صاف و واضح برخوردار سازند، باید بسیار کاردان و خیره‌باشند؛ به هر حال، آنها غالباً فاقد اطلاعات و تجربه لازم در انجام این عمل هستند.

در اغلب کشورهای آفریقایی، مطالعه کافی برای نقشه برداری از نحوه انتشار امواج رادیویی و مطالعه ضریب رسانایی زمین انجام نشده و در نتیجه ایستگاه‌های آفریقایی از فقدان داده‌های مرتبط، عدم کفایت قدرت فرستنده، تداخل با ایستگاه‌های پر قدرت اروپایی و اختصاص ناکافی طیف رادیویی رنج می‌برند؛ اینان از این جهت، نسبت به این نابرابری معترض بوده و خواستار تقسیم منصفانه طیف رادیویی هستند. (۱)

بر این موارد، انحصارطلبی کشورهای پیشرفته را نیز باید افزود؛ برای مثال: «رادیو صدای آمریکا»، «کمپانی سخن پراکنی بریتانیا» (B.B.C)، «رادیو بی‌جینگ» (Beijing)، «رادیو مسکو» و دیگر فرستنده‌های بین‌المللی، در پخش برنامه‌هایشان از فرکانس بالا- استفاده می‌کنند و باندهای اختصاص یافته قبلی برای پخش، بدون استفاده رها شده‌اند؛ ولی بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند آمریکا، هنوز باندهای قبلی خود را که دیگر از آن بهره نمی‌گیرند رها نمی‌کنند. (۲)

ص: ۱۲۳

---

۱- (۱). استور، همان، ص ۱۳۰

۲- (۲). همان، ص ۱۵۶.



سومین رسانه مهم که علی رغم سابقه نه چندان طولانی، سیطره عجیبی یافته است «ماهواره ها» هستند؛ ماهواره ها برای مقاصد گوناگونی ساخته شده و در مدار قرار می گیرند.

از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ میلادی، دو هزار و صد ماهواره به فضا پرتاب شده است؛ اگر چه بیش از دو سوم ماهواره هایی که در مدار قرار دارند به منظور مقاصد نظامی به کار گرفته شده اند، ولی از ماهواره به منظور کاربردهای کشاورزی، فضانوردی، بانکداری، بازرگانی، معدن، هواشناسی، دریانوردی و سرگرمی نیز بهره گرفته می شود.

صد و بیست کشور به منظور ارتباط، از ایستگاه های زمینی مرتبط با ماهواره استفاده می کنند؛ در سال ۱۹۷۸ میلادی، حدود هفتاد درصد از یک میلیارد تماس های تلفنی از طریق ماهواره برقرار شده است. (۱)

ماهواره ها، علی رغم خدمات شایانی که می توانند به جوامع مختلف ارائه دهند، مشکلاتی را برای کشورهای توسعه نیافته موجب شده اند؛ اهم این مشکلات عبارتند از:

نخست: معمولاً کشورهای توسعه نیافته، تکنولوژی ساخت ماهواره و توان تأمین هزینه اولیه آن و هم چنین پرتاب آن را ندارند و باید از این رو برای برخورداری از چنین امکاناتی، آنها را اجاره کنند که این کار مشکلات خاص خویش را دارد؛ با توجه به این که اولاً: ماهواره دارای نرخی است که میانگین پرداخت آن برای کشورهای آسیایی بیش از دو برابر «ایالات متحده آمریکا» و شصت تا هفتاد درصد بالاتر از تعرفه های اروپایی است (۲) و ثانیاً، تکنولوژی بهره برداری را نیز باید با قیمت های گران خریداری نمود، (۳) و این دو، هزینه زیادی را بر کشور اجاره کننده تحمیل کرده و در عوض سود فراوانی را نصیب کشورهای صاحب ماهواره می کند؛ مثلاً: استفاده «هندوستان» از سیستم ماهواره ای اجاره ای

ص: ۱۲۴

۱- (۱). همان، ص ۱۳۲.

۲- (۲). همان، ص ۱۳۷.

۳- (۳). همان.

آمریکا SitF در ده دقیقه اول، هزار و سی و هفت دلار و در هر دقیقه اضافی چهار هزار و صد و بیست و پنج دلار هزینه داشت. (۱)

دوم. ماهواره، ابزاری استعماریست که از جهات مختلف به کار استعمارگران می آید :

### الف) جمع آوری داده های مختلف

اخیراً ماهواره Landsat «ناسا» قادر است داده هایی را درباره منابع یک کشور جمع آوری کند بدون این که آن کشور بتواند از طریق گیرنده های «مایکروویو»ی خود از آن آگاه شود؛ اطلاعاتی درباره ذخایر نفتی، سطح زیر کشت و منابع معدنی همان اندازه که برای کشورهای توسعه یافته حائز اهمیت هستند، برای مؤسسات خارجی و داخلی نیز دارای اهمیت می باشند؛ مؤسسات خارجی بر مبنای این اطلاعات در مورد سرمایه گذاری هایشان در کشورهای جهان سوم تصمیم گیری می کنند؛ برای مثال: با بهره گیری از چنین داده هایی شرکت های معدنی می توانند زمین های مورد نظرشان را به قیمت نازل تر به دست آورند قبل از اینکه دولت از ارزش واقعی زمین ها با خبر شود. (۲)

### ب) استفاده جاسوسی و نظامی

از دیگر کاربردهای مهم ماهواره، فعالیت های جاسوسی و نظامی است. قدرت های بزرگ به وسیله ماهواره های خویش از مراکز مهم نظامی، صنعتی و اقتصادی فیلم و تصویر تهیه می کنند و با تجزیه و تحلیل آنها اطلاعات مورد نیاز خود را تهیه می نمایند.

### ج) تهاجم فرهنگی

#### اشاره

تعداد زیادی از ماهواره ها، امروزه به پخش برنامه های فرهنگی اختصاص دارند و از این طریق به تبلیغ سبک زندگی، فرهنگ و ارزش های غربی می پردازند، که هم با فرهنگ بومی دیگر کشورها منافات دارد و هم موجب تجمل گرایی و بالا رفتن سطح انتظارات مردم می شود که اگر دولت ها نتوانند آنها را برآورده کنند، باعث بروز سرخوردگی خواهد شد؛ علاوه بر این با تبلیغ سبک زندگی غربی، موجب عطش مردم نسبت به کالاهای لوکس ساخت آن کشورها

ص: ۱۲۵

---

۱- (۱). همان.

۲- (۲). همان، ص ۱۵۰.

شده و میلیاردها دلار سرمایه کشورهای جهان سوم را روانه کشورهای پیشرفته می کند.

تعداد این نوع ماهواره ها و تعدّد کانال های آنها، به قدری زیاد است که انسان را مبهوت می کند؛ بعضی از ماهواره ها همانند «هات برد» (۱) از نهمصد و پنجاه کانال، به پخش برنامه مشغول هستند و متاسفانه خط سیر اصلی اکثر برنامه ها نیز مسائل سکس و پورنوگرافی است و تأثیرات بسیار مخربی بر جوامع بشری خصوصاً نسل جوان داشته و دارند.

ماهواره ها امروزه به عنوان وسیله ای مکمل کار تلویزیون قرار گرفته و امواج تلویزیونی را به سراسر جهان ارسال می نمایند و از این طریق مشکل امواج تلویزیونی حل شده و شبکه های تلویزیونی به راحتی می توانند برنامه های خود را به سراسر جهان ارسال کنند و مردم دنیا را آماج هجوم فرهنگی قرار دهند.

#### ۴- روزنامه ها و مجلات

یکی دیگر از رسانه ها، روزنامه ها و مجلات هستند؛ این روزنامه ها و مجلات، در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، ورزشی، سرگرمی و... تهیه می شوند و با تیراژهای بسیار بالا در اختیار مشتریان قرار می گیرند، حتی برخی از آنها، همزمان در چند کشور زیر چاپ می روند؛ حتی به گفته استور:

مالکیت روزنامه هایی که در جوامع مستعمراتی فعالیت می کنند بدو متعلق به شرکت هایی در کشور مادر هستند و اساساً به منظور تأمین نیازهای اطلاعاتی استعماری و منافع اقتصادی آنها به وجود آمده اند. (۲)

سیطره مطبوعاتی استعمارگران به حدی است که زمینه فعالیت را از روزنامه های بومی می گیرد و تلاش به منظور ایجاد مطبوعات بومی غالباً با اقدامات سرکوب کننده ای از سوی کشورهای استعماری مواجه می شود.

کشورهای کمتر توسعه یافته با این که هفتاد و پنج درصد جمعیت جهان را دارا هستند ولی تنها پنجاه درصد روزنامه ها و بیست و پنج درصد کل انتشار آن را در اختیار دارند. (۳)

در مواردی هم که کشورهای کمتر توسعه یافته تلاش کرده اند تا از مطبوعات بومی

ص: ۱۲۶

---

۱- (۱) . Hot Bird

۲- (۲) . همان، ص ۱۲۵.

۳- (۳) . همان، ص ۱۲۶.

استفاده گسترده تری کنند، اغلب با رقابت در انتشار به شکل روزنامه های مشابه از سوی کشورهای غربی مواجه شده اند، برای نمونه، در آسیا بیش از صد و چهل روزنامه انگلیسی زبان منتشر می شود که غالباً در شهرها و بین افرادی پخش می شود که در صورت فقد آن به مطبوعات بومی روی می آورند؛ برخی از روزنامه های انگلیسی زبان، مالکینی محلی دارند؛ ولی اغلب غیر بومی بوده و اصرار دارند که درآمدهای تبلیغاتی و خوانندگان را به سوی خود جلب کنند. (۱)

به علاوه، روزنامه های بومی، نوعاً الگویی از مدل اروپایی هستند که منافع مالی مورد نیاز آنها اساساً از طریق آگهی تامین می شود و به منظور کسب اخبار خارجی به خدمات شبکه های غربی وابسته اند.

استعمارگران، علاوه بر سیطره فرهنگی و سیاسی که از طریق انتشار روزنامه و مجله به دست می آورند، درآمد هنگفتی را نیز از این راه به جیب می زنند.

در «آمریکا» پس از تلویزیون، روزنامه ها مهم ترین و تأثیرگذارترین رسانه هستند.

تیراژ روزنامه های آمریکا شصت و سه میلیون است، این تعداد را هزار و ششصد و چهل روزنامه مختلف به چاپ می رسانند؛ در وهله اول ممکن است چنین به نظر آید که تعداد زیاد ناشران به معنای استقلال بیشتر روزنامه هاست؛ ولی تنها چهارصد و دو روزنامه، یعنی: بیست و پنج درصد کل ناشران، مستقل هستند و بقیه به روزنامه های زنجیره ای وابسته اند. (۲)

## روزنامه ها و مجلات ابزاری در دست صهیونیزم

### اشاره

بسیاری از این روزنامه ها توسط یهودیان منتشر می شوند؛ مؤسسه نیوهاوس (۳) که تحت مالکیت یهودیان است، سی و یک روزنامه منتشر می کند و بزرگ ترین انتشاراتی در آمریکا به نام رندام هاوس (۴)، هفته نامه پاراید (۵) با بیست و دو میلیون

ص: ۱۲۷

۱- (۱). همان.

۲- (۲). کتاب آمریکا ۳ (ویژه روابط آمریکا - اسرائیل)، ص ۳۰.

۳- (۳). The New House.

۴- (۴). Random House.

۵- (۵). The Parde.

تیراژ در هفته، حدود دوازده مجله مهم شامل نیویورکر (۱)، مادمازل (۲)، گلامور (۳) و... را تحت مالکیت دارد؛ این امپراطوری رسانه ای یهودی توسط ساموئل نیو هاوس (۴) مهاجر یهودی تأسیس شد.

از ابتدای قرن بیستم، تعداد روزنامه های تحت کنترل یهودیان، همواره در حال افزایش بوده است؛ سه روزنامه مهم و اصلی آمریکا به نام های نیویورک تایمز (۵) و وال استریت جورنال (۶) و واشنگتن پست (۷) تحت مالکیت و کنترل یهودیان هستند؛ این سه روزنامه، با اهمیت ترین و با نفوذترین روزنامه های آمریکا هستند و در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، به داخل و خارج از آمریکا خط می دهند. این روزنامه ها، خبر می سازند و تقریباً سایر روزنامه ها، آنها را کپی می کنند.

روزنامه نیویورک تایمز، راهنمای غیر رسمی ملت آمریکا در موضوعات اجتماعی، مد، سرگرمی، سیاسی و فرهنگی است؛ این روزنامه به ملت می گوید که چه کتاب هایی بخرند، چه فیلمی ببینند، دیدگاه های جدید در مد چیست و چه کسانی با قدرت در سیاست، آموزش، هنر و تجارت وارد شده اند و رهبران مذهبی فردا چه کسانی خواهند بود. (۸)

خانواده سولز برگر از طریق شرکت «نیویورک تایمز» صاحب بیست و سه روزنامه هستند که از جمله آنها روزنامه بوستون گلوب (۹) است که آن را در سال ۱۹۹۳م. به مبلغ ۱/۱ میلیارد دلار خریداری کردند؛ هم چنین دوازده مجله، با تیراژ بیش از پنج میلیون، هفت ایستگاه رادیویی و تلویزیونی، یک سیستم تلویزیون کابلی و سه انتشارات بزرگ را نیز تحت مالکیت خود دارند؛ سرویس

ص: ۱۲۸

- 
- ۱- (۱) .New Yorker
  - ۲- (۲) .Mademoiselle
  - ۳- (۳) .Glamour
  - ۴- (۴) .Samuel New House
  - ۵- (۵) .New York Times
  - ۶- (۶) .The Wall Street Journal
  - ۷- (۷) .The Washington Post
  - ۸- (۸) . همان، ص ۳۱ و ۳۲.
  - ۹- (۹) .The Boston Glob

خبری نیویورک تایمز به پانصد و شش روزنامه، آژانس خبری و مجله، خبر رسانی می کند. (۱)

واشنگتن پست نیز، به اندازه نیویورک تایمز، دارای اهمیت ملی است و اخبار مربوط به دولت فدرال را منتشر می کند. این روزنامه نیز در حال حاضر در دست یهودیان است.

شرکت «واشنگتن پست» هم چنین مالکیت مجله نیوز ویک (۲) و روزنامه وال استریت ژورنال با ۲/۱ میلیون تیراژ که پر تیراژترین روزنامه آمریکاست را بر عهده دارد.

هم چنین شرکت «واشنگتن پست» به همراه یک شرکت دیگر به نام داو جونز کو (۳) بیست و چهار روزنامه دیگر را نیز تحت مالکیت دارد.

در میان مجلات خبری، ایالات متحده آمریکا، هر سه مجله تایم، نیوزویک و یواس نیوز اند ورلد ریپورت (۴) مهم ترین هستند.

مجله تایم با تیراژ ۴/۱ میلیون در هفته، توسط شرکت تایم وارنر کامیونیکیشنز (۵) منتشر می شود. رئیس هیأت مدیره این شرکت، فردی یهودی به نام جرال لوی (۶) است.

نیوز ویک با ۳/۲ میلیون تیراژ در هفته، توسط شرکت «واشنگتن پست» منتشر می شود که رئیس آن یک یهودی به نام خانم کاترین، که مدیر گراهام، است.

مجله یواس نیوز اند ورلد ریپورت نیز، با تیراژ ۲/۲ میلیون نسخه، توسط مورتیمر بی سوکرمین (۷) منتشر می شود که یهودی است. وی هم چنین ماهنامه آتلانتیک مانثلی (۸)، روزنامه نیویورکز تابلوید (۹) و دیلی نیوز (۱۰) را منتشر می کند. (۱۱)

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱) . همان، ص ۳۳.

۲- (۲) . News Week

۳- (۳) . Daw Jonse Co

۴- (۴) . U.S News and World Report

۵- (۵) . The Time Warner Communications

۶- (۶) . Gerald Levin

۷- (۷) . Mortimer B.Zukerman

۸- (۸) . Atlantic Monthly

۹- (۹) . New Yorks Tabloid

۱۰- (۱۰) . Daily News



دیگر رسانه ای که بسیار تأثیرگذار می باشد، سینماست. گرچه می تواند رسانه مفیدی باشد که در خدمت ارتقای فکری و فرهنگی انسان ها به کار آید، ولی متأسفانه، ابزاری است، به در اختیار استعمار، که هم فرهنگ کشورهای کمتر توسعه یافته را هدف قرار داده و هم پول و درآمد آنها را نشانه رفته است.

در دنیای امروز، شرکت های بسیاری وجود دارند که کارشان تولید و عرضه فیلم های سینمایی است. ولی در این بین بیشترین قدرت در اختیار شرکت های بزرگ فیلم سازی وابسته به استعمار است. در راس شرکت های فیلم سازی استعمار هالیوود (۱) قرار دارد. به همین جهت، برای نمونه مختصراً به معرفی این شرکت می پردازیم:

#### ۱. سیطره هالیوود بر بازار سینمای جهان

به گفته ویم وندرس، آمریکایی ها ضمیر ناخودآگاه ما را استعمار کرده اند. بین چهل تا نود درصد فیلم هایی که در بیشتر مناطق جهان به نمایش درمی آیند، تولید آمریکا هستند. چنان که در سال ۱۹۹۳ میلادی، آمریکا تولید کننده هشتاد و هشت درصد پرفروش ترین فیلم ها بود و در سال ۱۹۹۴ میلادی، درآمد برون مرزی سینمای آمریکا بر درآمد داخلی پیشی گرفت.

#### (۲)

فرهنگ «لس آنجلسی» و بازرگانی «نیویورکی» مستقیم یا به صورت ضمنی، بر عرصه نمایش فیلم در اکثر نقاط جهان تسلط دارد.

در فاصله سال های ۱۹۱۵ و ۱۹۱۶ میلادی، صادرات فیلم سینمایی ایالات متحده از سی و شش میلیون فوت به صد و پنجاه و نه میلیون فوت رسید. حال آنکه واردات فیلم این کشور که پیش از جنگ جهانی اول، شانزده میلیون فوت بود، در میانه دهه ۱۹۲۰م. به هفت میلیون فوت کاهش یافت.

ص: ۱۳۰

---

۱- (۱). Hollywood.

۲- (۲). توبی میلر، هالیوود و جهان، ترجمه سید علی مرتضویان. به نقل از [www.Panjare.org](http://www.Panjare.org)



در سال ۱۹۳۹ میلادی، شصت و پنج درصد فیلم‌هایی که در سراسر جهان به نمایش درآمد، ساخت آمریکا بود؛ در طی چهار سال: از ۱۹۶۵ میلادی به بعد، دو هزار فیلم داستانی به ایتالیا صادر گردید. (۱)

روی آوردن هالیوود به بازار جهانی، خصوصاً در دهه ۱۹۵۰م. به بعد در نتیجه قوانین ضد انحصار و رواج تلویزیون، بیشتر شد.

شرکت‌های فیلم‌سازی استعماری برای حفظ سلطه خویش بر بازار جهانی، بنگاه‌های تولیدکننده فیلم‌های محلی را خریداری می‌کنند و یا برای آنها شرایطی را به وجود می‌آورند که قدرت رقابت خویش را از دست بدهند.

ناگفته نماند که رواج زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بین‌المللی به این سلطه کمک می‌کند؛ زیرا مردم دنیا، معمولاً این زبان را می‌آموزند و توان استفاده از این فیلم‌ها را دارند و این خود نشان از هماهنگی بین ابعاد مختلف استعمار دارد.

## ۲. پشت پرده هالیوود

شاید بسیاری بر این باور باشند که قدرتمندان اصلی در هالیوود، کارگردان‌ها و ستارگان و یا حتی تهیه‌کنندگان فیلم‌های سینمایی هستند؛ اما حقیقت این است که نمی‌توان سایه یهودیان را بر پیکره صنعت فیلم‌سازی آمریکا نادیده گرفت؛ یکی از شواهدی که حضور یهودیان را در هالیوود نشان می‌دهد این است که تاریخ سینمای آمریکا، هر روز شاهد شکل‌گیری فیلم‌هایی است که به حمایت آشکار از یهودیان می‌پردازد و به نوعی، دیگر ادیان را به سخره می‌گیرند؛ این مطالب را خانم رالی پارتون خواننده سبک «کانتری» اظهار کرد؛ به اعتقاد پارتون در هالیوود همه از ساخت برنامه‌های مذهبی بیم‌ناک هستند؛ وی می‌گوید: به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان صنعت فیلم‌سازی، حتی از لمس سوژه‌هایی که رگه‌های مذهبی دارند نیز رویگردان هستند؛ چرا که همه آنها یهودی هستند و از ساخت فیلم‌هایی که به ترویج ادیان دیگر از جمله مسیحیت بپردازد هراسناکند. (۲)

ص: ۱۳۱

---

۱- (۱) . [www.Panjare.org](http://www.Panjare.org)

۲- (۲) . سایه یهودیان بر پیکر هالیوود، سایت موعود : [www.Mouood.org](http://www.Mouood.org)

خصوصاً بعد از ظهور و پیروزی «انقلاب اسلامی ایران» اسلام ستیزی در هالیوود شدت یافته و در دهه های پایانی قرن بیستم میلادی، توسط هالیوود فیلم های متعددی علیه اسلام و مسلمانان ساخته شده و روانه بازار گردیده است.

لایه اصلی و پشت پرده هالیوود را همین یهودیان و اندیشه صهیونیسم تشکیل می دهد؛ اما دو لایه دیگر نیز وجود دارد: یکی دولت آمریکا که منابع عظیمی را صرف ایجاد و حفظ صنعت فیلم کشور، در بخش خصوصی کرده است تا آن را در خدمت ایدئولوژی و منافع خویش قرار دهد و دیگری بنگاه ها و شرکت های صنعتی و بازرگانی هستند که از این طریق به تبلیغ کالاهای ساخت خویش در سراسر جهان می پردازند.

تأثیر حضور محصولات آمریکایی در فیلم های هالیوود، وقتی قهرمانان در کنار با این محصولات به تصویر کشیده می شوند و یا مثلاً با کمک این محصولات فرار می کنند؛ چیزی افزون تر از تنها یک معرفی یا تبلیغ است. (۱)

سران هالیوود معتقدند که فیلم های آمریکایی هر جا پا بگذارند باب تقاضا برای کالاهای آمریکایی را می گشایند.

ویل هیز در ۱۹۳۰م. به آژانس تبلیغاتی جی والتر تامپسون گفته بود: «صدور هر فوت فیلم آمریکایی برابر است با فروش یک دلار از مصنوعات آمریکا در منطقه ای از جهان...». (۲)

### ۳. خط سیر اصلی هالیوود

متأسفانه، خط سیر اصلی بسیاری از شرکت های فیلم سازی استعماری و در رأس آنها هالیوود، برنامه هایی است که با هدف کسب درآمد از طریق پورنوگرافی (هرزه نگاری) و تحریک جنسی انسان ها ساخته می شود؛ چون این شیوه ای است که: اولاً: موجب کسب درآمد بیشتر می شود؛ زیرا با امیال نفسانی نوع انسان ها سازگار است و برای تماشای آن، هر مقدار پول را راحت می پردازند.

بی جهت نیست که امروزه ایالات متحده آمریکا در صدر صادرکنندگان فیلم های پورنو در جهان قرار دارد؛ زیرا این کشور پیش گام صنعت پورنو در دنیاست و هر هفته،

ص: ۱۳۲

---

۱- (۱). علیرضا شیرازی، هالیوود در خدمت ایپود به نقل از ITIran.net.

۲- (۲). توبی میلر، WWW.Panjare.org.

حدود دویست و یازده فیلم پورنوی جدید تولید می کند. تخمین زده می شود که درآمد آمریکا از طریق فیلم های پورنو، سالیانه به ده میلیارد دلار برسد که برابر با درآمد حاصل از فروش فیلم های هالیوود در داخل آمریکاست. (۱)

ثانیاً: این امر موجب می شود تا ضعف امکانات و دانش حرفه ای و ناتوانی سازنده در جذب مخاطب، از این طریق جبران گردد.

متأسفانه در دهه های اخیر، نه تنها بیشتر سینماهای ملی، موضعی انتقادی نسبت به سینمای هالیوود نداشته اند، بلکه بسیاری از آنها، در پی تقلید از هالیوود بوده و به همان شیوه های آنها برای جذب مخاطب روی آورده اند؛ به عنوان نمونه، می توان به پخش برنامه موج سی بی (۲) در «اندونزی» در طی ۱۹۸۰م. و فرهنگ جوان پسندش با اتومبیل های تندرو و مستخدمان انگلیسی زبان اشاره کرد. (۳)

همین طور روی آوردن شرکت فیلم سازی بالیوود هند به مایه های هرزه نگارانه، نمونه دیگری از تقلید کورکورانه سبک های استعماری است.

### **(ب) فیلم، کارتون، انیمیشن**

انواع فیلم های ویدیویی، سی دی ها و همین طور کارتون ها و انیمیشن هایی که توسط شرکت های فیلم سازی استعماری برای کودکان ساخته می شود، نوعاً وسیله ای در جهت ترویج فرهنگ غرب و اشاعه آن در دیگر کشورهای جهان و یا ایجاد اعتقاد در دیگر ملل، نسبت به برتری جهان پیشرفته است؛ تولیدات یاد شده هم چنین این تفکر را القا می کنند که دیگر ملت ها، هرگز نخواهند توانست به پای کشورهای پیشرفته برسند، پس باید همواره به آنها وابسته بوده و تنها مصرف کننده تولیدات و اندیشه های آنان باشند.

به عنوان نمونه: کارتون «کارآگاه گجد» به خوبی به کودک تلقین می کند که تکنولوژی آمریکایی، بر همه مشکلات فائق می آید و هیچ قدرتی قادر به شکست آن نیست.

ص: ۱۳۳

---

۱- (۱). ر.ک، به: مواد مخدر و فیلم های سکسی مایه خوشحالی سرمایه داران آمریکایی، ترجمه و نگارش حمید همایونی،

[www.iranian-vic-org.au](http://www.iranian-vic-org.au)

۲- (۲). Si Boy

۳- (۳). [WWW.Panjare.org](http://WWW.Panjare.org)

متأسفانه گاهی شبکه های تلویزیونی ملی نیز دانسته یا ندانسته همین وضعیت را القا می کنند<sup>۱</sup> برای نمونه : چند سال پیش از سیمای جمهوری اسلامی ایران کارتونی پخش می شد که زندگی بچه ای ژاپنی به نام «ای کی یوسان» را به عنوان باهوش ترین کودک به تصویر می کشید و در کنار آن در برنامه ای دیگر، جوانی ایرانی را نشان می داد که پنج سال در یک کلاس مانده بود و حتی توان پاسخ گویی به یک سؤال ساده ریاضی را نیز نداشت<sup>۲</sup> با مقایسه این دو چنین وانمود می شد که ایرانی هیچ گاه هوش ژاپنی را ندارد.

در برخی از برنامه های دیگر نیز غفلتهایی مانند این به چشم می آید که اسامی اسلامی را بر کسانی می گذارند که کودن و ابله بوده و یا قیافه هایی بسیار کثیف دارند و در عوض اسامی غیر اسلامی را بر کسانی می گذارند که سمبل تیزهوشی و یا نظافت هستند، چنان که با دیدن این برنامه ها انسان به یاد کمپانی متل می افتد که در تصویری، عروسک فلجی سوار بر ویلچر، به نام «اسماعیل» را نشان می دهد تا چنین وانمود کند که مسلمانان بی چاره و درخور ترحم هستند.

## ۶- اینترنت

با «انقلاب صنعتی سوم»<sup>(۱)</sup> که در نیمه دوم قرن بیستم میلادی به وجود آمد، زمینه ای فراهم آمد که جامعه صنعتی قرن بیستم به سرعت جای خود را به جامعه اطلاعاتی قرن بیست و یکم بدهد و دچار یک تحول بنیادین گردد<sup>۲</sup> تحولی که به دنبال خود دگرگونی در تمام جنبه های زندگی بشر را نوید می دهد<sup>۳</sup> دگرگونی در زمینه هایی چون : نشر دانش، تعامل اجتماعی، رویه های اقتصادی و تجاری، مسائل سیاسی، رسانه ها، آموزش و پرورش، بهداشت، تفریحات و سرگرمی و... .

این تحول با اختراع کامپیوتر که یکی از دستاوردهای دانش انفورماتیک است، شروع شد و با پیوستن کامپیوترها به هم و تشکیل یک «شبکه جهانی» به نام اینترنت وارد مرحله جدیدی شد و علی رغم عمر کوتاه آن چنان سیطره خویش را بر زندگی انسان ها تحمیل کرد که همین امروز اقتصاد ملی برخی از کشورهای در حال توسعه مانند : «برزیل» بر

ص: ۱۳۴

---

۱- (۱). انقلاب صنعتی اول کشف ماشین بخار، انقلاب صنعتی دوم کشف الکتروسیته و انقلاب سوم پیدایش علم انفورماتیک است.

اینترنت مبتنی است. نود درصد گردآوری مالیات در این کشور بر پایه اینترنت انجام می شود؛ (۱) قطعاً در سال های آینده نقش این رسانه به مراتب بیشتر خواهد شد.

## تاریخچه اینترنت

اینترنت در دوران جنگ سرد و توسط آمریکایی ها ابداع شد؛ پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) به دنبال یک سیستم ارتباطی بود که در مقابل یک حمله اتمی تاب آورد و برای مسئولان سیاسی و نظامی بازمانده از چنین حادثه ای امکان برقراری ارتباط با یکدیگر جهت سازماندهی ضد حمله را فراهم نماید؛ به همین جهت در سال ۱۹۶۹م. با راه اندازی شبکه آرپانت، اولین گام در پیدایش اینترنت محقق گردید؛ (۲) وینت سرف (۳) در حالی که هنوز در لس آنجلس دانشجو بود به همراه یک گروه از محققان که فعالیت هایشان تحت پوشش مالی دولت قرار داشت، ابزارهای ارتباطی نوین انقلابی ای را ابداع کرد؛ این ابزارها در آغاز، فقط در اختیار بخش کوچکی از دانشگاهیان، نظامیان و دیگر متخصصان قرار گرفت؛ بعدها در سال ۱۹۸۹م. تیم برنرزی و رابرت کی لیو، فیزیک دانان «مرکز اروپایی برای تحقیقات اتمی ژنو» (CRFN) سیستم HyperText (متن پیوند دار) و World Wide Web را خلق کردند که موجب پخش اطلاعات و دسترسی مردم عادی به اینترنت گردید. (۴)

البته، پیدایش اینترنت صرفاً از پیامدهای تلاشی علمی و نظامی نیست، بلکه از نتایج فعالیت های تجاری عمده نیز محسوب می شود. (۵)

## مدیریت اینترنت

از سال ۱۹۸۹م. تا امروز، «شبکه جهانی اینترنت» توسط آیکان (۶) اداره می شود؛ آیکان، سازمانی به اصطلاح خصوصی و غیر انتفاعی است و مرکز آن در «لس آنجلس» بوده و

ص: ۱۳۵

- 
- ۱- (۱). ر. ک : می خواهند ژنرال را از مادرش بگیرند، عصر ارتباط، ص ۴۳، ویژه اجلاس ۲۰۰۵ Wsis، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۴.
  - ۲- (۲). جیمز اسلوین، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی راد باوه، ص ۲۹.
  - ۳- (۳). Wint Cerf.
  - ۴- (۴). کنترل اینترنت، عصر ارتباط، ص ۴۶، شنبه ۲۸/۸/۱۳۸۴.
  - ۵- (۵). جیمز اسلوین، همان، ص ۳۰.
  - ۶- (۶). ICANN.

تحت پوشش قوانین «کالیفرنیا» و کنترل وزارت بازرگانی ایالات متحده قرار دارد. این سازمان، هدایت کننده اصلی «شبکه جهانی» است و بر یک ساختار تکنیکی تکیه دارد که از سیزده ابر رایانه که «سرورهای اصلی» خوانده می شوند، تشکیل شده است. این سرورها در ایالات متحده (۴ عدد در کالیفرنیا و ۶ عدد در نزدیکی واشنگتن)، اروپا (استکهلم و لندن) و ژاپن (توکیو) قرار دارند.

وظیفه اصلی آیکان، هماهنگی نام قلمروهای اینترنتی (۱) (DNS) است که برای کاربران آن حرکت روی اینترنت را فراهم می آورد. هر رایانه که به اینترنت وصل می شود دارای یک آدرس یگانه است که آدرس (۲) IP خوانده می شود. این آدرس ها که در اصل یک سلسله عدد هستند که به سختی به خاطر سپرده می شوند و قلمروی اینترنتی اجازه می دهد که به جای یک سلسله عدد، از مقداری لغت و حرف (نام قلمرو) که آشنا تر به نظر می رسد استفاده شود. به عنوان مثال: به جای وارد کردن یک سلسله عدد می توان عبارت WWW.Lemond-Diplomatique.fr را وارد کرد.

به واسطه قلمرو اینترنتی، نام سامانه (سایت) به یک سلسله عدد که معادل یک آدرس IP است، تبدیل می شود و در نتیجه امکان اتصال رایانه کاربر به سرور سامانه مورد نظر وی میسر می گردد.

قلمرو اینترنتی، هم چنین امکان کارکرد درست نامه الکترونیکی را فراهم می آورد و همه اینها، در مقیاس کره زمین و با سرعتی بسیار سریع هستند.

بر اساس تصریح آیکان، ICAN این سازمان وظیفه حفظ ثبات کاربردی اینترنت و اشاعه رقابت را به عهده داشته و بایستی صیانت از نمایندگی جهان شمول را در ارتباط اینترنتی به عهده گیرد و با پیاده کردن سیاستی هماهنگ با این وظیفه، عمل کردی در جهت یک توافق عمومی را دنبال کند.

و این همان چیزی است که سلطه آمریکا را بر اینترنت تضمین می کند و چیزی است که مورد اعتراض جهانیان قرار گرفته، ولی اعتراض آنان سودی نداشته است.

ص: ۱۳۶

---

۱- (۱) .Domain Name System

۲- (۲) .Internet Prorocol

اینترنت دارای کاربردی دو گانه است: کاربردهای تخصصی و کاربردهای عمومی؛

در گفتار حاضر، بحث ما معطوف به کاربردهای عمومی اینترنت است و به حوزه های تخصصی آن کاری نداریم؛ اما در حوزه عمومی، اینترنت هم پیامدهای مثبت دارد و هم منفی.

در بُعد مثبت آن، اینترنت تأثیر بسیار زیادی بر میزان دانایی انسان ها داشته و به میلیون ها انسان، در سراسر جهان این امکان را می دهد که براحتی به حجم بسیار عظیمی از اطلاعات گوناگون دسترسی داشته باشند به ویژه این که رسانه مزبور می تواند اطلاعات پراکنده ای را به صورتی نسبتاً منسجم و به سرعت ارائه دهد و هر کس با هر سطحی از علم و دانش امکان بهره گیری از آن را دارد؛ اما این رسانه با همه فواید، قطعاً پیامدهای منفی نیز دارد که در گفتار آینده به آنها اشاره می شود.

### پیامدهای منفی اینترنت

#### اشاره

پیامدهای منفی اینترنت را در چند بخش می توان بررسی کرد:

#### ۱. پیامدهای مربوط به حاکمیت یا راهبری اینترنت (۱)

همانطور که گفته شد: مدیریت اینترنت به دست یک شرکت آمریکایی به نام آیکان است و همین مسئله، موجب سیطره آمریکا بر اینترنت شده است از آن جا که منافع ملی و امنیت کشورها امروز، با اینترنت گره خورده است، آمریکا به هیچ عنوان حاضر نیست دست از سلطه خویش بر اینترنت بردارد؛ چرا که اعمال سلطه بر اینترنت به ایالات متحده آمریکا این توانایی را می دهد که در هر کشوری که باشد، دسترسی به هر سامانه (سایت) از شبکه را محدود کند؛ آنها هم چنین می توانند ارسال نامه های الکترونیکی در سطح جهان را فلج نمایند.

آیکن همان سیاست های آمریکا را در ارتباط با دیگر کشورها، در زمینه های دیگر در مورد اینترنت نیز اعمال می کند؛ به عنوان مثال: از آن جا که کشورهایی مانند ایران،

ص: ۱۳۷

کوبا و کره، مورد تحریم اقتصادی دولت آمریکا قرار دارند، آیکان هم فروش دامنه و سایر خدمات اینترنتی را به این کشورها ممنوع کرده است.

علاوه بر آن چه گفته شد این مدیریت اینترنت، موقعیت ها و امکانات دیگری را در اختیار آمریکا قرار می دهد که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود :

الف) نظارت بر ورود و خروج اطلاعات :

آمریکا بخش اعظم سرورهای اصلی اینترنت را در اختیار دارد، به همین دلیل تمام اطلاعاتی که از نقاط مختلف جهان وارد اینترنت می شود، ابتدا در اختیار آمریکا قرار می گیرد و انتشار آن در سطح جهان نیز تحت سلطه آمریکاست.

ب) امکان جاسوسی :

آمریکا از طریق سخت افزاری و نرم افزاری با توجه به امکان نفوذ در رایانه ها، به جاسوسی می پردازد و معمولاً اطلاعات موجود در حافظه کامپیوترها را به دست می آورند؛ یعنی : به محض اتصال یک کامپیوتر به شبکه اینترنت، براحتی به کلیه اطلاعات موجود در آن دسترسی پیدا می کنند؛ آنان حتی در صورتی که کامپیوتر مجهز به دوربین باشد، اخبار و اطلاعات محیطی را که کامپیوتر در آن مستقر است ردیابی کرده و به آنها دسترسی پیدا می کنند.

مدیریت آمریکا بر اینترنت، هم چنین منافع هنگفت اقتصادی را نیز برای آنها به دنبال دارد.

۲. پیامدهای مربوط به محتوای اینترنت

الف) مطالب ضد اخلاقی :

متأسفانه بخش زیادی از اطلاعات موجود در اینترنت، مطالب هرزه نگارانه و ضد اخلاقی است که انحطاط اخلاقی و تخریب فرهنگ عمومی جوامع را به دنبال دارد و متأسفانه چون بخش هایی از آن سودآور است، نه تنها در مدیریت اینترنت برای حمایت از آنها انگیزه کافی وجود دارد، بلکه اشاعه آنها نیز مورد علاقه استعمارگران است و بدان دامن می زنند.

امروزه وجود دوستان و هشتاد میلیون صفحه حاوی میلیاردها عکس و تصویر مستهجن به همراه آغاز به کار روزانه پانصد سایت پورنوگرافی (هرزه نگارانه)، اینترنت را به منبع فساد جهانی تبدیل کرده است.



جیمز لامبرت تحلیلگر پایگاه اینترنتی «سازمان خانواده آمریکایی» (Afa) می گوید :

فرهنگ و اخلاق جنسی آمریکا و نسل های جدید ما، کاملاً تخریب شده و به واسطه اینترنت، فساد جنسی در حال طبیعی جلوه کردن است. (۱)

ب) عدم موثق و دقیق بودن اطلاعات :

چون هر کسی با هر سطح از معلومات می تواند، هم اطلاعات خویش را در اینترنت منتشر کند و هم از اطلاعات موجود استفاده کند؛ لذا انواع گوناگونی از اطلاعات در اینترنت یافت می شوند که بسیاری از آنها دقیق نبوده و در سطحی عامیانه هستند.

۳. پیامدهای مربوط به زبان

زبان غالب در اینترنت انگلیسی است و همین مسئله موجب روی آوردن بیشتر مردم به این زبان می شود که خود یکی دیگر از خواسته های استعمارگران است.

۴. پیامدهای مربوط به کاربران

کاربران اینترنت، در بهره گیری از اینترنت با مشکلات و پیامدهایی مواجه خواهند بود که در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود :

الف) اتلاف وقت :

اتلاف وقت یکی از پیامدهای منفی برای کاربران اینترنت تلقی می شود؛ چون :

اولاً:- معمولاً- کاربران اینترنت نمی دانند اطلاعات مورد نیازشان کجاست و راه دسترسی به آن اطلاعات چیست و از میان حجم عظیم اطلاعات داده شده کدام یک موثق و قابل استناد است و به کدام یک باید استناد کرد.

ثانیاً : بسیاری از اطلاعات ارائه شده سوخته و قدیمی هستند و همین موجب عدم دسترسی به اطلاعات جدید و روزآمد می شود؛ البته موتورهای جست و جوگر همواره سعی دارند اطلاعات خویش را به روز کنند؛ اما این سعی تا به حال نتوانسته است اطلاعات سوخته را از اینترنت کنار بزند.

ثالثاً : اطلاعات ارزشمندی که در اینترنت ارائه می شود به صورت رایگان در اختیار قرار نمی گیرد.

ص: ۱۳۹

رابعاً: از آن جا که اینترنت رسانه ای عمومی است مقالات ارائه شده در آن، سطح بندی نشده اند و نوع کاربران نیز از این وضعیت اطلاع ندارند و با مراجعات بی جا موجبات خستگی، سردرگمی و سرخوردگی خویش را فراهم می آورند.

موارد یاد شده در نهایت اتلاف وقت و هزینه کاربران را به دنبال دارد.

غیر از موارد یاد شده مشکلات دیگری نیز متوجه کاربران است؛ پیامدهایی همانند اعتیاد به اینترنت، تخریب توازن روانی افراد، رشد انزواطلبی و موارد دیگری که این جا مجال پرداختن به آنها نیست.

ب) تحمیل هزینه های سنگین :

ابزار دسترسی به آن اینترنت، «رایانه» است که تکنولوژی پیشرفته آن در اختیار کشورهای پیشرفته است که خرید و تهیه آن، هزینه سنگینی را بر کشورهای توسعه نیافته تحمیل می کند؛ خصوصاً که کمپانی های سازنده رایانه، هر روز نسل جدیدی از این وسیله و قطعات آن را روانه بازار می کنند و مسیر بازار به سمتی است که نسل های قدیمی از رده خارج می شوند و دیگر کارایی ندارند، لذا خریداران ناچارند پیوسته دنبال خرید سخت افزار جدید باشند و روز به روز بازار سرمایه داری را گرم تر نمایند.

متأسفانه در بسیاری از کشورهای جهان سوم نیز، کامپیوتر وسیله ای فانتزی است که جز برای سرگرمی و بازی به کار دیگری نمی آید؛ ولی برای بسیاری از افراد، نشانه پیشرفت است و هر فرد بی سواد نیز به دنبال تهیه آن می باشد، البته این جریان توسط دو گروه تقویت می شود :

اول : توسط سازمان های جهانی، همانند یونسکو؛ در دهه های ۱۹۵۰م. و ۱۹۶۰م. یونسکو توصیه کرد که کشورهای فقیر برای توسعه به پیروی از سیستم ارتباطات کشورهای غنی نیاز دارند؛ متعاقب این فکر، یونسکو برای توسعه ارتباطات، «حداقل استاندارد» را معین کرد که بر اساس آن، هر کشوری باید حداقل ده روزنامه منتشر کند، پنج ایستگاه رادیویی داشته باشد و برای هر صد نفر دو صندلی سینما در نظر گرفته شود؛ این ضوابط، پایه و معیار توسعه شناخته شده. (۱) و کشورها به حرکت در این سمت وسو تشویق می شوند.

ص: ۱۴۰

دوم: گروه‌هایی که در جهان سوم، به حق، روی شکاف دیجیتالی بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته مانور می‌دهند، ناخودآگاه موجب دامن زدن به این موج می‌شوند و در نهایت مردم را به سوی استفاده بیشتر از کامپیوتر سوق می‌دهند که نتیجه‌اش عاید سرمایه داران استعمارگر خواهد شد؛ زیرا تولیدکنندگان اصلی تکنولوژی اطلاعات در جهان عبارتند از: «آمریکا»، «آلمان»، «فرانسه»، «ایتالیا»، «هلند» و «ژاپن»؛ البته برخی از کشورهای در حال توسعه مانند «الجزایر»، «برزیل»، «هندوستان»، «کره جنوبی»، «مکزیک»، «فیلیپین» و «سنگاپور» در آغاز راه تولید و یا مونتاژ تکنولوژی اطلاعات، آن هم تحت لیسانس کشورهای غربی هستند.

در سال ۱۹۷۹م. برخی شرکت‌ها از کشورهای مختلف بر تکنولوژی اطلاعات نظارت داشته‌اند؛ (۱) اسامی برخی از این شرکت‌ها، کشورهای مطبوع آنها و مبلغ فروش هر یک، در جدول زیر ارائه شده است:

رتبه شرکت کشور کل فروش

به میلیون دلار-

۱ آی. بی. ام. - آمریکا - ۲۱/۰۷۶

۲ جنرال الکتریک - آمریکا - ۱۹/۶۵۴

۳ آی. تی. تی. - آمریکا - ۱۵/۲۶۱

۴ فیلیپس - هلند - ۱۵/۲۵۴

۵ زیمنس - جمهوری فدرال آلمان - ۱۳/۹۳۴

۶ ماتسوشیتا - ژاپن - ۱۰/۱۵۱

۷ آی. ا. گ. تلفونکن - جمهوری فدرال آلمان - ۱/۰۸۷

۸ وستینگ هاوس - آمریکا - ۶/۶۶۳

۹ آر. سی. ا. - آمریکا - ۶/۶۰۱

۱۰ جنرال الکتریک، با مسئولیت محدود - انگلیس - ۵/۹۵۳

ص: ۱۴۱

کتاب، این وسیله مفید که بسیاری از انسان‌ها را به راه راست هدایت می‌کند، همانند دیگر رسانه‌ها در خدمت گمراه‌کنندگان بشریت نیز قرار گرفته است. استعمارگران همواره از دیرباز به اهمیت نقش کتاب، توجه تام داشته و از آن در مسیر القای عقیده، فرهنگ و ارزش‌های مورد قبول خویش، حداکثر استفاده را برده‌اند و آن را در مسیر اهداف خویش به کار گرفته‌اند.

در قرون جدید که مکاتب ماتریالیستی رشد چشم‌گیری داشته‌اند، افکار خویش را در زمینه‌های مختلف از طریق کتاب منتشر کرده و فرهنگ جدیدی را به افکار بشریت القا نموده‌اند.

انتشار کتاب در زمینه‌های مختلف، خصوصاً کتاب‌های رمان در ترویج فرهنگ استعماری نقش بسزایی داشته است. بسیاری از این رمان‌ها، هیچ محتوای سازنده‌ای ندارند و فقط برای ایجاد سرگرمی - آن هم از نوع منحرف - تهیه می‌شود که نتیجه آن شیوع بی‌بند و باری در جوامع انسانی است.

### نشر کتاب ابزاری در دست صهیونیسم

در عرصه ناشران کتاب در آمریکا، یهودیان رتبه نخست، سوم و ششم را دارند؛ رتبه اول، متعلق به رندوم هوس، رتبه سوم سیمون اند شوستر (۱) و ششم تایم وارنر ترید گروپ (۲) می‌باشد.

هم‌چنین شرکت انتشاراتی وسترن پابلیشینگ (۳) که سیزدهمین ناشر بزرگ آمریکاست، اولین ناشر بزرگ کتاب کودکان می‌باشد و پنجاه درصد بازار کتاب‌های کودک را در اختیار دارد که رئیس هیأت مدیره این شرکت نیز، یهودی است. (۴)

این نشان از اهمیت کتاب، به لحاظ اقتصادی، فرهنگ‌سازی و سلطه استعماری دارد که یهودیان این چنین در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند.

ص: ۱۴۲

۱- (۱) .Simon and Schuster

۲- (۲) .Time Warner Trade Group

۳- (۳) .Western Publishing

۴- (۴) . کتاب آمریکا ۳، ص ۳۵.

استعمارگران از تمامی ابزارهایی که در برنامه های آموزشی قابل استفاده هستند بهره می برند. ابزار آموزشی مورد نظر عبارتند از:

### ۱- نظام آموزشی

نظام آموزشی جدید که از فرآورده های جهان غرب بوده و تقریباً در همه جهان اجرا می شود، همواره نقش عظیمی را در گسترش سلطه استعمار ایفا می کند؛ این نظام آموزشی بر پایه فرهنگ غربی بنا شده و دارای روحی سکولار، معنویت گریز و دین ستیز است.

در این نظام، مقصود از آموزش، آموزش روش و ابزار توسعه اقتصادی است؛ و این توسعه نیز، معلول اصالت بخشیدن به اقتصاد، نسبت به سایر وجوه حیات بشری می باشد.

نظام آموزشی جدید که برگرفته از غرب است بر محور تعلیم و تربیت اخلاقی انسان طراحی نشده است، بلکه هدف اصلی آن، آموزش مهارت فنی لازم و تأمین کادرهای تخصصی، جهت دست یافتن به توسعه است.

تحصیل کنندگان این نظام در کشورهای جهان سوم، خصوصاً کشورهای اسلامی، به سه گروه تقسیم می شوند:

الف) عده معدودی، به ارزش های اعتقادی و فرهنگی خویش پای بند مانده و به سستی و غیر قابل اطمینان بودن بسیاری از علوم جدید در ارتباط با مسائل معنوی، پی می برند و تحت تأثیر آنها قرار نمی گیرند.

ب) عده ای، دچار سردرگمی و عدم تشخیص حقیقت شده و با سرخوردگی و سرگردانی، به زندگی ادامه می دهند.

ج) جمع کثیری از آنان نیز، تحت تأثیر آموزه های علوم جدید، نسبت به معنویات بی عقیده شده و همه هم و غم آنان، تلاش برای ارضای نیازهای مادی می شود؛ این گونه افراد، از آن جا که کشورهای استعمارگر را در این زمینه پیشرفته تر از دیگران می دانند به آنان دل بسته شده و در مسیر خواسته های آنان گام برمی دارند و این نهایت توفیق استعمارگران است.

متون و کتب درسی که تأمین کننده اهداف نظام آموزشی هستند با ارایه مطالب گزینشی خاص، وظیفه مشروع جلوه دادن برداشتی گزینشی از واقعیت را بر عهده دارند که این خود یکی از مکانیزم های مهم گسترش سلطه فرهنگ مسلط است.

## ۳- مراکز آموزشی و آموزگاران

مراکز آموزشی و آموزگاران که مروج همان نظام و متون آموزشی هستند چه در داخل کشورهای غربی و چه در خارج این کشورها، به مثابه ابزاری در جهت تربیت نیروی انسانی مورد نیاز نظام سلطه محسوب می شوند.

بدین ترتیب، رفته رفته مجموعه ای از نیروهای هم فکر، متشکل از متخصصین محلی که هنجارهای خاصی را پذیرفته و در آینده، رهبری جوامع خویش را در دست خواهند گرفت پدیدار می شوند. اینان به امید آن که از موضع رهبری، ملل خویش را در مسیر توسعه هدایت کنند. (مسیری که ثبات سیاسی و رشد اقتصادی جهان استعمارگر را تضمین نموده و یا لاقلاً نوعی بی طرفی مثبت را، نسبت به نظام سلطه وجود آورد) خواسته یا ناخواسته در مسیر اهداف استعماری گام می نهند. مشخصه این مسیر خاص توسعه، اقتصاد درهای باز و متکی به یکی از ارزشهای معتبر جهانی و ادامه دسترسی شرکت های بزرگ به منابع مواد خامی است که برای استعمارگران از اهمیت استراتژیک برخوردار است.

استعمارگران به ویژه آمریکاییان، بعد از سال ۱۹۵۰م. توجه ویژه ای به تربیت رهبران اصلاحگر نمودند: رهبرانی که مخالف با ملی گرایی انقلابی بوده و به تحقق اهداف معتدل توسعه معتقد بودند. سیاست گزاران واشنگتن امیدوارند که این آموزه ها، در عین حال باعث گردد تا رهبران ملل در حال توسعه، اصل ورود سرمایه خصوصی آمریکایی به کشورهای خود را با دیده تأیید بنگرند. (۱)

ص: ۱۴۴

---

۱- (۱). ادوارد برمن، کنترل فرهنگ (نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا)، ترجمه حمید الیاسی، ص ۷۱ و ۷۲.

«دانشگاه های مجازی» از دیگر مراکز آموزشی هستند که به تازگی به وجود آمده اند و از طریق اینترنت به آموزش مشغول می باشند و مشکل بُعد مسافت را نیز برای مردم دیگر کشورها حل نموده اند که با کاربرد آن، دیگر نیازی به مهاجرت به دیگر کشورها نخواهد بود، بلکه می توان از از درون خانه، آموزش های مورد نظر دریافت نمود.

#### ۴- زبان انگلیسی

زبان انگلیسی، به عنوان زبانی علمی و همین طور بین المللی که اسناد بین المللی هم با این زبان منتشر می شود، یکی از ابزارهایی است که هم به گسترش این زبان در سطح جهان کمک کرده و هم وسیله ای است در جهت گسترش فرهنگ غربی در دیگر کشورها؛ با توجه به محتوای فیلم ها و سی دی هایی که برای آموزش این زبان ساخته شده اند و نیز محتوای گویش های آموزشی مرسوم این زبان، همه در نهایت به گسترش بی بند و باری در جهان می انجامند.

#### ۵- بنیادهای فرهنگی

بنیادهای فرهنگی، نقش پشتیبان نظام ها، متون و مراکز آموزشی را ایفا می کنند. از جمله این بنیادها می توان سه بنیاد مهم آمریکایی کارنگی، فورد و راکفلر را نام برد که از بین یازده بنیاد آمریکایی از همه فعال ترند.

این بنیادها، با ظاهری خیرخواهانه و با این عنوان که برای کمک به ملل عقب مانده جهان تأسیس شده اند، فعالیت می کنند. اما در واقع از عوامل اصلی نظام استعماری سرمایه داری هستند؛ زیرا همان طور که سرمایه داری برای صدور سرمایه مازاد به خارج، در جهت کسب سود و انباشت مستمر به شرکت های چند ملیتی پشت گرم است، برای صدور ایدئولوژی نیز، به نهادهایی مانند بنیادهای فرهنگی اتکا دارد.

این بنیادهای آمریکایی در قرن بیستم، برنامه هایی را به اجرا گذاشتند که منظور از آنها ایجاد شرایطی در جهان در حال توسعه بود که دگرگونی اجتماعی قابل پیش بینی و قابل اداره و سازگار با منافع استراتژیک و اقتصادی ایالات متحده را تضمین کند. (۱)

ص: ۱۴۵

مسئولان بنیادها و سیاستمداران حاکم بر کشور آمریکا، کاملاً آگاه بودند که سلطه، همان طور که می تواند مادی باشد، دارای بُعد عقیدتی (ایدئولوژیک) نیز هست و حاکمیت و کنترل، غالباً از عمل کرد روزمره و نیز، تفکری ریشه می گیرند که مبانی فعالیت های روزانه ما را تشکیل می دهند و نباید آنها را تنها به اعمال قدرت سیاسی و اقتصادی آشکار محدود کرد.

نحوه برخورد ما با جهان، مقوله هایی که برای تنظیم عمل کرد روزانه خود به کار می گیریم و چهارچوب هایی که سیاست های مهم خارجی و داخلی در آن شکل می گیرند، به طور طبیعی ایجاد نمی شوند؛ اینها به شکل مقولاتی کاملاً مشخص از آسمان نازل نشده اند، بلکه افراد و سازمان های مشخصی این مقولات را بر مبنای ملاک هایی که مناسب تشخیص می دهند، آگاهانه تعیین می کنند؛ خلاصه این که موارد مزبور، پدیده هایی اجتماعی و مخلوق استنباطات افراد یا گروه هایی خاص، از واقعیت محسوب می شوند.

بنیادها نقشی اساسی در مشروع جلوه دادن پدیده های خاص اجتماعی ایفا کرده و به این ترتیب، به تضمین حاکمیت و برداشت خاصی از واقعیت که با منافع آنان سازگار باشد کمک کرده اند؛ در عین حال، بنیادها در ایجاد و تداوم سلطه فرهنگی و عقیدتی به نحوی که برداشت های دیگر از واقعیت، اجازه ظهور نیابند، نقشی اساسی را بر عهده داشته اند. (۱)

لذا کوشش های بنیادهای فرهنگی در «آفریقا»، «آسیا» و «آمریکای لاتین»، هدفی جز تضمین وابستگی کشورهای مزبور به مرکز جهان سرمایه داری و ایالات متحده را دنبال نمی کرد.

برنامه های بنیادها، علاوه بر تأمین خواست نظام سرمایه داری، منافع شخصی صاحبان آنها را نیز تأمین می کند؛ به گفته ادوارد برمن :

برنامه های بنیاد را کفلر در کشورهای در حال توسعه - خواه پزشکی و یا کشاورزی و آموزشی - همواره همراه با فعالیت های اقتصادی امپراطوری مالی خاندان را کفلر به اجرا درمی آمد. (۲)

ص: ۱۴۶

۱- (۱). همان، ص ۴۳.

۲- (۲). همان، ص ۳۸.



این بنیادها در گسترش سلطه استعمارگران از طریق مسالمت آمیز، توفیق زیادی داشته اند.

جرج وینسنت (۱) رئیس «بنیاد راکفلر» در سال ۱۹۱۷م. درباره فعالیت های بنیاد در «فیلیپین» به این موضوع اشاره کرده و می گوید :

مراکز ارائه خدمات درمانی و نیز پزشکان، اخیراً به طور مسالمت آمیز به مناطقی از جزایر فیلیپین نفوذ کرده اند و این واقعیت را نشان داده اند که برای رام کردن اقوام بدوی و بدبین نسبت به بیگانگان، طب بر مسلسل امتیازاتی دارد. (۲)

این بنیادها برای ایجاد ایدئولوژی مورد نظر خویش، شبکه ای از سازمان ها را نیز به وجود آورده اند : سازمان هایی که به ظاهر مستقل هستند، ولی توسط همان بنیادها و در مسیر تحقق اهداف آنها به وجود آمده اند؛ مانند :

۱. صندوق پیش برد آموزش؛

۲. مرکز مطالعات عالی علوم رفتاری؛

۳. شورای بین المللی توسعه آموزش؛

۴. شورای پژوهش های علوم اجتماعی؛

۵. مؤسسه آفریقا - آمریکا؛

۶. آموزش و امور جهانی؛

۷. کمیته خارجی شورای آموزشی آمریکا؛

۸. مؤسسه توسعه خارجی.

فعالیت بنیادهای فرهنگی مکمل یک دیگر است و نه در جهت رقابت با هم؛ به ویژه پس از سال ۱۹۵۰م. هماهنگی هایی به عمل آمد که هر یک از بنیادها، حیظه عملیاتی خاصی را منطبق با حداکثر کارایی خویش برگزینند و در آن زمینه به فعالیت پردازند؛ بر همین اساس، بنیاد کارنگی در زمینه تربیت معلم و تقویت کتابخانه ها؛ بنیاد فورد در زمینه علوم اجتماعی و مدیریت عمومی و بنیاد راکفلر در مسائل مربوط به علوم اجتماعی، طبیعی و پزشکی - زیستی، فعالیت خویش را متمرکز کردند.

ص: ۱۴۷

---

۱- (۱) .George Vincent

۲- (۲) . ادوارد برمن، همان، ص ۳۹.

دیگر ابزاری که مورد بهره برداری استعمارگران قرار می گیرند، «سازمان های بین المللی» هستند. سازمان های بین المللی را از لحاظ نوع پیدایش می توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. سازمان هایی که از ابتدا با ایده استعماری و تجاوزگری به وجود آمده اند.

۲. سازمان هایی که اساس استعماری نداشته، بلکه با پیشنهاد افراد یا گروه هایی، با انگیزه خیرخواهی به وجود آمده اند که قصدشان ارائه خدمتی به بشریت یا برداشتن مشکلی از سر راه آنان بوده است. ولی متأسفانه، همین دسته دوم نیز در گذر زمان و در ادامه حیات خویش، ابزاری در خدمت استعمارگران شده اند.

امام خمینی رحمه الله نیز، درباره چنین سازمان هایی معتقد بودند اساس این سازمان ها با اهداف استعماری بنیان گذاشته شده [\(۱\)](#) تنها برای منفعت غرب به وجود آمده و تأمین کننده منافع محرومان و مظلومان نیستند [\(۲\)](#) و این که استعمارگران، تنها به وسیله آنها می خواهند مردم تحت سلطه را بازی دهند. [\(۳\)](#)

بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، به حق، وجود سازمان های بین المللی را یک مانور سیاسی می دانستند که با هدف اغفال ملت ها تشکیل می شوند. [\(۴\)](#)

لذا این بسیار ساده انگارانه است که تصور شود که مثلاً وقتی ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) با خروج از محدوده سنتی خود به سوی جغرافیای فرامنطقه ای علاقه نشان می دهد تنها با هدف حفظ صلح و همکاری با سازمان ملل متحد است. [\(۵\)](#)

از سازمان های بین المللی که در خدمت استعمارگران قرار می گیرند می توان به سازمان های زیر اشاره کرد:

ص: ۱۴۸

۱- (۱). امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۲۰.

۲- (۲). همان، ج ۱۱، ص ۵۰.

۳- (۳). همان.

۴- (۴). همان، ج ۱۲، ص ۲۵۰.

۵- (۵). عبدالوهاب فراتی، اطلاعات سیاسی - اجتماعی، ص ۶۸.

«سازمان ملل متحد» که بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی است و اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان عضو آن هستند، در سال ۱۹۴۵م. تشکیل گردید؛ این سازمان تا به حال، در کارنامه خود، حتی به تعداد انگشتان یک دست هم بر خلاف نظر استعمارگران، قدمی برداشته است.

مهم‌ترین رکن سازمان ملل که شورای امنیت است، گرفتار چنبره سلطه قدرت‌های بزرگی است که از حق و تو برخوردارند و با استفاده از این حق، در نهایت این سازمان را به سوی مقاصد خویش سوق می‌دهند که نمونه بارز آن را می‌توان در برخورد با تروریسم دولتی اسرائیل، تجاوزگری‌های آمریکا به دیگر کشورها، پایمال شدن حقوق بشر توسط ابر قدرت‌ها و قدرت‌های بزرگ در دنیا و... یافت.

## ۲ و ۳. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

این دو سازمان بین‌المللی نیز در سال ۱۹۴۵م. تشکیل شدند، ولی از آن‌جا که هر کشور به اندازه سرمایه‌ای که در آنها دارد از حق رأی برخوردار است و عمده سهام داران آن نیز، کشورهای پیشرفته هستند، سازمان‌های مزبور عملاً در اختیار آنها بوده و نه تنها تا به حال خدمتی به بشریت ارائه نداده‌اند، بلکه به گفته داویسون بودهو، اقتصاددان برجسته گرانا‌دا که پیش‌تر، خود در این صندوق مسئولیتی داشت، باعث آسیب روند اقتصادی بسیاری از کشورها شده‌اند؛ وی در این باره می‌گوید:

فعالیت‌های این سازمان‌ها (برای جنوب) به واقع فاجعه‌آفرین بود: به جای توسعه و تعدیل مطلوب، امروزه جهان سوم گرفتار ماریج شتاب‌آلود نزول اقتصادی و اجتماعی است؛ این نزول مستقیماً ناشی از سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است. (۱)

ص: ۱۴۹

#### ۴- سازمان تجارت جهانی

این سازمان در سال ۱۹۹۵م. به جای گات تشکیل شد و هم اینک دارای صد و چهل و چهار عضو است. ولی رفتار آن در سطح جهانی و فشارهایی که بر کشورهای دیگر می آورد، نشان از روندی استعماری است؛ به عنوان مثال: حتی پیش شرط عضویت در آن، پذیرش کنواسیون رفع تبعیض از زنان قرار داده شده که در واقع، بهانه و گامی در جهت استعمار فرهنگی و گسترش فرهنگ و ارزش های غربی در سایر نقاط جهان است.

علاوه بر این از آن جا که یکی از اهداف سازمان مذکور، کاهش و لغو فراگیر «تعرفه گمرکی» است، حداقل در وضعیت کنونی جهان، این موضوع تنها به نفع کشورهای پیشرفته تمام می شود، چون لازم نیست برای صادراتشان به کشورهای دیگر، مالیات گمرکی پرداخت کنند؛ بنابراین از این طریق هم سود بیشتری به جیب می زنند و هم موجب تعطیلی تولیدات داخلی بسیاری از کشورهای جهان سوم خواهند شد.

#### ۵- سازمان انرژی اتمی

این سازمان در سال ۱۹۵۷ میلادی تشکیل شده و هدف آن جلوگیری از گسترش سلاح های اتمی و ایجاد همکاری بین المللی در استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی است؛ ولی بر هیچ کس پوشیده نیست که فعالیت های این سازمان، تنها به نفع ابرقدرت ها و قدرت های بزرگ تمام شده است؛ چرا که علی رغم وجود سازمان مزبور، سلاح های اتمی، کاملاً گسترش یافته اند؛ البته در سطح قدرت های بزرگ و یا وابستگان آنها؛ چنان که قدرت های مزبور آن جا که مخالف منافع آنها باشد از دستیابی دیگر کشورها به تکنولوژی هسته ای در جهت استفاده صلح آمیز آن نیز، مانع ایجاد می کنند که نمونه بارز آن را می توان در مسئله انرژی اتمی ایران مشاهده نمود؛ زیرا علی رغم اطلاع استعمارگران، مبنی بر صلح آمیز بودن فعالیت های اتمی ایران، با تصویب قطعنامه تحریم اقتصادی و نیز تهدید آن به حمله نظامی و... درصدد ایجاد مانع برای دستیابی ایران به انرژی مزبور هستند.

موارد یاد شده، تنها نمونه ای از سازمان های بین المللی هستند که در خدمت استعمارگران قرار دارند.

حقیقت این است که سازمان های بین المللی، در زمینه احقاق حقوق کشورهای جهان سوم، همانند امام زادگان بی معجزه ای هستند که از آنها نمی توان انتظار شفا داشت؛ لذا دل خوش کردن به آنها عین سادگی است؛ شاید تنها فایده ای که این گونه سازمان ها برای کشورهای جهان سوم دارند، این است که می توان در حد یک تریبون جهانی از آنها استفاده کرد و گه گاه سخنان خود را به گوش های ناشنوی برخی سران کشورها رساند.

## **د) معاهده ها، پیمان نامه ها و قراردادهای بین المللی**

### **اشاره**

یکی دیگر از ابزارهای استعمارگران، پیمان نامه ها (۱) و قراردادهایی است که توسط سازمان ها و مجامع بین المللی پیشنهاد می شود و به امضای سران دولت ها می رسد؛ این قراردادها ممکن است از ابتدا با انگیزه ای خیرخواهانه و در جهت کمک به بشریت مطرح شوند؛ ولی متأسفانه کشورهای قدرتمند دنیا، از آن جا که اهرم های قدرت را در اختیار دارند، پیمان نامه های مزبور را براساس افکار و عقاید و ارزش های مورد قبول خویش تنظیم نموده و آنها را به مثابه حربه ای برای اعمال فشار بر کشورهای مستقل و یا مخالف خود، مورد استفاده قرار می دهند؛ برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

### **۱- منشور جهانی حقوق بشر**

این منشور که دقیقاً مطابق با بینش های غربی و مادی درباره انسان است، علی رغم تمام کاستی هایی که دارد به صورت یک سند بین المللی درآمده و با این که کشورهای غربی، خود در رأس ناقضان حقوق بشر هستند، اما از این میثاق بین المللی به عنوان حربه ای بر ضد دیگر کشورها استفاده کرده و آنان را تحت فشار قرار می دهند.

### **۲- کنوانسیون رفع تبعیض از زنان**

این کنوانسیون نیز دقیقاً منطبق بر اندیشه ها و ارزش های غربی و فمینیستی است و با بسیاری از ارزش های مورد قبول دیگر ملت ها منافات دارد؛ ولی چند سالی است که قدرت های غربی بشدت به دنبال ظرفیت سازی برای این پیمان نامه و همانند سازی

ص: ۱۵۱

قوانین داخلی کشورها با آن هستند، به حدی که شرط عضویت در سازمان تجارت جهانی را همان گونه که پیش تر نیز بدان اشاره شد، قبول این کنوانسیون قراردادده اند.

### ۳- پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای

(۱)

ابرقدرت ها و قدرت های بزرگ، نه تنها هیچ یک به این پیمان پایبند نیستند، بلکه خود در رأس ناقضان آن قرار دارند و با این که خود بزرگ ترین زرادخانه های اتمی را در اختیار دارند هر روز به دنبال دسترسی به سلاح های خطرناک تری هستند؛ ولی در عین حال، همین پیمان نامه را همواره بهانه قرار داده و از دسترسی دیگر کشورها به فن آوری صلح آمیز هسته ای نیز جلوگیری می کنند.

آن چه قابل ذکر است اینکه، متأسفانه عمده پیمان نامه های بین المللی دارای کارکردهای تبعیض آمیز بوده و وسیله ای در دست استعمارگران هستند.

### ۵- سازمان ها، احزاب و تشکیلات

#### ۱- سازمان ها و تشکیلات سیاسی مخفی و وابسته به استعمار

فراماسونری، سازمانی سیاسی - استعماری، ولی پنهان است که طبق نظر برخی محققان زاده «صهیونیسم» بوده (۲) و به نحوی بسیار پیچیده و پنهان زمینه تسلط صهیونیسم و قدرت های استعماری هم سو با آنان را بر جهان آماده می کند.

واژه ماسون (۳) به معنای بنااست و از آن جا که نخستین بار در سال ۱۰۹۳م. «اتحادیه فراماسون» توسط «بناهای آزاد» شکل گرفت، لذا نام «فراماسون»، یعنی: «اتحادیه بنایان آزاد» - برای آن برگزیده شد؛ فعالیت های این اتحادیه بر سه محور استوار بود:

۱. تعلیم و تعلم فن معماری و تدریس هندسه که کسی جز بنایان از آن آگاهی نداشت؛

۲. حفظ اسرار و رموز فنی حرفه بنایی و معماری؛

۳. حفظ مزایای صنفی که سود سرشاری را عاید آنها می کرد.

ص: ۱۵۲

۲- (۲) . ر. ک به : مبانی فراماسونری، گروه تحقیقات علمی ترکیه (یحیی هارون)، ترجمه جعفر سعیدی.

۳- (۳) . Mason.

فراماسون ها، ابتدا جای معینی نداشتند ولی در اواسط قرن شانزدهم برای تشکیل کلاس های خود، محلی را در نظر گرفتند و آن را لژ نام نهادند.

در سال ۱۷۱۷ میلادی، انگلیسی ها رشته امور ماسون ها را به دست گرفتند و آن را از مسیر اصلی خود منحرف نموده و دوره دومی را در تاریخ این تشکیلات صنفی بنا نهادند که بدان ماهیت سیاسی بخشیده و کم کم آن را در سراسر جهان توسعه دادند.

نخستین نشریه ای که توسط ماسون ها منتشر شد توسط بنجامین فرانکلین بود که از پیشگامان فراماسونری در آمریکاست و بعد از وی نام جرج واشنگتن قرار دارد. (۱)

این تشکیلات مخفی سیاسی که نام فراماسونری را بر خود نهاد، اساس کار خویش را بر پنهان کاری و مخفی کردن شعائر خود قرارداد؛ فراماسونرها به دین اعتقادی ندارند و تنها خویش را پیرو قوانین اخلاقی می دانند.

قدرت های استعماری با شناسایی نیروهای متناسب با اهداف خویش آنان را از همان دوره ابتدایی، تحت نظر و سپس مراقبت و تربیت می گیرند تا در نهایت از آنان به عنوان کارگزاران خویش استفاده نمایند و بدین وسیله سرنوشت کشورها را به دست گیرند؛ قابل توجه این که تقریباً همه قدرت های استعماری، از این سازمان مخفی بهره می برند.

البته سازمان مزبور در کشورهای مختلف با اندکی تفاوت ظاهری از یکدیگر متمایزند؛ چنان که انگلیسی ها نام حلقه فراماسونری خود را لژ می نامند، ولی آمریکایی ها با عنوان کلوپ روتاری و کلوپ لاینز از آن یاد می کنند.

فراماسون ها به فساد اخلاقی، انحراف جنسی، مشروبخواری و... در همه جا شهرت دارند و برای انحراف نسل جوان از عنصر زن بسیار بهره می برند؛ به اعتراف خود آنان: عوامل و کارگزاران فراماسونری و همینطور زنان وابسته به آنها، در تباهی نسل جوان ملت ها نقشی مهم دارند. (۲)

امروزه نیز عضویت زنان در محافل ماسونی، بیش از پیش گسترش یافته و طرح صهیونیستی برای فساد جوانان از جزیره «پاتایا» در «تایلند» تا سواحل «میامی» در خاک

ص: ۱۵۳

---

۱- (۱). رجوع شود به: خاتمی، محمد، فراماسونری، پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان، ص ۱۷.  
۲- (۲). ر.ک: فریدون آدمیت، اندیشه ترقی، ص ۳۲۸، به نقل از: محمد خاتمی، فراماسونری، پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان، ص ۵۷.



«آمریکا» به سرعت اجرا می شود و برادران ماسونی بر خانه های فساد، قمار خانه ها، کلوپ ها و میکده ها نظارت دارند؛ آنان هم چنین با کمال بی شرمی از تصاویر برهنه زنان در برانگیختن جوانان و توزیع فیلم های مبتذل میان ایشان در سراسر عالم سوءاستفاده می کنند؛ چنان که حتی دیپلمات های ماسونی نیز تصاویری عریان از زنان را به همراه دارند. (۱)

ماسون ها، خود اعتراف می کنند که :

ما نسل جوان را با اصول تربیتی که بر اساس فرضیه های غلط استوار نموده ایم، فاسد می کنیم و بدون این که در قوانین موجود ظاهراً تغییر اساسی بدهیم، در آنان تغییرات ضد و نقیض به وجود آورده و نتیجه هایی به میل خود به دست می آوریم. (۲)

## ۲- احزاب سیاسی

یکی از ابزار و اهرم هایی که استعمار، از آن استفاده شایانی می برد، احزاب سیاسی هستند؛ البته منظور آن دسته از احزاب سیاسی است که هم سوی با استعمارگران باشند و گرنه، احزاب سیاسی غیر هم سو با آنها که در جهت خلاف افکار و توطئه های استعماری گام بردارند، جزء نیروهای ضد استعماری به حساب آمده و مدافع منافع ملی کشور خود هستند.

احزاب سیاسی استعماری در زمان دو قطبی بودن دنیا به دو دسته تقسیم می شدند :

دسته نخست : طرفداران غرب

احزاب لیبرال، همگی در این طیف جا می گیرند، آنها خواسته یا ناخواسته همواره در مسیر خواسته های استعمار غرب قرار دارند؛ چنان که بررسی اعمال و رفتار ایشان در کشورهای که انقلابی در آن صورت گرفته، همانند الجزایر، مصر و ایران به خوبی مدعای فوق را ثابت می کند.

دسته دوم : احزاب طرفدار ابر قدرت شوروی

این دسته نیز دست کمی از احزاب دسته اول نداشتند و در استقرار سیاست های شوروی سابق در دیگر کشورها بسیار فعال بودند؛ نمونه بارز آنها حزب

ص: ۱۵۴

---

۱- (۱) . خان ملک ماسانی، سیاست گزاران دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۵۹، به نقل از : همان، ص ۵۸.

۲- (۲) . ابراهیم تیموری، عصر بی خبری، به نقل از : همان، ص ۵۹.

کمونیست افغانستان، حزب توده ایران و دیگر احزاب کمونیستی در جهان است که در نهایت کشور خود را به شوروی وابسته نموده یا در پی وابستگی به آن بودند؛ البته بعد از فروپاشی شوروی، این احزاب تا حد زیادی تضعیف شده اند و برخی می پندارند که آنان دیگر، قدرت بازسازی نیروی خویش را ندارند؛ ولی چنین پنداری صحیح نیست؛ زیرا اعمال و رفتار اینها نشان می دهد که تحت عنوان نئو مارکسیسم قویاً به بازسازی خود و فعالیت در جوامع مشغولند و یگانه تازی های آمریکا در سطح جهان نیز زمینه طرح دوباره کمونیسم را در جهان فراهم می کند.

هر دو دسته، علی رغم اختلاف ظاهری، بر یک مسئله اتفاق نظر دارند و آن دین زدایی است و لذا گاهی به صورت یک شبکه منسجم عمل می کنند که انتخاب تیتراهای یک نواخت توسط روزنامه های مختلف و با سلیقه های گوناگون، نمونه بارزی از انسجام عمل آنان است.

### ۳- سازمان های غیر دولتی ( NGO )

سازمان های غیر دولتی، چیز جدیدی نیستند و سابقه ای بس طولانی، خصوصاً در جهان اسلام و بالأخص در جهان تشیع دارند، چون همواره در جوامع بشری، انسان های خیری یافت می شده اند که با انگیزه و عشق خدمت به مردم، با تشکیل هیأت ها، انجمن و مؤسسات مذهبی و خیریه، در مسیر خدمت به مردم اقدامات شایانی انجام داده اند؛ این مسئله خصوصاً در جوامع اسلامی، با توجه به تشویق اسلام مبنی بر رسیدگی به هموعان و توصیه های پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله که می فرمایند:

من اصبح ولا یهتّم بامور المسلمین، فلیس منهم و من سمع رجلاً ینادی: یا للمسلمین، فلم یجبهه، فلیس بمسلم؛ کسی که صبح کند و اهمیتی به امور مسلمانان ندهد از آنان نیست و هر که فریاد و استغاثه مسلمانی را بشنود و بدان پاسخ مثبت ندهد، مسلمان محسوب نمی شود. (۱)

ص: ۱۵۵

هم چنان که امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید :

المؤمن اخو المؤمن، كالجسد الواحد، ان اشتكى شيئاً منه، وجد الم ذلك في سائر جسده؛ مؤمن برادر مؤمن و مانند یک جسمی یگانه اند، اگر عضوی از این بدن به درد آید، بقیه اعضا نیز احساس درد می کنند. (۱)

چنان که سعدی در شعر معروف خود که هم اینک، سر در ورودی سازمان ملل متحد، در آمریکا نیز بدان مزین است می گوید :

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

لذا مسلمانان همواره با ایجاد سازمان های غیر دولتی در انجام امور خیریه، پیشگام بوده اند؛ پرداختن به این مسئله در میان شیعیان، بیش از دیگران مطرح بوده است؛ چرا که اینان، حکومت هایی را که به نام خلافت اسلامی و یا بعدها در قالب حکومت های سلطنتی تشکیل می شدند، حکومتی جائز می دانستند که به فکر مردم نیستند؛ از سوی دیگر، حکومت ها نیز از لحاظ اقتصادی، سعی در محروم نگه داشتن شیعیان داشتند، لذا خودشان بدون توجه به دولت و بدون وابستگی به آن، دست به تشکیل چنین سازمان هایی می زدند.

اما آن چه امروزه تحت عنوان سازمان های غیر دولتی ( NGO ) مطرح است، چیزی غیر از سازمان های غیر دولتی است که به آنها اشاره شد.

سازمان های غیر دولتی که علامت اختصاری انگلیسی آن NGO ( مخفف کلمات Non Government Organisations ) است، پدیده ای مربوط به دوران جدید زندگی شهری است که بر اساس ضرورت ها و برای حل مسائل مختلف زندگی اجتماعی شکل گرفته اند. «سازمان های غیر دولتی»، به انجمن ها، مؤسسه ها، بنیادها، شرکت های غیر انتفاعی و یا هر شخصیت حقوقی دیگر اطلاق می شوند که به موجب نظام حقوقی، جزئی از بخش های دولتی به حساب نیامده و فعالیت منفعت طلبانه ندارند.

ص: ۱۵۶

## مشخصه های سازمان های غیر دولتی

۱. غیر دولتی بودن؛
۲. بدون سود بودن؛
۳. مستقل بودن؛
۴. متکی بر کار داوطلبانه اعضا؛
۵. فعالیت با رویکرد همگانی؛
۶. شکل گرفتن به صورت رسمی.

### نقش های سازمان های غیر دولتی :

۱. تحت فشار قرار دادن دولت ها؛
۲. به عنوان ابزار مشارکت مردم، به دولت در اجرای امور، یاری می دهند؛
۳. زمینه را برای دموکراسی مشارکتی و کاهش نقش دولت در جامعه فراهم می سازند. (۱)

با نگاه اولیه به تعریف، مشخصه ها و نقش های «سازمان های غیر دولتی» به نظر می رسد که این سازمان ها، هیچ گونه ربطی به استعمار ندارند و در پی خدمت به مردم خویش می باشند؛ البته بخشی از آنها همین گونه هستند؛ ولی اگر به نقش هایی که سیاستمداران استعمارگر برای این سازمان ها ذکر می کنند توجه شود، نقش استعماری برخی از آنها، بهتر روشن خواهد شد.

در سایت «پل اطلاعاتی ایران و آمریکا» (۲) که وابسته به «وزارت امور خارجه آمریکا» در مقاله ای با عنوان نقش سازمان های غیر دولتی چنین آمده است :

«ان. جی. او.ها»، برنامه های محلی و بین المللی خاصی را که تقریباً در تمامی زمینه ها به گسترش اصول دموکراسی کمک می کنند دنبال می کنند؛ این برنامه ها به شرح زیر هستند :

ص: ۱۵۷

---

۱- (۱) . بهروز خلیق، سازمان های غیر دولتی، سایت نهادهای مدنی.

۲- (۲) . Usinfo.Stat.Gov.

- حقوق بشر: از طریق ترویج و گسترش استانداردهای بین‌المللی و نظارت بر اعمال سوءاستفاده و تجاوز به حقوق دیگران؛
- حکومت قانون: از طریق کمک‌های قانونی رایگان یا با هزینه پایین‌تر، آموزش تمام شهروندان در مورد حقوقشان و جانبداری از اصلاحات قانونی؛
- حضور زنان: از طریق آماده کردن ایشان برای حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و حمایت از ایشان در برابر تبعیض‌های اجتماعی، اقتصادی؛
- آموزش‌های مدنی: از طریق آموزش برنامه‌هایی که به نقش شهروندان در یک جامعه متبوع، تکثرگرا و دموکراتیک متمرکز است؛
- مطبوعات آزاد: از طریق حمایت و گسترش رسانه‌های گروهی مستقل، تربیت روزنامه‌نگاران و اعمال کردن استانداردهایی برای روزنامه‌نگاری اخلاقی؛
- ایجاد احزاب سیاسی: از طریق انتخاباتی که به وسیله ناظرین آموزش دیده همان کشورها نظارت می‌شود و ایجاد انگیزه برای نام‌نویسی رأی‌دهندگان غیرحزبی؛
- پاسخگویی دولت: از طریق تجزیه و تحلیل سیاست‌های دولت و نظارت دقیق بر اقدامات دولتی.

موارد مذکور تماماً با همان مفهوم غربی و لیبرالی خودمد نظر هستند و با دقت در این موارد، به روشنی مشخص می‌شود که سازمان‌های غیردولتی - البته با نقش‌های یاد شده - می‌توانند بخشی از عوامل انتشار دهنده فرهنگ جهان غرب باشند که داعیه جهانی شدن را دارد؛ در حقیقت این گونه از سازمان‌ها، که در مسیر یاد شده قرار می‌گیرند بیشتر از آن که در فکر خدمت به مردم خویش باشند در جهت فشار به دولت‌های مستقل و ضد امپریالیست مورد استفاده قرار گرفته و در خدمت افکار و اندیشه‌های دیکته شده نظام استعماری در زمینه‌های مختلف، خصوصاً درباره زن، حقوق بشر، دموکراسی و آزادی هستند.

البته این سازمان‌های غیردولتی را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته‌ای که به کارهای خیریه مشغول هستند؛ مانند: سازمان‌های کمک‌به‌خانواده‌های کم‌درآمد و یا گروه‌هایی که در زمینه‌های خاصی، هم‌چون: محیط زیست، ادبیات فرهنگ و هنر و... به فعالیت مشغولند؛ این دسته که معمولاً در بافت مذهبی و سنتی جامعه نیز ریشه دارند می‌توانند به ارتقای

سطح

فرهنگ عمومی مذهبی و ملی کمک شایانی کنند؛ اما متأسفانه گاه، ممکن است همین ها هم به لحاظ تأثیرپذیری از ارزش های فرهنگ مسلط جهانی در فعالیت های خود از شیوه هایی استفاده کنند که در نهایت، باعث ابتذال بخش هایی از مردم گردد.

اما دسته دوم که مستقیماً در مسیر خواست استعمار قرار دارند سازمان هایی هستند که به کارهای فرهنگی و اجتماعی اشتغال دارند و پیام آوران الحاد و بی دینی هستند.

البته این سازمان ها به ظاهر، کار سیاسی انجام نمی دهند و لذا به آنها حزب گفته نمی شود؛ ولی واقعیت این است که پشت پرده و در زیر نقاب سازمان غیر دولتی به فعالیت های سیاسی اشتغال دارند و به لحاظ ظرفیت های ویژه ای که از آن برخوردار هستند مورد توجه استعمارگران قرار می گیرند.

### **ظرفیت های ویژه سازمان های غیر دولتی :**

۱. چون به ظاهر فعالیت سیاسی ندارند، چندان حساسیت دولت ها را بر نمی انگیزند؛
۲. چون وابسته به دولت نیستند، تغییر و تحولات دولت ها در آنها تأثیری ندارد؛
۳. ملاحظات معمول در برابر دولت ها و نظام بین المللی را ندارند و لذا بهتر می توانند برنامه های خود را عملی کنند؛
۴. به علت کمبود امکانات، به لحاظ کمی مجموعه های گسترده و وسیعی نیستند و معمولاً سعی می کنند تا از نیروهای کیفی استفاده نمایند؛
۵. به علت محدود بودن مجموعه و عدم گستردگی تشکیلاتی، با پنج نفر نیرو نیز می توان یک سازمان تشکیل داد؛
۶. معمولاً از افراد هم فکر و هم سلیقه تشکیل می شوند که موجب انسجام تشکیلاتی می گردد؛
۷. با ایجاد هماهنگی بین سازمان های مختلف به یک شبکه قدرتمند تبدیل می شوند که کاملاً می توانند در سطح جامعه تأثیر گذار باشند.

در دهه های پایانی قرن بیستم میلادی، نظام سرمایه داری جهانی به علت طمعی که به این سازمان ها دارد، بر وجود آنها تأکید زیادی می کند تا جایی که سازمان ملل متحد نیز تحت همین فشارها در این مسیر قدم برداشت و قرن بیست و یکم را «قرن

سازمان های غیر دولتی» نامید و سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی ملل متحد یونسکو (۱) ارکان جامعه دموکراتیک را به شرح زیر اعلام نمود:

۱. برگزاری انتخابات آزاد و عاقلانه در تمامی سطوح قدرت؛

۲. وجود دولت شفاف و پاسخگو به گونه ای که هیچ نقطه ای در ساختار قدرت فارغ از پاسخگویی نباشد؛

۳. رعایت حقوق مدنی و سیاسی تمام شهروندان؛

۴. وجود جامعه مدنی که زیرساخت نظام سیاسی دموکراتیک محسوب می شود. (۲)

سازمان های غیر دولتی از ابزارهای جامعه مدنی به حساب می آیند و لذا بر وجود آنها تأکید می شود؛ به همین جهت در سال های اخیر این سازمان ها در سطح جهان گسترش یافته و تعداد آنها به سه میلیون رسیده است؛ یعنی: اگر جمعیت جهان را شش میلیارد نفر حساب کنیم، برای هر دو هزار نفر یک سازمان غیر دولتی وجود دارد.

### **اهداف نظام سرمایه داری از گسترش این سازمان ها:**

#### **اشاره**

سازمان های غیر دولتی به رغم منافع که می توانند در جهت امور عام المنفعه اجتماعی، فرهنگی و... برخوردار باشند، از سویی نیز ممکن است مورد سوءاستفاده قدرتهای استعماری قرار گیرند؛ از این رو نظام سرمایه داری جهانی، می کوشد تا با گسترش سازمان هایی که تأمین کننده منافع آن است اهداف مختلف خود را دنبال کند که در زیر به مهم ترین هدف های مزبور اشاره می شود:

#### **۱- تضعیف دولت ها**

اولین هدف نظام سرمایه داری جهانی، تضعیف دولت های مستقل است که در دو مرحله انجام می گیرد:

مرحله نخست: تعدیل دولت ها:

گرچه ممکن است استعمارگران در بخش هایی از دولت، عوامل متعددی را در اختیار داشته باشند، اما آنها گاهی به لحاظ ملاحظات سیاسی نمی توانند چنانکه باید،

۱- (۱) .U.N.E.S.C.O .

۲- (۲) . شاپور کریمی، ساختار شناخت تشکل های غیر دولتی در جهان، سایت نهادهای مدنی.



بی پرده، خواست های خویش را مطرح و بر آن پافشاری کنند<sup>۱</sup> ولی سازمان های غیر دولتی، از آن جا که ملاحظات مزبور را ندارند، بهترین وسیله برای این کار هستند. همان طور که در ایران در زمان مجلس ششم ملاحظه شد وقتی کنوانسیون رفع تبعیض از زنان مورد بحث واقع شد، سازمان های غیر دولتی فمینیستی در سطح بسیار وسیع به رایزنی و جلب موافقت نمایندگان مخالف، جهت رأی دادن به کنوانسیون مشغول بودند و در نهایت هم موفق شدند نظر نمایندگان مجلس را جلب کنند<sup>۲</sup> گرچه بعداً شورای نگهبان به دلیل مغایرت با شرع آن را مورد تأیید قرار نداد.

مرحله دوم: تضعیف و در نهایت براندازی دولت ها:

نظام سرمایه داری که دولت های مستقل، خصوصاً نظام های مبتنی بر ارزش های دینی را مزاحمی برای خود می بیند راه براندازی آنها را در گسترش و تقویت سازمانهای غیر دولتی مورد نظر خود می داند تا از طریق مقاومت مدنی و نه از طریق خشونت، به خواسته خویش برسد، و انگ براندازی نیز بر آن نخورد. این گونه سازمان های وابسته و عوامل پشت پرده آنها به جای این که مرجع ارزش ها و بایدها و نبایدها را دین بدانند، دنبال تبعیت از فرهنگ مسلط جهانی و فرهنگ کشورهای استعماری هستند<sup>۳</sup> به تعبیر برخی از عوامل نظام سرمایه داری که پشت صحنه سازمان های غیر دولتی در ایران هستند:

نظام بین المللی - به رهبری هر قدرتی که می خواهد باشد - هر چه را برای زندگی بهتر تعیین کرد و ما را به انجام آن موظف کرد، ما باید آن را انجام دهیم. (۱)

او راهکار تحقق این ایده را هم این گونه بیان می کند:

دائماً باید زیر سؤال ببریم، منظور زیر سؤال بردن هر چیزی است که لباس ملیت و مذهب و انقلاب دارد. (۲)

با توجه به آن چه گفته شد شبهه ای باقی نمی ماند که این سازمان هایی از این دست، ابزار استعمارند و به همین جهت است که حکومت های استعماری و نظام سرمایه داری جهانی، شناسایی و تقویت آنها را در رأس برنامه های خویش قرار داده اند.

ص: ۱۶۱

---

۱- (۱). در محفل سعادت آباد چه گذشت، روزنامه کیهان.

۲- (۲). همان.

## ۲- چک کردن صحت و سقم گزارش های دولتی از طریق این سازمان ها

دولت ها، معمولاً در هر سال، گزارشی از وضعیت حقوق بشر، حقوق زنان و... به مجامع بین المللی ارائه می کنند؛ یکی از راه های پی بردن به صحت و سقم این گزارش ها از دیدگاه سازمان های جهانی و حکومت های استعماری پشت پرده آنها، گرفتن گزارش از سازمان های غیر دولتی است که حکم جاسوسان آنها را در سطح کشور دارند و در نهایت نیز گزارش سازمان های غیر دولتی است که ملاک قضاوت قرار می گیرد گرچه مستند هم نباشند. برای نمونه محبوبه عباسقلی زاده زن فمینیست و سکولار ایرانی در همایش سازمان های غیر دولتی زنان آسیا (پاسیفیک) که در تاریخ دهم تا سیزدهم تیر ماه ۱۳۸۳ ه.ش. در بانکوک تایلند برگزار شد، ضمن یک سخنرانی چنین گفت :

وقتی به این جا می آمدم، زنان سکولار کشورم که خواستار جدایی دین از سیاست و حکومت هستند از من خواستند به گوش جهانیان برسانم که چگونه آنان شهروند درجه سه بوده و به حاشیه رانده شده اند...؛ وقتی به این جا می آمدم، دختران کشورم که سی و پنج درصد کشور را تشکیل می دهند، گفتند : ما نمی دانیم که تو کجا می روی، ولی اگر گوش شنوایی پیدا کردی بگو که قربانیان راستین بنیادگرایی چه از جنس اسلامی اش و چه از جنس آمریکایی اش ما بودیم...؛ بگو ما خواستار حق تصمیم گیری در مورد زندگی خصوصی و آینده، حقوق شهروندی مساوی با مردان، حق حضور برابر در فضای اجتماعی، حق انتخاب پوشش، حق عشق، حق لذت از زندگی و سایر حقوق انسانی هستیم...؛ سایه نظام پدرسالاری در زندگی خصوصی و عمومی، که توسط باورها و رفتارهای منتسب به دین و سنت پاسداری می شود، به شکل یک اراده فعال در همه زمینه ها حاکم است.... (۱)

## ۳- گسترش فرهنگ جهانی

از جمله اهداف نظام سرمایه داری در گسترش و تقویت سازمان های غیر دولتی مطلوب و مورد نظر خود، استفاده از آنها در جهت انتشار فرهنگ مسلط جهانی در راستای «جهانی شدن» است؛ چرا که سازمان های مورد نظر به لحاظ دلبستگی به

ص: ۱۶۲

---

۱- (۱). ر. ک : گزارش نمایندگان اعزامی شبکه ارتباطی مراکز غیر دولتی زنان جمهوری اسلامی ایران، از همایش سازمان های غیر دولتی زنان آسیا - پاسیفیک -، دبیرخانه شبکه ارتباطی مراکز غیر دولتی زنان، مرداد ۱۳۸۳.

فرهنگ جهان سرمایه داری، توان تضعیف و نابودی ارزش های مذهبی و ملی و جایگزین کردن فرهنگ مسلط جهانی را دارند.

در کشورهای اسلامی در سال های اخیر مشاهده می شود که هم و غم بسیاری از این سازمان ها، انتشار ارزش های غربی در مورد زن و تاکید بر حقوق بشر و امثال آن است. با این که در همه کشورها چه مسلمان و چه غیر مسلمان و حتی در همان کشورهای پیشرفته مشکلات زیادی وجود دارد که همه انسان ها به خصوص زنان و جوانان از آنها رنج می برند، هم چون بالا رفتن سن ازدواج در بین پسران و دختران، شیوع فرهنگ عزوبت و خانواده گریزی، شیوع روابط نامشروع، تمایل به هسته ای شدن خانواده و فروپاشی نظام خانوادگی، گسترش پوچ گرایی و بی معنایی و ده ها عنوان دیگر که هر یک حیات بشریت را تهدید می کند، ولی چون فرهنگ سازان جهانی در این مورد سکوت کرده اند، سازمان های غیردولتی نیز در این موارد، سختی بر زبان نمی آورند؛ اما در مواردی مانند اختلاف در ارث زن و مرد، دیه زن و مرد، اختیار مرد نسبت به طلاق، عده نگه داشتن زن و... سر و صدای آنان گوش جهانیان را پر می کند؛ به همین جهت این سازمان ها از عوامل مؤثر گسترش استعمار فرهنگی و محملی برای آن هستند.

پروین پایدار، مسئول سازمان یونی ترم (1) (Uniterm) می گوید :

زنان به نام شرکت در کلاس های خیاطی و کارهای هنری جذب می شوند و در ضمن آن مباحث جنسیتی به آنان آموزش داده می شود. (2)

آن چه بیان گردید، شمه ای از فعالیت های «سازمان های غیر دولتی» در راستای تحقق فرهنگ غربی است؛ شاید به همین جهت است که سازمان ملل متحد نیز تنها بر این نوع سازمان ها نام NGO را اطلاق می کند ولی سازمان ها و تشکیلات غیر دولتی که در مسیر اهداف سازمان ملل و حکومت های استعماری قدم بردارند از دیدگاه آنان شایسته دریافت این نام نیستند.

ص: ۱۶۳

۱- (۱). سازمانی زیر نظر سازمان ملل متحد برای ساماندهی ان. جی. او. های کشورهای پاکستان، ازبکستان، آسیای مرکزی، تاجیکستان و اخیراً افغانستان است.

۲- (۲). زنان و سازمان های غیر دولتی تجربه ان. جی. او. های زنان و گفت و گو با دکتر پروین پایدار، ضمیمه روزنامه یاس نو. ۱۳۸۲/۱۱/۱۲.

«ترور» اساساً پدیده ای نامطلوب و زشت است زیرا موجب ایجاد وحشت و ناامنی و در نهایت از هم پاشیدن نظام اجتماعی می گردد. به همین جهت عقل و شرع هر دو آن را امری نامطلوب می دانند. برای مثال روایتی از امام صادق علیه السلام ذکر می شود:

عن ابی الصباح الكنانی قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: انّ لنا جاراً من همدان یقال له الجعد بن عبدالله و هو یجلس الینا فنذکر علیاً امیر المؤمنین علیه السلام و فضلہ، فیقع فیہ، افتأذن لی فیہ؟ فقال: یا ابا الصباح! او کنت فاعلاً؟ فقلت: ای والله، لئن اذنت لی فیہ لارصدنہ، فاذا صار فیہا، اقتحمت علیہ بسیفی، فخبطته حتی اقتله! قال: فقال: یا ابا الصباح هذا الفتک و قد نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عن الفتک! یا ابا الصباح! ان الاسلام قید الفتک... (۱)

ابو الصباح کنانی گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ما همسایه ای داریم که اهل قبیله همدان است و به او جعد بن عبدالله گفته می شود او با ما می نشیند و ما صحبت از امیر مؤمنین امام علی علیه السلام و فضیلت او می کنیم و او امام را ناسزا می گوید، آیا اجازه می فرمایید او را بکشیم؟ امام علیه السلام فرمودند: ابو الصباح! او را می کشی؟ گفتم: آری به خدا، اگر شما اجازه فرمایید برای او کمینی می گذارم، وقتی به کمین گاه آمد، به او حمله کرده، با شمشیر ضربه ای شدید به او می زنم تا او را بکشیم! ابو الصباح گفت: امام علیه السلام فرمودند: ابو الصباح! این قتل ناگهانی و (ترور) است و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از قتل ناگهانی و بی خبر، نهی فرموده اند! ابو الصباح! دین اسلام کشتن ناگهانی و بی خبر را به بند کشیده (و ممنوع کرده است)....

اما در عین حال که این پدیده عقلاً و شرعاً زشت و ممنوع است، گاهی برخی از افراد یا گروه ها به این کار مبادرت می کنند.

ترور و یا پیدایش گروه های تروریستی، بعضی وقت ها به عنوان عکس العملی در مقابل استعمار یا استبداد صورت می گیرد! یعنی: گاهی در درون یک کشور یا نظام بین المللی، وضعیت به جایی می رسد که برخی افراد یا گروه ها، تمام راه های مسالمت آمیز و قانونی را برای مطالبه حق خویش بسته می بینند و تنها راه دسترسی به حقوق از دست رفته خود را در توسل به زور و ایجاد وحشت از

ص: ۱۶۴

طریق ترور در جبهه مخالف می یابند؛ مانند آن چه که سازمان های آزادی بخش در مبارزه با استعمار یا استبداد انجام می دهند.

اما استعمارگران بدون داشتن چنین محذوراتی همواره ترور را وسیله دستیابی به اغراض شوم خویش قرار می دهند؛ آنان گاه از این شیوه برای از میان برداشتن مخالفان بهره می برند و گاه نیز از آن در جهت لکه دار کردن یک اندیشه و فرهنگ استفاده می کنند؛ استفاده از هر دو شیوه برای استعمارگران امری معمول و پیش پا افتاده است؛ آنان برای رسیدن به اهداف خویش، گاه از گروه های موجود که با آنان هم سویی دارند بهره می برند؛ مانند استفاده ای که آمریکا از گروه هایی چون سازمان منافقین (گروهی از عناصر ایرانی ضد انقلاب و هم پیمان با صدام) و دیگر گروه های تروریستی بر ضد مردم ایران و عراق می برد و گاه نیز، دست به تشکیل گروه های جدید می زند و در سازماندهی چنین گروه هایی افرادی را به کار می گیرند که به زودی نتوان آنان را به همکاری با استعمارگران متهم نمود.

از نمونه های بارز این گروه ها در زمان حاضر، می توان القاعده و طالبان را نام برد؛ دو گروهی که علی رغم تلقی برخی، مبنی بر این که آنان با آمریکا مبارزه می کنند، خود عوامل دست آموز آمریکا هستند.

آگاهان سیاسی واقفند که اسامه بن لادن سرمایه دار یمنی الاصل عربستان، شریک تجاری خانواده بوش است و با هماهنگی آنان اقدام به تشکیل چنین گروهی نمود؛ در تأیید مسئله نیز همین بس که پس از چند سال جنگ علیه القاعده، هنوز اسامه و برخی دیگر از سران اصلی این گروه زنده اند، آیا واقعاً آمریکا نمی تواند آنان را دستگیر کند یا نمی خواهد؟

هم چنین کیست که نداند گروه طالبان با پشتوانه کشورهای آمریکا، عربستان و پاکستان و محمود مستری نماینده سازمان ملل در افغانستان تشکیل گردید تا در موقع مناسب به کار آید.

آمریکاییان پس از فروپاشی اتحاد شوروی و رشد یافتن جنبش های اسلامی به مثابه نیروی جدیدی در مقابل قدرت انحصاری آمریکا در جهان، به دنبال این بودند

که از اسلام چهره ای خشن و خون ریز معرفی کنند که صلح و امنیت بین المللی را به خطر می اندازد و این را بهانه حملات ناجوانمردانه خویش به اسلام قرار دهند؛ بدین ترتیب گروه القاعده و طالبان در این راستا بیشترین خدمت را به آمریکا نمودند؛ معرفی چهره خشن و عقب افتاده از دین مقدس اسلام، توسط طالبان در افغانستان، هیچ گاه از اذهان پاک نمی شود.

پس از این که آمریکاییان به هدف شوم خویش نائل شدند، با هماهنگی صهیونیست ها دست به انفجار برج های دوقلو زدند و گناهِش را به گردن القاعده انداختند و بدین بهانه، اول افغانستان و بعد عراق را مورد یورش و اشغال خود قرار دادند.

البته بعد از اشغال عراق نیز آمریکا دست به ترورهای زد و با انتساب آنها به القاعده بر ضد اسلام و مسلمانان جوسازی می کند؛ برخی از تصاویر صحنه های تکان دهنده و چندان آور این کشتارها که در رسانه های مانند اینترنت منتشر شد، روشن نمود که قتل های مزبور در داخل زندان ابوغریب اتفاق افتاده که به دست آمریکا اداره می شود، چون منظره محل وقوع قتل درست مربوط به همان محلی بود که زندانیان عراقی گرفتار در بند آمریکا در آن جا شکنجه می شدند.

یکی از نمونه های بارز این پدیده، تروریسم رژیم اشغالگر دولتی قدس است که جوخه های ترور مخالفین خود را در سراسر جهان سازماندهی و آموزش می دهد و تاکنون ده ها تن از چهره های شاخص انقلابی را هدف قرار داده اند.

## ۵- گروه های مافیا

گروه «مافیا»، زمانی تشکیل شد که فرانسوی ها بر جزیره سیسیل (یکی از جزایر ایتالیا) در سال ۱۷۵۹ میلادی مسلط شدند و دودمان سیسیلی «بُربون» به وسیله فردیناند یکم روی کار آمد و با کمک ثروتمندان جزیره به سودجویی از مردم و استثمار آنها پرداخت.

ستمديدگان برای مقابله با استثمارگران، گروهی را تشکیل دادند و آن را رستاخیز کشاورزان پیکارگر نامیدند و مافیا (۱) نیز از همین نهضت نام گرفت و سرانجام در سال

ص: ۱۶۶

---

۱- (۱). مافیا (Mafia) در لهجه محلی سیسیلی به معنای پناهگاه است.

۱۸۶۰ میلادی، موفق به پایان دادن سلطه صدساله فرانسویان بر سیسیل شد. تا این مرحله مافیا سازمانی آزادی بخش و نهضتی مردمی جلوه گر شد.

همین که فرانسوی ها از جزیره سیسیل بیرون رانده شدند و مالکان بزرگ جزیره، خود را بی پناه دیدند با سران مافیا از در دوستی درآمده و آنان را جیره خوار خود کردند، از این به بعد، مافیا مسیری عکس مسیر سابق خویش را پیمود و پاسدار املاک ثروتمندان و حربه ای در دست آنان گردید. این گروه سپس رفته رفته صاحبان اصلی املاک را از بین برده و دارایی آنان را به چنگ آورد و برای افزایش ثروت خویش در همه ایتالیا، دست به جنایت زد و در هر جا برای خویش یارانی ماجراجو به دست آورد. دولت ایتالیا، دست به سرکوب آنان زد، ولی در این کار، توفیق چندانی نیافت. زیرا مافیا برخی از سازمان های ویژه پلیس را نیز خریده بود.

در زمان حکومت «فاشیست ها» در ایتالیا به رهبری بنیتو موسولینی (۱) مبارزه ای بی امان با مافیا شروع شد و آنان که وضعیت را نامساعد یافتند به آمریکا گریختند و در آن جا به رهبری یک مهاجر ایتالیایی به نام آل کاپون (۲) خود را مجدداً سازماندهی کرده و از آن جا که تجارت مشروبات الکلی و مواد مخدر که قانوناً ممنوع، اما بسیار پر درآمد بود، به این تجارت رو آوردند. آنان سپس همه فسادگران، اعم از قمارخانه داران، اداره کنندگان فاحشه خانه ها، کازینوها، جیب بُران، دزدان حرفه ای و آدم گُشان حرفه ای را جذب تشکیلات خود نمودند و بدین ترتیب یک باند مخوف و اهریمنی را تشکیل دادند که برای تأمین امنیت خویش دست به کار خرید مدیران تشکیلات دولتی و سران پلیس گردید.

## تشکیلات مافیا

### اشاره

مافیا در درون خود، دارا سازمانی بسیار منظم و با انضباط است. اطاعت، فرمان برداری، سلسله مراتب و وحدت فرماندهی کاملاً بر آن حکم فرماست.

این تشکیلات در درون به گروه های ده نفری تقسیم می شود و جز در رده خیلی بالا، سایر اعضای مافیا، تنها آگاهی محدودی نسبت به حوزه خود دارند و از دیگر

ص: ۱۶۷

---

۱- (۱) . Benito Mussolini

۲- (۲) . Al Copone

ارکان تشکیلات به کلی بی اطلاعند. بدین جهت که اگر عضوی از سازمان گرفتار شد، همه اسرار سازمان در معرض خطر قرار نگیرد.

هر گروه ده نفری، رهبری به نام کاپو دارد و کاپوها نیز به نوبت رئیس خانواده بخش مربوط به خود را که کاپو فامیل نامیده می شود، انتخاب می کنند و سپس سران فامیل ها با مشاورت معاونان و هیأت سیاسی مافیا، رئیس کل سازمان مزبور را برمی گزینند. (۱)

مافیا به اخلاق، انسانیت و هرچه صفات پسندیده است با تمسخر می نگرد و تنها هدفش گردآوری ثروت و ایجاد قدرت از هر راه ممکن است.

امروزه باندهای مافیایی که خود از افراد پشت پرده استعمارگران هستند در زمینه های مواد مخدر، مشروبات الکلی، اسلحه، فروش انسان و اعضای آن، تجارت سکس و هر نوع کار درآمدزای دیگری فعال هستند؛ اینان آنقدر هم قدرتمند هستند که هیچ کس را توان مقابله با آنان نیست و برای رونق بخشیدن به بازار خویش، به صورتی دائمی به اشاعه فساد و فحشا مشغول می باشند.

## ۶- سازمان های جاسوسی

### اشاره

یکی از کارآمدترین ابزار استعمار، سازمان های جاسوسی هستند؛ این سازمان ها هم حفظ امنیت داخلی این کشورها را بر عهده دارند و هم عملیات جاسوسی در خارج از کشور و مبارزه با مخالفان کشورهای استعمارگر را انجام می دهند.

کشورهای استعمارگر، بدون استثنا از چنین سازمان هایی برخوردار بوده و هستند؛ ولی در بین سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی، موفق ترین آنها عبارتند از:

### ۶-۱. سازمان سیا

#### (۲)

این سازمان در زمان ترومن بنیاد نهاده شد و همواره به عنوان یکی از اصلی ترین پایه های قدرت آمریکا در سطح جهان فعال است و هیچ حادثه خراب کارانه ای در دنیا بر

ص: ۱۶۸

۱- (۱). مطالب مربوط به تاریخچه مافیا بر گرفته شده از: بد آموزی های استعمار، نوشته احمد مدنی، ص ۱۳۱ به بعد.

۲- (۲). CIA.



ضد آزادیخواهان انجام نمی گیرد، مگر این که این سازمان به طور مستقیم یا غیر مستقیم در آن نقش دارد؛ موارد زیر نمونه های کوچکی از فعالیت های سیا در جهان است :

۱. انفجار بمب بر سر راه چوئن لای رهبر «چین»؛

۲. تصمیم به مسموم کردن پاتریس لومومبا رهبر استقلال طلب «کنگو» در ۱۹۶۰م. به وسیله مسواک و بعد کشتن وی در زندان در سال ۱۹۶۱ میلادی؛

۳. سوءقصد به جان رهبر ساندینیست نیکاراگوئه؛

۴. توطئه مسمومیت فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، با سیگار برگ زهرآلود و ریختن سم در نوشابه وی؛

۵. به راه اندازی شورش و جنگ بر ضد کشور «کوبا» در خلیج کوبا در سال ۱۹۶۲م؛

۶. سرنگونی سالوادور آلنده رهبر «شیلی» در ۱۹۷۳م. و صرف هزینه هشت میلیارد دلار برای بی ثبات کردن اقتصاد شیلی از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ میلادی؛

۷. سرنگونی دولت دکتر محمد مصدق در «ایران» با کودتای ننگین ۲۸ مرداد در سال ۱۹۵۳ میلادی، در پی ملی شدن صنعت نفت؛

۸. سرنگونی دولت سوکارنو در «اندونزی» و روی کار آمدن ژنرال سوهارتو؛

۹. کودتای عراق در سال ۱۹۶۲ میلادی؛

۱۰. اقدام به انجام کودتاها و اقدامات متعدد نظامی و... بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، از جمله کودتای «نوزه»؛

۱۱. ربودن آزادی خواهان جهان به بهانه مبارزه با تروریسم و شکنجه کردن آنان در زندان های مخفی و غیر مخفی مانند «گوانتانامو» (۱) در خلیج گوانتانامو و زندان «ابو غریب» در عراق؛

۱۲. سرنگونی نظام های مخالف آمریکا در آرژانتین، اوکراین، قرقیزستان، گرجستان و دیگر کشورهای آسیای میانه که امروزه تحت عنوان انقلاب های مخملی صورت می گیرد؛

۱۳. تشکیل زندان های مخفی متعدد در سراسر جهان از جمله در اروپا، طی سال های اخیر.

ص: ۱۶۹

تاریخ سازمان سیا سراسر جنایت است؛ طبق اظهار بعضی از مقامات این سازمان، بیش از یک میلیون نفر در عملیات پنهانی این سازمان به قتل رسیده اند.

سازمان سیا از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۶م. حدود نهمصد فقره عملیات خراب کارانه گسترده و محرمانه برضد حکومت های مستقل و سیاستمداران مخالف آمریکا در سراسر جهان انجام داد.

### ۶-۲. سازمان موساد

«موساد» سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (اسرائیل) است که علی رغم عمر کوتاهش نسبت به دیگر سازمان های جاسوسی، بسیار فعال و در امر جاسوسی خبره بوده و ده ها عملیات تروریستی و خرابکارانه بر ضد مبارزان عرب و کشورهای عربی انجام داده است؛ موارد زیر نمونه های ناچیزی از خرابکاری های موساد هستند:

۱. ترور رهبران مبارز فلسطینی، اعم از سازمان آزادی بخش فلسطین، سازمان حماس و جهاد اسلامی؛

۲. ترور رهبران مبارز لبنانی؛

۳. ترور دوازده فلسطینی به عنوان قاتلان ورزشکاران صهیونیست در مونیخ؛

۴. ترور ابو حسن سالمیه، چریک مشهور فلسطین؛

۵. ربودن آدولف آیشمن از «آرژانتین» در سال ۱۹۶۰م. و اعدام او در فلسطین اشغالی؛

۶. ترور فلسطینی ها در فرودگاه «انتبه» اوگاندا در ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی؛

۷. ربودن هواپیمای میگ ۲۱ عراقی توسط خلبان منیر رؤفه؛

### ۶-۳. سازمان کا. گ. ب.

این سازمان، متعلق به رژیم کمونیست «شوروی» سابق بود و علاوه بر کشتن مخالفان داخلی رژیم، انجام تمام عملیات های خرابکارانه مورد نظر رهبران کرمین را در سراسر جهان، بر عهده داشت؛ علاوه بر این، برنامه ریزی و رهبری کودتاهای متعدد در اروپای شرقی، افغانستان، جنوب شرقی آسیا، ایران و... همه در کارنامه این سازمان ثبت است.

از جمله کارهای کا. گ. ب. سرقت گنج ها و طلاهای اسپانیا بود که حدود ۷۲۵ تن برآورد شده و به دستور شخص استالین، توسط ژنرال الکساندر اورلوف ربوده شد و پس از فرار وی به آمریکا فاش گردید. (۱)

#### ۶-۴. سازمان انتلیجنت سرویس

این سازمان متعلق به رژیم مکار و استعمارگر انگلیس است که طی صدها سال بر ضد آزادی خواهان جهان فعالیت کرده و سرنگونی بسیاری از حکومت ها و شخصیت های استقلال طلب جهان در پرونده این سازمان ثبت است.

این سازمان حتی با سرقت «قرارداد آلمان و مکزیک» علیه ایالات متحده و تحویل آن به آمریکا موفق شد پای آمریکا را به جنگ جهانی اول باز کند.

این سازمان در راستای اهداف خویش از اجساد مردگان نیز استفاده می کند.

دیگر کشورهای استعمارگر نیز هر یک برای خویش سازمان جاسوسی داشته و دارند؛ این سازمان ها معتقدند که هدف، وسیله را توجیه می کند و برای رسیدن به هدف، استفاده از هر وسیله ای را مجاز می دانند؛ آنان برای فریفتن دیگران و رسیدن به اهداف خود، از زنان بهره می برند؛ از مواد مخدر، جهت اعتیاد و نابودی دیگران بهره برده و افراد ضعیف النفس کشورها را به دام انداخته و از آنان جاسوسی و کسب اطلاعات می کنند.

امروزه سازمان های جاسوسی و سفارت خانه های این کشورها در بیرون مرزها به عنوان دو عامل مکمل یک دیگر عمل می نمایند.

#### ۷- مؤسسات خدماتی

یکی دیگر از ابزارهای استعمار، مؤسسات خدماتی هستند؛ این مؤسسات، ظاهری غیر استعماری دارند؛ ولی در حقیقت، وسیله ای جهت گسترش فرهنگ غربی در برخی زمینه ها و به دنبال آن، ایجاد بازار، جهت محصولات و فرآورده های خویش هستند.

از نمونه های این نوع مؤسسات می توان به رستوران آمریکایی مک دونالد اشاره

کرد که برخی تاسیس شعبه ای از آن را در یک کشور، موجب ورود سرمایه خارجی به

ص: ۱۷۱

آن کشور می‌پندارند که تصویری نادرست است؛ چنان که هلموت کهل صدر اعظم سابق آلمان در اظهار نظری این رستوران را نه تنها یک رستوران زنجیره‌ای بلکه یک دستگاه فرهنگ سازی تمام عیار دانسته است. (۱)

واقعیت این است که امثال این مؤسسات در پوشش فعالیت‌های تجاری به دنبال اشاعه سبک زندگی آمریکایی در دیگر کشورها هستند؛ البته از طریق پخت غذاهای آمریکایی برای مردم دیگر کشورها به تغییر ذائقه آنان نیز می‌پردازند به نحوی که غذاهای ملی، دیگر مشتری نداشته و مردم دنبال غذاهای آمریکایی هستند و از این طریق جیب صاحبان این مؤسسات را پر می‌کنند. تبلیغات اینترنتی نیز مردم را به مصرف این غذاها تشویق می‌کنند. در یکی از پایگاه‌های اینترنتی چنین آمده است:

با الهام از برنامه مستند Super Sizemen، مراب مورگان (۲) تصمیم گرفت، رژیم را که در طی آن تنها مجاز به خوردن غذای آماده باشد امتحان کند، او که یک کارگر ساختمانی و مادر دو فرزند است نهصد روز، فقط در رستوران «مک دونالد» غذا خورده و با این کار بیست و هفت پوند (۱۶ کیلو گرم) از وزنش کاسته شده است. (۳)

## ۸- شرکت‌های چند ملیتی

بسیاری از افراد، شرکت‌های چند ملیتی را وسیله‌ای جهت انتقال سرمایه و تکنولوژی به کشورهای جهان سوم و توسعه اقتصادی این کشورها می‌دانند؛ ولی واقعیت امر غیر از این است چرا که این شرکت‌ها، همان‌گونه که شهید آوینی عنوان نمود: «امپراتوران امروز جهان» هستند.

این شرکت‌ها به صورت کنسرسیوم یا مجتمع به هم پیوسته‌ای بر جهان استیلا یافته‌اند؛ هفت شرکت غول‌آسای نفتی، تمامی صنایع نفتی را زیر نگین دارند؛ هم چنین پانزده غول دیگر، «پتروشیمی» را در چنگ خود گرفته‌اند؛ صنایع «الکترونیک حرفه‌ای»

در اختیار ده شرکت است؛ صنایع «لاستیک سازی» در دست هشت شرکت اداره

ص: ۱۷۲

۱- (۱). ضمیمه روزنامه جام جم، خرداد ماه ۱۳۸۴، ص ۱۳

۲- (۲). Merab Morgan.

۳- (۳). www.Senmery.com

می شود؛ ساخت «شیشه مسطح» در اختیار پنج شرکت و «تولید کاغذ» به دست نه شرکت صورت می گیرد. (۱)

به نظر می آید که این شرکت ها با هم در حال جنگ هستند و به رقابت با یک دیگر می پردازند؛ ولی عمدتاً، شرکت های مزبور، به جای رقابت، به سوی توافق یا تشکیل کارتل قدم برمی دارند؛ برای نمونه : غول های ساخت لاستیک در جهان عبارتند از : میشلین، دانلیپ - پی لی، گودریچ، فایرستون و گودیر؛ ولی در بسیاری از کشورها، شرکت دانلیپ به حساب گودیر لاستیک تولید می کند. همین طور شرکت نفتی شل در بیست و پنج و استاندارد اوایل آو نیو جرسی در سی و پنج مجتمع معاملاتی با دیگر شرکت های نفتی شریکند.

این شرکت ها با توافق هایی که با هم دارند و نیز ارائه تولیدات مشترک، هم زمینه انتخاب را از خریداران می گیرند و هم رقابتی را که سابقاً بین خودشان وجود داشت از بین می برند و در نتیجه، مشتری با یک نوع کالا و نیز قیمتی معین روبرو است و به آن نوع کالا با قیمت ارزانتر دسترسی ندارد.

شرکت های چند ملیتی از چنان قدرتی برخوردارند که اگر دولت ها با آنان هم جهت باشند، در قدرت باقی می مانند و گرنه نابود می شوند.

## (و) مواد مخدر و روان گردان

### اشاره

از ابزار مهمی که استعمار برای سلطه خویش از آن بهره می برد، اشاعه استفاده از مواد مخدر و روان گردان است؛ چرا که این مواد تأثیر عظیمی بر خواب کردن و رام کردن مردم کشورهای تحت استعمار دارد.

البته مواد مخدر، از قرن ها قبل وجود داشته و در موارد پزشکی مورد استفاده قرار می گرفته است و حتی افرادی نیز از مواد مخدر به صورت طبیعی برای دارو جهت تسکین برخی دردها استفاده می کردند؛ ولی تاریخ آغاز توسعه مصرف مواد مخدر به نحوی که بسیاری از مردم بدان وابسته و معتاد شوند همزمان با گسترش استعمار اروپایی است.

ص: ۱۷۳

۱. طرح کردن مطالبی درباره خاصیت مواد مخدر و هم زمان با آن ایجاد تشکیلات فروش و مصرف؛ استعمارگران ابتدا با داستان پردازی، سرودن شعر در وصف مواد مخدر و مبالغه در خاصیت آن، مردم را بدان علاقمند نمودند؛ مثلاً: جان مور ژنرال انگلیسی (۱۷۶۱-۱۸۰۶ میلادی، برابر با ۱۱۴۰-۱۱۸۵ شمسی) تریاک را برای مردم قحطی زده هند مفید دانست و گفت با مختصری تریاک می توان بر گرسنگی چیره شد توماس کونین سی (۱) نویسنده انگلیسی قرن نوزدهم نیز، تریاک را ستوده و آن را مانده آسمانی خواند؛ در فرانسه قرن نوزدهم، روفه (۲) نویسنده ای که سال ها در خاورمیانه، هند و چین می زیست، استعمال تریاک را به مقدار متعادل سودمند شمرد. (۳)

۲. گسترش کشت تریاک در شرق با هدف ازدیاد تولید؛ استعمارگران انگلیسی، مردم را به کاشتن تریاک تشویق می کردند، مردم نیز چون با کاشتن تریاک به ظاهر پولی کسب می کردند، به کشت آن می پرداختند؛ بدون آن که به عوارض این ماده توجه نمایند.

۳. معتاد کردن مردم جهت فروش مواد مخدر؛ انگلیسی ها برای معتاد کردن مردم در مناطقی مانند «ایران» از این شیوه استفاده کردند: ابتدا تریاک را مجانی به مردم می دادند و سوخته اش را می خریدند؛ بدین ترتیب مردم برای تولید سوخته و کسب پول، به کشیدن تریاک تشویق شدند؛ در مرحله بعد، آنان تریاک را می فروختند و از آنان سوخته را دو برابر قیمت تریاک می خریدند، این بود که باز هم مردم تشویق به کشیدن تریاک بیشتر جهت تولید سوخته بیشتر می شدند تا از این طریق درآمدی کسب کنند؛ از این طریق بود که مردم رفته رفته به مواد مخدر؛ بیشتر وابسته شدند.

در «چین» ابتدا تریاک توسط اسپانیایی ها وارد شد، سپس هلندی ها بدان دامن زدند و بعد انگلیسی ها به توسعه آن همت گماردند و اعتیاد، گریبان گیر مردم چین گردید؛

دولت چین در مقابل این جریان، اقداماتی انجام داد که نتیجه اش، برانگیخته شدن آتش خشم استعمارگران و تحمیل جنگی دو ساله بر مردم چین بود که سرانجام شکست این

ص: ۱۷۴

۱- (۱). Tomas Quincy.

۲- (۲). Ruffe.

۳- (۳). احمد مدنی، بدآموزی های استعمار، ص ۵۴.

کشور را به دنبال داشت و چین، با قبول عهدنامه نانکینگ که در ۲۹ اوت ۱۸۴۲م. منعقد شد، ملزم به پرداخت غرامت جنگ و خسارت تریاک های از بین رفته گردید و چند بندر خود را نیز بر روی انگلیسی ها گشود. از آن پس، انگلیس و فرانسه به صدور مواد مخدر به چین، توسعه بیشتری بخشیدند.

دولت چین برخی از فروشندگان چینی تریاک را که وابسته به انگلیس بودند دستگیر کرد که همین منجر به اعتراض انگلیس و سپس اعزام مجدد نیرو به چین شد و فرانسه نیز به جنگ پیوست و «جنگ دوم تریاک» در سال ۱۸۵۸م. به چین تحمیل شد. در این پیکار نیز چین مجدداً شکست خورده و ناچار به امضای عهدنامه تین تسین (۱) شد که بر اساس آن، نه بندر دیگر چین به روی تجارت خارجی باز شد و چین بیش از پیش، زیر نفوذ استعمار قرار گرفت. (۲)

در مرحله بعدی، استعمارگران به شیوه جدیدی برای گسترش اعتیاد دست زدند و آن، عرضه مواد مخدر در انواع متعدد به صورت طبیعی و مصنوعی است که هنوز هم ادامه داشته و هر روز انواع جدیدی از آن به بازار عرضه می شود.

یکی دیگر از موادی که رواج آن در کنار مواد مخدر به شدت از سوی استعمارگران دنبال می شود «مواد روانگردان» است. در حال حاضر، «مواد روانگردان» به چهار دسته تقسیم و هر دسته انواع مختلفی را شامل می شوند:

۱. محرک ها (۳) که در کوتاه مدت موجب افزایش انرژی، افزایش هوشیاری ذهنی و فعالیت جسمانی، کاهش خستگی، سرکوب گرسنگی، و افزایش ضربان قلب و فشار خون می شوند. همانند «کوکائین» و «کافئین».

۲. سرکوبگرها (۴) که موجب کاهش انرژی، کاهش هوشیاری ذهنی و ضربان قلب، کاهش فعالیت جسمانی، افزایش سرعت تنفس و کاهش سرعت عکس العمل می شوند.

این مواد هم چنین خواب آور بوده و حالت رویا را به فرد القا می کنند. هم چون: «الکل»، «مرفین» و «هروئین».

ص: ۱۷۵

۱- (۱) . Tien Tsian

۲- (۲) . احمد مدنی، بدآموزی های استعمار، ص ۵۹.

۳- (۳) . Stimulant

۴- (۴) . Depressan

۳. توهم زها (۱) که موجب تغییر و اختلال در خلق و خو، ادراک، حواس بینایی و شنوایی و احساسات شده و حالتی رویایی را به ذهن القا می کنند؛ مانند «ماری جوانا» و «ال. اس. دی»؛

۴. مخدرها (۲) که القای بی حسی، گرفتگی، رخوت و خواب شدید را به دنبال دارند؛

کلیه موارد یاد شده یا به صورت طبیعی عرضه می شوند؛ مانند «تریاک»، «کوکا» و «شاهدانه» و یا از این مواد دیگر استخراج می شوند؛ هم چون: «هروئین»، «مرفین» و «کدئین» که از تریاک گرفته می شوند و یا به صورت مصنوعی و از ترکیب چند ماده شیمیایی ساخته می شوند و در اختیار افراد قرار می گیرند که یکی از انواع شایع آن در زمان حاضر، قرص هایی هستند که با نام قرص اکس (X) یا اکستازی و قرص شادی به بازار عرضه می شود.

### انگیزه استعمارگران از رواج مواد مخدر

مواد مخدر از دو جهت مورد نظر استعمارگران است :

نخست : این که بدین وسیله می توان، نیروی توانمند جامعه را که نسل جوان است از آنان گرفت و با اشاعه اعتیاد، آنان را به مردگان زنده ای تبدیل نمود که گرچه به ظاهر تحرکی دارند، ولی نه قدرت عکس العمل در مقابل سلطه ای را دارند و نه غیرت دست برداشتن از وابستگی خود به مواد مخدر را؛ کسانی که به این حد از رخوت و خودباختگی برسند، بی گمان به افراد رامی در مقابل استعمار تبدیل خواهند شد.

دوم : این که از طریق فروش مواد مخدر، سالانه مبالغ هنگفتی به جیب باندهای مافیایی سرازیر می شود که استعمارگران در صدر آنها قرار دارند.

بر اساس آمار موجود، درآمد حاصله از کشت «ذرت» که بالاترین میزان فروش محصولات قانونی کشاورزی را داراست، تنها حدود نوزده میلیارد دلار آمریکا است؛ در حالی

که ارزش بازار «ماری جوانا» حدود بیست و پنج میلیارد دلار تخمین زده می شود. (۳)

ص: ۱۷۶

۱- (۱) . Hallucino Gens

۲- (۲) . Norcotics

۳- (۳) . مواد مخدر و فیلم های سکسی، مایه خوشحالی سرمایه داران آمریکایی، ترجمه و نگارش حمید همایونی،

www.Iranian.org.au



بر اساس گزارشی که «برنامه کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد» در سال ۱۹۹۷م. ارائه نمود: تجارت جهانی مواد مخدر، بیش از پانصد میلیارد دلار بوده است؛ این در حالی است که ده سال پیش از آن، تجارت مواد مخدر، حدود هشتاد و پنج میلیارد دلار بوده است. انتظار می رود تا سال ۲۰۱۴ میلادی، این رقم مساوی با کل تولید ناخالص ملی آمریکا یعنی هفت تریلیون دلار باشد.

در سال های اخیر، چندین کارشناس اقتصادی پیشنهاد کرده اند که بانک های مهم غربی، اقدامات پشت پرده ای، برای قانونی کردن استفاده از درآمد ناشی از مواد مخدر انجام دهند؛ برای مثال: از دولت های غربی خواسته شود، پول های مزبور را به گردش در آورند تا از طریق مالیات بالای آن، فواید فراوانی به دست آورید.

بر اساس گزارش های متعددی که در رسانه های عمومی منتشر می شود، پس از تسلط آمریکایی ها بر کشور «افغانستان»، سطح زیر کشت تریاک چند برابر زمان طالبان شده است.

موارد یاد شده و مشابه آن، نشان از این دارد که استعمارگران به درستی فهمیده اند که یکی از مؤثرترین ابزارهای بی چاره کردن ملت ها و هم چنین کسب درآمد، استفاده از مواد مخدر است.

## ز) الگوها

### اشاره

استعمارگران از نیاز مردم به «الگو» استفاده کرده و همواره به دنبال این بوده اند که با معرفی الگوهایی به مردم، آنان را در مسیری که خود می خواهند، هدایت کنند؛ متأسفانه بسیاری از انسان ها نیز در گزینش الگو به خطا می روند؛ چنان که حضرت آیه الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز، در فرازی از سخنان خود، پیرامون اهمیت نقش

الگوها در زندگی، به این موضوع اشاره نموده اند:

هر کس الگویی می خواهد، به دنبال نمونه و اسوه ای می گردد؛ اما همه در جستن الگو، راه صواب نمی روند؛ بعضی افراد در عالم هستند که اگر از آنها بپرسید: کدام چهره ذهن شما را به خود متوجه می کند؟ می بینید که سراع

انسان های حقیر و کوچک و پستی می روند که عمرشان به عبودیت هوای نفس گذشته است؛ تنها هنرشان چیزی است که جز غافلان را خوش نمی آید، تنها سرگرم کردن چند لحظه ای انسان های کوچک و غافل...؛ اینها برای عده ای از انسان های معمولی عالم الگو می شوند. (۱)

استعمارگران، همواره از راه های مختلف به دنبال معرفی چنین الگوهایی بوده و هستند و این الگوها را در چهره هایی گوناگون ارائه می کنند که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم:

### ۱- زنان و مردان هرزه

خداوند متعال، انسان را به صورت زن و مرد آفرید که ادامه نسل آنان از طریق توالد و تناسل ممکن باشد و آنان را مکمل یکدیگر قرار داد و هر یک از آنان را عهده دار ایفای نقش خاصی در دوام و بقای زندگی انسانی نمود، استعدادها و توانایی هایی متناسب با آن نقش را به آنان اعطا فرمود و حقوق و وظایفی را نیز برای آنان مقرر کرد. لذا هر یک از آن دو، چنان چه به شخصیت و نقش خویش واقف و به لوازم آن پای بند باشند، نقشی اساسی در سالم سازی خود و جامعه خواهند داشت و هیچ گونه مشکلی به وجود نخواهند آورد؛ ولی متأسفانه گاهی این دو یا یکی از آنان نقش اصلی و جایگاه واقعی خویش را فراموش و یکی از نقش های درجه دوم و غیر اصلی خویش را ایفا نموده و تمام هم و غم خویش را در انجام آن صرف کرده و در نتیجه خود و دیگران را به تباهی می کشاند.

زنان هرزه، دسته ای از همین نوع انسان هایی هستند که نقش واقعی خود را فراموش نموده و می پندارند، اساسی ترین نقش آنان، دل ربایی، دل فریبی و شعله ور

کردن آتش شهوت مردان است؛ این گروه، علاوه بر این که خویشان را به تباهی می کشند، به ابزاری در دست استعمارگران مبدل شده و بیشترین کمک را به آنان در رسیدن به اهداف شومشان می نمایند. اینان به عنوان نیروها و جنود شیطان جامعه را غرق هوای نفس نموده و افراد آن را اغفال و به خود سرگرم می کنند، به نحوی که اگر

ص: ۱۷۸

تمام هستی آنان نیز غارت شود، متوجه نخواهند شد و این همان چیزی است که استعمارگران در پی آنند.

بی جهت نیست که امام صادق علیه السلام می فرمایند :

لیس لابلیس جند اشد من النساء...؛ (۱) شیطان لشکریانی سر سخت تر از زنان ندارد.

زنان با انحراف خود، بیشترین نقش را در تخریب جامعه خواهند داشت؛ همان طور که اگر اصلاح شوند، بیشترین تأثیر را در سالم سازی و اصلاح جامعه ایفا می کنند.

بر اساس آموزه های دین مقدس اسلام، نیروی جنسی زن بسیار قوی تر از مرد است؛ اما خداوند به همان اندازه نیز به او حیا، عفت و نیروی استقامت داده است. و اگر حیای زنی از بین رفت چیزی جلودار نیروی جنسی او نیست و قدرت تخریبی بسیار بالایی را پیدا خواهد کرد؛ امام صادق علیه السلام می فرمایند :

ان الله جعل للمرأة صبر عشرة رجال؛ فاذا هاجت كانت لها قوه شهوه عشرة رجال؛ (۲) خداوند برای زن استقامت ده مرد را قرار داده است و اگر زنی تحریک شود به اندازه ده مرد نیروی جنسی خواهد داشت.

آن چه که این صبر و استقامت را برای زن به وجود می آورد حیای زن است. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرمایند :

الحیاء، عشرة اجزاء تسعه فی النساء و واحده فی الرجال،... فاذا فجرت ذهب حیاؤها كله و ان عفت، بقى لها خمسة اجزاء؛ (۳) حیا ده جزء است، نه جزء در زنان و یک جزء در مردان است... هرگاه زنی زنا کند، همه حیایش از بین می رود ولی اگر پاکدامن باقی بماند، پنج جزء حیا برای او باقی خواهد ماند.

همان طور که در حدیث بدان تصریح شده است : آن چه حیای زن را کاملاً از بین

می برد، هرزگی و مراوده با نامحرم است. لذا می توان گفت زنان هرزه، زنانی بی حیا و غرق در شهوت هستند که این نیرو را در مسیر تخریب خود و دیگران به کار می گیرند.

مردان هرزه نیز، همین نقش را به روش دیگری انجام می دهند و آنان نیز، همکاران شیطان و در اختیار او هستند.

ص: ۱۷۹

۱- (۱) . تحف العقول، ص ۳۶۳

۲- (۲) . کلینی، کافی، ج ۵، ص ۲۳۸، باب فضل شهوه النساء علی شهوه الرجال، حدیث ۲.

۳- (۳) . الشیخ الصدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۶۸، باب النوادر، حدیث ۱۴

این هرزگان در قالب‌ها و نام‌های گوناگونی در جامعه ظاهر شده و به عنوان الگو مطرح می‌شوند: گاهی در قالب هنرپیشه‌های سینمایی، رقص و خواننده ایفای نقش می‌کنند و گاهی، تحت عنوان ملکه زیبایی سال و یا دختران شایسته و عناوین دیگر به ایفای نقش پرداخته و به عنوان الگو و سرمشق به جوامع انسانی معرفی می‌شوند و شیوه رفتار و کردار فردی و اجتماعی آنان از جمله نحوه پوشش، آرایش، غذا خوردن، صحبت کردن و... راهنمای زندگی بسیاری از انسان‌ها می‌شود. برای مثال: مدل کرنلی در آرایش موی سر به تقلید از کرنل وایلد هنرپیشه آمریکایی یا گوگوشی به تقلید از خواننده زن ایرانی، ستاری در آرایش ریش برگرفته از آوازخوان ایرانی و ده‌ها مثال دیگر که راهنمای عده‌ای در شکل و قیافه شده است.

این هنرپیشه‌ها و رقاصه‌ها، محصول و نماد فرهنگ عنان گسیخته، مبتذل و چندش‌آوری هستند که یک زندگی مصرفی، منحط و غرق در شهوت جنسی را تبلیغ نموده و دیگران را به تأسی از آن دعوت می‌نمایند و ضمن تخریب و انحطاط جامعه، بازار مصرف کالاهای لوکس و پرزرق و برق غربی را داغ‌تر نموده و از این طریق دین خویش را به اربابان استعمارگر خود می‌پردازند.

## ۲- هنجار شکنان

دومین گروهی که به عنوان الگو مطرح بوده و خصوصاً در دهه‌های اخیر، بسیاری از انسان‌ها، مخصوصاً نسل جوان جوامع مختلف را به تقلید خود وامی‌دارند، هنجار شکنان هستند. این گروه، که عصیان بر ضد تمدن به ظاهر پیشرفته غرب تلقی شده و به عنوان اعتراض به معماران این بنای معیوب به وجود آمده‌اند، خود به عاملی در دست همان معماران و استعمارگران جهان مبدل شدند.

این گروه‌ها، ابتدا نارضایتی خویش را در قالب بعضی سبک‌های موسیقی به نمایش گذاشتند. ولی بعدها همین موسیقی، محتوایی بسیار مبتذل و منحط یافت و وسیله‌ای برای نسل سرگشته شد تا اعتراض خویش را نیز فراموش نماید و بدین ترتیب، خود به مثابه دارویی برای غرق شدن در رخوت و بی‌خبری و تخدیر نیروهای معترض به کار گرفته شد.

بعدها، اعمال و رفتار این هنجارشکنان، تحت عنوان گروه های رپ (۱)، هوی متال (۲)، کیس (۳)، پلی بوی (۴)، رش (۵) و... در جامعه امروزی مطرح گردید و به الگویی برای بسیاری از جوانان تبدیل شد؛ چنان که از نوع پوشش، آرایش و رفتار این گروه ها سرمشق گرفته و متأسفانه نسل جوان چنان شیفته این گروه ها شده اند که گاه لباس هایی با آرم این گروه ها به تن می کنند که روی سینه یا پشت آن معمولاً کلماتی با محتوای بسیار زننده نقش شده است؛ بدین ترتیب، بسیاری از جوانان در جوامع دیگر نیز در کمال ناآگاهی و بدون توجه به محتوای این کلمات، چنین لباس هایی را می پوشند و به آن افتخار می کنند؛ برخی از کلمات و عبارتهایی که بر روی این گونه لباس ها نوشته شده، این چنین هستند:

۱. Fruits کامرانان؛

۲. Cool Cat گربه رام؛

۳. Chill Out ناامید؛

۴. Kiss Me مرا ببوس؛

۵. Black Dog سگ سیاه؛

۶. Leave Me ولم کن؛

۷. Call Me به من زنگ بزن؛

۸. Look at Me به من نگاه کن؛

۹. The Good Boys Play at Night پسران خوب، شب، بازی می کنند؛

۱۰. Live آماده، باکره.

نوع این کلمات و عبارات مربوط به گروه های منحرف و هم جنس باز و امثال آنهاست؛ ولی متأسفانه بدین صورت مورد تقلید دیگران قرار می گیرد.

### ۳- قهرمانان ورزشی

قهرمانان ورزشی که ورزش را تنها حرفه ای برای رسیدن به نان و نام و نشان قرار

.Rap . (1) -1

.Heavy Metall . (2) -2

.Kiss . (3) -3

.Play Boy . (4) -4

.Rash . (5) -5

داده اند نیز از جمله کسانی هستند که الگو و معیار زندگی برای عده ای قرار می گیرند و استعمارگران از طریق آنان به تبلیغ و گسترش ارزش ها و فرهنگ خویش می پردازند.

#### ۴- مدعیان عرفان

از جمله کسانی که امروز به عنوان الگو در جوامع مطرح شده اند مدعیان عرفان یا صاحبان عرفان دروغین یا به تعبیر دیگر عرفان فانتزی هستند. عرفان هایی که هیچ گونه وجه مشترکی با عرفان ندارند و اطلاق واژه عرفان بر آنها تنها از باب مشترک لفظی است. عرفان هایی که با هر فساد سازگار و قابل جمع بوده و به دنبال ایجاد یک آرامش ظاهری کوتاه مدت هستند، هرچند این آرامش با مصرف مواد مخدر به دست آید. از نمونه های مشهور این نوع عرفان در عصر حاضر، عرفان سرخ پوستی آمریکایی است که توسط دو نفر به نام های دون خوان و دون خارو مطرح شده است. دیگری عرفان کریشنا مورتی هندی و همین طور تصوف فعلی در جوامع اسلامی است که برخی از مدعیان آنها هر عملی را با عنوان عرفان و تصوف مرتکب می شوند، ولی متأسفانه منش آنان برای بسیاری از افراد الگو شده است.

#### ۵- سران احزاب

در زمان فعلی، سران احزاب و گروه های سیاسی، جای روسای قبایل قبلی را گرفته اند و همان طور که سابقاً اعمال و رفتار سران قبایل الگوی افراد قبیله بود و بدون چون و چرا از آنان تقلید می کردند، امروزه نیز، سران احزاب و گروه ها، همین نقش را برای عده ای دارند و بدون فکر درباره علل و عوامل رفتار آنان، بدان تاسی می نمایند.

#### ۶- عروسک ها

یکی از الگوهای شایع امروزی، عروسک ها هستند. بسیاری از افراد می پندارند که عروسک ها صرفاً اسباب بازی هایی هستند که برای سرگرم کردن کودکان ساخته شده اند و هیچ هدف خاصی از ساختن آنها در کار نبوده است. البته شاید این سخن در مورد بعضی عروسک ها درست باشد ولی قطعاً در مورد همه آنها چنین نیست.

از جمله عروسک هایی که با هدف الگودهی ساخته شده اند، عروسک آمریکایی باربی است؛ که به صورت نیمه عریان تولید و عرضه می شود؛ این عروسک در دهه شصت قرن بیستم میلادی توسط کمپانی آمریکایی متل ساخته و به بازار عرضه شد؛ کلمه باربی مخفف باربارا است که نام دختر صاحب کمپانی متل است.

این عروسک ابتدا به قیمت ۳ دلار فروخته می شد، ولی بعدها قیمت آن به چهار هزار و پانصد دلار نیز رسید؛ باربی آن چنان با اقبال عمومی روبه رو شد که به طور متوسط در هر دو دقیقه پنج عدد آن در جهان به فروش می رسد و از این بابت، کمپانی متل به یکی از ثروتمندترین شرکت های جهان تبدیل شده است.

باربی سمبل فرهنگ آمریکایی است، فرهنگی که جان مایه اش عبارت است از: بی معنوبیتی، لذت جویی حاصل از مصرف گرایی، تجمل گرایی، برهنگی، مدگرایی، عشوه گری، بی قیدی و لابلایگری.

عروسک باربی به کمک تبلیغات گسترده ای که نسبت به آن صورت می گیرد به خوبی جای خود را در بین بسیاری از خانواده ها باز کرده و فرهنگ آمریکایی را که خود سمبل آن است به دختران و زنان انتقال می دهد؛ او به دختران آموزش می دهد که مردان چه انتظاراتی از آنها دارند و به مردان نیز آموزش می دهد که از زنان باید چه انتظاراتی داشته باشند.

عروسک ها چون برای سرگرمی کودکان ساخته می شوند، معمولاً چهره ای کودکانه دارند؛ اما برخلاف دیگر عروسک ها، باربی چهره کودکانه ندارد، بلکه چهره یک زن بیست ساله آمریکایی را با تمام مشخصات اندامی اش به نمایش می گذارد. باربی به خاطر این که بهتر بتواند در زندگی کودکان و دختران سراسر جهان حضور داشته و به

شخصیتی تربیتی و جهانی تبدیل شود در چهره، رنگ و لباس دیگر ملل نیز ظاهر شد. به همین جهت کمپانی متل در دهه هفتاد قرن بیستم میلادی به تولید عروسک باربی در رنگ های زرد و سیاه مبادرت کرد گرچه این عروسک ها علی رغم رنگ پوستشان، فاقد خصوصیات نژادی سیاه پوستان و زردپوستان هستند.

باربی، بعدها در شخصیت ها و نقش های متفاوت به بازار عرضه شد: در نقش پرستار، افسر پلیس، سرباز، آموزگار، پزشک، دندانپزشک، دامپزشک، خواننده موسیقی راک،



ژیمناست، کارآگاه، افسر نیروی دریایی، افسر خلبان، مهماندار هواپیما، دزد، گدا، رقص و فاحشه‌گر بدین ترتیب، این عروسک در تمام حوزه‌ها نقش الگودهی را ایفا می‌کند.

باربی، دقیقاً وسیله‌ای است در اختیار استعمارگران؛ او در چهره‌هایی دیگر به تحقیر مسلمانان می‌پردازد و در قیافه یک معلول سوار بر ویلچر با نام اسماعیل به بازار عرضه می‌شود و بدین وسیله، چهره‌ای معلول و قابل‌ترحم از مسلمانان ارائه می‌دهد؛ سپس برای مبارزه با فرهنگ شهادت‌طلبی و تحقیر آن در لباسی انتحاری وارد بازار شده که پس از فریاد الله اکبر با فشردن ضامن کمر بند انفجاری‌اش، خود را نیز منفجر می‌کند.

باربی، موقعی که خطری آمریکا را تهدید می‌کند، در قیافه‌ای مناسب ظاهر شده و به مردم و سربازان آمریکایی روحیه می‌دهد؛ به عنوان مثال: بعد از واقعه یازدهم سپتامبر، باربی در چهره نیروهای ضد تروریست به میدان آمده و به تهییج آمریکاییان و تشویق آنان به حضور در صحنه‌های جنگ با تروریست‌ها می‌پردازد و در آگهی تبلیغاتی آن، نوشته می‌شود: باربی، روح آمریکایی!

تأثیرگذاری باربی به حدی است که بسیاری از زنان غربی به تاسی از آن مایل به داشتن اندامی کشیده و کمری باریک هستند و همین جهت از حامله شدن خودداری می‌کنند؛ اما باربی حامله هم وارد بازار شد تا به آنان نشان بدهد می‌توان در صورت حاملگی نیز همین قیافه را حفظ کرد!

کارکرد دیگر باربی، تبلیغ لباس‌های آمریکایی، تشویق زنان جهان به برهنگی و تسخیر دل مردان از این طریق است.

کمپانی متل، برای باربی یک دوست پسر به نام کن نیز ساخت و از این طریق به

تبلیغ روابط آزاد بین پسر و دختر پرداخت تا بدین وسیله از امور جنسی قبح‌زدایی کند و ذائقه دختران و پسران را به سوی اباحی‌گری سوق دهد؛ این کمپانی هم چنین با ساخت ابزار زندگی باربی از قبیل وسایل آشپزخانه، یخچال و... ضمن کسب درآمد کلان، مدل زندگی آمریکایی را نیز تبلیغ می‌کند.

استعمارگران برای رسیدن به اهداف خویش ابزار و وسایل متعددی را به کار می گیرند که مهم ترین آنها عبارت است از :

الف) رسانه های گروهی :

۱. خبرگزاری های بین المللی : «آسوشیتد پرس» و «یونایتد پرس» متعلق به آمریکا، «فرانس پرس» متعلق به فرانسه، «رویترز» متعلق به انگلیس و «ایتار تاس» متعلق به روسیه؛ اکثر خوراک روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون و خبرگزاری های کوچک تر توسط این خبرگزاری ها تهیه می شود و آنها با گزینش اخبار و یک سویه عمل کردن، دیدگاه خویش را به جهان تحمیل می کنند؛ آنان علاوه بر این درآمد فوق العاده ای نیز از این راه کسب می نمایند؛

۲. رادیوهای بین المللی : «بی. بی. سی»، «صدای آمریکا»، «رادیو آزادی»، «رادیو اسرائیل»، «مونت کارلو»، «رادیو مسکو» و «دویچه وله» آلمان؛

۳. ماهواره ها : که هم استفاده های جاسوسی دارند و هم برخی از آنها ماموریت تهاجم فرهنگی به دیگر ملل را انجام می دهند؛

۴. روزنامه ها و مجلات : این نشریات، در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، ورزشی، سرگرمی و... تهیه شده و به مردم جهان خوراک می دهند؛

۵. فیلم، سینما، کارتون و انیمیشن : همگی ابزاری در دست استعمار هستند و علاوه بر کسب درآمد بالا برای صاحبان آنها، به تخریب فرهنگ دیگر ملل پرداخته و زمینه سلطه استعمارگران را فراهم می کنند؛

۶. اینترنت : این رسانه، پدیده ای جدید است؛ ولی با سرعتی شگفت جای خویش را در بین مخاطبین باز نموده؛ این رسانه در حال حاضر، تحت حاکمیت آمریکا است و موجب سلطه این کشور، بر اطلاعات جهان و استفاده از آنها در جهت مناسب با خواسته های خویش شده است و در جهت تخریب اخلاق نیز به شدت مورد استفاده قرار می گیرد؛

۷. کتاب: کتاب نیز یکی از رسانه‌هایی است که بر خلاف خدمات شایانی که به بشریت عرضه نموده، مورد استفاده استعمارگران نیز قرار گرفته است، به ویژه کتاب‌هایی که در زمینه رمان منتشر می‌شوند؛ به همین جهت، «صهیونیسم» بر عرصه انتشارات تسلط دارد.

ب) ابزار مربوط به آموزش:

۱. نظام‌های آموزشی غربی که در سراسر دنیا رایج شده و دارای روحی سکولار، معنویت‌گریز و دین‌ستیز است؛

۲. متون و کتب درسی که تأمین‌کننده همان نظام آموزشی هستند؛

۳. مراکز آموزشی و آموزگاران که وظیفه تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سلطه را بر عهده دارند؛

۴. زبان انگلیسی که ابزاری است در راستای گسترش فرهنگ غربی در سطح جهان؛

۵. بنیادهای فرهنگی که نقش پشتیبانی‌کننده نظام‌ها و متون و مراکز آموزشی را بر عهده دارند و مهم‌ترین آنها، بنیادهای آمریکایی «فورد»، «کارنگی» و «راکفلر» هستند و برای رسیدن به اهداف خویش، شبکه‌ای از سازمان‌ها را نیز به وجود آورده‌اند.

ج) سازمان‌های بین‌المللی:

از جمله این سازمان‌ها، «سازمان ملل متحد»، «صندوق بین‌المللی پول»، «بانک جهانی»، «سازمان تجارت جهانی»، «سازمان انرژی اتمی» هستند که استعمارگران از طریق آنها به تحمیل خواسته‌های خویش بر دیگر ملت‌ها می‌پردازند.

د) معاهده‌ها، پیمان‌نامه‌ها و قرار دادهای بین‌المللی:

«منشور جهانی حقوق بشر»، «کنوانسیون رفع تبعیض از زنان» و «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای NPT» که هر یک ابزاری در جهت گسترش سلطه استعمارگران بر جهان هستند.

ه-) سازمان‌ها، تشکیلات و احزاب:

۱. سازمان‌ها و تشکیلات سیاسی مخفی وابسته به استعمار، مانند

«فراماسونری» که وسیله ای است برای شناسایی و تربیت و به کارگیری عوامل استعمار در دیگر کشورها؛

۲. احزاب سیاسی وابسته به استعمار که به تبلیغ نظام ها و فرهنگ مورد علاقه استعمار در جهان مبادرت می کنند؛

۳. سازمان های غیر دولتی یا ان.جی.اوها ( NGO ) که به لحاظ ظرفیت ها و نقش های مهم خود نقش برجسته ای در تأمین خواست استعمارگران دارند؛ این نام، تنها بر سازمان هایی اطلاق می شود که در مسیر خواست سلطه جهانی قدم بر می دارند؛ استعمارگران از این سازمان ها به عنوان وسیله ای برای تضعیف و براندازی دولت ها و چک کردن صحت و سقم گزارش های آنان و هم چنین ابزاری در جهت گسترش فرهنگ جهانی، بهره برداری می کنند؛

۴. گروه های تروریستی که استعمارگران برای رسیدن به اهداف خویش تشکیل می دهند؛ نمونه های آشکار آن در زمان فعلی گروه های القاعده و طالبان هستند که با هماهنگی آمریکا تشکیل شده اند.

۵. گروه های «مافیا» که دارای تشکیلات پیچیده و سازمانی منظم بوده و استعمارگران از آنها برای توزیع و اشاعه مصرف مواد مخدر، مشروبات الکلی، قاچاق انسان و... استفاده می نمایند؛

۶. سازمان های جاسوسی که در رأس آنها سازمان های «سیا»، «موساد»، «کا.گ.ب» و «ایتلیجنت سرویس» قرار دارند نیز اهرمی قدرتمند در دست استعمار بوده، وظیفه قلع و قمع مخالفین را بر عهده دارند؛

۷. مؤسسات خدماتی همانند رستوران آمریکایی مک دونالد که ظاهری خدماتی دارند ولی در حقیقت ابزار گسترش فرهنگ آمریکا در دیگر کشورها هستند؛

۸. شرکت های چند ملیتی که بر اقتصاد جهان تسلط دارند و وظیفه خالی کردن جیب مردم دنیا به نفع استعمارگران را ایفا می کنند؛

و) مواد مخدر و روان گردان وسیله دیگری هستند که در جهت تخریب نسل جوان ملل دیگر و تاراج اموال آنان به کار استعمار می آید و در هر زمان با شکل و نام جدیدی به بازار عرضه می شوند؛

انسان ها نیاز به الگو و اسوه دارند و استعمارگران از این نیاز مردم استفاده کرده و الگوهای را به آنان ارائه می دهند که مردم را به سوی اهداف مورد نظر پیش ببرند. این الگوها عبارتند از:

۱. زنان و مردان هرزه که با عناوین هنر پیشه، رقاصه، ملکه زیبایی، دختران شایسته و عناوین دیگر به تخریب نسل جوان و منحرف کردن آنان مشغول هستند که از این طریق مردم را به زندگی مصرفی، مادی و منحط سوق می دهند.

۲. هنجارشکنان که با عناوین مختلفی چون گروه های «رپ»، «هوی متال»، «کیس»، «پلی بوی»، «رش» و... به انحراف نسل جوان اشتغال دارند.

۳. قهرمانان ورزشی و کسانی که ورزش را وسیله ای برای نان و نام و نشان خویش قرار داده اند و به مردم الگودهی می کنند.

۴. مدعیان عرفان و کسانی که تحت این عناوین انسان ها را به دوری از معنویت سوق می دهند.

۵. سران احزاب و کسانی که نقش روسای قبایل قدیم را ایفا کرده و مردم را به تقلید بی چون و چرا از خود دعوت می کنند.

۶. عروسک ها و اسباب بازی هایی که از احساسات کودکان معصوم استفاده کرده و نوع زندگی مورد نظر استعمارگران را به آنان معرفی می کنند. نمونه روشن این عروسک ها، باربی است که تولید آمریکا بوده و نماد فرهنگ زندگی آمریکایی است.

۱. خبرگزاری های بین المللی را نام برده و نقش آنها را در خدمت به استعمار بیان نمایید.
۲. یکی از مشکلات رادیوهای ملی را در مقابل رادیوهای بین المللی نوشته و توضیح دهید.
۳. ماهواره ها و تلویزیون های بین المللی چه نوع استفاده های استعماری دارند؟ توضیح دهید.
۴. نمونه هایی از تسلط «صهیونیسم» بر روزنامه ها و مجلات ذکر کنید.
۵. سینما، فیلم ها، کارتون ها و انیمیشن چه کمکی به استعمارگران می نمایند؟
۶. پیامدهای «اینترنت» و مشکلاتی را که برای مردم جهان به وجود آورده است به اختصار بنویسید.
۷. گروه هایی که در تشویق مردم نسبت به خرید بیشتر «کامپیوتر» مؤثرند چه کسانی هستند؟
۸. ابزار مربوط به آموزش را که استعمارگران از آنها استفاده می کنند ذکر نمایید.
۹. سازمان های مهم فرهنگی آمریکایی را نام برده و برنامه های آنها را به اختصار بیان کنید.
۱۰. امام خمینی رحمه الله چه دیدگاهی نسبت به «سازمان های بین المللی» داشتند؟
۱۱. نمونه هایی از عمل کرد استعماری برخی سازمان های بین المللی را بنویسید.
۱۲. نمونه هایی از استفاده های استعمارگران از «معاهده های بین المللی» را ذکر نمایید.
۱۳. تاریخچه «فراماسونری» را به طور خلاصه بنویسید.
۱۴. نقش «فراماسونری» را در خدمت به استعمار توضیح دهید.
۱۵. نقش احزاب وابسته به استعمار را در گسترش سلطه استعمارگران بیان نمایید.
۱۶. NGO یا «سازمان غیر دولتی» به چه سازمانی اطلاق می شود؟
۱۷. رابطه سازمان های غیر دولتی را با استعمار بنویسید.
۱۸. مشخصات سازمان های غیر دولتی را بنویسید.

۱۹. وزارت خارجه آمریکا چه نقش هایی را برای سازمان های غير دولتي ذکر مي کند؟

۲۰. ظرفيت هاي ويژه سازمان هاي غير دولتي را بنويسيد.

۲۱. دو سازمان تروريستي استعمار ساخته را نام ببريد.

۲۲. استعمارگران در چه زمينه هايي از گروه هاي «مافيا» استفاده مي کنند؟

۲۳. سازمان هاي جاسوسي مشهور دنيا را نام برده و چند مورد از برنامه ها و عمليات سازمان «سيا» را بنويسيد.

۲۴. مؤسسه خدماتي «مک دونالد» مربوط به کدام کشور است و چه ارتباطي با استعمار دارد؟

۲۵. ارتباط «شرکت هاي چند مليتي» را با استعمار بيان کنيد.

۲۶. استعمارگران از مواد مخدر چه استفاده هايي مي کنند؟

۲۷. الگوهائي که مورد استفاده استعمارگران قرار مي گيرند کدامند؟ آنها را به اختصار بيان نماييد.

۱. ویلیام جیمز استور، تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم، آیا تکنولوژی اطلاعات می تواند به توسعه ملی شایسته انسان منجر شود؟، ترجمه رضا نجف بیگی و اصغر صرافی زاده، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. نظارت و تدوین علی عبدالله خانی، کتاب آمریکا ۳ (ویژه روابط آمریکا - اسرائیل)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار تهران.
۳. سلیمان حیدر پور دعویسرا، مطبوعات انگلیس رکن چهارم و یا چرخ پنجم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. ادوارد برمن، کنترل فرهنگ (نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا)، ترجمه حمید الیاسی، تهران، نشر نی.
۵. عبدالحسین آذرنگ، اطلاعات و ارتباطات، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. جیمز اسلوین، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیلوری و علی رادباوه، تهران، نشر کتابدار.
۷. گردآوری و ترجمه احمد یوسف، جهانی کردن فقر و فلاکت، استراتژی تعدیل ساختاری در عمل، تهران، نشر آگاه.
۸. محمد خاتمی، فراماسونری، پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان، تهران، کتاب صبح.
۹. ترجمه جعفر سعیدی، مبانی فراماسونری، گروه تحقیقات علمی ترکیه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. احمد مدنی، بد آموزی های استعمار، چاپخانه فردوسی.
۱۱. سعید صالح الجزایری، سازمان های اطلاعاتی و جهان، ترجمه عباس سعیدی فر، انتشارات سکه.
۱۲. احمدی ساجدی، سازمان های جاسوسی دنیا، انتشارات محراب قلم.
۱۳. اکبر مظفری، باربی، تاملی در عروسک آمریکایی باربی، قم، شاکر.
۱۴. فصلنامه کتاب نقد، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۳، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.





اهداف یادگیری فصل هفتم :

از فراگیر انتظار می رود در پایان این فصل :

۱. آثار و پیامدهای استعمار را در کشورهای تحت سلطه بیان نماید.

۲. تأثیر استعمار را در ثروتمند شدن جهان غرب و کشورهای استعمارگر بشناسد.

۳. عوامل غیر واقعی و عوامل واقعی عقب ماندگی را بیان کند.

۴. نقش برده داری در تخریب آفریقا و شکوفایی غرب را بیان نماید.

۵. عوامل مؤثر در منع برده داری را بیان نماید.

۶. نقش استعمارگران را در نابودی انسان ها و نسل کشی آنان بیان نماید.

۷. با نقش استعمارگران در تخریب فرهنگ ملتهای تحت استعمار آشنا شود.

استعمار در دوران سلطه بر مناطق استعمارزده، آثار و پیامدهای منفی متعددی را از خود بر جای گذاشته که جز فقر، فلاکت و بیچارگی، ارمغان دیگری برای آنها نداشته است. در این فصل، به طور مختصر به آثار و پیامدهای استعمار در کشورهای زیر سلطه می پردازیم.

### ۱- عقب ماندگی بیشترین بخش جهان

#### اشاره

امروزه برای بیان چگونگی وضعیت اقتصادی کشورها، تقسیم بندی های مختلفی به کار می رود. در برخی از این تقسیم بندی ها، کشورهای جهان به چهار گروه تقسیم می شوند :

(۱)

این عنوان به کشورهایی اطلاق می شود که از نظر پیشرفت اقتصادی در ردیف نخست قرار داشته، رشد اقتصادی بلند مدت و پایدار را تجربه کرده و دارای بیشترین درآمد سرانه ملی می باشند؛ کشورهای «آمریکا»، «کانادا»، «فرانسه»، «انگلیس»، «آلمان»، «ایتالیا»، «هلند»، «دانمارک»، «بلژیک»، «سوئد»، «نروژ»، «ژاپن»، «استرالیا» و «زلاندنو» مشمول این عنوان هستند.

ب) جهان دوم یا جهان در حال پیشرفت و توسعه

(۲)

اصطلاح جهان دوم به کشورهایی اطلاق می شود که مرحله ای از رشد اقتصادی را طی کرده، ولی هنوز در مرتبه ای پایین تر از جهان اول قرار دارند؛ کشورهایی مانند «روسیه» و برخی کشورهای اروپایی و «مالزی» و «کره» در آسیا و... جزو این کشورها محسوب می شوند.

ج) جهان سوم یا جهان عقب مانده یا به تعبیر بهتر، جهان عقب نگهداشته شده

(۳)

این عنوان به کشورهایی گفته می شود که از نظر اجتماعی و اقتصادی عقب نگه داشته شده اند و از درآمد سرانه ملی اندکی برخوردارند؛ این عنوان شامل کشورهای تازه استقلال یافته آفریقا و آسیا و کشورهای «آمریکای لاتین» می شود.

د) جهان چهارم یا جهان خیلی عقب نگه داشته شده

(۴)

این عنوان به کشورهایی اطلاق می شود که فوق العاده فقیرند؛ مانند «بنگلادش»، «بنین»، «چاد»، «گامبیا»، «هائیتی»، «نیپال»، «رواندا»، «سومالی»، «اوگاندا»، «یمن»، «سودان»، «آلبانی» و...

در تقسیم بندی دیگر، جهان را به دو بخش: «شمال» و «جنوب» تقسیم می کنند.

«شمال» شامل اروپای شرقی است که یک چهارم جمعیت و چهار پنجم درآمد جهانی را در اختیار دارد؛ اما جنوب، که شامل کشورهایمانند «هند» و «چین» است،

ص: ۱۹۴

.Second world \_ Developing countries . (۲) -۲

.Third world \_ Under developed. Under developed countries . (۳) -۳

.Fourth world . (۴) -۴

که سه چهارم جمعیت دنیا را در خود جای داده و تنها یک پنجم درآمد جهانی را به خود اختصاص داده اند.

ساکنان شمال، عمر متوسطی بیش از هفتاد سال دارند، به ندرت دچار گرسنگی شده و دست کم تا سطح دبیرستان آموزش می بینند؛ در کشورهای جنوبی متوسط عمر اکثر مردم از پنجاه سال تجاوز نمی کند، در این مناطق از هر چهار کودک یکی پیش از رسیدن به پنج سالگی می میرد، دست کم چهار پنجم مردم از گرسنگی یا سوء تغذیه رنج می برند و پنجاه درصد آنها اساساً بختی برای با سواد شدن ندارند. (۱)

البته تقسیم بندی جهان به شمال و جنوب الزاماً بدین معنا نیست که همه کشورهای ثروتمند در نیمکره شمالی و بالای خط استوا یا همه کشورهای فقیر زیر خط استوا قرار دارند؛ زیرا استرالیا و زلاندنو هر دو از کشورهای ثروتمند هستند، ولی در زیر خط استوا جای گرفته اند و برخی کشورهای فقیر نیز بالای خط استوا قرار دارند، بنابراین، مقصود از «شمال» کشورهای ثروتمند و «جنوب» کشورهای فقیر هستند.

چه بر اساس تقسیم بندی اول و چه بر اساس تقسیم بندی دوم، بیشترین بخش جهان از لحاظ اقتصادی در وضعیتی بسیار پایین تر از بخش دیگر قرار دارد.

تنها جهان سوم و چهارم - یا همان جنوب - بدون محاسبه چین با مساحتی در حدود شصت و نه میلیون و سیصد و سی هزار کیلومتر مربع پنجاه و یک درصد مساحت خشکی های زمین را شامل می شود و حدود چهل و نه درصد جمعیت جهان را در برمی گیرد. (۲)

در بین این کشورها گروهی هستند با تولید ناخالص داخلی سرانه ای معادل صد دلار یا کمتر از آن بر پایه قیمت های سال ۱۹۷۰م. تولید صنعتی معادل ده درصد یا کمتر از آن به نسبت تولید ناخالص داخلی، و شمار باسوادان معادل بیست درصد یا کمتر از آن به نسبت افراد پانزده سال به بالا. این کشورها بر اساس برآورد ۱۹۷۰م. جمعیتی برابر با دویست و پنجاه و هشت میلیون نفر دارند که ۱۳ درصد جمعیت رو به

ص: ۱۹۵

۱- (۱). شمال - جنوب، برنامه ای برای بقا، بحران عمومی، همکاری برای بهبود وضع جهان، گزارش های کمیسیون بررسی مسائل رشد و توسعه جهان به ریاست ویلی برانت، ترجمه هرمز همایون پور، ص ۵۶.

۲- (۲). پیر ژاله، شناخت آماری جهان سوم، ترجمه محمد رضا جلیلی، ۱۳۵۳، ص ۳.

رشد است. متوسط درآمد سرانه آنها در سال ۱۹۷۷م. معادل صد و پنجاه دلار بود که نسبت به سطح قیمت های سال ۱۹۷۰م. چیزی حدود هشتاد دلار می شود و نرخ رشد آنها در دو دهه گذشته کمتر از یک درصد بوده است. (۱)

در بین کشورهای جهان سوم (جنوب) تنها چهار کشور با صد و هشتاد و پنج میلیون نفر جمعیت به درجه بالایی از درآمد دست یافته اند که آنها نیز از جمله کشورهای صادر کننده نفت می باشند. (۲)

## نابرابری و شکاف عمیق بین شمال و جنوب

### اشاره

بین بخش غنی و فقیر جهان نابرابری های زیادی وجود دارد و نعمت های مادی به شکلی بسیار نابرابر بین ساکنان کره زمین تقسیم شده است و شکاف ناشی از این نابرابری پیوسته در حال عمیق تر شدن است؛ برای مثال: از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷م. سرانه تولید ناخالص ملی کشورهای پیشرفته صنعتی، از پنج هزار و پانصد و نوزده دلار به یازده هزار و سیصد و نود و دو دلار افزایش یافت، در حالی که تولید ناخالص ملی کشورهای در حال توسعه، از جمله چین، تنها از سیصد و هفتاد و دو دلار به هفتصد و سی و یک دلار رسید. (۳)

روند رو به رشد این شکاف پس از جنگ جهانی دوم شروع شده است. در سال ۱۹۵۰م. میانگین درآمد سرانه کشورهای فقیر - به ارزش دلار آمریکا در سال ۱۹۸۰م. - معادل صد و شصت و چهار دلار بود، در حالی که میانگین درآمد سرانه در کشورهای صنعتی، بالغ بر سه هزار و چهارصد و هشتاد و یک دلار بوده است، به عبارت دیگر: میان این دو گروه کشورها، دقیقاً سه هزار و ششصد و هفتاد و هفت دلار اختلاف درآمد وجود داشت؛ سی سال بعد - در سال ۱۹۸۰م. - میانگین درآمد سرانه کشورهای فقیر، تنها به دویست و چهل و پنج دلار رسید، در حالی که این شاخص در کشورهای صنعتی به نه هزار و ششصد و چهل و هشت دلار افزایش یافته بود؛ بنابراین در سال ۱۹۸۰م. شکاف

ص: ۱۹۶

۱- (۱). شمال - جنوب، ص ۱۲۳.

۲- (۲). احمد ساعی، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی سیاسی جهان سوم، ص ۶۱

۳- (۳). همان، ص ۶۱ - ۶۳

مطلق درآمد میان این دو دسته کشورها به مرز نه هزار و چهارصد و سه دلار رسیده؛ در سال ۱۹۹۰م. این شکاف عمیق تر گردید؛ هم چنین در این سال، میانگین درآمد سرانه کشورهای با درآمد بالا - بیست هزار و صد و هفتاد و سه دلار و در کشورهای کم درآمد سیصد و پنجاه و سه دلار بود و بنابراین، شکاف مطلق میان آنها به نوزده هزار و هشتصد و بیست دلار - به ارزش دلار آمریکا در سال ۱۹۹۰م. - رسیده بود. (۱)

مطابق برآورد «یونیسف» تنها در سال ۱۹۷۸م. بیش از دوازده میلیون تن از کودکان کمتر از پنج سال به علت گرسنگی در گذشتند و هر چند سازمان ملل متحد، سال ۱۹۷۹م. را سال کودک اعلام کرد، نشانه ای از کاهش این رقم هولناک به چشم نمی خورد. (۲)

هیچ کس به درستی نمی تواند بگوید که چه تعداد از مردم جهان سوم در بی نوایی و فقر به سر می برند؛ سازمان بین المللی کار در اوایل دهه ۱۹۷۰م. این تعداد را هفتصد میلیون نفر برآورد کرد، برآورد کنونی (۱۹۸۰م.) بانک جهانی، رقم را هشتصد میلیون نفر نشان می دهد؛ این بدان معناست که کم و بیش چهل درصد از مردمان جنوب، تنها به سختی امکان بقا و ادامه حیات دارند. (۳)

مسئله فقط این نیست که شمال، بسی از جنوب ثروتمندتر است؛ بلکه بیش از نود درصد از کارخانه های صنعتی جهان در شمال قرار دارند؛ بیشتر علایم و امتیازهای انحصاری و تکنولوژی های جدید از آن شرکت های چند ملیتی است و بخش اعظم سرمایه گذاری و تجارت مواد اولیه و صنعتی جهان در دست این شرکت هاست؛ به دلیل همین توانایی های مادی، کشورهای شمالی بر نظام اقتصادی بین المللی، قوانین و مقررات آن و نهادهای بازرگانی و پولی و مالی اش تسلط دارند. (۴)

روی همین حساب، درصد بیکاری در جنوب، بسیار وسیع تر از شمال است و بالا بردن سطح اشتغال در جنوب، کاری بسیار دشوار خواهد بود؛ منابع سرمایه گذاری در جنوب، کم، ولی شمار جمعیت جویای کار بسیار بیشتر است.

ص: ۱۹۷

۱- (۱). همان.

۲- (۲). شمال و جنوب، ص ۳۳.

۳- (۳). همان، ص ۸۳ - ۸۴.

۴- (۴). شمال و جنوب، ص ۵۶.

حال این سؤال مطرح می شود که چرا بیشترین بخش جهان در وضعیتی عقب افتاده به سر می برد و علت این امر چیست؟

برای عقب افتادگی علل و عواملی ذکر شده که برخی از آنها غیر واقعی هستند و توسط نظریه پردازان همان بخش پیشرفته جهان و یا وابستگان آنان ابراز شده اند؛ ولی بخش دیگر، علل و عوامل واقعی عقب ماندگی هستند. ابتدا اشاره ای گذرا به نوع اول نموده و سپس نوع دوم را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## الف) علل و عوامل غیر واقعی

### ۱- عامل جغرافیایی

برخی، علت عقب افتادگی را در مسائل جغرافیایی دانسته و می پندارند: اکثر ممالک توسعه نیافته در مناطق استوایی و نیمه استوایی قرار دارند که نبود آب و هوایی متحرک را به دنبال داشته و یا باعث بروز برخی از بیماری ها در این مناطق می شود. (۱)

برخی نیز، عامل پیشرفت ممالک توسعه یافته را در ویژگی های جغرافیایی آن دانسته اند. (۲)

در بررسی این نظریه باید گفت: نمی توان منکر شد که موقعیت جغرافیایی در وضعیت اقتصادی موثر است؛ اما منتسب کردن عقب افتادگی یک کشور به این عامل خطاست؛ زیرا این نظریه - در صورت صحت - تنها در مورد کشورهای صحیح است که در مناطق استوایی قرار دارند، حال آن که برخی از کشورهای توسعه نیافته در مناطق غیر استوایی قرار گرفته اند؛ علاوه بر این، در زمانی که اروپا در عقب ماندگی محض به سر می برد، برخی از این کشورها جزو کشورهای پیشرفته آن زمان به حساب می آمدند؛ پس چرا در آن هنگام، عامل جغرافیایی مانع پیشرفت آنها نبود؟!

ص: ۱۹۸

---

۱- (۱). همایون الهی، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، ص ۹۸.

۲- (۲). میرزا اسماعیل دُردی اصفهانی، به نقل از امیرحسین تیموری، امراض مسلمانان و ادویه آنها، روزنامه شرق، سال اول، شماره ۱۱۶، پنجشنبه ۲۵ دی ماه ۱۳۸۲.



برخی<sup>۱</sup> تلاش نموده اند تا عامل عقب افتادگی را در اختلاف نژادی مردم این سرزمین ها جست و جو نمایند<sup>۲</sup> به گفته ادوارد سعید :

تازه ها و نظرهایی که در قرن نوزدهم پیرامون عقب ماندگی، انحطاط و عدم برابری شرق با غرب وجود داشت، به سهولت خود را با اندیشه هایی که پیرامون مبانی زیست شناسی نابرابری نژادی، اظهار می گردید، همراه می ساخت<sup>۳</sup> بدین ترتیب تقسیم بندی های نژادی که در کتاب حکومت حیوانی کوویه و یا رساله ای در باب نابرابری های انسانی اثر کوپینو و یا کتاب رابرت ناکس با عنوان نژادهای تاریک بشر اظهار گردیده اند، شریک متمایلی در شرق شناسی مخفی یافتند. به این اندیشه ها باید داروینیسیم درجه دوم را نیز اضافه کرد که به نظر می رسید این به تقسیم نژادها به پیشرفته و عقب مانده یا آریایی - اروپایی در مقابل شرقی - آفریقایی، مهر تأیید و اعتبار علمی می زد<sup>۴</sup> بنابراین، همه مسئله امپریالیسم که در اواخر قرن نوزدهم از سوی موافقان و مخالفان امپریالیسم هر دو بحث می گردید، حامل اندیشه تقسیم دوگانه نژادها، فرهنگ ها و جوامع به پیشرفته و عقب مانده - تحت سلطه - بود. (۱)

این نظریه از جهات مختلفی اشکال دارد :

نخست : همه انسان ها از یک پدر و مادرند و اختلاف نژادی، اساس صحیحی ندارد، بلکه همان نژاد واحد از لحاظ رنگ پوست و ظاهر، اختلافاتی با هم دارند<sup>۵</sup>

دوم : چنین نیست که خداوند استعداد رشد و توانمندی را تنها به گروهی از انسان ها داده باشد<sup>۶</sup>

سوم : اگر پوست سفید اروپاییان و آمریکاییان، موجب پیشرفت آنان است<sup>۷</sup> چرا چندین قرن همین سفید پوستان در توحش محض به سر می بردند و هیچ پیشرفتی نداشتند، درحالی که همین ملت های عقب مانده امروز، صاحبان تمدن های کهن و بزرگ تاریخ هستند<sup>۸</sup> علاوه اگر سفید پوست بودن، عامل ترقی است<sup>۹</sup> پس چرا برخی ملت های سفید پوست عقب افتاده اند.

چهارم : چرا ژاپنی ها با این که از ملل شرقی و رنگین پوست هستند به چنین پیشرفتی نائل آمدند.

ص: ۱۹۹

به طوری که همایون الهی نقل می کند :

گروهی از نظریه پردازان علت عقب ماندگی را در فقر منابع طبیعی و کانی کشورهای عقب افتاده می دانند. (۱)

در رد این نظریه همین بس که با اندک مراجعه به آمار منابع معدنی در سطح جهان، درست خلاف آن ثابت می شود. (۲)

### ۴- فقدان نیروی انسانی متخصص، مدیر و خلاق

برخی وجود نیروهای متخصص، مدیر و خلاق را عامل توسعه کشورهای پیشرفته (۳) و عدم وجود چنین نیروهای انسانی را عامل عقب ماندگی جوامع عقب مانده دانسته اند؛ اما به گفته پل باران :

اگر بخواهیم مطلب را به طور واضح بگوییم، در کشورهای توسعه نیافته استعداد کار فرمایی، اگر فوق العاده فراوان نباشد به وفور یافت می شود؛ خواه به هند نگاه کنیم یا به خاور نزدیک یا آمریکای لاتین و یا به کشورهای عقب افتاده اروپایی مثل یونان و پرتغال، می بینیم که همه آنها دارای کار فرمایانی سرشار از تلاش و جسارت هستند که قبول ریسک می کنند؛ افرادی حسابگر و مدبر هستند و منابع را به نحوی ترکیب می کنند که بیشترین بهره را از آن بگیرند، و مصممند که سود خود را در چهارچوب فرصت های موجود به حداکثر برسانند. (۴)

و اما نسبت به عدم وجود نیروی متخصص نیز باید گفت کشورهای توسعه نیافته در این زمینه کمبودی ندارند؛ ولی به جهت بعضی ضعف ها قادر به نگه داشتن این نوع نیروها نیستند و کشورهای پیشرفته نیز با توسل به شیوه های مختلف، این نیروها را شکار می کنند؛ همان چیزی که امروزه به عنوان Brain drain یا همان «شکار مغزها»

ص: ۲۰۰

۱- (۱). همایون الهی، همان، ص ۱۰۴

۲- (۲). ر.ک به : شناخت آماری جهان سوم، ص ۳۱ - ۵۹

۳- (۳). ر.ک به : پل باران، اقتصاد سیاسی رشد : ریشه های عقب ماندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، چ ۱، بی جا، انتشارات پالبال، ۱۳۵۸، صص ۴۴ - ۱۸۵. و همینطور شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، صص ۱۰۵ و ۱۰۶.

۴- (۴). پل باران، همان، ص ۱۸۵ و ۱۸۶

معروف شده است؛ به عنوان نمونه: از اوایل دهه ۱۹۶۰ تا دهه ۱۹۷۰م. بیش از چهار صد هزار نفر از پزشکان، جراحان، مهندسان، دانشمندان و دیگر افراد ماهر کشورهای رو به رشد به جوامع پیشرفته تر کوچیدند؛ مهاجران عمدتاً از هند، پاکستان، فیلیپین و سریلانکا بودند؛ بیشتر آنها به ایالات متحده، کانادا، بریتانیا و پاره ای، به دیگر نقاط اروپای غربی، استرالیا، و خاورمیانه رفتند. (۱)

برخی محاسبه ها نشان می دهد که از ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۷م. (۱۳۲۸ تا ۱۳۴۶هـ.ش.) آمریکا در زمینه تربیت متخصص، شامل یکصد هزار پزشک، مهندس و دانشمند که از خارج جذب کرده، حدود چهار میلیارد دلار صرفه جویی کرده است. (۲)

در یک گزارش، تعداد پزشکان و مهندسان خارجی در آمریکا در سال ۱۹۶۳-۶۴م. به ترتیب بیست و نه درصد مجموع فارغ التحصیلان پزشکی در دانشگاه های آمریکا و نیز هشتاد و پنج درصد مهاجران به این کشور را تشکیل می دادند. (۳)

در حال حاضر، بیش از صد و پنجاه هزار مهندس و پزشک ایرانی در آمریکا زندگی می کنند، تمام ورودی های با رتبه دو رقمی کنکور سراسری دانشگاه های کشور هر سال از بهترین دانشگاه های جهان دعوتنامه دریافت می کنند و قریب نود نفر از صد و سی و پنج دانش آموزی که در چند سال اخیر در «المپیادهای علمی» حائز رتبه و مقام شده اند در یکی از بهترین دانشگاه های آمریکا به تحصیل مشغول هستند.

بر اساس سرشماری ۱۹۹۰م. آمریکا، قریب دویست و بیست هزار نفر خود را ایرانی تبار معرفی کرده اند که هفتاد و هفت درصد آنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند؛ هم چنین بر اساس آمار ارائه شده تنها هزار و هشتصد و بیست و شش ایرانی عضو هیأت علمی تمام وقت و رسمی در دانشگاه های آمریکا و کانادا به تدریس مشغول هستند که با احتساب استادان نیمه وقت به حدود پنج هزار نفر می رسند. (۴)

ص: ۲۰۱

- 
- ۱- (۱). شمال و جنوب، ص ۱۶۹
  - ۲- (۲). همایون الهی، همان، ص ۱۰۷
  - ۳- (۳). حمید رنجبر، آثار و پیامدهای حاصل از فرار مغزها - مهاجرت بدون بازگشت، رزنامه شرق، سال دوم، شماره ۳۷۴، یکشنبه ۶ دی ۱۳۸۳.
  - ۴- (۴). همان

در سرشماری سال ۱۹۹۰م. ایالات متحده آمریکا، مشخص شد از جمع هفت میلیون نفر مهاجر به ایالات متحده حدود ۵/۱ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی هستند که از کشورهای آسیایی و حوزه اقیانوس آرام بوده اند. (۱)

## ۵- جمعیت اضافی

برخی، با توجه به ازدیاد جمعیت جهان، وضعیت آینده جهان را بسیار خطرناک تصویر می کنند و معتقدند که بخش اعظم جمعیت دنیا در جهان توسعه نیافته زندگی می کنند و همین امر را به عنوان یکی از عوامل عقب ماندگی این جوامع ذکر می کنند؛ آنان می گویند:

در قرن اول میلادی، جمعیت جهان دویست تا سیصد میلیون نفر بوده است؛ شانزده قرن گذشت تا جمعیت جهان در سال ۱۶۵۰م. (۱۰۲۹هـ.ش.) به ۵۰۰ میلیون نفر رسید؛ جمعیت جهان میان سال های ۱۶۵۰ و ۱۷۵۰م. (۱۰۲۹ و ۱۱۲۹هـ.ش.) سالیانه فقط سه دهم درصد و تا سال ۱۸۰۰م. (۱۱۷۹هـ.ش.) شش دهم درصد افزایش یافت؛ هم چنین در طی یکصد و چهل سال بعد، یعنی تا سال ۱۹۴۰م. (۱۳۱۹هـ.ش.) متوسط رشد جمعیت جهان به یک درصد رسید.

جمعیت جهان در سال ۱۹۰۰م. (۱۳۷۹هـ.ش.) برابر ۱/۶ میلیارد نفر بود و در سال ۱۹۲۵م. (۱۳۰۴هـ.ش.) به حدود ۲ میلیارد نفر رسید، این رقم، در سال ۱۹۶۲م. (۱۳۴۱هـ.ش.) به سه میلیارد نفر، با نرخ رشد سالانه ۲/۱ درصد، افزایش یافت و در سال ۱۹۷۵م. (۱۳۵۴هـ.ش.) به ۴ میلیارد نفر بالغ شد؛ جمعیت جهان با توجه به این سیر صعودی، سال ۱۹۸۵م. (۱۳۶۴هـ.ش.) یعنی هشتاد و پنج سال بعد، از سال ۱۹۰۰م. سه برابر شده است؛ یعنی به ۴/۸ میلیارد نفر رسیده است.

تنها پانزده سال دیگر زمان نیاز بود تا در آغاز قرن ۲۱ میلادی، جمعیت جهان به شش میلیارد نفر برسد. (۲)

در نقد این نظریه باید گفت: قابل انکار نیست که جمعیت و رشد بی رویه آن خواه ناخواه مشکلاتی را برای کشور خواهد داشت؛ اما چنان که اینان نیز پنداشته اند نیست که

ص: ۲۰۲

۱- (۱). ترانه رونق، و مرسده نورایی، مهاجرت مغزها یا فرار مغزها، هم شهری ماه، سال ۸۵، شماره دوم.

۲- (۲). همایون الهی، همان، ص ۱۱۶

رشد جمعیت عامل عقب ماندگی باشد، و گرنه باید کشوری همانند «چین» که از بیشترین جمعیت جهان برخوردار است از لحاظ اقتصادی بدترین کشور روی زمین باشد حال این که مشکلات چین بسیار کمتر از مشکلات کشورهای عقب افتاده دارای جمعیت کمتر است.

## ۶- دین، عامل عقب ماندگی

برخی از روشن فکران و غرب زدگان، عامل عقب ماندگی کشورهای عقب افتاده، به ویژه کشورهای اسلامی را دین اسلام می دانند.

یکی از این غرب زدگان میرزا فتحعلی آخوند زاده است؛ وی معتقد بود :

رخت بستن ذلت و فقر تحقق نیابد مگر به هدم اساس اعتقادات دینیه که پرده بصیرت مردم شده، ایشان را از ترقیات و امور دنیویه مانع می آید. (۱)

احمد کسروی می گوید :

«عامل نکبت و عقب ماندگی شرق از غرب، اسلام است». (۲)

در ارزیابی چنین دیدگاهی، ذکر چند نکته لازم است :

نخست : مگر همه کشورهای عقب مانده مسلمان هستند که دین اسلام عامل عقب ماندگی آنان باشد؟!

دوم : اگر اسلام، عامل عقب ماندگی است پس چرا، قرن های متمادی، مردم مسلمان، پرچمداران علم و دانش و پیشرفت در جهان بودند؟!

سوم : چگونه است که برخی از ملل مسلمان، همانند مالزی که قبلاً جزو ملل عقب مانده به حساب می آمدند، ظرف مدت کوتاهی گام در مسیر ترقی و پیشرفت نهادند؟!

چهارم : دینی که این همه تأکید بر تفکر و تشویق بر علم آموزی نموده است، چگونه می تواند عامل عقب ماندگی باشد؟! بلکه باید گفت یکی از عوامل عقب ماندگی مسلمانان، وجود همین اندیشمندان مقلد و کوتاه فکر است که جز تقلید چیزی را نیاموخته اند و متاسفانه خود، و اندیشه ارتجاعی آنان، سالیان سال است که بر جوامع اسلامی حاکمیت داشته و بستر ساز حضور استعمارگران و تاراج ثروتهای کشورهای اسلامی بوده اند.

ص: ۲۰۳



و بی گمان عامل این توسعه نیافتگی دیگر دوری از اسلام و ارزش های اسلامی و عمل نکردن به دستورات زندگی ساز و نورانی آن است.

## (ب) علل و عوامل واقعی عقب ماندگی

### اشاره

راز عقب افتادگی کشورهای توسعه نیافته، نه در علل و عواملی است که ذکرشان گذشت، بلکه باید در جای دیگری جست و جو نمود<sup>۱</sup> به نظر می رسد که عوامل واقعی عقب افتادگی دو دسته اند :

دسته نخست : شامل عواملی هستند که دارای جنبه خارجی است و نویسندگان در این زمینه به حدّ کافی نظر داده اند<sup>(۱)</sup> لذا در این زمینه به اختصار، عوامل را بیان می کنیم :

### ۱- غارت ثروت های ملل توسعه نیافته

در طول دوران استعمار و تسلط کشورهای استعمارگر بر کشورهای تحت استعمار، تا جایی که برای استعمارگران امکان داشت، ثروت ها و منابع ملل تحت استعمار را چابیدنند و غارت کردند<sup>۲</sup> در زیر به نمونه هایی از غارتگری این کشورها اشاره می کنیم :

بین سال های ۱۵۲۱ تا ۱۶۶۰ م. (۹۰۰ تا ۱۰۳۹ هـ.ش.) دولت «اسپانیا» دویست تن طلا و هزار و هشتصد تن نقره را از «آمریکا» غارت نمود. <sup>(۲)</sup>

بارتو لومئو دیاس پرتغالی به راهنمایی یک راهنمای عرب از «اقیانوس هند» گذشت و روز بیستم مه ۱۴۹۸ م. به لنگرگاه «کالیکات» (در هندوستان) رسید<sup>۳</sup> آنها، هنگام بازگشت ادویه و سنگ های گران بهای بسیاری بار زدند و با از دست دادن یک کشتی و یک سوم خدمه به میهن بازگشتند. <sup>(۳)</sup>

تنها پس از شکست نواب بنگال در «پلاسی» و عقد قرارداد ۱۷۵۷ م. (۱۱۳۶ هـ.ش.) شرکت انگلیسی «هند شرقی» و کارگزارانش، چهار میلیون لیره استرلینگ - به قیمت آن زمان - اشیای قیمتی به یغما بردند.

ص: ۲۰۴

۱- (۱). ر.ک به : شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، ص ۱۶۵ به بعد

۲- (۲). همان، ص ۱۶۶

۳- (۳). هنری لوکاس، همان، ج ۲، ص ۴۰

بین سال های ۱۷۵۷ تا ۱۸۱۵ م. (۱۱۳۶ تا ۱۱۹۴ هـ.ش.) خراج اشیای گران بهای خارج شده از «بنگال» بالغ بر پانصد تا هزار میلیون پوند برآورد می شود. (۱)

طبق برخی از گزارش ها، فقط سود حاصل از کار سیاهان در هند غربی انگلیس به دوپست تا سیصد میلیون پوند می رسید. (۲)

به گفته پل باران :

تجارت عریض و طویل حاصله، همراه با دزدی دریایی، غارتگری آشکار، تجارت برده و کشف طلا باعث شد که ثروت تجار اروپای غربی به سرعت زیاد شود. (۳)

او میزان ثروتی را که در فاصله «جنگ پلاسی» (۱۷۵۷ م.) تا «جنگ واترلو» (۱۸۱۵ م.) از «هند» به وسیله انگلیسی ها به غارت رفت بین پانصد تا هزار میلیون پوند استرلینگ برآورد می کند. (۴)

پل باران هم چنین در گزارش خود می افزاید :

دامنه تاراج به قدری شگفت انگیز، و آن چه از هند به یغما برده بود به قدری زیاد بود که در سال ۱۸۷۵ م. مارکوز سالیسبوری - وزیر خارجه وقت حکومت هند - خاطر نشان کرد که اگر قرار است خون هند گرفته شود باید عاقلانه انجام گیرد... دیگر بی خاطر نشان می کند که به موجب برآوردهای انجام شده در فاصله «پلاسی» و «واترلو» - دوره ای که برای توسعه سرمایه داری «بریتانیا» اهمیت ویژه داشت - بین پانصد میلیون تا یک میلیارد پوند به وسیله انگلیسی ها از هند خارج شد؛ بزرگی این رقم وقتی قابل تصور است که در نظر داشته باشیم که در شروع قرن نوزدهم، کل سرمایه تمامی شرکت های سهامی که در هند فعالیت می کردند، بالغ بر سی و شش میلیون پوند می شد؛ دو تن از آمارگران هندی به نام های کی تی شاه و کی جی خمپا حساب کرده اند که در دهه نخست قرن بیستم، بریتانیا به نحوی از انحاء، بیش از ده درصد محصول ناخالص ملی هند را به جیب ریخته است و نیز با اطمینان می توان گفت که مقدار این خروج ثروت از هند در قرن بیستم، کمتر

ص: ۲۰۵

---

۱- (۱) . همایون الهی، همان، ص ۱۶۸

۲- (۲) . همان، ص ۱۶۸

۳- (۳) . پل باران، همان، ص ۹

۴- (۴) . همان، ص ۲۶۹



از قرن هجده و نوزده بوده است و نیز می توان به اطمینان گفت که این نسبت مقدار دست اندازی بریتانیا بر منابع هندی را کمتر از اندازه حقیقی اش نشان می دهد؛ زیرا که تنها به انتقال های مستقیم توجه دارد و آن چه را که هند به جهت شرایط نامطلوب تجارت تحمیلی به وسیله بریتانیا از دست داد به حساب نمی آورد. (۱)

دکتر جفکین (۲) پژوهشگر آلمانی نیز در این باره می نویسد :

ثروتی که در سده هجدهم از هند و مستعمرات آمریکایی به جزیره انگلیس وارد شد عظیم است؛ تنها مالیات شکر مستعمرات آمریکایی انگلیس ۱/۲ میلیون پوند استرلینگ در سال بود و حجم تجارت تنباکوی آن بیست و چهار هزار تن در سال.

کمپانی سلطنتی آفریقایی بریتانیا از آغاز تأسیس، تا سال ۱۷۲۰م. سیصد هزار تن شکر به جزیره انگلیس وارد نمود.

در سال ۱۷۰۰م. شکر وارد شده به انگلیس پنجاه هزار خمره - هر خمره برابر با حدود چهار گالن - بود که در سال ۱۷۵۳م. دو برابر شد و به صد هزار خمره رسید؛ کل حجم شکر تولید شده در مستعمرات انگلیسی جزایر هند غربی، از آغاز تصرف این جزیره به وسیله انگلیسی ها تا زمان لغو برده داری، بیش از ده میلیون تن گزارش شده است. (۳)

نتیجه و پیامد این تاراج منابع، چنان که پل باران می گوید :

شکل گیری «انقلاب صنعتی» در «انگلستان» بود و گرنه پیش از سال ۱۷۶۰م. دستگاه های نخ ریزی لانکشاير، با دستگاه های مشابه در هند و ایران و چین تفاوتی نداشت. (۴)

غارت ثروت در شکل نوین

راه دیگر در غارت ثروت های ملل تحت استعمار که امروزه نیز همچنان ادامه دارد، افزایش سود وام هاست.

در سال ۱۹۶۲م. «بانک جهانی» اعلام کرد، هفتاد و یک کشور آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین، دیونشان به کشورهای خارجی حدود بیست و هفت میلیارد دلار بوده و

ص: ۲۰۶

---

۱- (۱). همان، ص ۱۹ - ۲۱

۲- (۲). Jeffckin.

۳- (۳). عبدالله شهبازی، زرسالاران پارسی و یهودی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۱، ص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۴- (۴). پل باران، همان، ص ۲۷۱

اکنون به سی میلیارد دلار رسیده و سود آنها هم حدود پنج تا هشت درصد افزایش یافته است؛ این سود که در گذشته به پنج میلیارد دلار می رسید، در سال ۱۹۶۲م. به پانزده میلیارد دلار بالغ شد. (۱)

این تنها گوشه ای از غارت ثروت ملل دیگر، توسط اروپاییان بود، اگر آمار دقیق یا حتی تقریبی همه ثروت های غارت شده از سراسر جهان جمع آوری گردد، آن وقت معلوم خواهد شد که چرا بخشی از جهان، ثروتمند و بیشترین بخش جهان، مبتلا به فقر و فلاکت شدند.

## ۲- تحمیل اقتصاد تک محصولی

اقتصاد تک محصولی، عبارت است از: بنیان گذاشتن اقتصاد یک کشور بر پایه یک یا حداکثر چند نوع کالای ویژه می باشد.

استعمارگران چون تنها منافع خویش را در نظر داشته اند، از دوره سلطه بر کشورهای تحت استعمار روندی را به منظور تک محصولی نمودن اقتصاد کشورهای تحت سلطه آغاز کردند؛ متأسفانه در این تک محصولی کردن نیز، نیاز واقعی کشور تحت سلطه لحاظ نشد، بلکه آن چه مهم بود برآوردن بخشی از نیاز کشورهای توسعه یافته بود و لذا هر یک از کشورها را به سمت تولید محصولی هدایت کردند که یکی از نیازهای خودشان برآورده سازد.

در فصل پنجم این کتاب هنگام بحث از شیوه های استعمار، آماری از برخی کشورهای که اقتصادشان عمدتاً بر پایه یک نوع محصول استوار است ارائه شده و تأثیرات سوء آن نیز یادآور گردیده که از تکرار آن در این جا صرف نظر می کنیم.

دسته دوم: شامل علل و عوامل عقب ماندگی، در بُعد داخلی آن هستند؛ در این زمینه می توان به موارد زیر اشاره نمود:

## ۱- وابستگی حکام، سیاست مداران و برنامه ریزان

متأسفانه از آن جا که در نوع کشورهای توسعه نیافته، حکام، سیاستمداران و همین طور برنامه ریزان، وابسته به استعمارگران هستند و تنها به سود کشور سلطه گر و سود شخصی

ص: ۲۰۷

---

۱- (۱). قوام نکرومه، الاستعمار الجديد، آخر مراحل الامبریالیه، ترجمه عبدالحمید حمدی، ۱۹۶۶، ص ۲۸۶.

خود می‌اندیشند، از گام نهادن ملت‌های تحت سلطه در مسیر توسعه، جلوگیری می‌کنند؛ وقتی دست اندرکاران امور یک کشور می‌توانند در بستن یک قرارداد تجاری با یک کشور پیشرفته به رقم‌های کلانی به عنوان پورسانت و امثال آن دسترسی پیدا کنند، چرا باید با برنامه ریزی صحیح، کشور را به سمت و سویی ببرند که بتواند فلان نوع محصول را تولید کند و کشور خود کفا شود و مجاری سود درآمدهای باد آورده خویش را مسدود نمایند؛ این است که حکام وابسته، هیچ‌گاه به فکر خود کفایی اقتصادی کشور خویش نخواهند بود و لذا تأثیر آنان را در عقب ماندگی کشورها نمی‌توان نادیده گرفت.

## ۲- خود باختگی و عدم باور خویش

در کشورهای توسعه نیافته، خصوصاً در اقشار تحصیل کرده، به خاطر تلقیناتی که توسط همان استعمارگران شده است، یک حالت خود باختگی و عدم باور نسبت به توانایی‌های ملی و بومی پدید آمده است که آنان را نسبت به خویش بی‌اعتماد نموده و جرأت ریسک‌پذیری و اقدامات اساسی را از آنان گرفته است، ولی تجربه نشان می‌دهد که هر گاه در هر کشوری، مردم، خود و توانایی‌های خود را باور نموده‌اند به زودی قدم در راه توسعه گذاشته‌اند؛ نمونه بارز آن، پیشرفت‌های ایرانیان در زمینه تسلیحات نظامی و انرژی اتمی و پیشرفت‌های شگفت‌انگیز مطالعاتی در زمینه سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی است. ناگفته نماند که استعمارگران نیز همواره با تحقیر ملت‌های تحت سلطه و نادیده گرفتن توانایی‌های آنان، سعی در تقویت روحیه خود باختگی آنان نموده‌اند.

## ۳- عدم وجود وجدان کاری

با این که انجام صحیح وظایف اجتماعی، محکم‌کاری کردن در امور مختلف و داشتن وجدان کاری امری است که هم مطابق فطرت آدمی است و هم مورد تأکید عقل و دین، چنانکه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

ان الله تعالی یحب اذا عمل احدکم عملاً ان یتقنه؛ (۱) به راستی خداوند متعال دوست دارد هر گاه یکی از شما کاری را انجام می‌دهد آن را به نحو متقن و

صحیحی انجام دهد.

ص: ۲۰۸

---

۱- (۱). متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، حدیث ۹۱۲۸.

اما متأسفانه مردم کشورهای جهان سوم و از جمله کشورهای اسلامی در انجام امور به هیچ عنوان به این مسئله توجه ندارند و همین موضوع موجب نامرغوب بودن محصولات داخلی این کشورها شده که نتیجه آن افزایش تمایلات مردم برای تهیه کالاهای خارجی و در پی آن وابستگی و عقب ماندگی این کشورها می باشد.

## ۲- برده داری

دومین اثر و پیامدی که استعمار در سرزمین های تحت سلطه داشت، برده کردن گروه های زیادی از مردم این مناطق بود. استعمارگران اروپایی معمولاً سعی می کنند که دین مقدس اسلام را متهم به برده داری کنند و برده داری را گناه مسلمانان قلمداد نمایند. ولی این اتهامی بیش نیست. چرا که با مطالعه تاریخ چند صد ساله گذشته به خوبی آشکار می شود که این غریبان بوده اند که بردگی را به نحو بسیار فجیعی در جهان گسترش داده و انسان های زیادی را به بند بردگی و اسارت خویش کشیده اند.

تجارت برده در نیمه دوم سده پانزدهم به وسیله خاندان سلطنتی پرتغال بنیان نهاده شد. بنیان گذار این کار هنری (۱۳۹۴م.- ۱۴۶۰) بوده که به «هنری دریانورد» شهرت داشت. غربی ها می کوشند او را کاشفی بزرگ و شیفته و بانی دانش دریانوردی جلوه دهند. وی در سال ۱۴۴۱م. زمانی که در جست و جوی راه دریایی «هند» بود به ساحل غربی «آفریقا» رسید و دوازده زن و مرد و کودک را به اسارت گرفت و به عنوان برده با خود برد و در بازار «لیسبون» فروخت و این نقطه آغازی برای اسارت بردگان بود. رفته رفته پس از کشف «آمریکا» و تسخیر سرزمین های پهناور آن، تجارت برده اهمیت اقتصادی فوق العاده ای یافت.

اسپانیایی ها و پرتغالی ها در به کارگیری بومیان قاره آمریکا توفیقی نداشتند و لذا به شکار انسان های آفریقایی رو آوردند. میسیونرهای اسپانیایی به رهبری کشیشی به نام لاس کازاس - که بعدها اولین اسقف مکزیکو شد - تجارت برده را تشویق می کردند.

بعدها با ورود «انگلیس» به تجارت برده. برده فروشی رونق فوق العاده ای یافت.

تجارت انگلیسی برده از سال ۱۵۶۲م. به وسیله سر جان هاوکینز و با مشارکت الیزابت

اول و تجار و صرافان انگلیسی آغاز گردید و منبع تامین برده آفریقا، و بازار فروش بردگان، مستملکات انگلیس در قاره آمریکا بود.

در این زمان کمپانی های انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، هلندی، دانمارکی و آلمانی دارای قرارگاه های اختصاصی شکار برده بودند.

به گفته جیمز والین، کمپانی سلطنتی آفریقایی بریتانیا تا سال ۱۷۲۰م. بیش از پانصد کشتی محموله را انتقال داد که شامل یک صد هزار برده آفریقایی بود. در سال ۱۶۶۰م. در «ماریلند» و «ویرجینیا» تنها هزار و هفتصد برده سیاه وجود داشت و در سال ۱۷۶۰م. نیمی از جمعیت چهارصد هزار نفری «ویرجینیا» را بردگان تشکیل می دادند و در پایان سده هجدهم تعداد آنها سیصد هزار نفر بود؛ هم چنین تا سال ۱۷۷۵م. حدود ۱/۵ میلیون نفر آفریقایی، در جزایر آمریکایی مستعمره بریتانیا تخلیه گردیدند.

در فاصله سال های ۱۷۰۰ تا ۱۷۶۰م. حدود صد و هشتاد هزار نفر، تنها به جزیره «باربارادوس» (از جزایر هند غربی) وارد شدند که حدود پنجاه هزار نفر آنان در طول سه سال فوت کردند.

در سال ۱۷۷۵م. در مستعمرات انگلیسی شمال قاره آمریکا سیصد و سی و یک هزار نفر برده، در «مستعمرات جنوبی» (ماریلند، ویرجینیا، کارولینا و جئورجیا) سیصد و ده هزار برده، در «جامائیکا» صد و نود هزار برده، در «باربارادوس» بیش از شصت هزار نفر برده وجود داشت.

درک کرتن (۱) درباره تجارت برده این گونه روایت می کند :

در سال ۱۶۸۰م. تجار ثروتمند و محترم بریستول، لیورپول و لندن در سال پانزده هزار هزار برده آفریقایی صادر می کردند؛ بعدها این رقم افزایش یافت؛ در فاصله سال های ۱۶۸۰ تا ۱۷۶۸م. انگلستان به تنهایی بیش از دو میلیون برده را به اسارت گرفت، حمل کرد و فروخت.

در سال ۱۷۹۱م. چهل ایستگاه انگلیسی شکار برده، تنها در سواحل غربی آفریقا مستقر بود که نام فاکتوری (دفتر تجاری) را بر خود داشتند.

در نخستین سال های سده هجدهم، انگلیسی ها سالیانه سی و شش هزار برده حمل می کردند؛ در سال ۱۷۷۰م. ناوگانی مرکب از دویست کشتی با

ظرفیت پنجاه هزار برده در اختیار داشتند.

ص: ۲۱۰

والوین فرمول تجارت خارجی «کارولینای جنوبی» را چنین استخراج کرده است: «واردات برده برابر است با صادرات برنج.

(۱)

طبق مدارک و اسناد بایگانی «لیورپول»، حمل و نقل برده از «آفریقا» ابعاد عظیمی پیدا کرده بود برده داران در خطوط کشتیرانی بین بنادر اروپا، آسیا و آفریقا دائماً در کار حمل و نقل و تعقیب برده بودند.

تنها در سال های ۱۷۸۳ تا ۱۷۹۳ م. (۱۱۶۲ - ۱۱۷۲ هـ.ش.) در حدود نهمصد ناوگان تجاری برای حمل و نقل برده فرستاده شد؛ در این دهه، سیصد هزار برده با کشتی هایی که پرچم های اروپایی داشتند از آفریقا حمل شدند؛ درآمد فروش این بردگان به پنج میلیون لیره رسید، درحالی که سود ویژه آن، به دوازده میلیون لیره بالغ گردید.

قیمت خرید برده، هر ساله افزایش می یافت، اما قیمت فروش با چنان شدتی بالا می رفت که دلالت برده سودهای کلانی به دست می آوردند؛ به عنوان مثال: تا سال ۱۸۰۰ م. (۱۱۷۹ هـ.ش.) حمل یک کشتی پر از برده نزدیک به سه چهارم میلیون مارک درآمد داشت و این هنوز سود نهایی نبود، زیرا برده ها یک بار دیگر با قیمت بالاتر به فروش می رسیدند.

یکی از اقتصاددانان خاطر نشان کرد که «لیورپول» ثروت و نعمت خود را مدیون تجارت برده است؛ اهمیت تجارت برده تا آن حد بود که در سال ۱۷۱۸ م. (۱۰۹۷ هـ.ش.) ویلیام وود از تجارت برده به عنوان منبع و سرچشمه ای صحبت کرد که از آن همه چیز دیگر جریان می یافت؛ چند سال بعد از این اظهارنظر، یکی دیگر از نظریه پردازان، تجارت برده را به عنوان منبع تأمین سوخت اصلی ماشین ها و هر چرخه را که به گردش درآمد توصیف نمود.

در تجارت برده، بیش از همه، دلالت انگلیسی کسب درآمد می کردند؛ بیشتر از شصت درصد از تجارت برده «انگلستان» و چهل درصد تجارت جهانی برده، از طریق «لیورپول» انجام می گرفت؛ به عنوان مثال: طی ده سال از ۱۷۹۵ تا ۱۸۰۴ م. حدود هزار

و نود و نه کشتی با مجموع سیصد و بیست و سه هزار و هفتصد برده از این بندر عبور

ص: ۲۱۱

---

۱- (۱). مطالب این قسمت تلخیصی است از زرسالاران پارسی و یهودی، نوشته آقای دکتر عبدالله شهبازی، ص ۲۲۳ تا ۲۲۸.

کردند؛ شکوفایی شهر «لیورپول»، که یک شبه شکوه و عظمت یافت، نتیجه همین تجارت برده بود؛ چنان که با ممنوعیت تجارت برده در انگلستان (سال ۱۸۳۳م.) شکوه بندر لیورپول نیز به افول گرایید. (۱)

البته، تجارت برده خاص انگلیس نبود، بلکه همه کشورهای غربی که به دریانوردی مشغول بودند در تجارت برده سهیم بودند.

## تعداد برده ها

اگر آغاز دوران برده داری را سال ۱۴۴۵ میلادی و پایان آن را سال ۱۸۸۸م. - سالی که «برزیل» به عنوان آخرین کشور، برده داری را لغو کرد- بدانیم، دوران برده داری چهارصد و چهل و سه سال طول کشیده است.

این که در این مدت چه تعداد برده از آفریقا صادر شده است، دقیقاً معلوم نیست؛ اما رقم آن تا صد میلیون نفر نیز تخمین زده می شود. (۲)

طبق نتایج پژوهش آماری پاتریک مانینگ - که طبق سنت تاریخ نگاری «کمبریج»، باید مورخی محافظه کار تلقی شود - در سده های شانزدهم و هفدهم میلادی، حدود چهار میلیون نفر برده از آفریقا صادر شد و در سده هجدهم و نوزدهم، این تعداد به حدود ۱۴ میلیون نفر رسید؛ وی در مجموع کل کسانی را که در دوران برده داری از قاره آفریقا به آمریکا صادر شدند هجده میلیون نفر می داند که حدود شصت درصد آنان مرد و چهل درصد زن بودند. (۳)

اگر بردگانی را که به اروپا صادر شدند نیز بر این آمار بیافزاییم این رقم خیلی بیشتر خواهد شد؛ البته این تعداد تنها آمار بردگانی است که سالم به مقصد رسیدند و چنان چه : ۱. کسانی را که در بین راه به سبب شرایط بد حمل و نقل و مشکلات مسافرت دریایی و امثال آن مردند؛ ۲. کسانی را که در معاینه بردگان توسط پزشکان رد شدند و در بیابان ها آواره شدند و مرگ آنان را به کام خود کشید؛ ۳. کسانی را که در

ص: ۲۱۲

---

۱- (۱). همایون الهی، همان، ص ۱۷۳ و ۱۷۴

۲- (۲). همان، ص ۱۷۵

۳- (۳). عبدالله شهبازی، همان، ج ۱، ص ۲۳۲

جنگ با برده گیران و در بین راه مبدأ تا بنادر حمل برده کشته شدند، بر آمار فوق بیافزاییم، قطعاً تعداد کل انسان هایی که از آفریقا خارج شدند به پنجاه میلیون خواهد رسید و دو سه برابر همین تعداد از جمعیت آفریقا کودکان و پیرانی بودند که به جهت از دست دادن پدر و مادر یا نان آور خود جان سپردند، آن گاه متوجه عمق فاجعه خواهیم شد که چگونه حدود صدو پنجاه میلیون نفر از جمعیت آفریقا طی چهار صدو پنجاه سال به دست اروپاییان نابود شدند.

حال اگر، بردگان سرخ پوستی را که از آمریکا به اروپا حمل شدند یا در همان سرزمین آمریکا به بردگی گرفته شدند را به آمار مزبور بیافزاییم رقم یاد شده بسیار بیشتر خواهد شد و این گوشه ای است از خیانت اروپاییان به بشریت و قطره ای است از جنایات همان کسانی که امروز فریاد حقوق بشرشان گوش جهانیان را کر کرده است.

### وضعیت بردگان

گرچه ذکر وضعیت بردگان چندان ربطی به بحث ندارد، ولی به خاطر آگاهی از جنایت ها و خیانت های اسلاف مدعیان حقوق بشر اروپایی و آمریکایی به طور اجمالی، چگونگی زندگی بردگان و برخورد برده داران با آنان را مورد بررسی قرار می دهیم :

نویسنده ای پرتغالی در قرن پانزدهم، صحنه جدا شدن بردگان را از یک دیگر در «لیسون» چنین توصیف می کند :

برخی از آنان سرشان را پایین انداخته بودند و درحالی که صورتشان از اشک مرطوب بود به یک دیگر نگاه می کردند، بعضی ها ناله می کردند و سرشان را به سوی آسمان گرفته بودند و گاه با صدای بلند گریه می کردند. عده ای با دست به سر و روی خود می کوبیدند و عده ای دیگر خود را با تمام هیكل روی زمین می انداختند با آمدن افرادی که وظیفه تقسیم برده ها را بر عهده داشتند ضجه و فغان برده ها بیشتر شد؛ این افراد مأمور بودند برده ها را از یک دیگر جدا کنند؛ یعنی : زن را از شوهر، برادر را از برادر و پدر را از پسر جدا کنند؛ نه به وابستگی های خانوادگی توجهی می کردند و نه به آشنایی ها، هرکس را به جایی می فرستادند که قسمتش بود. (۱)

ص: ۲۱۳

---

۱- (۱). دیوید کی لینگ ری، تجارت برده، ترجمه سوسن حیدری، ص ۴۲. به نقل از : محمود حکیمی، تاریخ تمدن جهان، ج ۱۰، ص ۵۲ و ۵۴.



گاهی اوقات اروپایی ها و رؤسای قبایل، تصمیم می گرفتند برای به دست آوردن برده به قبایل مجاور حمله ببرند؛ در این برنامه ننگین اسیر کردن برده، اروپایی ها از سلاح های جدید استفاده می کردند و در نتیجه صحنه های هولناک و تأثر انگیزی به وجود می آمد، افراد قبیله مهاجم کلبه ها را آتش می زدند و زنان و کودکان را می بردند و اروپایی ها مردان قبیله را که قصد دفاع از زنان و کودکان خود را داشتند می کشتند و یا آنها را اسیر می کردند....

برده ها قبل از آن که به کشتی منتقل شوند به مکانی موقت به نام بارکون منتقل می شدند؛ بارکون حصاری چوبی بود که بردگان را برای آن که فرار نکنند در آن زنجیر می کردند؛ در این زندان موقت، وضع بردگان بسیار بد و ترحم انگیز بود: بیشتر برده ها از تب و یا اعمال وحشیانه جان می سپردند؛ بعد از آن که کشتی آماده می شد بردگان را به داخل کشتی منتقل می کردند؛ محل زندگی بردگان، طبقه پایین کشتی بود و چون معمولاً تعدادشان بسیار زیاد بود: از نبودن هوا و وضع بد بهداشتی رنج می بردند، همین امر سبب می شد بسیاری از بردگان در بین راه جان دهند. (۱)

تاجران، برده ها را به آمریکا می بردند در آن جا قبل از فروش، بردگان را داغ می کردند، آنان برای داغ کردن از یک آهن سرخ شده استفاده می کردند: آهن سرخ شده وقتی روی پوست برده گذاشته می شد مهر شرکت فروشنده برده را بر روی پوست وی حک می کرد. (۲)

منکو پارک که در سال ۱۷۹۶م. مدت چهل و چهار روز، همراه کاروانی از بردگان بوده در خاطرات خود می نویسد:

بازرگانان به خاطر جلوگیری از فرار مجبور می شدند برده ها را پیوسته در غل و زنجیر نگاه دارند... معمولاً پای راست یکی را به پای چپ دیگری زنجیر می کردند... در شب، یک جفت حلقه اضافی به دست هایشان می بستند و گاهی

هم زنجیری سبک به گردنشان می آویختند. (۳)

ص: ۲۱۴

---

۱- (۱). تاریخ تمدن جهان، ج ۱۰، ص ۵۶ و ۵۷

۲- (۲). همان، ص ۵۸

۳- (۳). همان، ص ۵۹ و ۶۰.

برده داران، موقع معاینه بردگان، همه آنها را اعم از زن و مرد، بدون هیچ حجب و حیایی برهنه می کردند.

طبق تصویری جیمز والوین ارائه می کند :

در مستملکات آمریکایی بریتانیا، جمعیت سفید به دو بخش تقسیم می شد، دو سوم جامعه سفیدپوستان را طبقه متوسط انگلیسی تشکیل می داد که هر یک چهار برده یا کمتر در تملک داشتند؛ و یک سوم نخبگان پلانتوکرات بودند که مالکیت بخش عمده اراضی و انبوه بردگان در دست آنها بود؛ اینان در زندگی شاهانه خود غوطه می خوردند؛ میهمانی های مجلل و پر خرج، میخوارگی و آمیزش افراطی با زنان برده، بخش مهمی از اوقاتشان را پر می کرد. هر نوع عملیات جنسی با بردگان مجاز بود؛ اولین رابطه جنسی پسران سفید پوست که به بلوغ می رسیدند معمولاً با زنان سیاهی بود که آنان را بزرگ کرده یا حتی شیر داده بودند؛ بدین سان در قاره آمریکا نسلی از بردگان مادرزادی پدید آمد، انسان هایی که از پدران سفید پوست بودند و به عنوان برده در خانه برادران و خویشاوندان پدری خود کار می کردند. اروپاییان تا مدت ها مانع از تشکیل کانون خانواده به وسیله سیاهان می شدند، زیرا گمان می بردند آنان فاقد گزینه تشکیل خانواده اند : موجوداتی کمتر از حیوانات؛ سال های طولانی گذشت تا سرانجام اجازه زندگی خانوادگی به بردگان داده شد. (۱)

### منع برده داری و عوامل مؤثر در آن

«دانمارک» نخستین کشوری بود که در نیمه دوم قرن هجدهم، تجارت برده را غیر قانونی شناخت؛ سپس «انگلیس» در سال ۱۸۰۷م. قانونی را در مجلس تصویب کرد که مورد عمل قرار نگرفت و در سال ۱۸۳۳م. لایحه دیگری تصویب شد که البته این قوانین همگی تجارت برده را ممنوع می کردند، ولی بردگی موجود را به رسمیت می شناختند؛ با این همه سرانجام برده ها آزاد شدند و در سال ۱۸۸۸م. برزیل آخرین

کشوری بود که بردگی را لغو نمود؛ اما به راستی چه عواملی در لغو برده داری و ممنوعیت آن مؤثر بود؟

ص: ۲۱۵

شکی نیست که فریادهای انسان دوستانه بر ضد برده داری در این امر تأثیر داشت؛ اما بیش از این که این فریادها مؤثر باشند، عوامل دیگری در لغو برده داری سهیم بودند که در کتاب زرسالاران پارسی و یهودی نوشته عبدالله شهبازی آنها را چنین برمی شمارد:

۱. کاهش اهمیت «اقتصاد پلانت کاری» و به تبع آن، کاهش سودآوری تجارت برده؛

۲. آغاز اوج گیری تجارت جهانی تریاک در اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم؛

۳. آغاز موج شورش های بزرگ بردگان در پلانت ها (کشت زارها) از اواخر سده هجدهم؛

۴. دگرگونی در ساختار اجتماعی و فرهنگی غرب، طی سده نوزدهم. (۱)

تأثیر عوامل مزبور به مراتب بیشتر از فریادهای انسان دوستانه بود و لذا می بینیم برده داری در بخش هایی که سودآوری دارد هنوز هم رواج دارد منتهی نه تحت عنوان برده داری بلکه با عناوین دیگر.

### تأثیر برده داری در عقب ماندگی آفریقا

جمعیت غرب آفریقا در نیمه سده نوزدهم بیست و پنج میلیون نفر گزارش شده است؛ برخی از محققین معتقدند اگر تجارت جهانی برده نبود، این جمعیت باید چهل و شش تا پنجاه و سه میلیون نفر می بود.

در این غارت استعماری نه تنها ثروت های مادی و نیروی انسانی قاره آفریقا به تاراج رفت، بلکه مناطق مسکونی این قاره نیز به جوامعی ناموزون و فاقد ساختار متعادل جمعیتی و فرهنگی، و بیگانه با میراث تاریخی خویش بدل شدند و بدین سان، ساخت های سیاسی و اجتماعی آنان نیز منهدم گردید؛ این مسئله امکان نوزایی قاره آفریقا را برای دوران طولانی از میان برد.

مردان؛ خصوصاً جوانان به اسارت برده می شدند و جمعیت زنان بیشتر شده و

موجب عدم تعادل می گردید. (۲)

ص: ۲۱۶

۱- (۱). همان، ص ۲۳۵

۲- (۲). همان، ص ۲۳۴.

اشاره

امروز به رغم پایان برده داری رسمی، برده داری تحت عنوان صنعت جنسی (۱) و برده داری جنسی (۲) هم چنان ادامه دارد. آن چنان که در کنفرانس سال ۱۹۹۱م. «سازمان زنان آسیای جنوب شرقی» عنوان گردید: از سال ۱۹۷۵م. تا آن زمان، یعنی: در فاصله شانزده سال، حداقل سی میلیون زن در سراسر جهان به فاحشه خانه ها فروخته شده اند.

خانم واسیلیا تامزالی، رئیس بخش زنان یونسکو در این باره می گوید:

صنعت جنسی بازار عظیمی است که نیروهای محرکه خاص خود را داراست؛ این شبکه جهانی برده داری، توسط باندهای قدرتمند مافیایی اداره می شود که بازار جهانی را از ژاپن تا آمریکا در کنترل دارند. (۳)

شکل دیگر بردگی در زمان حاضر، فروش کودکان است؛ تجارت کودکان جهان سوم که از اوایل دهه ۱۹۸۰م. (۱۳۶۰هـ-ش.) شروع شده است هر روز ابعاد وسیع تری به خود می گیرد: در حالی که آمار کودکان فروخته شده تا سال ۱۹۸۵م. (۱۳۶۴هـ-ش.) فقط یک صد هزار نفر حدس زده می شد، این رقم در آغاز قرن بیست و یکم به بیش از سی میلیون نفر رسیده است. (۴)

۳- اعتیاد

سومین ارمغان استعمار برای ملت های استعمارزده، اعتیاد است؛ اعتیاد به مواد مخدر حربه ای است که می تواند همه آحاد یک ملت را در برگیرد و آنان را هم چون بره ای، رام سازد؛ به همین جهت به گفته پل باران:

وقتی آنها از توانایی و روحیه فرد برجسته ای بیم ناک می شدند و با این حال جرات قتلش را نداشتند، برایش بساط منقل و وافور می چیدند؛ نتیجه آن می شد که ظرف چند

ماه تمام نیروی جسمی و فکری شخص نگون بختی که به تریاک معتاد می شد از بین می رفت و به فردی احمق تبدیل می گردید که کاری از دستش ساخته نبود. (۵)

ص: ۲۱۷

۱- (۱) . Sex Industry

۲- (۲) . Sex Slavery

۳- (۳) . همان، ص ۲۳۷.

۴- (۴) . همایون الهی، همان، ص ۱۸۹.



در زمان های پیشین، موادی هم چون تریاک در جهان ناشناخته نبوده است؛ ولی موارد استفاده از آن بسیار محدود بوده و بیشتر هم مصرف پزشکی و دارویی داشته است؛ آن هم نوعاً برای افرادی با سنین بالا.

اما توسعه مواد مخدر به گونه ای که امروزه شایع است، حداقل در شرق، هم زمان است با ورود استعمارگران اروپایی؛ آنان ابتدا سعی کردند به شیوه های گوناگون مردم را به مصرف مواد مخدر تشویق نمایند تا حالت وابستگی به این ماده در میان آنان شیوع یابد که پس از آن با فروش مواد مخدر، هم سود کلان مادی به جیب می زدند و هم مردم را گرفتار این ماده خانمان سوز و ویرانگر می نمودند؛ البته در ابتدای امر، این مواد به صورت طبیعی عرضه می شد و به مصرف می رسید؛ ولی همزمان با پیشرفت دانش تجربی، انواع مختلف مواد ثانویه و یا مصنوعی به بازار عرضه شد و روز به روز مشتریان بیشتری را به خود جلب کرد.

بحران مواد مخدر امروزه دامن گیر خود کشورهای استعمارگر نیز شده است، به طوری که در آمریکا در اوایل دهه ۱۹۷۰م. هر روز چهار نفر به علت مصرف هرویین می مردند و پنجاه و پنج درصد جنایات به وسیله معتادان و یا قاچاقچیان مواد مخدر انجام می گرفت...؛ در سال ۱۹۷۴م. (۱۳۵۳-ه.ش.) بیشتر معتادانی که در «فرانسه» دستگیر شدند، کمتر از بیست سال داشتند، در حالی که در سال ۱۹۴۶م. (۱۳۲۵-ه.ش.) از چهارصد نفر معتاد دستگیر شده فرانسوی، فقط یک نفر کمتر از بیست سال داشت. (۱)

این ارقام، امروزه در جوامع غربی به مراتب بیشتر شده است؛ در «آمریکا» تعداد معتادان به «هرویین» از آلمان غربی بیشتر بوده و رقمی برابر نیم میلیون نفر را در سال ۱۹۸۵م. (۱۳۶۴-ه.ش.) در برمی گرفت؛ در مورد کوکائین بایستی گفت که مصرف کنندگان «کوکائین» در این سال، حدود ۴/۳ میلیون نفر بودند. مصرف «ماری جوانا» نیز در آمریکا، بسیار فراگیر است. (۲)

تعداد کسانی که به سبب شرارت های ناشی از مواد مخدر دستگیر شده اند از چهارصد هزار نفر در سال ۱۹۷۰م. (۱۳۴۹-ه.ش.) به بیشتر از ششصد هزار نفر

ص: ۲۱۸

۱- (۱). همایون الهی، همان، ص ۲۳۳.

۲- (۲). همان، ص ۲۳۴.

در سال ۱۹۷۳م. (۱۳۵۲هـ-ش.) و به حدود ششصد و نود هزار نفر در سال ۱۹۸۲م. (۱۳۶۱هـ-ش.) و به بالاتر از هشتصد هزار نفر در سال ۱۹۸۵م. (۱۳۶۴هـ-ش.) رسید.

اما در مقابل همه این مسائل، سود سالانه قاچاقچیان مواد مخدر در آمریکا، حداقل برابر بیست و پنج میلیارد دلار است. (۱)

این ارقام در کشورهای جهان سوم، بیشتر می شود؛ خصوصاً بعد از پیروزی «انقلاب اسلامی ایران»، استعمارگران از ترس گسترش انقلاب در کشورهای اسلامی به ترویج بیشتر مواد مخدر در این کشورها روی آورده اند.

طبق آمارهای رسمی در پاکستان، در سال ۱۹۸۰م. (۱۳۵۹هـ-ش.) تعداد معتادین به هرئین صفر بوده که در سال ۱۹۸۴ به دویست هزار نفر رسید و طبق آمارهای موجود در دانشگاه کراچی دوازده درصد از دانشجویان معتاد هستند. (۲)

براساس گزارش «سازمان ملل» در اواخر دهه ۱۹۹۰م. (۱۳۷۰هـ-ش.) حدود صد و هشتاد میلیون نفر، یعنی ۴/۳ درصد جمعیت بالای پانزده سال، معتاد به مصرف مواد مخدر هستند. (۳)

#### ۴- نسل کشی

چهارمین پیامدی که استعمار برای مناطق استعمارزده داشته است، کشتن و نابود کردن بخش عظیمی از انسان هاست، هر گوشه ای از جهان که دوران تلخ استعمار را تجربه کرده باشد، اگر تاریخ آن را ورق بزنیم، آثار این جنایت ها و کشتار جمعی دیده می شود؛ برای نمونه: اروپاییان در هجوم خود به قاره آمریکا و جزایر اقیانوس ها، به منظور تأمین سلطه بدون معارض خویش، سیاست نسل کشی و نابودی دسته جمعی سکنه بومی را

پیش گرفتند؛ به نوشته ارنست ماندل:

وحشی گری هولناک فاتحان اسپانیایی را در آمریکا همه می دانند؛ اینان در یک فاصله زمانی پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ پوست را نابود

ص: ۲۱۹

۱- (۱). همان، ص ۲۳۵.

۲- (۲). همان، ص ۲۳۵.

۳- (۳). همان، ص ۲۳۶.

کردند و این عدد بنا به عقیده مورخین محافظه کار به دوازده میلیون نفر بالغ می شود؛<sup>۱</sup> مناطقی مانند «هاییتی»، «کوبا»، «نیکاراگوئه» و سواحل «ونزوئلا» که تراکم جمعیت بسیار داشتند، کاملاً از جمعیت خالی شد؛<sup>۲</sup> در این بین «هاییتی» نمونه ای گویاست؛<sup>۳</sup> این کشور جزیره ای است که کریستف کلمب در دسامبر ۱۴۹۲م. بر آن پای نهاد و آن را هیسپانیولا نامید؛<sup>۴</sup> این منطقه، جزیره ای پر جمعیت بود که در آن زمان، کلمب تعداد سکنه بومی آن را نهصد هزار نفر تخمین زد؛<sup>۵</sup> بعدها یورش اروپاییان به این جزیره، برای یافتن طلا- آغاز شد و در سال ۱۵۰۸م. تنها شصت هزار نفر از این مردم زنده بودند؛<sup>۶</sup> در سال ۱۵۳۳م. تعداد سکنه بومی، تنها چهارصد نفر گزارش شد و در نیمه سده هجدهم هیچ نشانه ای از آنان بر جای نماند. (۱)

آلبرماله درباره نقش استعماری اسپانیا و پرتغال می نویسد :

استعمارگران اسپانیایی و پرتغالی، ملل بومی آمریکای جنوبی، آفریقا و آسیای دور را مورد آزار قرار می دادند و می کشتند و منابع زیر زمینی آنها، به ویژه طلا را غارت می کردند؛<sup>۷</sup> از راه این غارت ها اروپا متحول گردید و سطح زندگی در میان تجار و بازرگانان و طبقات نوظهور جامعه نوین بالا- رفت؛<sup>۸</sup> تاریخ، صحنه های تکان دهنده ای از جنایات مهاجمان اروپایی به کشورهای آمریکای شمالی و جنوبی، آفریقا و آسیا را به تصویر کشیده که به راستی شرم آور است. (۲)

در میان مهاجران مهاجم، از همه قسی القلب تر فرانسیسکو پیزارو (۱۴۷۵ - ۱۵۴۱م.) سردار بی رحم اسپانیایی بود. که بر تمدن «اینکاها» تاخت و برای به دست آوردن «طلا» مردمان این سرزمین را از زیر تیغ گذراند. (۳)

این نسل کشی ها تا پایان سده نوزدهم در بقیه مناطق قاره آمریکا ادامه داشت؛<sup>۹</sup> (۴) قربانیان نسل کشی نیز، تنها سرخ پوستان نبودند، بلکه شامل سیاهان نیز می شدند؛<sup>۱۰</sup> طبق برخی نوشته ها : پس از الغای بردگی، در فاصله سال های ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰م. هر سال صد سیاه

ص: ۲۲۰

---

۱- (۱). عبدالله شهبازی، همان، ص ۲۲۰.

۲- (۲). آلبرماله، تاریخ قرون جدید، ترجمه سید فخرالدین شادمان، ص ۲۱ - ۲۶.

۳- (۳). ر. ک به : دی براون، فاجعه سرخ پوستان آمریکا (دلم را به خاک بسپار)، ترجمه محمد قاضی.

۴- (۴). عبدالله شهبازی، همان، ص ۲۲۱.



«لیچ» می شدند؛ یعنی: آنان را زنده زنده می سوزاندند، یا این که آنان را قطعه قطعه کردند: و یا به دار می آویختند.

در سال ۱۹۱۷م. شدیدترین شورش بر ضد سیاهان در شهر «سنت لویس» روی داد و علت آن ترس سفیدپوستان از پیشرفت اقتصادی سیاهان بود که آنان را خطری برای کارگران سفید می دانستند؛ در گزارشی که برای رئیس جمهور آمریکا در این باره تهیه شده، آمده است:

در منطقه ای به طول هشتصد متر تا چهار ساعت خون جاری بود؛ جلو اتوبوس ها را می گرفتند و سیاهان را از هر سن و جنسی پیاده و سنگ باران می کردند یا با چماق و لگد می زدند و با خون سردی سیاهانی را که در خیابان در خون خود افتاده بودند با هفت تیر می کشتند...، خانه هایشان را آتش می زدند؛ بیش از سیصد خانه در آتش سوخت. (۱)

«اسکیموها»، قربانیان دیگر این نسل کشی هستند؛ هم چنان که این نسل کشی ها تنها به قاره آمریکا محدود نمی شد؛ برای نمونه: جزیره بزرگ «تاسمانیا» در جنوب استرالیا، در سال ۱۶۴۲م. به وسیله یک ماجراجوی دریایی کمپانی هند شرقی «هلند» به نام ابل جانسون تاسمان (۲) کشف شد و در سال ۱۸۰۲م. به تصرف انگلیسی ها درآمد و سیاست امحای بومیان این منطقه تا سال ۱۸۷۶م. ادامه یافت. (۳)

اگر کشتار مردم «الجزایر» به دست فرانسوی ها، مردم «لیبی» به دست ایتالیایی ها، مردم «افغانستان» به دست دولت شوروی و سپس آمریکا، مردم «عراق» به دست آمریکا و انگلیس و دیگر اعضای ناتو، مردم «لبنان» و «فلسطین» به دست صهیونیست های اشغالگر، مردم «ویتنام» به دست آمریکایی ها، کشتار مردم «آفریقا» به دست سفیدپوستان و... همه را به حساب آوریم، متوجه خواهیم شد که عمق

فاجعه نسل کشی تا چه اندازه است.

به گفته ویلیام هاویت نویسنده مسیحی انگلیس:

بربریت و فجایع وحشیانه ای که نژادهای به اصطلاح مسیحی در هر نقطه جهان و بر ضد مردم هر کشور تسخیر شده مرتکب شده اند، در هیچ عصری از

ص: ۲۲۱

---

۱- (۱). ر. ک به: هاروی واسرمن، تاریخ مردمی آمریکا، ترجمه محمد قاضی و ملک ناصر نوبان.

۲- (۲). Abel Jansoon Tasman.

۳- (۳). عبدالله شهبازی، همان، ص ۲۲۱.

## ۵- غصب سرزمین

پنجمین پیامد استعمار، غصب سرزمین است؛ بخش های وسیعی از خاک جهان که متعلق به ملت های غیر اروپایی بود، به طور کامل یا حداقل بخش هایی از آنها به اشغال استعمارگران درآمد و توسط آنان غصب گردید؛ ساکنان بومی این مناطق، توسط اروپاییان نابود شده یا آواره گشتند و غاصبان اروپایی در سرزمین متعلق به آنان سکونت گزید و نام دیگری بر آن نهادند. ذکر نام کشورها و شرح ماجرای غم انگیز مردم آنها، بخش دیگری از جنایات انسان اروپایی نسبت به دیگر ساکنان کره زمین است که خود نیازمند تألیفی جداگانه است؛ در این بحث تنها به ذکر چند نمونه از این مناطق بسنده می شود:

۱. بخش وسیعی از نیم کره غربی که امروز به «ایالات متحده آمریکا» ( united state of america ) شهرت دارد و دارای ۹/۳۶۳/۱۲۳ کیلومتر مربع وسعت است، متعلق به بومیان این منطقه بود که از سرخ پوستان و اسکیموها تشکیل می شدند؛ اما مهاجران اروپایی با قساوتی وصف ناپذیر، بومیان منطقه را کشته و یا مجبور به ترک خانه و کاشانه خود کردند و این سرزمین پهناور را غصب نموده و نام آمریکا را بر آن گذاشتند؛

۲. کشور «کانادا» با ۹/۹۷۶/۱۳۹ کیلومتر مربع وسعت در نیم کره شمالی و در همسایگی آمریکا واقع شده است؛ این سرزمین پهناور و حاصل خیز دارای دریاچه های زیاد، جنگل های فراوان و آب و هوایی بسیار مطبوع است؛ این سرزمین نیز توسط مهاجران انگلیسی و فرانسوی غصب گردید و در حال حاضر نیز گرچه به ظاهر مستقل است؛ ولی به ملکه انگلیس وفادار است؛

۳. «استرالیا» با ۷/۶۸۶/۴۲۰ کیلومتر مربع وسعت، سرزمین دیگری است که توسط مهاجران اروپایی غصب گردید؛

ص: ۲۲۲

۴. «آفریقای جنوبی» با ۱/۱۴۶/۰۶۳ کیلومتر مربع مساحت، توسط مهاجمان انگلیسی و هلندی به اشغال درآمد و سیاهان ساکن این منطقه، سال های سال زیر شکنجه سفیدپوستان بودند و هنوز هم سفیدپوستان همه مزارع مرغوب آن جا را در تصرف دارند؛

۵. «فلسطین اشغالی» با مساحت ۲۰۷۷۰ کیلومتر مربع، بعد از جنگ جهانی اول، توسط انگلیس غصب گردید و به یهودیانی که از سراسر جهان به این منطقه مهاجرت داده شدند، واگذار گردید؛

۶. غصب جزایر متعددی در گوشه و کنار جهان توسط آمریکاییان: جزایر «پورتوریکو» با مساحتی بالغ بر ۸/۹۶۰ کیلومتر مربع، «ساموآ» واقع در شمال شرقی زلاندنو، جزایر «ویرجین»، جزایر «الوشن»، جزایر «میدوی»، جزایر «پری بلاف»، جزیره «ویک»، جزیره «جانسون»، جزیره «کینگمن ریف»، جزیره «پالمیرا»، جزیره «جارویس»، جزیره «هاولند»، جزیره «بیکر»، جزایر «سند» و جزیره «سویئر» همه نمونه هایی است از غصب سرزمین توسط آمریکا.

آمریکا، هم چنین مدعی است که جزایری مانند: «کنتن»، «اندریری»، «استارباک»، «مالدن»، «کرسمس» و «فینکس» که در جنوب جزایر «هاوایی» واقع شده اند، متعلق به آمریکا و انگلستان است.

آمریکا، هم چنین پایگاه های نظامی خود را در جزایر «جومیکا»، «ترینیداد»، «سینت لوسیا»، «انتیگا»، «برمودا»، «نوفوندلند» و «بربریتیش گیانا» مستقر نموده و مدعی است که این جزایر را اجاره نموده است. (۱)

## ۶- تخریب فرهنگ و تمدن ملت های دیگر

یکی دیگر از آثار و پیامدهای استعمار، تخریب فرهنگ دیگر ملت هاست؛ واضح است که استعمارگران، خصوصاً غربیان، با ابزار و وسایلی که در اختیار دارند، فرهنگ دیگر ملت ها را از بین برده اند؛ در بخش های زیادی از جهان، نظام اخلاقی و نظام اندیشه و

ص: ۲۲۳

مبانی شکل‌گیری آرا و عقاید، ارزش‌های انسانی و باورهای مذهبی تخریب شده و فرهنگ و هنر به نازل‌ترین سطح خود رسیده است. با توجه به چنین شرایطی، خطر سقوط و اضمحلال فرهنگ‌ها از هر زمان دیگری بیشتر است و هم‌چنان که در فرازهای گذشته شرح آن گذشت: بخش عمده‌ای از این مسئله نیز ریشه در فعالیت‌های استعماری دولت‌های سلطه‌گر غربی دارد.

استعمارگران، نه تنها تخریب فرهنگ‌ها را وجهه نظر خویش قرار دادند، بلکه آثار باقیمانده از تمدن‌های ملل تحت استعمار را هم نابود و یا به تاراج بردند. به عنوان مثال: در آمریکا، سفیدپوستان مهاجر و مهاجم، آثار هنری، بناهای تاریخی، متون نگاشته شده و نقاشی‌های ترسیم شده را به اسم تمدن بد سرشت، از بین بردند. (۱)

نمونه بارز دیگری از غارت فرهنگی، تاراج آثار باستانی موجود در موزه ملی عراق توسط اشغالگران آمریکایی و انگلیسی است که مجموعه‌ای غنی از فرهنگ بین‌النهرین را در خود جا داده بود.

برخی از بومیان آمریکا از نظر تمدن، پیشرفت‌نمایی کرده بودند. برای مثال: «مایاها» که در مکزیک جنوبی و آمریکای مرکزی زندگی می‌کردند، کشفیات اصیلی داشتند و با دست‌آوردهای اقوامی که در نیم کره خاوری می‌زیستند، کوس برابری می‌زد. آنها در آن زمان، کشاورزی پیشرفته‌ای را به وجود آورده بودند. تقویم قمری داشته و در زمینه هنر نیز پیشرفت فراوانی داشتند. پیش از عصر مسیحیت، تمدن شهرنشینی را ایجاد کرده بودند: تمدنی که نخستین تمدن در نیم کره باختری به شمار می‌رود. «مایاها» از ادبیاتی غنی نیز برخوردار بودند. میراثی که بر اثر کشورگشایی ویرانگر اسپانیایی‌ها، هم‌اینک به کلی از میان رفته است. «مایاها»

گذشته از این آثار هنری، ظرف‌های سفالین و پارچه‌های عالی تولید می‌کردند. (۲)

بخش دیگری از تمدنی که در قاره آمریکا وجود داشت، تمدن «اینکاها» بود. آنان در «اکوادور»، «پرو» و «بولیوی» زندگی می‌کردند. امپراتوری بزرگ «اینکا» از ۱۴۰۰م. تا

ص: ۲۲۴

---

۱- (۱). ر. ک: مجیر شیبانی، تاریخ ایالات متحده آمریکا، ص ۲۹.

۲- (۲). هنری لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۶.

کشورگشایی اسپانیایی ها در مرحله اوج خود بود؛ آنان نخستین بومیان آمریکایی بودند که فلزها را به کار گرفتند و تمدنی بر پایه کاربرد فلزات پدید آوردند. (۱)

سومین قوم نیرومندی که در این قاره بودند «آرتک»ها بودند که در «مکزیک» زندگی می کردند، ولی ورود اسپانیایی ها به آمریکا، تمدن آرتک را هم که آینده خوبی داشت نابود کرد. (۲)

وجود تمدن های بومی آمریکا با خصلت های منحصر به فرد خود که در درجاتی از پیچیدگی و پیشرفت بود، نه تنها تحسین اروپاییان را برن انگیخت، بلکه عملاً هم آنها را از بین بردند؛ آنان ساختار سیاسی و اجتماعی به اصطلاح کهن را از میان برداشتند و نهادها، مذهب، زبان و فرهنگ اروپایی را به جای آن نشانند. (۳)

به گفته برنارد لوئیس :

آنهایی که با تفکر مدرن، آشنایی دارند، می دانند که در توسعه طلبی اروپای غربی، کیفیت ویژه ای از غفلت اخلاقی وجود داشت که توسعه طلبی های نسبتاً بی تزویر قبلی، مانند توسعه طلبی «مغول ها»، «هون ها»، «عثمانی ها»، «عرب ها»، «آرتک ها» و حتی «روس ها» را که از دریای بالتیک تا اقیانوس آرام، به زیر سلطه شان در آمد، فاقد آن بودند. (۴)

این تخریب ها، منحصر به تمدن بومیان آمریکا نبود؛ بلکه آنان در هر جای کره خاکی، با تمدن های موجود روبه رو گشتند و با آنان درگیر شدند؛ پنج نمونه از این برخوردها از گستردگی و اهمیت زیادی برخوردار است: «آمریکای شمالی و جنوبی»

در نیمکره غربی، «چین»، «هند» و «جهان اسلام» در نیم کره شرقی که در مورد اخیر، دامنه توسعه و نفوذشان تقریباً تمامی آسیا و بخش بزرگی از آفریقا را دربر می گرفت؛ همه اینها به شدت تحت تأثیر سلطه مخرب اروپای توسعه طلب قرار گرفتند. (۵)

ص: ۲۲۵

۱- (۱). همان

۲- (۲). همان.

۳- (۳). اشپیگل فوگل، تمدن مغرب زمین، ترجمه محمد حسین آریا، ج ۱، ص ۶۲۷.

۴- (۴). برنارد لوئیس، برخورد فرهنگ ها، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در عصر اکتشاف، ترجمه نادر شیخ زادگان، ص ۹.

۵- (۵). همان.

استعمارگران، علاوه بر کشتن انسان‌های متعدد و غصب سرزمین آنان، محیط زیست را نیز تخریب نموده و ضررهای غیر قابل جبرانی به منابع انسانی و مادی زده‌اند که این نیز، بحث مفصلی را می‌طلبد؛ ما در این جا تنها به پیامد یکی از تجاوزات استعمارگران اشاره می‌کنیم.

جنگ چهل و سه روزه نفت که در سال ۱۹۹۱م. در منطقه خلیج فارس اتفاق افتاد، یکی از نمونه‌های این نوع تجاوزات است که در جهات مختلفی، تأثیرات بسیار مخربی بر روی منطقه داشت که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. کشورهای عرب منطقه خلیج فارس در سال ۱۹۹۴م. اعلام داشتند که در این جنگ ششصد و بیست میلیارد دلار متضرر شده‌اند؛ تنها بخشی از هزینه‌هایی که عربستان بابت حضور نظامیان آمریکا و دیگر هزینه‌های این کشور پرداخت نمود پنجاه و پنج میلیارد دلار بود.

۲. در این جنگ، آمریکا مقدار زیادی «اورانیوم تخلیه شده» (۱) را به کار برد.

به کارگیری این نوع از مواد، موجب شد، بسیاری از کودکان عراقی که بعد از این جنگ متولد شدند؛ ناقص الخلقه به دنیا بیایند و به همین علت، بعضی از عراقی‌ها از ترس این مسئله از ازدواج و برخی زوج‌ها نیز از بچه دار شدن جلوگیری می‌نمایند؛ این نوع از ناراحتی‌ها به گونه‌ای

است که متأسفانه می‌تواند به نسل‌های آینده منتقل شود؛ این عوارض، غیر از عراقی‌ها، سربازان شرکت‌کننده در جنگ را نیز مبتلا نموده است. بسیاری از سربازان آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، سعودی، مصری، استرالیایی، کانادایی و کشورهای دیگری که در این جنگ شرکت داشتند نیز، به انواع سرطان‌ها مبتلا شدند که به «سندروم خلیج فارس» مشهور شد. (۲)

ص: ۲۲۶

---

۱- (۱). اورانیوم تخلیه شده، همان زباله اتمی است که چون کمتر از حد معمول ایزوتوپ ۲۳۵ (U-۲۳۵) دارد که یک ماده انشقاقی است، به این نام مشهور شده است؛ این ماده به علت تراکم بسیار، قادر به نفوذ در خودروهای زرهی می‌باشد؛ از خواص دیگر این ماده این است که پس از اصابت خودبه خود می‌سوزد و به ذرات کوچکی تبدیل می‌شود که در هوا معلق شده و مسافت زیادی را طی می‌نمایند؛ این ذرات ریز که بسیار هم سمی هستند، از طریق استنشاق، وارد ریه انسان شده و او را آلوده به انواع سرطان‌ها کرده و یا تغییرات ژنتیکی را در او سبب می‌شوند که موجب نقص عضو فرزندان افراد مبتلا خواهد شد.

۲- (۲). برای اطلاع بیشتر، رجوع شود به: سید هاشم میر لوحی، آمریکا بدون نقاب، ص ۵۳-۶۰.

البته از استعمارگران آمریکایی و اروپایی، غیر از این انتظار دیگر نمی رود؛ دولت آمریکا در طول سال های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ میلادی شصت و هفت بمب اتمی و هیدروژنی را در جزایر «مارشال» و «بیکنی» منفجر نمود و از مردم این جزایر که شهروند آمریکا بودند به عنوان موش آزمایشگاهی استفاده نمود. (۱)

به کارگیری این مواد، آب، خاک و هوا را نیز آلوده می نماید و لذا در سال های اخیر چهارده نوع آفت جدید، محصولات کشاورزی عراق را تحت تأثیر قرار داده است که قبلاً سابقه نداشتند. (۲)

ص: ۲۲۷

---

۱- (۱). همان

۲- (۲). همان.

استعمار در دوران سلطه بر مناطق تحت استعمار، آثار و پیامدهای ناگواری بر جای گذاشت که عبارتند از :

۱. عقب ماندگی؛ به گونه ای که بخش عظیمی از جهان از لحاظ اقتصادی عقب مانده و روزه روز شکاف بین این بخش با بخش دیگر جهان بیشتر می شود.

استعمارگران سعی کرده اند عقب ماندگی را به عوامل غیر واقعی هم چون : عامل جغرافیایی و نژادی، فقر منابع معدنی، فقدان نیروی انسانی متخصص و مدیر، جمعیت زیاد و داشتن دین نسبت دهند؛ اما واقعیت این است که عقب ماندگی، ریشه در عواملی چون : غارت ثروت ملل تحت استعمار، تحمیل اقتصاد تک محصولی، خودباختگی ملل تحت استعمار و باور نداشتن توانایی های خود وجدان کاری دارد؛

۲. برده داری از دیگر آثار استعمار است که به نابودی تعداد زیادی از جمعیت دنیا خصوصاً آفریقا انجامید، ولی از این طریق، سود فراوانی نصیب اروپاییان شد.

گرچه امروزه رسماً برده داری وجود ندارد؛ ولی این پدیده شکل جدیدی به خود گرفته و هنوز نیز تعداد زیادی قربانی این پدیده شوم می شوند.

البته، لغو برده داری نیز بیشتر از این که در یک خواست انسان دوستانه ریشه داشته باشد در عوامل اقتصادی ریشه دارد؛

۳. اشاعه اعتیاد به مواد مخدر، پیامد دیگر استعمار بر مناطق تحت سلطه است؛ گرچه این پدیده شوم، گریبان گیر جوامع استعمارگر نیز شده است؛

۴. نسل کشی و نابود کردن برخی نژادها، مانند «سرخ پوستان» و «اسکیموها» و نیز بخش های زیادی از جمعیت جهان، یکی دیگر از دست آوردهای استعمار محسوب می شود؛

۵. غصب سرزمین و اشغال مناطق وسیعی از دنیا، اثر دیگری است که از استعمار بر جای مانده است که نمونه بارز آن، اشغال آمریکای شمالی توسط اروپاییان می باشد؛



۶. از جمله دیگر پیامد استعمار، تخریب فرهنگ ملل تحت استعمار و حتی آثار باقی مانده از تمدن های کهن آنان است؛

۷. آخرین پیامد استعمار، تخریب محیط زیست و منابع انسانی و مادی است؛ استعمارگران، با غصب سرزمین های ملل مغلوب به ویژه از طریق جنگ همواره منابع انسانی، مادی و طبیعی کشورها را به نابودی کشاندند.

ص: ۲۲۹

۱. کشورهای جهان از لحاظ پیشرفت اقتصادی به چند دسته تقسیم می شوند؟ توضیح دهید.
۲. نابرابری اقتصادی و شکاف موجود بین دو بخش شمال و جنوب را به اختصار بیان کنید.
۳. چرا عواملی هم چون: عوامل جغرافیایی و نژادی، نمی توانند عامل عقب ماندگی باشند؟
۴. آیا می توان عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را به فقر منابع معدنی یا فقدان نیروهای انسانی متخصص و مدیر نسبت داد؟ توضیح دهید.
۵. چرا مسائلی از قبیل جمعیت زیاد و داشتن دین نمی تواند از عوامل عقب ماندگی به حساب آید؟
۶. چهار مورد از غارت ثروت کشورهای عقب مانده را توسط استعمارگران بیان کنید.
۷. چرا استعمارگران اقدام به تک محصولی کردن اقتصاد کشورهای تحت سلطه می نمایند؟
۸. خودباختگی و عدم وجود وجدان کاری را که از عوامل عقب ماندگی هستند، توضیح دهید.
۹. مسئله برده داری را مختصراً بیان کنید.
۱۰. تعداد بردگانی را که از آفریقا صادر شده اند ذکر کنید.
۱۱. عوامل مؤثر در لغو برده داری را بیان نمایید.
۱۲. شکل نوین برده داری را بیان کنید.
۱۳. توسعه مصرف مواد مخدر از چه زمانی و با چه هدفی آغاز شد؟
۱۴. دو مورد از نسل کشی استعمارگران را در جهان بیان نمایید.
۱۵. استعمارگران، چه بخش هایی از سرزمین های دنیا را غصب کردند؟ نام ببرید.
۱۶. استعمارگران چه تأثیراتی در فرهنگ ملل استعمارزده بر جای گذاشته اند؟

۱. احمد ساعی، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی - سیاسی جهان سوم، تهران، نشر قدس.
۲. همایون الهی، شناخت ماهیت و عمل کرد امپریالیسم، تهران، نشر قدس.
۳. همایون الهی، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، نشر قدس.
۴. شناخت آماری جهان سوم، پیر ژاله، ترجمه محمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. شمال - جنوب، برنامه ای برای بقا، بحران عمومی: همکاری برای بهبود وضع جهان، گزارش های کمیسیون مستقل بررسی مسائل رشد و توسعه جهان، به ریاست ویلی برانت، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، انتشارات آگاه.
۶. اقتصاد سیاسی رشد: ریشه های عقب ماندگی، پل. ا. باران، ترجمه مهدی قراچه داغی، انتشارات یالیان.
۷. عبدالله شهبازی، زرسالاران پارسی و یهودی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.
۸. الاستعمار الجديد آخر مراحل الامبریالیه، قوام نکرومه.
۹. دیوید کی لینگ ری، تجارت برده، ترجمه سوسن حیدری.
۱۰. محمود حکیمی، تاریخ تمدن جهان، شرکت سهامی انتشار.
۱۱. دی براون، فاجعه سرخپوستان آمریکا، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات خوارزمی.
۱۲. هاروی واسرمن، تاریخ مردمی آمریکا، ترجمه محمد قاضی و ناصر نوبان، تهران، نشر آروین.
۱۳. مجیر شیبانی، تاریخ ایالات متحده آمریکا، تهران، دانشگاه تهران.
۱۴. آسیت داتا، تجارت بین المللی و گرسنگی جهانی، ترجمه همایون الهی، تهران، نشر قدس.
۱۵. همایون الهی، کنترل جمعیت، توطئه استعمار علیه جهان سوم، تهران، انجمن خدمات اسلامی.

۱۶. حمید الیاسی، وابستگی جهان سوم (تحلیل نظری)، انتشارات اطلاعات.
۱۷. ایوانف، ملت های فقیر و ثروتمند، ترجمه نعمت الله تقوی، تبریز، بی نا.
۱۸. ریچارد بارنت، سیطره جهانی، رونالد مولر، ترجمه مصطفی قریب، انتشارات هاشمی.
۱۹. والتر رادنی، اروپا و ریشه های عقب ماندگی آفریقا، ترجمه محمد ریاضی، چاپخش.
۲۰. گرت پاچسنکی، سفیدها چه کردند، ترجمه محمد حسین حجازی، انتشارات توس.
۲۱. مجید رهنما، مسائل کشورهای آسیایی و آفریقایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
۲۲. چارلز رینولدز، وجوه امپریالیسم، ترجمه سید حسین سیف زاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۲۳. ژان ژیگر، غارت آفریقا یا استعمار دوباره، ترجمه دکتر عباس آگاهی، آستان قدس.
۲۴. حسن فاطمی، گرسنگی، ارمغان استعمار، شرکت سهامی انتشار.
۲۵. مالکوم واترز، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی.
۲۶. فیدل کاسترو، بحران اقتصادی و اجتماعی جهانی، ترجمه غلامرضا نصیرزاده، امیر کبیر.
۲۷. ماکسا کوفسکی، جغرافیای اقتصادی جهان، ترجمه صادق پویازند و رضا رضایی، نشر دنیای نو.
۲۸. پل هریسون، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، انتشارات فاطمی.
۲۹. عبدالناصر همتی، مشکلات اقتصادی جهان سوم، سروش.
۳۰. قوام نکرومه، آفریقا باید متحد شود، ترجمه احمد توکل، انتشارات مروارید.

#### اشاره

از فراگیر انتظار می رود در پایان این فصل :

۱. مبانی فکری استعمار را بیان کند؛

۲. نقش این مبانی را در پیدایش استعمار و گسترش آن تبیین کند.

استعمار نیز، همانند هر رفتار دیگر انسان بر اصولی فکری و پایه هایی نظری مبتنی است که این رفتار شوم را برای استعمارگران، امری طبیعی و توجیه پذیر جلوه می دهد.

این پدیده شوم، از جانب هر ملت و کشوری که صورت گیرد، دارای ماهیت واحدی است و بر خلاف این که نظام های سلطه جو و استعمارگر در قرن اخیر به ظاهر، دارای دو نوع دیدگاه سیاسی و اجتماعی، یعنی : لیبرالیسم و سوسیالیسم بوده اند، ولی این دوگانگی، امری سطحی و ظاهری بوده و هر دو نظام در اصول کلی با هم اشتراک دارند؛ در این فصل، برای آشنایی با ماهیت و چگونگی اندیشه حاکم بر نظام های سلطه به طور اجمالی، مبانی فکری استعمار و استعمارگری را مورد بررسی قرار می دهیم.

#### ۱- اومانیزم

##### (۱)

«اومانیزم» را در فارسی به «انسان گرایی»، «انسان مداری»، «مکتب اصالت انسان» معنا نموده اند. اومانیزم، طرز تفکری است که شخصیت انسان را بر هر چیزی مقدم

ص: ۲۳۳

می شمارد<sup>۱</sup> این مکتب از دیدگاه اومانیست ها، یعنی: اندیشیدن و عمل کردن با آگاهی و تأکید بر حیثیت انسانی.

این معنای اومانیسم، یکی از زیرساخت ها و مبانی فکری دنیای جدید به شمار می رود و بر بسیاری از آرا و نظریه های فلسفی، دینی، اخلاقی، ادبی، هنری و همین طور بر دیدگاه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مغرب زمین، تأثیر گذاشته است.

این شالوده مهم تفکر جدید غرب، با دو گرایش کلی بروز کرده است: یکی گرایش «فرد گرایانه» که اصالت را به فرد می دهد و خود را در مکاتب لیبرالیسم و کاپیتالیسم نشان داده است و دیگری، «جمع گرایانه» که اصالت را به جمع می دهد و در مکاتب سوسیالیسم و مارکسیسم خود را نمایان ساخته است.

اومانیسم، گرچه ریشه در تفکر یونان باستان دارد، اما نتیجه رنسانس است که به دنبال استقلال فرد و آزادسازی او از قیومت کلیسا بود<sup>۲</sup> به همین دلیل، این مکتب در ابتدا، مفاهیمی چون «اختیار» و «آزادی» انسان را می ستود، ولی بعدها، طبیعت گرایی، لذت جویی در زندگی اخلاقی و تساهل و تسامح دینی نیز به تدریج مورد علاقه آنان قرار گرفت.

«جنبش اومانیستی» در پایان قرن شانزدهم به عنوان یک جنبش، رو به اضمحلال گذاشت و لکن تأثیر آن هم چنان باقی ماند و حتی اندیشه «نهضت اصلاح دینی»<sup>(۱)</sup> لوتر نیز تحت تأثیر این جریان فکری قرار گرفت.

اندیشه مزبور، مجدداً در قرن هفدهم و هجدهم میلادی مطرح شد و بر گرایشات فکری کسانی چون ولتر، منتسکیو، لاک و هیوم تأثیر گذاشت بر همین اساس اعتقاد عمومی و مشترک افراد یاد شده این است که مسئله اساسی و محوری وجود آدمی، سر و سامان یافتن زندگی فردی و اجتماعی او بر موازین عقلی است نه کشف اراده خداوند و نه بهشت موعود، بلکه تحقق بخشیدن به طرح های انسانی مناسب با این جهان که از سوی عقل ارائه می شود.

به عبارت دیگر: اومانیسم بر محوریت انسان و پای بندی او به خواست ها و علایق فردی استوار است و نه خواست ها و علایق جامعه<sup>۳</sup> این است که انسان مورد نظر این

ص: ۲۳۴

طرز تفکر، به سطح حیوانیت تنزل کرده و شخصیت او، در همان خواسته های حیوانی اش محدود و خلاصه می شود.

نظریه داروین نیز در این تنزل سطح شخصیتی انسان به حیوان، تأثیر بسزایی داشت چرا که بر اساس این نظریه، انسان دیگر نه آن موجود شریفی است که مسجود ملائکه است، بلکه زاده همان حیوان است با این تفاوت که هوش بیشتری دارد.

## ۲- فردگرایی

(۱)

«فردگرایی» به دیدگاهی گفته می شود که فرد را اصل و مقدم بر جامعه و نهادها و ساختارهای آن تلقی نموده و ارزش حقوقی و اخلاقی بالاتری برای او قائل می شود؛ لذا کامیابی فرد و رسیدن به امیال و خواسته های او را از هر لحاظ مقدم بر جامعه می شمارد.

فردگرایی از اساسی ترین پایه های فکری دنیای جدید است و در عرصه های مختلف فلسفی، علمی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و دینی مطرح می شود؛ این طرز تفکر از لحاظ اجتماعی و اقتصادی موجب آزاد گذاشتن افراد در رسیدن به خواسته هایشان شده و شکاف حاصله بین انسان ها را به راحتی می پذیرد و گرچه معتقد است هر فردی تا آن جا می تواند به دنبال رسیدن به خواست خویش باشد که مزاحم رسیدن دیگران به خواسته هایشان نباشد. ولی همین مسئله راه را برای تسلط بر دیگران و استعمار و استثمار آنان هموار می کند. چون در استفاده از ابزار و شیوه ها هیچ محدودیتی قائل نیست و تنها پسند فرد را ملاک قرار می دهد.

چون در تمدن جدید، انسان ها در یک رابطه کالایی و ابزاری با دیگران قرار می گیرند و هرکس، دنبال تأمین سود شخصی و سرمایه اندوزانه است و لذا خود را اصل و دیگران را آلت و ابزار می پندارد.

ص: ۲۳۵

(۱)

«عقل گرایی» یا خردباوری (اصالت عقل) در حوزه های مختلفی کاربرد دارد؛ اما عقل در اصطلاح متجددانه، عقل ابزاری است؛ چون هنر عقل این است که بتواند آن چه را بالفعل موجود و مشهود نیست، پیش بینی کند، تا با استفاده از قدرت پیش بینی، رویدادهای آینده را مهار و کنترل نماید و برای آنها طرح و برنامه بریزد؛ لذا غایت عقلانیت متجددانه، طرح و برنامه ریزی برای تغییر جهان طبیعت است که آن را به شکلی که انسان می خواهد و خوش دارد بسازد و شکل دهد؛ بدین ترتیب عقلانیت متجددانه، چیزی بیش از یک ابزار نیست.

## ۴- لذت گرایی

(۲)

«لذت گرایی» و خوش باشی به جای اندیشه تعالی، لذت را اساس کار قرار می دهد و خیر را چیزی می داند که لذت آفرین باشد؛ لذت گرایی در پی پاسخ به این دو سوال است:

۱. زندگی خوب برای انسان چیست؟

۲. انسان چگونه باید رفتار کند؟

جواب این پرسش ها، طبق لذت گرایی اخلاقی، این است که زندگی خوب برای انسان عبارت است از زندگی لذت آور و آدمی باید چنان رفتار کند که به لذت برسد و هر کس در زندگی به لذت بیشتری برسد، کامیاب تر است.

## ۵- سودگرایی

(۳)

«سود گرایی» یا فایده باوری، یکی دیگر از مبانی فرهنگ جدید غرب است که راه رسیدن به لذت را به بشر نشان می دهد؛ سودگرایی می آموزد که راه کسب لذت ارضای امیال سودگرایانه است و انسان هر مقدار سود بیشتری کسب کند، لذت بیشتری کسب می نماید.

ص: ۲۳۶

۱- (۱) .Rationalism

۲- (۲) .Hedonism

۳- (۳) .Utilitarianism



«امپریالیسم» یا سلطه طلبی، نتیجه ای است که از اصول گذشته حاصل می آید، یعنی: هرگاه اصل در هستی، فرد انسانی شد و مهم ترین آرمان برای انسان دستیابی به لذت بود و لذت نیز از طریق سود مادی قابل دستیابی است، پس برای کسب سود بیشتر، چپاول ذخایر و منابع دیگران یا تسلط بر آنان امری مجاز است.

در این راستا داروینیسیم اجتماعی نیز توسط هربرت اسپنسر به کمک خوی تجاوزگری آمد، زیرا بر اساس این نظریه، تنازع بقا و بقای اصلح مورد نظر داروین در جامعه انسانی نیز مطرح است و چون نژادهای انسانی در پله های متفاوتی از نردبان تکامل قرار دارند و نژاد آریایی از همه نژادهای دیگر پیش گام است پس او حق دارد برای بقای خویش به عنوان نژاد اصلح، هر ظلمی را نسبت به دیگری روا دارد.

بر همین اساس، مشاهده می شود که هرچه از دوره «رنسانس» به جلوتر می آییم، دامنه استعمار، گسترده تر می شود و تا چنین افکاری بر ملت های اروپایی و آمریکایی حاکمیت دارند از آنان جز استعمارگری و تجاوز به حقوق دیگران و غارت منابع دیگر ملت ها نمی توان انتظار دیگری داشت.

ص: ۲۳۷

«استعمار»، مبتنی بر مبانی فکری زیر است :

۱. «اومانیزم» و انسان گرایی که محور هستی را انسان می داند؛ آن هم انسانی که در حد حیوانیت تنزل کرده است.
  ۲. «فرد گرایی» که اصالت را به فرد می دهد و برای جامعه ارزشی قائل نیست و استفاده هر فرد از افراد دیگر را به عنوان ابزاری برای رسیدن به مقاصد خویش مجاز می شمارد.
  ۳. «عقل گرایی» که مشخصه انسان را در عقل ابزاری می داند که می تواند با طرح و برنامه آینده جهان طبیعت را آن طور که خود می خواهد، بسازد.
  ۴. «لذت گرایی» که غایت زندگی انسان را کسب لذت می داند.
  ۵. «سود گرایی» که راه کسب لذت را در کسب سود مادی بیشتر می داند.
- نتیجه این اصول، پدیدار شدن خوی تجاوزگری و «امپریالیسم» و در نتیجه دست انداختن به منافع دیگران است و این سرشت، با «داروینیزم اجتماعی» تقویت شد، چنان که پس از دوره «رنسانس» استعمار هر روز ابعاد گسترده تری به خود گرفته است.

۱. «اومانيسم» به چه معناست و چه ويژگي هايي دارد؟

۲. «فردگرایی» را معنا نموده و نحوه تأثیر آن را در استفاده از دیگران توضیح دهید.

۳. «عقل گرایی»، «لذت گرایی» و «سود گرایی» را بیان کنید.

۴. توضیح دهید که چگونه استعمار ریشه در مبانی تفکر غربی دارد؟

۱. عبدالرسول بیان با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، فلسفه و کلام جدید، علوم سیاسی، هنر، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.

۲. شهید سید مرتضی آوینی، توسعه مبانی تمدن غرب، تهران، نشر ساقی.

۳. ریچارد پاپکین، کلیات فلسفه، آروم استرول، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، انتشارات حکمت.

۴. سید احمد رهنمایی، غرب شناسی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی رحمه الله .

۵. محمود رجبی، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی رحمه الله .

۶. ماهنامه سیاحت غرب، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.

### کتاب ها :

۱. قرآن کریم.
۲. آدمیت، فریدون، اندیشه های میرزا فتحعلی آخوند زاده، چ ۱، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۴۹ هـ.ش.
۳. آقابخشی، علی و دیگران، فرهنگ علوم سیاسی، چ ۱، بی جا، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۴. آل احمد، جلال، در خدمت و خیانت روشن فکران، ج ۱، چ ۱، بی جا، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۵. آمدی، ابوالفتح عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم من کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۶. ابن شعبه، حرّانی حسن بن علی، تحف العقول فی ما جاء من الحکم و المواعظ من آل الرسول صلی الله علیه و آله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۷. احمد، خورشید، اسلام و غرب، ترجمه غلامرضا سعیدی، بی جا، بی نا، ۱۳۴۷ هـ.ش.
۸. استوور، ویلیام جیمز، تکنولوژی اطلاعات در جهان سوم، آیا تکنولوژی اطلاعات می تواند به توسعه ملی شایسته ای منجر شود؟، ترجمه رضا نجف بیگی و اصغر صرافی زاده، چ ۱، بی جا، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵ هـ.ش.

۹. اسلوین، جیمز، اینترنت و جامعه، ترجمه عباس گیله وری و علی رادباوه، تهران، نشر کتابدار، ۱۳۸۰ هـ - ش.
۱۰. الجندی، انور، الفكر الاسلامی و السموم التغریب و التبعیه، قاهره، دارالفضیله، بی تا.
۱۱. الرشدی، عبدالامیر، الاسلام و دسائس الاستعمار، چ ۱، بی جا، بی نا، ۱۴۰۰ هـ - ق.
۱۲. السباعی، مصطفی، الاستشراق و المستشرقون ما لهم و ما علیهم، الطبعة الثالثه، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۵ هـ - ق.
۱۳. الطائی، نجاح عطار، الفكر القومي اسلامياً و تاريخياً، چ ۱، تهران، معاونت بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۶ هـ - ق.
۱۴. الهی، همایون، امپریالیسم و عقب ماندگی، چ ۴، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲ هـ - ش.
۱۵. -----، شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیسم، چ ۱، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۳ هـ - ش.
۱۶. باران، پل، اقتصاد سیاسی رشد: ریشه های عقب ماندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، چ ۱، بی جا، انتشارات پالیال، ۱۳۵۸ هـ - ش.
۱۷. برمن، ادوارد، کنترل فرهنگ (نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا)، ترجمه حمید الیاسی، چ ۳، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳ هـ - ش.
۱۸. بکر، کارل لوتوس و فردریک دنکاف، سرگذشت تمدن، ترجمه محمد زهما، چ ۲، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰ هـ - ش.
۱۹. بوازار، مارسل، الاسلام و الیوم، چ ۱، بی جا، موسسه العربیه للدراسه و النشر، بی تا.
۲۰. بودهو، داویسون، جهانی کردن فقر و فلاکت، استراتژی تعدیل ساختار در عمل، گردآوری و ترجمه دکتر احمد یوسف، چ ۱، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۰ هـ - ش.
۲۱. بهار، مهدی، میراث خوار استعمار، چ ۱۶، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ هـ - ش.
۲۲. جاودان، محمدعلی، در تحلیل استعمار فرهنگی، چ ۲، بی جا، سازمان تبلیغات همگام با انقلاب اسلامی وابسته به بنیاد بعثت، ۱۳۵۸ هـ - ش.
۲۳. جوهری، یسری عبدالرزاق، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه عیسی متقی زاده و احمد برادری، چ ۱، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴ هـ - ش.
۲۴. حکیمی، محمود، تاریخ تمدن، چ ۱۰، چ ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴ هـ - ش.

۲۵. خاتمی، محمد، فراماسونری، پیرامون سازمان مخفی فراماسونری در ایران و جهان، تهران، کتاب صبح، ۱۳۷۵ هـ. ش.

ص: ۲۴۲

۲۶. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی، تدوین و تنظیم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ ۱، بی جا، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۲۷. خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، تهیه و جمع آوری: مرکز فرهنگی انقلاب اسلامی.
۲۸. -----، ولایت فقیه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ هـ. ش.
۲۹. دی براون، فاجعه سرخ بوستان آمریکا (دلم را به خاک بسپار)، ترجمه محمد قاضی، تهران، انتشارات خوارزمی، بی تا.
۳۰. زرشناس، شهریار، توسعه، چ ۲، تهران، کتاب صبح، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۳۱. ژاله، پیر، شناخت آماری جهان سوم، ترجمه محمد رضا جلیلی، چ ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳ هـ. ش.
۳۲. ساعی، احمد، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی جهان سوم، چ ۶، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۳۳. سعید، ادوارد، شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ ۱، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۳۴. شریعتی، علی، مجموعه آثار، چ ۱، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۶۱ هـ. ش.
۳۵. شکوری، ابوالفضل، جریان شناسی تاریخ نگاری ها در ایران معاصر، چ ۱، بی جا، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۳۶. شمال و جنوب، برنامه ای برای بقا، بحران عمومی، همکاری برای بهبود وضع جهان، گزارش های کمیسیون بررسی مسائل رشد و توسعه جهان، به ریاست ویلی برانت، ترجمه همایون هرمزی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۳۷. شهبازی، عبدالله، زرسالاران پارسی و یهودی، استعمار بریتانیا و ایران، ج ۱، چ ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۳۸. شیبانی، مجید، تاریخ ایالات متحده آمریکا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۳۹. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۳، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۱۴ هـ. ق.
- ۴۰.



شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی، تهذیب الاحکام، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، ج ۱۰، چ ۱، تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۶ هـ - ش.

۴۱. الصالح الجزایری، سعید، سازمان های اطلاعاتی جهان، ترجمه عباس سعیدی فر، چ ۱، بی جا، انتشارات سکه، بی تا.

۴۲. عبدالله خانی، علی، کتاب آمریکا (ویژه روابط آمریکا و اسرائیل)، چ ۱، تهران، مؤسسه فرهنگی و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳ هـ - ش.

۴۳. عبداللهی خوروش، حسین، فرهنگ اسلام شناسان خارجی، ج ۱، اصفهان، مؤسسه مطبوعاتی مطهر، ۱۳۶۲ هـ - ش.

۴۴. عزتی، ابوالفضل، استعمار جدید، تهران، انتشارات هدی، ۱۳۶۰ هـ - ش.

۴۵. علاء، طاهر، العالم الاسلامی فی الاستراتیجیات العالمیه المعاصره، چ ۱، بیروت، مرکز الدراسات العربی، العروبی، ۱۹۸۸ م.

۴۶. علیزاده، حسن، فرهنگ خاص علوم سیاسی، چ ۱، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ هـ - ش.

۴۷. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، چ ۴، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰ هـ - ش.

۴۸. فانون، فرانتس، دوزخیان روی زمین، با مقدمه ژان پل سارتر، ترجمه ابوالحسن بنی صدر، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۸ هـ - ش.

۴۹. فرانی، عبدالوهاب، اطلاعات سیاسی اجتماعی، بی جا، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم اسلامی، بی تا.

۵۰. فوگل، اشپیگل، تمدن مغرب زمین، ترجمه محمد حسین آریا، چ ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۰، ج ۱.

۵۱. کاسیرر، ارنست، فلسفه روشن اندیش، ترجمه نجف دریابندری، چ ۱، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۲ هـ - ش.

۵۲. کسروی، احمد، در پیرامون اسلام، بی جا، بی نا، بی تا.

۵۳. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، ج ۲، ۵ و ۸، بی جا، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

۵۴. گروه تحقیقات علمی ترکیه (یحیی هارون)، مبانی فراماسونری، ترجمه جعفر سعیدی، چ ۳، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ هـ - ش.



گزارش نمایندگان اعزامی شبکه ارتباطی مراکز غیر دولتی زنان جمهوری اسلامی ایران از همایش‌های غیر دولتی زنان آسیا (پاسیفیک)، دبیرخانه شبکه ارتباطی مراکز غیر دولتی زنان، مرداد ۱۳۸۳ هـ.ش.

۵۶. گلی زواره، غلامرضا، سرزمین اسلام، چ ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ هـ.ش.

۵۷.

، برنارد، برخورد فرهنگ‌ها، یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در عصر اکتشاف، ترجمه نادر شیخ زادگان، چ ۱، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۱.۵۸. لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چ ۴، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۶ هـ.ش.

۵۹. ماله، آلبر، تاریخ قرون جدید، ترجمه سید فخرالدین شادمان، بی جا، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ هـ.ش.

۶۰. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، الجامعه لدرر الاخبار الاثمه الاطهار، دوره ۱۱۰ جلدی، ج ۱، ۲ و ۷۵، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۶۱. مدنی، احمد، بد آموزی‌های استعمار، بی جا، چاپخانه فردوسی، بی تا.

۶۲. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، چ ۲، بی جا، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ هـ.ش.

۶۳. -----، خدمات متقابل اسلام و ایران، چ ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۴۹ هـ.ش.

۶۴. مظفری، محمد رضا، اندونزی، چ ۲، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه ۱۳۷۵ هـ.ش.

۶۵. میرلوحی، سیدهاشم، آمریکا بدون نقاب، چ ۱، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۰.

۶۶. نامی، حسن، عمده استعمار، چ ۱، تهران، نشر الهام، بی تا.

۶۷. نقوی، علی محمد، جامعه شناسی غرب گرایی، ج ۱، چ ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱ هـ.ش.

۶۸. نوروزی، حسین، کتاب آسیا، ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، (بی تا).

۶۹. نهج البلاغه، مجموعه ما اختاره شریف ابوالحسن محمد الرضی بن الحسن الموسوی من کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، ضبط نص و ابتکار فهارس: صبحی صالح، قم، مرکز بررسی‌های اسلامی، ۱۳۹۵ هـ.ق.

۷۰. واسرمن، هاروی، تاریخ مردمی آمریکا، ترجمه محمد قاضی و ملک ناصر نوبان، تهران، نشر آروین، ۱۳۷۳ هـ.ش.

۷۱. هندی، علاء الدین علی بن متقی بن حسام الدین، کتر العمال، ج ۳، حلب، بی تا، ۱۳۹۰ هـ.ق.



۱. آوینی، سید مرتضی، نظام سیاره ای اقتصاد; [WWW.AVINY.COM](http://WWW.AVINY.COM)

۲. ال هستر، بنگاه های خبر فروشی بین المللی چگونه شکل گرفتند؟، ترجمه رضا غالبی، مجله سروش، سال ششم، شماره ۲۴۸، ششم مرداد ماه ۱۳۶۳ هـ.ش.

۳. انجوی شیرازی، الف، علت وجودی استشراق و مستشرق، مجله نگین، شماره ۸۵، سال هشتم، خرداد ماه ۱۳۵۱ هـ.ش.

۴. تیموری، امیرحسین، امراض مسلمانان و ادویه آنها، روزنامه شرق، پنج شنبه، بیست و پنجم دی ماه ۱۳۸۲ هـ.ش.

۵. خامنه ای، سید علی، سخنرانی در دیدار با پاسداران انقلاب اسلامی، ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۷۵ هـ.ش.

۶. خبرنگار، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۸۹۰، ۱۲ شهریور ماه ۱۳۸۴ هـ.ش.

۷. خلیق، بهروز، سازمان های غیر دولتی.

۸. در محفل سعادت آباد چه گذشت؟، روزنامه کیهان، ۲۷ آذر ماه ۱۳۸۱ هـ.ش.

۹. رنجبر، حمید، آثار و پیامدهای حاصل از فرار مغزها، مهاجرت بدون بازگشت، روزنامه شرق، یکشنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۸۳ هـ.ش.

۱۰. رونق، ترانه و مرسده نورایی، مهاجرت مغزها یا فرار مغزها، همشهری ماه، سال ۱۳۸۵، شماره دوم.

۱۱. ریخته گران، محمد رضا، جهانی شدن، خزیدن زیر سایه غرب، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

۱۲. زنان و سازمان های غیر دولتی، تجربه NGO های زنان، در گفت و گو با پروین پایدار، ضمیمه روزنامه یاس نو، ۱۲ بهمن ۱۳۸۲.

۱۳. سایه یهودیان بر پیکر هالیوود، [WWW.MOUOOD.ORG](http://WWW.MOUOOD.ORG).

۱۴. شیرازی، علیرضا، هالیوود در خدمت ipood.

۱۵. کریمی، شاپور، ساختارشناسی تشکل های غیر دولتی در جهان.

۱۶. کنترل اینترنت، هفته نامه عصر ارتباط، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۴.

۱۷. کیهان، الف، فرهنگ ملی و فانوس کشان استعمار، مجله نگین شماره ۸۶، سال هشتم، تیرماه ۱۳۵۱.



۱۸. می خواهند ژنرال را از مادرش بگیرند، هفته نامه عصر ارتباط.

۱۹. میلر، توبی، هالیوود در جهان، ترجمه سید علی مرتضویان، [WWW.PANJARE.ORG](http://WWW.PANJARE.ORG).

همایون، حمید، مواد مخدر و فیلم های سکسی مایه خوشحالی سرمایه داران آمریکایی،

[WWW.IRANIAN.VIC.ORG.AU](http://WWW.IRANIAN.VIC.ORG.AU)

ص: ۲۴۷

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

